[**dabiranfile.ir**](https://dabiranfile.ir/) **ﺟﮭت درﯾﺎﻓت ﺳواﻻت ﺗﻣﺎﻣﯽ دوره ھﺎی ﺿﻣن ﺧدﻣت ﺑﮫ** [**ﺳﺎﯾت دبیران فایل**](https://dabiranfile.ir/) **ﺑﮫ آدرس روﺑرو ﻣراﺟﻌﮫ ﮐﻧﯾد**

دبیران فایل

[**dabiranfile.ir**](https://dabiranfile.ir/)

**کانال تلگرام ضمن خدمت فرهنگیان:**

**t.me/dabirfile dabirfile@**

**کانال سروش:**

**Sapp.ir/dabiranfile**

[**dabiranfile.ir**](https://dabiranfile.ir/) **ﺟﮭت درﯾﺎﻓت ﺳواﻻت ﺗﻣﺎﻣﯽ دوره ھﺎی ﺿﻣن ﺧدﻣت ﺑﮫ** [**ﺳﺎﯾت دبیران فایل**](https://dabiranfile.ir/) **ﺑﮫ آدرس روﺑرو ﻣراﺟﻌﮫ ﮐﻧﯾد**



جمهوری اسلامی ایران

وزارت آموزش و پرورش

تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری

)کلیه رتبه ها(

ویژه سنجش دانش حرفه ای مربیان تربیتی و معاونان پرورشی

مرکز برنامه ریزی منابع انسانی و امور اداری

آذر ۹۹

مبانی و کلیات تعلیم و تربیت اسلامی

مفاهیم و تعاریف

معنای تربیت تربیت به معنای رشد و نمو و حرکت هر شیء به سمت هدف و غایتی است که آن شیء كمال خود را باز می یابد و برای مثال تربیت یک نهال یا یک بوته گل به این معناست که ما این نهال یا این بوته گل را رشد و نمو بدهیم تا برگ و بار پیدا کند و میوه بدهد و ضمن اینکه خود این نهال یا بوته از لحاظ ظاهری و جسمی و زیبایی باید شکل کامل خودش را پیدا کند، میوه اش هم باید میوه سالم و شیرینی باشد.

بنابراین وقتی تربیت را اینگونه معنا کنیم وسعت زیادی پیدا می کند و مستلزم این می شود که ما انسان را چگونه و به چه شکلی رشد و نمو بدهیم تا از هر جهت کامل بشود. یعنی انسان دارای سلامت جسمی همراه با عقل و سلامت فکری و پرورش علمی و اخلاقی باشد و یک انسان کامل بشود.

تعریف فرهنگ

فرهنگ هر جامعه و هر ملتی و هر انقلابی به مجموعه دستاوردهای ذهنی در آن جامعه که شامل دانش، اخلاق، سنن، آداب و چیزهایی که از اینها سرچشمه می گیرد گفته می شود و به طور کلی ذهنیت حاکم بر یک جامعه، به معنای وسیع آن، فرهنگ آن جامعه را تشکیل می دهد؛ اعم از اینکه این ذهنیت از درون خود آن جامعه جوشیده و فرآورده تجربیات و اندیشه های خود آن جامعه باشد، یا اینکه از خارج در آن جامعه راه یافته، لكن رنگ آن جامعه را گرفته باشد و با زوایای دیگری از فرهنگ آن جامعه آمیخته شده باشد. اینها مجموعة فرهنگ یک جامعه و یک انقلاب و یک ملت را تشکیل می دهد. البته آنچه من گفتم به هیچ وجه تعریف جامع و مانع فرهنگ نیست و شاید فرهنگ، یک تعریف جامع و مانعی نداشته باشد چرا که شما در هیچ جا معنای کلمه فرهنگ را به طور کامل که شامل همه درخشش ها و نمودهای آن باشد پیدا نمی کنید و مجموعا این چیزی است که گفته شده و با این توجه شما باید فرهنگ اسلامی را بشناسید که چیست؟

تعریف کار فرهنگی

کار فرهنگی آن چیزی نیست که لباس فرهنگی دارد. لباس فرهنگی، یعنی نوشته و کاغذ و قلم و امثال اینها. این، فرهنگ می شود اما کار فرهنگی نیست. کار فرهنگی، یعنی روح فرهنگی در آن باشد. یک حرکت فرهنگی باشد، رشد بدهد و فعل و انفعال را در ذهن و مغز و جان و عواطف انسان به وجود آورد. اگر شما مدرسه درست کردید،ولی این مدرسه در روح کودکی که هدف و آماج کار تبلیغی شماست اثر مثبت نگذاشت این کار چیست؟ می توانید ادعا کنید که کار فرهنگی است؟ نه این ضد کار فرهنگی است

تفاوت نظام آموزشی و تربیتی

اگر چه محیط های نظام آموزشی و تربیتی یکی است و عوامل هر دو نظام بر روی هم آثار متقابل می گذارد اما خوب است این هر دو را در{ تعریف[ از یکدیگر جدا کنیم حقیقت این است که ما وقتی می گوییم نظام آموزشی منظورمان عبارت از دوره های تحصیلی مواد درسی کتاب ها و هدف های تحصیلی است.

اما نظام تربیتی که در اینجا معنای خاص آن مورد نظر است شامل تربیت اخلاقی و روحی و تحول فکری و روحی دانش آموز و دانشجو به یک اندیشه اسلامی متعهدانه است. این یک کار بسیار ظریف تر و عمیق تری است که اگر ما بتوانیم انجام بدهیم يقينا روی نظام آموزشی هم تاثیرات مثبتی را خواهد گذاشت این یک کاری است که الان به یک شکلی در مدارس به صورت ناقص جریان دارد به این معنا که خود انقلاب فضای تربیتی کودکان و بزرگان ما را دگرگون کرده است.

تفاوت تربیت با تعلیم

در مورد تربیت باید توجه کنیم که منظور از تربیت فقط فراگیری نیست بلکه بالاتر از فراگیری یک چیز دیگری وجود دارد که آن تربیت به معنی خاص است؛ چون تربیت در اصطلاح عام شامل تعلیم هم می شود. پس تربیت در اصطلاح خاص چیزی غیر از تعلیم است و تعلیم به معنی }فراهم سازی زمینه لازم برای{ یاد گرفتن است، اما تربیت به معنای شدن و به شکل خاصی در آمدن و یک هویت درست و مطلوبی را پیدا کردن است که شامل تربیت های اخلاقی، تربیت های دینی و به اصطلاح تزریق اخلاقیات در وجود انسانی می شود و لذا آدمی که صبر، شجاعت یا حلم را با تربیت یاد می گیرد این آدم مثل کسی است که از رحم مادر شجاع یا حلیم به دنیا آمده باشد یعنی خصیصه شجاعت و حلم جزو طبیعت او می شود.

معنای حکمت

حکمت، آن بینشی است که می تواند حقایق را ماورای غشای مادی آن ببیند.

آمیختگی تعلیم با تربیت

تعليم از تربیت نباید جدا باشد و تعلیم باید با تربیت آمیخته باشد. سعی کنید در مدارس تربیت یک لحظه هم متوقف نشود البته بهترین شکل کار این است که معلم مربی نیز باشد و در این فکر باشید که در آینده هم معلم و هم مربی باشید.

تربیت پیش از تعلیم

تربیت پیش از تعلیم انسان را به حرکت در می آورد اگر تربیت نباشد بصیرت انسان به کمک او نمی آید.

تخصص علمی و تربیت اسلامی، در حکم جسم و جان

باید خوب درس خواند و به دنبال انواع تخصص ها رفت تا بی نیاز از این و آن شد و هم تربیت صحیح و اخلاق اسلامی را فرا گرفت که این هر دو در حکم روح و جسم هستند که یکی بدون دیگری بی معناست.

تعریف انسان در معیارهای اسلامی

بزرگترین تعریف برای یک انسان در معیارهای الهی و اسلامی عبودیت خداست. حرکت به سوی بی نهایت به شرط عبودیت خدا انسان در جهان بینی اسلام آن موجودی است که می تواند در میدان های علم و دانش و کشف رموز خلقت تا بی نهایت پیش برود و این با عبودیت خدا امکان پذیر است و اگر طاعت غیر از خدا باشد بال های انسان بسته می شود و از پرواز در هر رشته ای باز خواهند ماند.

موضوع تعلیم و تربیت) انسان شناسی(

تاثیر جهان بینی در تشکیل شخصیت انسان

شخصیت هر انسانی غیر از عوامل و عناصری که وجود خارجی و ظاهری او را تشکیل می دهد مثل جسم و ذهن و روحیات و خصلت ها و خلقیات، مقومات دیگری نیز دارد که گاهی نسبت به آن عناصر و عوامل جنبه زیر بنایی دارد، مانند افکار و جهان بینی و دیدگاه ها همه جهان بینی ها نمی توانند انسانی مثل امام تربیت کنند آن کسی که به خدا، قیامت، حضور در برابر پروردگار، زندگی پس از مرگ، شهادت و توكل معتقد است در دنیا به گونه ای عمل می کند و کسی که فاقدين این جهان بینی است طور دیگر رفتار می کنند پس جهان بینی هر انسانی در تشکیل شخصیت او تاثیر اساسی دارد.

هدف از حیات انسان

در مبنای تفکر اسلامی، هدف از حیات انسان رسیدن به رستگاری و سعادت در دنیا و آخرت است. تأثیر هدف ها و آرمانها در تشکیل شخصیت انسان

یکی از این مقومات، تعیین محدوده هدف هاست. عمل و شعاع حرکت و کشش ادامه راه، بسته به نوع هدف و محدوده آن متفاوت است. هدف های بزرگ به خودی خود حرکت ها و شخصیت های بزرگ را تولید می کند. هدف ها و آرمانها و افکار و تأملات انسان درباره زندگی و جامعه و آینده و وظایف بشر عناصر سازنده شخصیت انسان است.

نامحدود بودن میدان تکامل انسانی

در جامعه اسلامی و کلا بنا بر اندیشه اسلامی برای یک انسان، هدف، کامل شدن است. انسان همان بذری است که باید رشد کند تا بروید و پس از روییدن باید همچنان رشد کند تا قوام بیاید و میوه بدهد و ثمر بخش شود. منتها در این مثال، بعد میدان حرکت تکاملی میدان محدودی است بعد از اینکه بذر به شکل درختی شد برگ و بالی در آورد، سایه افکن شد، زیبا شد، منظره ساز شد و بالاخره میوه داد مسئله تمام می شود. (سقف حرکت تکاملی این بذر تا همین جاست و بیشتر از این چیزی ندارد) اما در مورد انسان سقفی وجود ندارد. این میدان تکامل همچنان باز است. هیچ جا وجود ندارد که وقتی انسان به آنجا رسید بگویند که انسان تو دیگر کامل شدی، تمام شدی، دیگر از حالا به بعد حرکت نداری. نخیر، ببینید که شخصیت پیغمبر عزیز اسلام و پیغمبران)دیگر( و اولیای اسلام چقدر والاست اما آنها هرگز فکر نمی کنند و فکر نمی کردند که حرکت این ها تمام شده است شما هیچ پیغمبری و هیچ امامی را پیدا نمی کنید که تا دم مرگ تلاش الهى خودش را برای تکامل ادامه نداده باشد اگر پیغمبر ما ۱۰۰ سال بعد هم در دنیا زنده می ماند آن حرکت تکاملی اش را داشت، پس میدان حرکت به روی انسان باز است.

هدف مقدس؛ عامل معنا یافتن زندگی انسان

حقیقت قضیه این است که زندگی انسان وقتی معنا پیدا می کند که در راه هدف مقدسی صرف شود. کسی که هدف مقدسی را دنبال نکند و سرمایه ارزشمند حیات و عمر را در همین مدتی که در اختیار دارد صرف خوشگذرانی کند، زندگی را ضایع کرده است. بنده یک وقتی این گونه حیات و تلاش ها را تشبیه می کردم به اینکه انسان زندگی کند تا بخورد و با آن خوردن باز زندگی کند. این زندگی هدفش چیزی جز خوردن نیست، خوردن به عنوان یک رمز و سمبل گفته می شود و الا اهداف و چیزهای مادی دیگری هم از قبیل خوشگذرانی کردن، آقایی کردن، فرمانروایی کردن، کبر و ناز فروختن، امر و نهی کردن و در جای بالاتر نشستن وجود دارد. و باید به خدا پناه ببریم از اینکه دل ما به این ها وابسته بشود. چون این چنین زندگی مثل آن است که اتومبیلی را ببریم در پمپ بنزین و باک آن را از بنزین پر کنیم، بعد آن را راه بیندازیم و هدف ما هم این باشد که به پمپ بنزین بعدی برسیم تا در آن پمپ بنزین باز مخزن را پر کنیم تا ماشین بتواند کار کند و حرکت و طی طریق کند و دوباره به یک پمپ بنزین دیگر برسد. یعنی همه دوران حیات این ماشین به این می گذرد که از این پمپ به آن پمپ برود برای پر شدن و به راه افتادن و رسیدن به یک مرکز بنزین دیگر بدون آن چه راه دیگری را طی کنیم و بدون آنکه هدفی را وجهه همت خود سازیم و بدون

آنکه با آن بخواهیم از بیابان خطرناکی عبور کنیم و بدون آنکه با آن بخواهیم خدمتی به کسی بکنیم؛ این برای یک انسان چقدر خسران است که هدفش در زندگی همین چیزهای مادی باشد؟ هدفش این باشد که چند صباحی زندگی راحت تری بدست آورد و عمر خود را با یک عزت خیالی بگذراند؟ در حالی که انسان می تواند خیالی بودن این عزت را از نابود شدن و پوچ شدن و زائل شدن و بی معنی شدن آن در میلیون ها انسان در سطح دنیا به چشم خود ببیند.

بایسته های انسان برای رسیدن به هدف

آنچه برای انسان ضرورت دارد هشیاری و مراقبت و گم نکردن هدف و منحرف نشدن از راه و تصمیم و عزم قاطع بر رسیدن به اهداف است.

انسان در جهت هدف الهی؛ عامل رشد و نزدیکی به خدا

لحظه هایی که بر انسان می گذرد و در آن برای هدف های بلند انسانی و الهی تلاش می شود لحظه های مبارکی است همه بدانند که آن لحظه ها و ساعت های دشوار تمرین تکامل انسانی است و از دست نمی رود این لحظات باعث ایجاد رشد و تواندهی و نزدیکی به خدای بزرگ می شود و برکت و خیر است.

فکر هدف و راه؛ حقیقت هر انسان

حقیقت هر انسانی، خواسته و فکر و هدف و راه او است کسی که برای هدف های شخصی و دنیایی کشته می شود، آن هدف هم با او دفن می شود و از بین می رود هر هدفی که قائم به نفس و شخص هر انسان است متعلق به اوست و با رفتن و مردن انسان آن هدف هم می میرد و از بین می رود.هر اما هدفی که الهی و قائم به غیب و خواست خداست و انسان در راه آن فداکاری می کند، با مردن انسان آن هدف نمی میرد. البته همین هدف های خدایی هم ممكن است از بین بروند اما از بین رفتن آن هدف ها و پایمال شدنشان در صورتی است که در راه آن ها مجاهدتی صورت نگیرد. اگر کسی در راه هدف های والا و الهی مجاهدت کرد و زحمت کشید و بعد کشته شد آن هدف زنده می شود و وجود این شخص هم همان هدف است و شخصیت و هویت، واقعی اما قائم به آن هدف می باشد.

اصالت اهداف عالی انسانی

انبيا و منادیان حق امروز زنده اند زیرا فضایل و تکامل و هدف هایی که در بشر دنبال می کردند با رفتن آنها نمرد و به تدریج هدف هاشان در واقعیت عالم و جریان تاریخ تحقق یافت اگر چه همه آن اهداف هنوز بر آورده نشده است؛ اما امروز می بینید که در دنیا ندای عدالت و آزادی است و روشنفکران عالم، هدف هایی را به عنوان هدف های عالی اسم می آورند که این همان هدفهای انبيا است گرچه خود ندانند که از کیست.

نفس آدمی؛ سرچشمه خوبی ها و بدی ها

در وجود ما هم سرچشمه همه شرارت ها وجود دارد که همان نفس ماست که از همه ی بت ها خطرناک تر، بت نفس و خودخواهی ماست و هم سر چشمه همه خیرات و زیبایی ها و کمالات. اگر ما بتوانیم و همت کنیم خودمان را از چنگال نفس اماره بالسوء و شهوات نفسانی نجات بدهیم، سر چشمه خیرات بر روی ما گشوده خواهد شد.

انسان خوب؛ عزیز ترین فرآورده عالم حقیقت

عزیز ترین فرآورده عالم خلقت، انسان خوب و انسان پاکیزه است. همین انسان اگر بد تربیت بشود از بدترین بدهای آفرینش، از حیوان درنده، از وحشی و از جماد پست تر است.

پاکیزگی سرشت انسان

در بینش اسلامی که اساسا نظام تربیتی ما به آن بینش استوار است، انسان این طور معرفی شده که «كل مولود يولد على الفطره» هر بنی آدمی براساس سرشت انسانی یک چیز خوب و مطهر و پاکیزهای متولد می شود، لكن عوامل داخل خانواده و داخل اجتماع و عوامل خارجی هستند که او را دگرگون می کنند.

استعدادهای بی نهایت و متنوع در انسان

یکی از مبانی نظام تربیتی اسلام وجود استعدادهای بی نهایت و متنوع در آدمی است و همان طور که قرآن می فرماید «والله اخرجكم من بطون امهاتكم لاتعلمون شيئا و جعل لكم السمع والأبصار والافئده لعلكم تشكرون»

خدای متعال شما را از شکم مادرها خارج کرد در حالی که هیچ نمی دانستید، اما در شما قوه شنوایی و بینایی و دانایی قرار داد. قوای شنوایی، بینایی و دانایی از اصول تربیت انسان است که به وسیله این ها می توان همه تربیت ها و آموزش ها و روش ها را فراگرفت و آنها را جزو ذات خود کرد. چون انسان طبیعتا این طور است که اگر چیزی را فرا گرفت و در اعماق جانش رسوخ داد، جزء طبیعت او می شود و مثل غرایز و خصوصیات طبیعی در وجودش باقی می ماند و تاثیر می گذارد. پایه و اساس اولیه نظام تربیتی اسلام در این است که انسان یک حالت فراگیری و استعداد بی نهایت برای رشد و نمو داشته باشد. البته این استعداد در مورد جسم بی نهایت نیست و یک پایانی دارد، اما در مورد معلومات و روحیات و اخلاقیات پایانش نامحدود است و انسان نمی تواند آن را درک کند.

فطرت حق پذیر انسان

نوع انسان همانطور که موجود رو به رشد و رو به تکامل است، حق پذیر هم هست بنابراین در جوامع انسانی آنچه را از صنعت و تکنولوژی پیچیده و پیشرفته و توفیق های فراوان در زمینه های گوناگون مشاهده می شود، نشانه های شکوفایی استعدادهای انسانی است. اما اگر شما می بینید جهت همه این پیشرفت ها به سمت مادی گرایی و کمرنگ شدن ارزش های والای انسانی و فراموشی حقیقت است این کار آن محافل و شبکه های سلطه گر و دستگاه هایی است که سعی می کنند حرکت عمومی انسان ها را به سمت ناخوشایند و غلط سوق بدهند، پس با این تحلیل و با این دید که یک دید اسلامی و قرآنی و مبتنی بر خوش بینی انسان و فطرت انسان است، رفتن به سمت انسان هایی که در آن جوامع زندگی می کنند، چندان دشوار و غیر منطقی نخواهد بود و لذا ما باید به دنیا نمونه نشان بدهیم.

دوران نامحدود تربیت

دوره تربیت انسان یک دوره نامحدود است، شروع آن از آغاز حیات است و تقریبا تا رسیدن به مرگ ادامه پیدا می کند لذا هیچ دوره ای از زندگی انسان را نمی شود دوره ویژه تربیت به حساب آورد که بگوییم مثلا انسان در این دوره تربیت می شود و قبل از این دوره یا بعد از آن تربیت نمی شود، البته این که آغاز کودکی و مخصوصا در دوران جنینی چه قدر انسان قابل تربیت است را باید روانشناسان تعیین کنند و مثلا بگویند از چند ماهگی یا چند سالگی انسان امکان یک تربیت درست را پیدا خواهد کرد. اما بر روی هم وقتی می گوییم از آغاز زندگی اگر این آغاز زندگی از پهنای ساعت اول ولادت نباشد، آن طور که برخی از روان شناسان می گویند شروع دوران تربیت از ماه سوم تا بی نهایت یعنی تا لحظه مرگ و لذا شما می بینید که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله)در قرآن دستور داده می شود «و قل رب زدنی علما» یعنی بگو پروردگارا دانش مرا افزون کن، حالا این افزون برای چه دوره ای از سن پیغمبر گفته شده است آیا برای دوره جوانی گفته شده است یا برای دوره پنجاه سالگی و اگر پیغمبر (صلى الله عليه و آله)صد سال هم عمر می کرد آیه «و قل رب زدنی علما» نقض نشده بود؟ ما می دانیم اگر پیغمبر صد سال هم عمر می کرد و در آخرین روزهای زندگیش مخاطب این آیه بود یعنی در دوران پیری هم یک انسان و از جمله پیغمبر اکرم (صلی الله عليه و آله) که بالاترین و کامل ترین انسان هاست، می تواند چیزهایی بر او اضافه شود و اگر چه حرف هایی در رابطه با بعد از مرگ هم گفته می شود که در دوران برزخ رشد آدمی ادامه دارد، اما حالا چون آن مسئله ای نیست که بشود با تجربه و استدلال آن را ثابت کرد من مطرح نمی کنم لكن حداقل این است که دوران تربیت انسان تا لحظه مرگ ادامه دارد و یک دوران بسیار وسیع و نامحدود است، برخلاف گیاهان و برخی از اشیا که دوران تربیت شان محدود است.

دوران ویژه تربیت

نظام تربیتی اسلام بر حقایقی از این قبیل استوار است که انسان احتیاج مبرم به رشد و پرورش دارد و دوران رشد و پرورش انسان هم منحصر به یک دوره خاص از زندگیش نیست و همه دوران زندگی را شامل می شود. منتها یک حقیقت وجود دارد و آن این است که برخی از مقاطع این دوران ویژگی دارند، یعنی در آنها تربیت بهتر و آسان تر انجام می گیرد همچنان که در دوران کودکی و نوجوانی و جوانی اثر تربیت عمیق تر و ماندگارتر خواهد بود. لذا بعد از آن که ما دوران کودکی را به صورت خاص و در پی آن مقطع نوجوانی و جوانی را دوران تربیت اصلی انسان دانستیم، طبعا می توانیم نظام تربیتی اسلام را تعریف کنیم.

انسان مسلمان در بینش اسلام

این طور نیست که اگر ما می خواهیم مردم، مسلمان تربیت بشوند راهش این است که در تلویزیون دائما بر ایشان قرآن بخوانیم یا تفسیر قرآن بگوییم، یا احکام توضیح المسائل را بیان کنیم بلکه این با توجه به بینش اسلامی نسبت به انسان مسلمان یک راه هایی دارد. انسان مسلمان آن نیست که فقط احکام اسلام را بلد باشد انسان مسلمان ابعادی دارد. علم او، بینش او، روشن بینی او، نیروی باطنی او، نیروی روحی او، نیروی جسمی او، معلومات وسیع او، احساس برتری او در میدان های زندگی، همه این عناصر در ساخت انسان مسلمان دخیل هستند. شما چند راه را برای این مطالب در نظر بگیرید هر کدام از راه ها را به حساب خود بپیمایید تا برسید به این هدف، عمده این است که این هدف فراموش نشود و از آن تخلف نشود و عکس آن هم نشود، این اساس قضیه است.

اخلاق اسلامی؛ رکن اساسی تربیت انسان

یک انسان اسلامی فقط آن انسانی هم نیست که اعتقاد اسلامی داشته باشد و عمل اسلامی بکند بلکه اخلاق اسلامی هم آن رکن اساسی است؛ و الا اگر انسانی را دارای عقاید محکم اسلامی و عمل به معنای نماز و روزه و این چیزها فرض کنیم لیکن حسود، بخیل، جبان )تر سو(، بدخواه، بی روحیه و بی اراده باشد. این انسان، انسان مسلمان نیست. انسان مسلمان بایستی در هر سه بعد هم بعد تربیت، هم بعد دانش، هم بعد عمل – کار کند.

روزه رکن اساسی در تربیت انسانی

روزه رابطه معنوی میان انسان و خداست و همچنان که زکات لازم است و این زکات تزكيه مالی انسان می باشد، روزه هم واجب و ضروری است و این یکی از پایه های اصلی تکامل انسان و تعالی معنوی است. روزه یک رکن اساسی در تعالی معنوی و تکامل روحی و هدایت و تربیت انسانی است. تربیت توأم جسم و روح

در اسلام، مسئله جسم و روح توأم هستند و از هم قابل تفکیک نیستند. نمی شود یک حد زمانی معین کرد که بگوییم تا این زمان یا تا این مرحله به جسم و بعد از آن به روح بپردازیم مثل این می ماند که ما بگوییم، انسان در دوران جوانی و مثلا در نیمه اول عمر فقط غذا بخورد و خودش را از لحاظ جسمی تقویت بکند بعد از نیمه اول عمر به کسب معلومات و دانش و معنویات بپردازد، این قابل قبول نیست.

همان طور که غذا خوردن یکی از برنامه های روزانه است، درس خواندن، کار کردن و عبادت نمودن یکی از برنامه های روزانه است، ورزش هم در کنار این ها یکی از برنامه های روزانه است.

اسلام معتقد است که انسان باید جسم و روح را با هم پرورش بدهد و پرورش جسم مقدمه ای برای پرورش روح است. این مقدمه بودن به معنای تقدم زمانی نیست بلکه این ها همه هم زمان انجام می گیرد. صبح یک مسلمان دو برنامه عمده دارد: اولین برنامه، برنامه عبادت و نماز است و برنامه بعدی برنامه ورزش و سازندگی جسم در صبحگاه است. پس شروع روز و شروع زندگی برای یک انسان مسلمان می تواند هر دو را در کنار هم و با هم داشته باشد. پس آن دیدگاهی که ما بگوییم اول جسم را تقویت کنیم پس از زمانی به روح بپردازیم، همان قدر مردود است که ما بگوییم روح و ذهن و عقل را تقویت کنیم بعد به جسم بپردازیم.

جسم و روح در همه مراحل زندگی با هم هستند البته طبعأ شروع این دوران از شروع دوران بلوغ است از دوران بلوغ جسمانی که قاعدتا با بلوغ عقلانی همراه است تربیت جسمانی و هم معنوی هر دو با هم و در کنار هم و به موازات هم هستند، این نظر اسلام است.

استعداد مربی و محیط مناسب؛ عوامل اصلی تربیت انسان

پرورش دادن و تربیت کردن هر موجودی احتیاج به چند عامل دارد. اول: ماده مساعد و مناسب تر بیت، یعنی اگر شما روی یک گیاهی که امکان پرورش ندارد هر چه زحمت بکشید آن رشد لازم را نخواهد کرد زیرا هر شیء یک میزان رشد خاصی دارد و مثلا شما یک بوته گل را نمی توانید مثل یک درخت سیب پرورش دهید. به این معنا که نمی توانید امیدوار باشید یک بوته گل به اندازه یک درخت سیب بشود و میوه بدهد برای اینکه استعداد درخت سیب در آن بوته گل نیست یا اینکه عکس مطلب نمی توانید امیدوار باشید درخت سیب با کمک و مساعدت شما مثل یک بوته گل رنگین گل بدهد. لذا اولین چیزی که در تربیت لازم است استعداد و ماده مستعد است و دومین چیزی که در تربیت و پرورش دادن ضرورت دارد، تربیت کننده است زیرا هیچ چیز بدون یک تربیت کننده و مربی نمی تواند مراحل رشد و نمو لازم را طی کند و سومین چیزی که در تربیت و پرورش ضرورت دارد، شرایط تربیت است که آن غیر از استعداد و مربی است. یعنی همان طور که برای پرورش یک درخت احتیاج به یک فضا به محیط و آب و هوای مناسب هست، و یک درخت گرمسیری را بهترین پرورش دهنده ها هم نمی تواند در یک نقطه سردسیری پرورش بدهد، تربیت انسان هم احتیاج به فضا و محیط مناسب دارد و چیزهای دیگری در کنار آنها لازم است ولی ما اصول آن را که عبارت از استعداد و مربی و محیط مناسب است، گفتیم.

نقش اراده و قدرت انسانی

من، به نقش انسان و اراده و قدرت انسانی ایمان زیادی دارم. این جزء اصول فکری ماست که در طول دوران انقلاب و در بررسی مسایل اسلامی به آن رسیده ایم و آن را در عمل اجرا کردیم و آثار و نتایجش را هم دیده ایم. ایمان به اراده انسانی و در کنار آن، اعتقاد و ایمان و اطمینان به کمک الهی، باعث می شود که بزرگ ترین مشکلات به آسانی حل شوند.

جایگاه فکر و روان انسان

فكر و روان انسان، عزیز ترین پدیده این عالم وجودی است که ما آن را تاکنون شناخته ایم« و نفس ما سويها» که خدای متعال به آن سوگند یاد می کند و واقعا هم همین است اگر فکر انسان ها و روح آنها که دو مقوله است درست شود همه چیز درست خواهد شد؛ چون عالم دستخوش انسان است و انسان هم در حقیقت، ترکیبی از همین است فکر که می گوییم یعنی همان «اندیشه راهبر»:

ای برادر تو همه اندیشه ای ما بقی خود استخوان و ریشه ای

گل بود اندیشه ات گل گلشنی ور بود خاری تو هیمه گلخنی

ملاک شخصیت انسان همین اندیشه اوست، این قدر که در قرآن به هدایت انسان ها اهمیت داده شده است و افتخار پیغمبران تعلیم و هدایت و تبشیر و انذار معین شده، به خاطر همین است. دوم هم روان انسان است منظور من از این تعبیر در اینجا آن مجرای خلقیات انسانی است، حالا در جاهای مختلف اصطلاح های مختلفی هست؛ اما نه این را با آن تعبير قصد کردم.

اصلاح نفس انسان

نقطه اصلی و محوری برای اصلاح عالم اصلاح نفس انسانی است همه چیز از اینجا شروع می شود. قرآن به آن نسلی که می خواست با دست قدرتمند خود تاریخ را ورق بزند فرمود «قوا انفسكم»، «عليكم انفسكم». خودتان را مراقبت کنید به خودتان بپردازید و نفس خودتان را اصلاح و تزکیه کنید «قد افلح من زكيها». اگر جامعه اسلامی صدر اول اسلام از تزكيه انسان ها شروع نشده بود و در آن به اندازه لازم آدم های مصفا و خالص و بی غش وجود نداشتند، اسلام پا نمی گرفت، گسترش پیدا نمی کرد، بر مذاهب مشركانه عالم پیروز نمی شد و تاریخ در خط اسلام به حرکت نمی افتاد. اگر انسانهای مزکا و مصفا نباشند، جهاد نیست.

انقلاب ما که پیروز شد، به برکت صفا و خلوص و اخلاص و کار برای خدا و بلند شدن از سر منافع مادی و شخصی بود. مقاومت در جنگ تحمیلی هم همین طور بود. این شهدای عزیز ما، یا این جانبازان، در اوج صفا و اخلاص، به استقبال شهادت رفتند و شهید شدند و همین شهادت ها و مقاومت ها و به استقبال خطر رفتن ها بود که انقلاب را حفظ کرد، اسلام را عزیز کرد، مسلمین را قوی کرد و دشمنان اسلام و آمریکا را خوار نمود.

در درون وجود ما، بزرگ ترین دشمن ما کمین گرفته و آن نفس اماره و شهوات و خودخواهی و خودپرستی های ماست. هر لحظه ای که بتوانیم این مار گزنده و این دشمن کشنده را سر جای خود بنشانیم ولو به طور موقت، در آن لحظه ما موفق و سعادتمند و قادر بر عمل و مقاومت و ایستادگی و جهاد في سبيل الله هستیم. هر وقتی که این دشمن، سر بلند کند و عقل و نیروی معنوی و نفس رحمانی در وجود ما را سرکوب کند و تحت تأثیر خود قرار بدهد، در آن لحظه، ما در حال سکون و رکود و یا عقب گردیم. سکون یعنی عقبگرد. این دو، یکی است.

ما به عنوان کسانی که بار سنگین هدایت بشر و نجات انسان را بر دوش گرفته ایم باید به خودمان بپردازیم باید نفس های خودمان را اصلاح کنیم، باید قدرت معنوی انسانی را که خدا در ما به حد اعلى ودیعه گذاشته است از گل و لای شهوات و هوا و هوس ها و خودخواهی ها و خودپرستی ها نجات بدهیم و آن را قوی کنیم. شما جوانان، شما خانواده های شهدا، شما جانبازان، شما مبلغان دلسوز و علاقه مند در سپاه پاسداران یا در هر نقطه دیگر به این مبارزه درونی اولی هستید.

ما اول باید خودمان را اصلاح کنیم هر کسی که به اسلام و انقلاب دلبسته تر است، باید برای اصلاح نفس خود عاز متر و جدی تر باشد. هر کسی که از وضع دنیا از این زور گویی ها و خباثت ها و رذالت هایی که قدرت ها و عربده کش ها و قداره بندهای جهان انجام می دهند بیشتر ناراحت است، باید بیشتر به خود بپردازد و خود را اصلاح کند.

تکریم شأن انسان در نظام اسلامی

نظام اسلامی باید به انسان کرامت بخشد و به عبارت دیگر کرامت واقعی و حقیقی انسان را کشف و احیای آن را پایه اساسی همه امور قرار دهد.

رشد عامل کرامت انسانی

در نظام جمهوری اسلامی تکریم شأن انسان که یکی از ویژگی های اسلام است - ارزش دادن به انسان، رشد دادن انسان، انسان را در کار شایسته خودش به کار گرفتن و نیروهای او را در خدمت اهداف متعالی جوشاندن، یکی دیگر از گرایش های اصولی است.

اصالت انسان در نظام اسلامی

در زمینه سیاست های داخلی نیز به برخورداری همه مردم کشور از مواهب و بخشش های الهی، از آزادی، از علم، از حق آموزش و تبلیغات، از تعالی معنوی و از همه خوشی ها و شادی های زندگی اعتقاد داریم، البته در سیاست جمهوری اسلامی که از آموزش های اسلامی الهام گرفته، انسان ها اصل هستند و این بدان معناست که ما همه این خیرات و نیکی ها را برای همه مردم می خواهیم نه تنها برای ملت خود.

جهت گیری آزادی اجتماعی انسان

همین «آزادی اجتماعی» که این قدر در اسلام ارزش دارد، اگر در خدمت ضایع کردن فرآورده های ارزشمند معنوی یا مادی یک ملت به کار گرفته بشود، مضر است؛ درست مثل حیات خود انسان. «من قتل نفسا بغير نفس او فساد في العرض فكانما قتل الناس جميعا» در منطق قرآن، کشتن یک انسان مثل کشتن همه انسانیت است این مفهوم خیلی عجیبی است کسی که دست به قتل یک انسان دراز می کند مثل این است که همه انسانیت را کشته است چون تعرض به حریم انسانیت است. ليكن استثناء آن این است « بغير نفس او فساد في الأرض» ، مگر اینکه آن کسی که مورد این تعرض قرار می گیرد خود او به جان کسی تعرض کرده باشد یا فساد ایجاد کرده باشد.

دین، منبع نیازهای اصلی و ثابت انسان

انسان امروز با انسان هزار سال قبل، با انسان ده هزار سال قبل از لحاظ نیازهای اصلی هیچ تفاوتی نکرده است نیازهای اصلی انسان یک چیز است، انسان امنیت می خواهد، آزادی می خواهد، معرفت می خواهد، زندگی راحت می خواهد، از تبعیض گریزان است، از ظلم گریزان است، نیازهای متبادر، زمانی، چیزهایی است که در چارچوب اینها و زیر سایه این ها ممکن است تأمین بشود. این نیازهای اصلی، فقط به برکت دین خداست که تأمین می شود و لاغير.

هیچکدام از این ایسم های جهانی از این مکتب های بشری از این اسم های پر زرق و برق نمی توانند بشر را نجات بدهند.

آسیب پذیری انسان در همه مراحل

هیچ سابقه معنوی و یا مرحله خاصی از عروج موجب خروج انسان از خصوصیت و خصلت آسیب پذیری نمی شود.

خودمحوری انسان؛ آفت بزرگ فکری

بی اعتنایی به دیگران از خود محوری و خود بزرگ بینی که از آفات بزرگ فکری و عقلانی است بر می خیزد

ایمان به غیب؛ عامل وسعت نظر انسان موحد

ایمان به غیب یعنی آن وسعت نظری که یک موحد پیدا می کند. غير موحد همه چیز را در همین پوسته محدود می داند. یکی خوش شانس در می آید و پوسته نقش و نگارداری به او می افتد؛ یک چهار صباحی دلش با آن خوش است حالا آن نقش و نگار یا پول است یا شهوت است یا هنر است یا از این سرگرمی های زندگی است. یکی هم بدشانس در می آید آنجایی که از این پوسته که ریختگی و شوره زدگی دارد نصیبش می شود ليكن موحد، این پوسته را فقط یک پوسته می داند؛ به ماورای این عالم ماده، ماورای ارتباطات مادی شناخته شده که گردونه ها و گیتی ها و ملک آن جهانی است ایمان دارد «یومنون بالغيب»

تحقیر انسان ها توسط فرهنگ استعمار

امروز دهها میلیون سیاه در قسمت هایی از آمریکا هستند که هنوز مجبورند فرزندان خود را برای تحصیل به مدارس جداگانه ای بفرستند و این تحقیر انسان هست. هنوز دنیا به درستی نتوانسته حتی در کشورهای پیشرفته مثل آمریکا درک کند که انسان منهای رنگ و نژادش ارزش و احترام دارد و این چیزی است که برخی از فرهنگ های مسلط جهانی آن را درک نکرده اند ولی ما آن را عمیقا درک کرده ایم و اسلام این مسئله را برای ما حل کرده است و لذا ما همان تلقی و برداشت را از یک سیاهپوست داریم که از یک سفید پوست

جایگاه و اهمیت تعلیم و تربیت ارزش تعلیم و تربیت

نقش حیاتی تعلیم و تربیت در جامعه

نقش تعلیم و تربیت چون نقش جنگ با کفر برای جامعه ما حیاتی است.

تربیت مسئولیت بزرگ پیامبران

اصلاح غیر در مقام تربیت ها، تزكيه و تهذیب، یکی از بزرگ ترین و سنگین ترین مسئولیت های پیامبران است پیامبران قبل از اینکه معلم انسان ها باشند مربی آنها بودند. چیزی که تیغ توحید را برنده و بازوی موحد را قوی کرده بود، نفوذ تربیت ها بود.

مسئله اول نظام اسلامی؛ فرهنگ تعلیم و تربیت

من به شما فرهنگیان عزیز میگویم که مسئله فرهنگ و تعلیم و تربیت مسئله اول در نظام ماست. در بلند مدت هیچ چیز به اندازه تعلیم و تربیت اهمیت ندارد نقش معلم و مربی در جامعه ما نقش طراز اول است در حقیقت سنگر مبارزه با کفر و ظلم و استکبار جهانی و قلدری شیاطین سیاسی عالم در همین سنگر مدرسه و تعلیم و تربیت و فرهنگ است. دانش آموزان نونهالی که در اختیار دستگاه فرهنگی کشور قرار دارند عزیز ترین و سرشار ترین سرمایه و ذخیره آینده این ملتند. قدر تعلیم و تربیت و معلمی و سنگر فرهنگی را بدانید.

تربیت انسان های صالح و عالم؛ عامل استمرار انقلاب

انقلاب یک حادثه است که در یک نقطه ای از عالم اتفاق می افتد و آثار معجزه آسایی هم نشان می دهد بقا و استمرار و برکات این حادثه مستقیم و تحقیق با تربیت انسان ها ارتباط پیدا می کند اگر انسان های صالح و عالمی باشند که پیغام انقلاب را درک کنند و آن را حفظ کنند و به آن عمل نمایند و آن راه و آن جهت را پی بگیرند، انقلاب زنده و مانده است و برکات آن خواهد رسید اگر خدای نکرده در محیطی که انقلاب به وقوع می پیوندد انسانها به شکل صحیحی تربیت نشوند و اصول تربیت قلع و قمع بشود به آن ریزه کاری های تربیتی اسلامی در محیط اسلامی پرداخته نشود، و خلاصه، انسان هایی که هم آگاه باشند، هم دلسوز باشند، هم احساس مسئولیت کنند، هم کاردان باشند، هم خوش روحیه باشند، پرورانده نشوند، مطمئنا آن اساس اولی هم به خطر خواهد افتاد و ضایع خواهد شد.

تربیت نسل آینده برای حفظ انقلاب

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران افق های معنویت و مفاهیم اصیل انسانی را با ابعاد نامحدود خود برای کل بشریت گشوده است و حفظ و پاسداری دستاوردهای انقلاب اسلامی طلب می کند که نسل آینده از هر جهت مطابق آرمانهای الهی تربیت شود.

سوق دادن ملت به تربیت اسلامی

باید آن راز سعادت جامعه را که گرد آمدن بر محور ایمان به خداست - در زندگی و نظام اجتماعی خودمان هر لحظه قوی تر و برجسته تر کنیم؛ ملت را به سمت تربیت اسلامی بیشتر و عمیق تر سوق بدهیم؛ عناصر جوان جامعه را به تربیت اسلامی تربیت بکنیم؛ دانشگاه های ما، وظیفه تربیت جوان مسلمان و متخصص و عالم مسلمان نه صرفا عالم - را بر دوش خودشان احساس کنند؛ مدارس ابتدایی هم همین طور کاری کنیم که در جامعه ارزشهای اسلامی و ارزش های مطلق به حساب بیاید و همه ارزش های دیگر در مقابل آنها کم رنگ باشد.

سازندگی انسان ها؛ مانع انحراف انقلاب

اگر انقلاب ما با همین سرعت یا حتی سریعتر از این به پیش برود، ولی پابه پای پیروزی ها و موفقیت های سیاسینظامی موفقیت در بعد سازندگی دل و سازندگی روح و سازندگی شخصیت انسانها نداشته باشيم يقينا سرانجامی نخواهد داشت و عاقبت به انحراف کشیده خواهد شد.

عمل صالح

امروز آن عمل صالح، عبارت است از درس خواندن.

ضرورت توسعه در تعلیم و تربیت

اگر ما بتوانیم در میان خودمان این دو رکن یعنی علم و عمل، تعلیم و تربیت و کار و ابتکار را توسعه بدهیم در این زمینه پیشرفتی محسوس در کشور به وجود بیاوریم که بحمدالله امروز تا حدود زیادی هم شده است حرکت کشور به سمت هدف ها سریع خواهد شد، مشکلات برطرف خواهد گردید و آن چیزی که انقلاب عظیم ما برای ایران اسلامی ترسیم کرده است نزدیک خواهد شد.

توسعه دانش نظری و فنی؛ عامل سعادت ملت

مدیران و کارگران و صنعتگران و کشاورزان و هر یک از آحاد و اقشار ملت که خواهان چشیدن طعم و ثمره پیروزی واقعی انقلاب و آرزومند کامیابی و سعادت حقیقی ملت و بهروزی نسلهای جامعه اند، موظفند همواره کوشش خود را معطوف توسعه دانش نظری و کسب هر چه بیشتر مهارت های فنی و تجربب کنند و خود را با علوم و فنون پیشرفته معاصر دنیا آشنا و مجهز سازند و اطمینان داشته باشند که تلاش های خالصانه آنها در پرتو به اسلام و امداد الهی نتایج درخشانی به بار خواهد آورد و به زودی مایه اعجاب و تحسین جهانیان خواهد شد.

اهمیت تربیت نیروی انسانی

ذلتی که خاندان پهلوی )لعنه الله عليهم( و خاندان قاجار )لعنه الله عليهم( به سر این مملکت آوردند و بر این ملت تحمیل کردند ما را صد سال عقب انداختند. اگر بخواهیم این ذلت برداشته شود و این استعداد درخشان ایرانی در اختیار مصالح و منافع ایران و اسلام قرار بگیرد آیا جز با تربیت نیروی انسانی کار آمد امکان پذیر است؟

نیروی انسانی همه چیز یک کشور

برای یک کشور، نیروی انسانی همه چیز است اما اگر نیروی انسانی نداشته باشیم هیچ چیزی نداریم چند سال قبل از این روی بعضی از کشورهایی که سال ها پیش از ما انقلاب کردند و توفیق هایی هم در عرصه های اقتصادی و صنعتی و فتى و امثال اینها به دست آوردند، مطالعه ای می کردم دیدم اینها در اوایل انقلاب بیشترین تكیه و برنامه ریزی را روی تربیت نیروی انسانی گذاشته اند؛ به طوری که بعضی از این کشورها همین الان نیروی انسانی کارآمد و ماهر صادر می کنند. یعنی نه اینکه کشور خودشان از وجود چنین نیروی انسانی سرریز شده و بی نیاز گردیده است نه کشور آنها از جهات دیگر آماده قبول این همه متخصص نیست وضع اقتصادی شان طوری نیست که بتواند این همه متخصص را مصرف کند، این است که به کشورها صادر می کنند، همین نیروی انسانی است که آنها را على رغم نداشتن درآمدهای کلانی مثل نفت و مانند آن که بحمدالله ما از آن برخوردار هستیم به سطوح خوب رسانده است.

حفظ شعله مقدس آموزش و پرورش به شیوه اسلامی

کوشش کنید راه دانش و معرفت را به سبکباری بپیماید اولیای دانش آموزان و مربیان نیز باید توجه کافی به این نکته اساسی مبذول کنند که حفظ شعله مقدس آموزش و پرورش به شیوه اسلامی در این کشور بزرگترین وظیفه مقدس برای حفظ انقلاب در دوران های آینده است. دشمن می خواهد در این مملکت علم و سواد نباشد.

علم و فرهنگ؛ برنده ترین سلاح در برابر دشمن

سال تحصیلی یعنی دوران پیشرفت تدریجی بنیانی ملت ایران. دشمنان از درس خواندن و دانشمند شدن فرزندان ما که مردان و گردانندگان آینده این انقلابند به شدت می ترسند. امید آنها این است که ملت ما همچنان در کمبود و قحطی مردان و زنان کارآمد باقی بماند. با درس خواندنتان با حضور مرتب تان در مدرسه و کلاس درس با اهمیت دادنتان به آموزش و پرورش، کوبنده ترین ضربه را با مشت کوچکتان بر پوزه دشمنان این انقلاب می کوبید. کودکان عزیز، نوجوانان، فرزندان و برادران و خواهران کوبنده ترین و برنده ترین سلاح در مقابل دشمنان این انقلاب برای آینده این کشور، علم، آگاهی، فرهنگ و تجربه است.

تعلیم و تعلم اسلامی؛ سرمشق زندگی برای ملت ها

بی گمان تحول عظیم ملت ایران راه را برای شکوفایی در همه عرصه ها و از جمله در عرصه فرهنگ و دانش همواره خواهد ساخت. جوانان و نونهالان و نیز استادان و پیشکسوتان هر یک باید سهم خود را از این مسئولیت بزرگ بر عهده گیرند. فضای تعلیم و تعلم و محصول ارزشمند آن باید سرمشق و نمونه ای زنده و جذاب برای ملتهایی باشد که زیر فشار تهاجم سيطره فرهنگ های تحمیلی به نومیدی از خود دچار شده اند.

توسعه آموزش های اسلامی

آنچه برای شما اهمیت دارد غنی کردن ذهن هاست، آموزش های اسلامی را باید توسعه دهید، باید اوقات فراغت جوانان برای آموزش و تعلیم و تعلم صرف شود.

تربیت نسل جوان؛ ضرورت انقلاب تربیت نسل جوان باسواد، تحصیلکرده، اندیشمند و روشنفکر بالاترین ضرورت انقلاب ماست اگر بخواهیم روی آینده این نظام حساب کنیم؟ باید بدانیم که آینده نظام ما طبعا به دست جوان های باسواد، مطلع و عالم و دارای لیاقت و صلاحیت علمی و عملی است و همین ها اداره کننده آینده دستگاه اداری، اقتصادی و فرهنگی کشور ما خواهند بود.

تأمین آینده جامعه

یک جامعه ممکن است صنعت، اقتصاد و کشاورزی پیشرفته داشته باشد و مردمش نیز از ثروت کافی بهره مند باشند؛ اما اگر این کشور به فکر تربیت نسل خویش نباشد، نمی تواند بر آینده جامعه اش امید داشته باشد. امروز کشورهایی که به فکر آینده و تأمین نیروی انسانی نیستند دنیای تلخی را در آینده خبر می دهند و به يقين تحت نفوذ قدرت های سلطه گر قرار خواهند گرفت.

کسب آگاهی و دانش؛ رمز جاودانگی انقلاب

اگر ما با ایمان عمیقی که به اسلام عزیز داریم به آگاهی و دانش و معرفت بپردازیم این انقلاب برای همیشه در این کشور و ان شاء الله در میان توده های مستضعف کشورهای دیگر جاودانه خواهد ماند.

وجوب دانش آموختن

اصل و اساس زندگی ما و حرکت ما و تلاش ما در همه جا از جمله در تعلیم و تربیت، اسلام است که دانش آموختن را بر همه واجب کرده است.

فراگیری دانش از خارج برای بی نیازی

ما واقعا باید باور کنیم که لازم است از خارج بی نیاز شویم. بی نیازی از خارج معنایش این نیست که ما لج کنیم و هیچ دانش و هیچ فراگیری را از خارج برای خودمان روا نداریم؛ نه، این معنایش نیست، نکته سخن را باید فهم کرد. نباید محتاج باشیم که بتوانند زور بگویند؛ و الا بر اساس «فوق كل ذي علم عليم» و «اطلبو العلم و ولو بالصين» دانش را در همه جا بایستی به دست آورد. آن چیزی که آنها دارند، از رازهای خلقت خدای ماست؛ همین قوانینی که خدای ما که به او معتقدیم در این طبیعت به وجود آورده است و به ودیعت نهاده و آنها آن را کشف کرده اند. در دوره های مختلف تاریخی ملت ها از هم یاد می گیرند یک روز آنها از ما یاد گرفتند، حالا هم دین شان را پس بدهند؛ ما هم قول می دهیم که انشاء الله پیش برویم و باز یک وقتی به آنها یاد بدهیم.

ضرورت رشد علمی نسل آینده

آینده مملکت بدون ساختن نسل روبه رشد علمی، امکان پذیر نیست.

تحقیق و فراگیری؛ مبارزه های دراز مدت

ما در کنار این مبارزه ای که وجود دارد باید به فکر یک مبارزه دراز مدت که همان تحقیق و فراگیری است باشیم و در غیر این صورت مجبوریم به سوی بیگانه دست دراز کنیم.

نقش آموزش در رشد استعدادهای مبتکر و خلاق

هیچ امری بدون آموزش و فراگیری انجام نخواهد گرفت و آموزش نیز تنها در مسائل تئوری و معلومات نهفته در کتاب ها خلاصه نمی شود ما اگر بخواهیم استعدادهای مبتکر و خلاق نظم و ترتیب بگیرند باید آموزش ببینند.

آموزش؛ عامل ژرف نگری در کنار احساسات

آموزش مسئله بسیار مهمی است و نمی توان آن را ساده انگاشت ما باید قدر آموزش را بدانیم انقلاب در این مرحله ای که ما هستیم احتیاج به عمق دارد به احساسات و شعار و هیجان احتیاج دارد اما نه فقط اینها بلکه در کنار عمق و دقت و ژرف نگری در مسائل اعتقادی و سیاسی زیرا مردم ما باید امروز مسائل را عمیق ببینند.

اهمیت آموزش در استقرار ایمان

می دانیم که مردم، مردمی که این حرکت عظیم را انجام دادند اغلبشان سابقه اندیشه مکتبی نداشتند ایمان اسلامی داشتند آن هم ایمانی پرشور این ایمان لازم بود کاملا پابرجا و مستقر بشود و جز در سایه بیان و آموزش این کار امکان پذیر نبود.

ارزش والای تربیت انسان

اگر چه آباد کردن هر بخشی از این مجموعه عالم وجود که دست ما به آن می رسد ارزش والایی دارد، اما هیچ آباد کردنی به قدر آباد کردن روان انسان و فکر انسان - که در حقیقت راه آینده او را ترسیم می کند - نمی رسد. شما مسئولان آموزش و پرورش به حيث این که معلمان و برنامه ها و بقیه ی ابزار و ادوات کار در اختیار شما اولین سنگ بنای شخصیت فکری هر موجود بشری را که در این کشور پهناور و بزرگ رو به رشد است، دارید می گذارید.

ایجاد نورانیت الهی در خود

دنیا باید در رابطه با جامعه ما رو به صلاح و آبادی برود ولی این جامعه آلوده نشود ما باید به آنجا برسیم... راه طولانی و دشوار است. همه باید خودمان را تربیت کنیم. همه باید خودمان را تهذیب و تزکیه کنیم. همه باید برای خدا تلاش و کار کنیم و در خودمان نورانیت به وجود بیاوریم تا بتوانیم پیش برویم.

اهمیت تربیت کودکان و نوجوانان

اگر جبران عقب ماندگی های دو قرن اخیر که با تلاش دستهای سیاه استعمار بر ملت بزرگ ایران تحمیل شد برای ما مهم باشد و اگر به معنای حقیقی کلمه به آرمان های اسلامی، ملی و عظمت ملت ایران و ایرانی اهمیت دهیم، پس بایستی به تربیت کودکان و نوجوانان این مرز و بوم بسیار بیندیشیم و برای آن اهمیت فوق العاده قائل شویم، اما متاسفانه احساس می کنم که برخی از مسئولین و دست اندرکاران امور فرهنگی کشور با چنین توجه و اهمیت این مسئله نگاه نمی کنند.

ضرورت و اولویت تربیت اخلاقی جوانان

ما ارزش های اخلاقی و معنوی را برای جوان ضرورتی می دانیم که اهمیت آن، بیشتر از علم است.

اهمیت تغییر نظام تربیتی

من می خواهم بگویم دشواری و اهمیت تغییر نظام تربیتی بیشتر است و در آینده کارهای بیشتری باید انجام بگیرد.

خیزش فرهنگی در کنار حرکت شجاعانه ملت

اگر حرکت شجاعانه و قدرتمند امروز ملت ما با یک خیزش فرهنگی همراه نباشد، محققا در زمینه فرهنگی عقب خواهیم ماند.

فراگیری؛ فریضه ای برای همگان

اسلام یاد گرفتن را به عنوان یک فریضه برای همه مقرر داشته است تعلیم یک وقت به شکل سواد آموزی و فراگرفتن معلومات خاص می باشد، لکن آنچه در اسلام واجب است یک چیزی وسیع تر از فراگیری خاص است. در اسلام به هیچ انسانی اجازه داده نشده که یاد نگیرد، یعنی حداقل این است که هر کس باید واجبات دینی اش را بیاموزد و هر آن چیزی که انسان را به فراگیری واجبات دینی کمک کند، به عنوان مقدمه واجب، برای او واجب است؛ و بعد هر آن چیزی که انسان را بتواند در فعالیت های زندگی و انجام وظایف بزرگش کمک کند... و لذا فريضه فراگیری تا بی نهایت ادامه دارد.

آگاهی مکتبی کارگران متناسب با منزلت انسانی

در جمهوری اسلامی درجه آگاهی مکتبی، دانش اجتماعی، آموزش فنی و سطح فرهنگ کارگران باید متناسب با شأن و منزلت انسانی آنان باشد.

تحصیلات همگانی

ما همت مان این است که همه مردم بتوانند تحصیلات مناسب و لازم و مورد احتیاج برای کشور داشته باشند.

اهمیت سواد آموزی

اهمیت سواد آموزی در راهیابی به سوی دانش و بینش

انقلاب بزرگ ما که بر اراده و همت و معرفت آحاد امت متکی است از همه بیشتر محتاج آن است که همه آحاد خلق ما راه را به سوی دانش و بینش داشته باشند و این حاصل نمی شود مگر آنگاه که همه بتوانند بخوانند و بفهمند و بیاندیشند و محصول تأمل و تفکر خود را بنویسند؛

سوادآموزی؛ کلید معرفت های انسانی

ما باید از دامان جامعه اسلامی ننگ بی سوادی را پاک کنیم تا بیسوادی در جامعه وجود نداشته باشد و همانطور که می بینید خدای تعالی در قرآن در همین آیه «ن و القلم و مایسطرون» سوگند به قلم و آنچه می نویسد (یعنی مردم می نویسند) می خورد یا در سوره علق می نویسد «اقرأ باسم ربک الذي خلق. خلق الانسان من علق. الذي علم بالقلم. علم الانسان ما لم يعلم»این سوگندهایی که در قرآن به قلم خورده شده و این تأكيدها، نشان می دهد که اسلام خیلی به قلم و امر تعلیم و تعلم و نوشتن و خواندن اهمیت می دهد و چون این کلید معرفت های انسانی است مردم باید احساس تکلیف کنند.

سواد آموزی؛ دریچه ورود به وادی های فرهنگ و معرفت

دانش و معرفت که مهم ترین وسیله تعالی و پیشرفت جامعه و رشد خلاقیت ها و جوشش استعدادهاست به یک ابزار ابتدایی و بی بدیل وابسته است و آن سواد خواندن و نوشتن است از این دریچه است که انسان به وادی های بی پایان فرهنگ و معرفت قدم می دهد و عوالم بی نهایت اندیشه انسانی را سیر می کند بدین جهت است که به کار سواد آموزی در صدر اسلام و در همه جوامع مسلمين همواره اهتمام وجود داشته است. آنچه برای یک ملت ضروری است، همگانی کردن سواد آموزی است و برای جامعه انقلابی ما این اقدام از ضرورت بیشتری برخوردار است... ایران اسلامی باید آموزشگاهی بزرگ برای همه قشرها و همه نسل ها باشد.

سواد آموزی راه استفاده از معارف بشری

یکی از مسائل اساسی این است که وظیفه باسواد کردن مردم صحیح بر آورده شده و اهمیت آن شناخته شود... اگر مردم در طول چند سال طبق یک برنامه ریزی صحیح و دقیق خود را به پایان خط بیسوادی برسانند برای آینده این کشور استعدادهای نهفته بی پایانی را تضمین کرده ایم؛ اگر مردم قدرت خواندن و نوشتن داشته باشند، گنجینه ای عظیم از معارفی که توسط متفگرین و دانشمندان بر روی هم انباشته شده است برای آنها قابل استفاده خواهد بود.

سواد؛ ارزنده ترین هدیه

به شهرها و روستاهای دورافتاده رفتن و در خانه را زدن، در مساجد، کلاس تشکیل دادن و بدون چشمداشت احسنت تشکری، علم و سواد را که ارزان ترین هدیه خداست به مردم دادن، یک جهاد است.

تلاش برای سواد آموزی؛ یک وظیفه ملی

حقیقت تلخ جامعه ما این است که بی سوادی در کشور ما ریشه کن نشد. اگر یک ملت را در بین تمام ملت های دنیا ما بخواهیم پیدا کنیم که بگوییم از همه باید آن ملت برای ریشه کن کردن جهل و بی سوادی تلاش بکند، اگر یک ملت را بخواهیم برای این وظیفه بزرگ و سنگین ترین وظیفه معین کنیم این ملت باید ملت ایران باشد. چون هیچ آیینی و دینی به قدر اسلام بر علم و سواد و آگاهی و معرفت مردم تاکید نکرده است.

ما باید بی سوادی را ریشه کن کنیم ما باید به تمام آحاد ملت و افرادی که در سنینی می توانند بیاموزند و بخوانند را بایستی قادر کنیم به اینکه بتوانند بخوانند، بتوانند بنویسند، بتوانند از کتاب استفاده کنند، از معلومات استفاده کنند، به معارف عظیم دنیا واقف بشوند و این برای ملت ما قابل قبول نیست که کسی وجود داشته باشد که نتواند یک روزنامه را بردارد و بخواند و از خبرها و مسائل جهان مطلع شود و قدرت تأمل پیدا کند و یا فلان کتاب خوب را بخواند و استفاده کند و روی آن فکر کند چنین چیزی نمی شود؛ ما همتمان این است که همه مردم بتوانند تحصیلات مناسب ولازم مورد احتیاج برای کشور داشته باشند.

فریضه همگانی

آنجا)فرمان سال 58حضرت امام) امام از سواد آموزی به صورت یک علم و به صورت یک فریضه و یک تکلیف شرعی یاد می کند که این تکلیف شرعی مال همه هست و مخصوص یک عده خاصی نیست پس هم فرا گرفتن سواد تکلیف است و هم آن کسانی که به انجام این تکلیف کمک کنند برای آنها هم یک تکلیف است که این کمک را بکنند تا بتوانند مردم را از بن بست بیسوادی خارج کنند.

ننگ بی سوادی برای جامعه انقلابی

بی سوادی برای همه جوامع انسانی یک لکه ننگ است اما برای یک جامعه مسلمان انقلابی در این دوران و عصر پرزحمت که قدرت های بزرگ از بیسوادی و نا آگاهی مردم استفاده می کنند، بیشتر مایه ننگ است.

زدودن لکه ننگ بی سوادی

باید لکه ننگ بیسوادی را که سلطه های جبار روزگار برای انسان ها به وجود آورده اند پاک کنیم. نهضت سوادآموزی باید به صورت جهادی به کمک آموزش و پرورش بشتابد.

سواد آموزی؛ راه ماندگار کردن انقلاب

ما اگر بخواهیم این انقلاب را ماندگار کنیم و آسیب ها را از آن دور نماییم، باید مردم را باسواد کنیم. یک حرکت جدی و جامع الاطراف برای ریشه کن کردن بی سوادی در کشور لازم است.

سواد آموزی عمومی

در بسیاری از دستگاه هایی که کارکنان و نیروهای زیادی دارند می توانند در داخل خود آن دستگاه ها سواد آموزی را به عنوان یک کار لازم و موظف به صورت تدریجی نسبت به کارکنان آن دستگاه الزامی و وسایلش را فراهم کنند. فرضا ارتش را که یک دستگاه انسانی بسیار عظیمی است در نظر بگیرید، داخل خود ارتش مسئله سواد آموزی یک کار میستر و ممکن است کما اینکه به اشکال گوناگون انجام هم می دهیم که این کار می تواند به شکل وسیع تری هم انجام بگیرد یا برای مثال بعضی دیگر از دستگاه هایی که در آنجاها کارگرانی هستند برای کارگران با فراهم کردن وسایل، یک بخش از وقت را هر روز به مقدار خیلی کمی مخصوص سواد آموزی درخواست کنند.

ما الان بعضی از بخش های دولتی و دستگاههای دولتی را می شناسیم که اینها این کار را کردند و موفق هم بودند یعنی در داخل خود آن دستگاه کارگر و کارمندی که از سواد برخوردار نبوده در اوقات فراغتی که قهرا برایش پیش می آید کلاس تشکیل دادند تا به آموختن سواد مشغول بشود و کلا دولت می تواند با استمداد از مجلس در صورتی که به شکل قانونی در بیاید ارائه برخی از خدمات به مردم را متوقف بر داشتن سواد و سواد آموزی کند البته نه به شکل زیر فشار قرار دادن بلکه برای کسانی که امکان سواد آموزی دارند و مایلند بروند دنبال سواد آموزی

قدرت استدلال؛ متکی بر سواد

قدرت استدلال در یک جامعه فقط متکی بر سواد است و اگر انقلاب ما متکی به مردم است این مردم باید قادر به تعميق معلومات خود باشند.

نقش سواد آموزی در تحول جامعه

اسلام برای سواد آموزی اهمیت زیادی قائل است و چون تحصيل هیچ علمی بدون داشتن سواد ممکن نیست این به ما نشان می دهد که تاثیر سواد آموزی در ایجاد یک تحول بنیانی و عمیق در جامعه چقدر زیاد است.

در جامعه باسواد، قهرا مردم توانایی درک و فهم و معرفت بیشتری را دارند و لذا در زمینه مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی و مسائل جهانی و مشکلات کشور و ارائه راه حل ها بین یک عده مردم ساکن در نقاط بسیار دوردست و محروم از سواد با مردمی که فرضا در دانشگاه و در محیط های علمی مشغول تحصیل و تلاش هستند فاصله زیاد است؛ یعنی برای این عده که دارای تحصیل و دارای سواد هستند آگاهیها و معرفت ها آسان تر است و این به ما نشان می دهد در جامعه ای که نقش مردم در آن یک نقش اصلی است، همه باید با سواد باشند تا بتوانند مسائل مملکت و مسائل جهان و مسائل انقلاب را که با آن روبرو هستند، همه درک کنند و مشکلات انقلاب را بفهمند تا بتوانند برای انقلاب سرمایه گذاری کنند و آن تلاشی را که لازم هست برای انقلاب انجام بدهند. لذا اسلام هم که روی سوادآموزی همه مردم تکیه کرده و بدین خاطر است که دانش و سواد به انسان این امکان را می دهد از معلومات زیادتر و از معارف افزونتری بهره مند شود و خودش را کامل کند تا کور و بی خبر نماند، چون کسی که سواد ندارد از کتاب ها و فکرها و نوشته ها بی بهره می ماند و نمی تواند در زمره مردمی باشد که از امکانات سواد استفاده می کنند و نظراتشان را ابراز کنند و با حرف های خودشان مسائل اساسی که در ذهنشان هست مطرح می کنند و بدین وسیله جامعه را به جلو می برند.

بنابر این، مسئله سواد و نقش آن در تحول یا یک جامعه فوق العاده مهم و لذا عقیده ما این است همان طور که امام فرمودند این فریضه را همه باید انجام دهند.

ارزش علم

نقش علم در زندگی و پیشرفت ملت ها

مگر بی علم میشود زندگی کرد؟ می شود پیش رفت؟ می شود به حقوق ملی خود واقف شد یا آن حقوق را به دست آورد یا در راه آنها به مبارزات درست دست زد؟ ملتی که علم ندارد محکوم به عقب ماندگی و ذلت و بارکشی و بد اخلاقی و دون و فرودستی در معادلات جهانی است.

حرکت عظیم علمی ناشی از نگرش اسلام به علم

این که گفته می شود دین مقدس اسلام در مدت کوتاه یکی دو قرن یک حرکت عظیم علمی را در مقیاس جهانی به وجود آورد که ملت بی سواد و عقب افتاده ای را به پیشروان و پرچمداران دانش تبدیل کرد؛ این ناشی از تعلیم و آموزش نگرش و نظر اسلام درباره علم و معلم و متعلم بود.

جاذبه و ارزش عالم

برای عالم جاذبه و ارزشی بالاتر از علم نیست.

حفظ عزت و شرف علم

عالم بودن مهم نیست، شرف علم و عالم بودن را نگاه داشتن مهم است.

قدر علم و آموزش

ملتی که قدر علم و آموزش و معلم و اهمیت فرهنگ را نداند این ملت به هر کجا هم برسد آسیب پذیر است از لحاظ مادی هر رشدی هم بکند قابل سرنگون شدن و شکست خوردن است.

تزریق روحیه حب به علم و پارسایی اهل علم

باید این روحیه حب به علم حب به تحقیق عشق به اصل فراگیری و تحقیق را در دانشجویان تزریق کرد... قدری روح پارسایی را در دانشجو تزریق کنید. دانشجو قدری پارسا باشد. طالب علم، یک پارسایی طبیعی لازم دارد هر چه که طالب علم به پارسایی نزدیک تر باشد، تجانس و تسانخ)سنخیت) بیشتری با آن پیدا می کند و علم را بیشتر می پسندد بیشتر جذب می کند و بیشتر قدر و مغتنم می شمارد.

مقدس بودن در هر جا سخن از علم است باید علم یک امر مقدس شناخته شود و صاحب علم نیز تا مادامی که موجب اضرار و انحراف نشده باشد، ارزشمند و محترم شمرده شود.

لزوم فراگیری معارف

علم و تحصیل را قدر بدانید و معارف زندگی را اعم از معارف الهی و هر آنچه از معارف بشری است، فرا بگیرید زیرا زندگی کسی که علم و حکمت دارد، ماشینی، خشک، بی معنا، بی جهت و بی دوام نخواهد بود.

پیشرفت علمی؛ ضامن استقلال

استقلال ما جز با رشد علمی امکان پذیر نخواهد بود و تا ملت و اندیشمندان ما به ارزش و اهمیت علم ایمان نیاورند پیشرفت علمی نیز ممکن نمی شود.

جوشش علم از درون

روی پای خود ایستادن آن وقتی تحقق پیدا خواهد کرد که علم از درون خود ما بجوشد و ما دست گدایی به سمت دشمنانمان دراز نکنیم.

درون زایی جریان علمی در کشور

می توان دانش فنی را وارد کرد کما اینکه الآن داریم این کار را می کنیم دانش فنی یک پدیده صنعتی را وارد می کنیم - ليكن این مثل آن است که ما در چاهی آب دستی بریزیم تا بتوانیم بعد همان آب را استخراج کنیم؛ برای بلندمدت این کار فایده ندارد و باید علم از درون بجوشد آن هم بر طبق آنچه که مورد احتیاج کشور است بنابراین باید بر جریان علم در کشور در ونزائی حاکم باشد.

پیوند علم و صنعت

وقتی علم دانشگاه به صنعت و به بازار مصرف علم چون علم دارد مصرف می شود - وصل شد تولیدش پر نشاط تر، انبوه تر، جهت دار تر و کاربردی تر خواهد شد و قهر می دانند که در باره چیزی باید تحقیق کنند. وقتی صنعت کشور به علم متصل شد شکوفایی و پیشرفت پیدا می کند.

جدی و حیاتی بودن مسئله علم

مسئله علم و تولید علم و شکوفا کردن استعدادها در داخل، یک امر جدی و حیاتی است.

نقش موثر علم در ایفای رسالت انسانی

تا کی باید ملت های مسلمان از آن چیزی که در تحرک و شخصیت یک نظام در وصول به حقوق یک ملت در تاثیر برای سازندگی دنیا مایع اصلی است توحید است بمانند بدون علم که در دنیا هم نمی شود اثر گذار گذاشت. شما بهترین آدم های دنیا باشید ما بهترین و شریف ترین و عزیز ترین ملت ها باشیم وقتی نتوانیم روی بشریت اثر بگذاریم، وقتی نتوانیم این گرداب مهلت را مهار بکنیم چه فایده ای دارد رسالت یک انسان که یک رسالت فردی و خانوادگی و یک رسالت ملی به معنای محدود نیست بلکه یک رسالت انسانی است انسان اصلا در محدوده انسانیت زندگی می کند، مگر می شود این همه کارهای بزرگ را بدون علم انجام داد این علم ما کجاست؟

علم؛ بهترین سلاح انسان

علم سلاح اصلی انسان برای رفتن به سوی کمال است و دانشجویان دانشگاه امام حسین به هیچ قیمتی نباید علم را نادیده بگیرند زیرا انسان هنگامی می تواند بهترین کار را انجام دهد که مجهز به علم باشد.

قدرت تشخیص زیاد در سایه معلومات و معارف

دانشجو بودن، طالب علم بودن، به دنبال معارف و معلومات حرکت کردن و زندگی را با آن شکل دادن یک امتیاز است، بدون شک کسی که با معارف و معلومات هم آغوش هست و زودتر می فهمد و دیرتر فریب می خورد می تواند آگاه تر و آشناتر باشد برای بالا بردن سطح دانش در جامعه حرکت می کند؛ یک نیاز عظیم اجتماعی یعنی غنای علمی برای آینده این جامعه را تامین می کند و اینها همه ارزش دارد.

اثرات روح علمی در انسانها

روح علمی آثار متعددی در انسان ها دارد یکی همین است که انسان سعی می کند علم را بیاموزد وقتی کسی روح علمی پیدا کرد خواهد فهمید که در این حیاط و در این آفرینش قوانین و ترتیب و نظمی هست که اگر ما آن نظم و ترتیب را پیدا بکنیم کار زندگی خود و مجموعه ما بهتر پیش خواهد رفت باید گرایش پیدا بکنیم که این روحیه علمی را بیابیم و رواج دهیم البته ممکن است در سطوح خیلی ابتدایی اصلا حتی این تصور هم نگنجد اما اجمالا شخص گرایش پیدا کند مثلا بفهمد که می تواند به وسیله نوشتن از راه دور با شما صحبت کند و در نتیجه به سوادآموزی تشویق بشود هر چه ما پیش تر برویم این گرایش به روحیه علمی آثار مثبت تر و عمیق تری را در جامعه می گذارد.

نقش علم در تحقيق عدالت رفاه و سعادت ملتها

عزیزان من از تحصیل علم ذره ای فروگذار نکنید علم را قدر بدانید علم می تواند زندگی شخصی شما و ملت شما و جهان را به شکل مطلوب بسازد همچنان که می تواند جهاد را ویران کند. متاسفانه علم پیشرفته غرب همین کار را کرد دنیا را به شکل های گوناگونی به ویرانی کشید البته سرعت و سهولت و زیبایی و امثال آن را برای بشر آورد آسایش هایی را به بشر داد اما از آن طرف فضا را آلوده کرد بمب اتم به وجود آورد مواد سمی را در داخل هوایی که استنشاق می کنند آبی که می نوشند و فضایی که در آن زندگی می کنند تزریق کرد بیماری های ناشناخته ای به وجود آورد و باز هم به وجود خواهد آورد به علاوه بدتر از همه اینها ظلم، اختلاف، سلطه جویی، زورگویی و قلدری را در جهان توسعه داد و علم ابزار زورگویی شد این آثار علم آنها است. اما همین علم می تواند وسیله رفاه، سعادت، عدالت باشد و چقدر خوب است شما به عنوان یک ملت طرفدار عدالت علم داشته باشید پرچم عدالت را در دست بگیرید و با علم عدالت را پیش ببرید، پس اول علم درس بخوانید کار کنید و خودتان را از لحاظ علمی علوم و رشته های مختلف بسازید به همه چیز احتیاج است این کشور و زندگی بشری به همه دانش ها احتیاج دارد و چون ما در دانش عقب ماندگی داریم باید سعی کنید راههای ابتکاری را باز کنید یعنی تحقیق و بن بست گشایی کنید ما متاسفانه یک عقب ماندگی قهری و تحمیل شده ای را مربوط به دو سه قرن در دانش پیشرونده و افزایش یابنده و سرعت گیرنده داریم، تحمل می کنیم. چیزی که می تواند تا حدودی آن را علاج کند این است که دنبال راههای میانبر باشید شاید بتوانید مرتب این فاصله را کم کنید.

بالاترین ارزش بعد از تقوا و ایمان

در نظام جمهوری اسلامی حقا پیش از همه جا باید به دانش و تفکر بشری اهمیت داده شود زیرا اسلام علم را پس از تقوا و ایمان بالاترین ارزشها می داند.

مسلمانان پیشرو در تعلیم و تربیت

وقتی که در دنیا خبری از علم و سواد و درس و مشق و نشانه های تعلیم و تعلم وجود نداشت اسلام و قرآن ما با اقراء شروع کرد و به قلم و نوشته سوگند خورد و اسیر جنگی را در مقابل یاد دادن چند کلمه آزاد کرد، این متعلق به 14 قرن پیش است همان کارهای اسلام و نبی مکرم ما (صلى الله عليه و اله )موجب شد که جامعه امي عرب (امی یعنی بی سواد)« هو الذي بعث في الأميين»در زمانی که اروپای امروز هیچ خبری از علم و دانش نداشتند دارنده بزرگترین دانشگاه ها و بزرگترین دانشمندان و فارابی ها و ابن سیناها و محمد بن زکریاها، ابوریحان ها و دیگران و دیگران شود؛ یعنی در صدر اسلام مبارزه با بیسوادی و تحریص و تحریض به علم و دانش جامعه اسلامی را حدود هفت، هشت قرن از همه دنیا متمدن آن روز جلوتر برد، البته بعد ما رجعت کردیم، مسلمانان تنبلی کردند و کار ما به اینجا رسید ولی حالا می توانیم دوباره شروع کنیم.

ترویج روحیه دانش دوستی

روحيه دانش دوستی جزو تربیت های اسلامی است یعنی اگر ما بخواهیم اخلاق اسلامی را گسترش بدهیم این هم در آن هست.

علم، عامل حکومت قدرت ها در عالم

علم امروز خیلی نقش زیادی در دنیا ایفا می کند این کسانی که امروز بر دولت ها و دستگاههای سیاسی دنیا در کشورهای بزرگ مثل مسلط اند، انسان های معمولی هستند و از متوسط برجستگان پایین ترند؛ کارها و حرفهایشان این را نشان می دهد. آنها یا از لحاظ فکری و یا از لحاظ انسانی و اخلاقی پایین ترند ببینید، دیگر این آمریکا و این هم غرب است، اینها در عین حال بر دنیا حکومت می کنند. چرا؟ به خاطر علم.

پیشرفت سریع در علوم

در باب علم و مراکزی که باید به دنبال علم باشند، ما اعتقاد مان این است که باید راه های میان بر پیدا شود والا پیمودن این راه به طور عادی به معنای همیشه عقب ماندن است.

عقب نماندن از کاروان علم

در میان ملت ما استعداد و روحیه خلاقیت زیاد است ما از لحاظ استعداد و توان علمی بالقوه چیزی کم نداریم؛ چرا باید از کاروان علم و صنعت عقب بمانیم، تا آنجایی که کوچکترین چیزها را هم آنها برای ما درست کنند؛

تلاش علمی؛ واجب ترین فرایض

اگر دانش از خود شما جوشید ضرورتی نیست که از بیگانگان به بهای از دست دادن استقلال، آزادی و ارزش های معنوی آنچه را که به اسم علم است ولی در نزد آنها در واقع علم و تحقیق نیست به دست آورید... تلاش علمی امروز جزء واجب ترین فرائض این ملت و از اولویتها است.

علم و تجربه؛ تنها راه استفاده از منابع اولیه

اگر کشوری همه منابع طبیعی لازم را برای زندگی داشته باشد و فاقد نیروی انسانی عالم باشد به هیچ چیز دست نخواهد یافت. علم و تجربه و شناختن جهان و گشودن رازهای خلقت- که آن هم به وسیله دانش و تحقیق و تتبع میسر خواهد شد - یگانه چیزی است که به یک ملت اجازه خواهد داد از آن منابع اولیه استفاده کند.

اهمیت برنامه ریزی برای فراگیری علوم

مراتب علم هم جز و اساس کار شماست که بایستی به آن توجه بشود تقسیم علوم و پیدا کردن اولویت ها و اینکه امروز در این مقطع در این پنج سال در این ده سال بایستی خیل دانش آموزان به چه علومی بیشتر گرایش و توجه داده شوند، اینها مسائل کاری و فنی شماست که به آنها واقف تر هستید.

سؤال و استفسار؛ کلید حق جویی و حق یابی

استفسار در بشر مقدمه و کلید جهت گیری دائمی است زیرا اگر حالت سوال و استفسار و جستجو و حق طلبی و حق جویی در انسان نباشد هیچ هدایتی در عالم پا نمی گیرد و هیچ طریق کمالی پیموده نمی شود. بشر به طور طبیعی و غریزی به دنبال این است که واقعیت را هر چه که هست بفهمد و به سوی آن پر می کشد. در بشر یک چیز طبیعی است و آن حالت استفسار و سوال مقدمه و کلید حق جویی و حق یابی و در نهایت وصول و وصال و رسیدن است.

ارزش حقیقی علم

علم یک ارزش حقیقی است آدم علم را برای آن گرده نانی که از آن طریق می شود به دست آورد تحصیل نمی کند ببینید نبی اکرم می فرمایند که «اطلبو العلم ولو بالصين» یعنی با شرایط آن روز اگر لازم است از حجاز به چین بروید تا علم به دست بیاورید؛ بروید، آن روز برای چقدر پول و چقدر در آمد ممکن بود یک نفر سوار شتر یا سوار کشتی بشود و به چین برود؟ مگر امکان دارد چنین تلاشی در مقابل در آمد مادی باشد. این معنایش آن است که علم ارزش است.

عدم تعصب در علم آموزی

هر معلمی بیاید درس بدهد ما قبول داریم ما از علم همه کس استفاده می کنیم، ولو کسی که ما را قبول نداشته باشد علمش را بگوید ما با کمال تواضع می نشینیم و از علم او استفاده می کنیم؛ نظام از علم او استفاده می کند اما آن جایی که بناست در اداره امور دانشگاه تعیین کننده باشد؛ ابدأ.

فراگیری علم و تجربه دیگران

دانشمندان و متخصصین مغزهای ورزیده و انسان های برجسته باید برای الگو کردن ایران اسلامی همت خود را به کار گیرند و از تجربه علم و تخصص دیگران نیز استفاده کنند ما راه فراگیری را به روی خود نمی بندیم و علم و تجربه را در هر نقطه ای از جهان به خدمت خود در می آوریم این یک دستور اسلامی است و سخن امروز ما نیز همین است.

کسب علوم و صنعت با انتخاب و اداره خود

سیاست ما کسب علم، صنعت و فنون مختلف از بیگانگان و اداره و انتخاب آن به دست خودمان است.

کسب علم بدون مزدوری

انسان باید علم را از هر کسی که آن را در اختیار دارد فرا بگیرد اما مزدور او نباشد.

علم آموزی حتی از دشمن

گاهی علم دست دشمن ماست، پیش دشمن می رویم، زانو می زنیم و از او علم را فرا می گیریم، این اشکالی ندارد ارزش علم فراتر از این است که انسان به خاطر آن حتی سراغ کسی که با او مخالف است نرود.

سعی دیگران در کم کردن ارزش علم

سالهای متمادی سعی کردند این فرهنگ را در جامعه ما عوض کنند علم شد یک وسیله برای پر کردن شکم، این ارزش علم را کم می کند.

نقش حكام وابسته در رکود علمی

الان فاصله علمی امروز ما با سطوح بالای علمی دنیا خیلی زیاد است و همانطور که می دانید متاسفانه در این شصت، هفتاد سال و بلکه در این صد سال اخیر که دنیا چهارنعل به طرف اوج قله علم تاخت، حكام وابسته و خبيث و نااهل یا نادان و ناتوان با حرکات خودشان و با تدابیر غلط خودشان ما را چنان پا در گل نگه داشتند که نتوانستیم قدمی پیش برویم، ولذا الان فاصله علمی ما با دنیا مثل صدسال پیش نیست و ما از صد سال پیش خیلی جلوتر نرفتیم. اما از دنیا از صد سال پیش به صورت محیر العقولی جلو رفته است.

عقب ماندگی علمی در دوران قاجار و پهلوی

خدا سلاطين قاجار و پهلوی را لعنت کند. از این رجال پلید و خبیثی که به خصوص از زمان ناصرالدين شاه تا زمان محمدرضا امور این کشور را به دست داشتند نگذرد که با این ملت با استعداد و این جواهر قیمتی استعدادی که در این کشور هست چه کردند، می دانید که در این کشور استعداد ایرانی از متوسط استعداد کشورهای دنیا بالاتر است. این نکته را من از آدم های مطلع و وارد و با اتکا به آمار نقل می کنم. سابقه ما هم همین را نشان می دهد این ملت را در دورانی که می شد خودش را لااقل به این گردونه اسبی که داشته می رفته برساند در خواب عمیقی فرو بردند، یک وقتی بیدار شده که آن گردونه به موتور رسیده، آن موتور به جت رسیده، آن جت هم به موارد پیشرفته تری رسیده و جز غباری از حرکت کاروان علم بشریت چیزی در دست ما نیست.

اهداف منفی در تحصیل علم از نظر امام صادق (علیه السلام)

«یابن النعمان لاتطلب العلم الثالث»؛ دانش را برای این سه هدف تحصیل مکن: یکی اینکه «لترائي به» اول به خاطر اینکه با آن را ریا کنی، خود را به این و آن نشان بدهی که من عالمم. علم را برای خودنمایی تحصیل نکن «ولالتباهی به» برای مباهات هم آن را تحصيل مكن على الظاهر آن «ترائی به» یعنی خود نمایی در بین مردم عادی که من عالمم؛ دومی که مباهات باشد برای خودنمایی در بین علماست، یعنی وقتی در مجمع علما قرار گرفتی، هدف از تحصیل علم این باشد که مباهات کنی که بله ما همین مطلب را با این مطالب را بلدیم برای این هم تحصیل علم مکن و «ولالتماری» برای مرا-جدل و بحث - هم تحصیل علم مكن مرأ يعنى مجادله و سرسختی در بحث. «افتمارونه على ما یری» که در قرآن شریف است یعنی با او درباره آن چیزی که با چشم خود دیده که مراد حوادث ليله ی معراج است - بحث و جدل می کنید؟ بنابراین طبق این حدیث حضرت فرموده است برای این سه مقصود علم را تحصیل نكن در واقع علم را باید برای دانستن و عمل کردن تحصیل کرد، نه برای خودنمایی و سری تو سرها در آوردن و بحث و جدل کردن.

انگیزه های غلط در ترک تحصیل از نظر امام صادق عليه السلام

«ولا تدعه لثلاث»؛ به خاطر این سه انگیزه هم علم رارها نکن: «رغبه في الجهل»؛ یکی به خاطر رغبت در جهل. بعضی می خواهند ندانند كأنه با این دانستن و با این علم عناد دارند، تعجب نکنید؛ هستند در عالم کسانی که گوش نمی کنند به یک حرفی؛ یا دیگران را نهی می کنند از گوش کردن به یک حرفی برای این که نگذراندن این علم در آنها به وجود بیاید، بعضی خودشان گوش نمی کنند، بعضی دیگران را وادار می کنند به گوش نکردن تا اینکه این دانش را به خاطر عناد با آن دانش تحصیل نکنند، اینجا یک جمله مطلقی را فرمودند «رغبت في الجهل» حالا این «العلم» که گفته شده است آیا مراد همین علم مصطلح در کلمات ائمه است؟ یعنی علم دین، فقه دین؟ ممكن است که بنابر این «رغبه في جهل» در همین مقوله جهل نسبت به همین علم اما ممکن هم هست که کسی بگوید نه این الف لام «علم» الف و لام عهد نیست که این علم را بفرماید، مطلق علم هیچ علمی را برای این که می خواهی جاهل به آن باشی ترک نکن یک وقت انسان داعی ندارد و وقت ندارد آن بحث دیگری است اما به خاطر عناد با خود علم نباید علم را ترک کرد «و زهاده في العلم» دوم این که کسی علم را ترک کند به خاطر اینکه در تحصیل علم در داشتن علم زهد و کم رغبتی دارد «زهاده» یعنی بی رغبتی، بی علاقگی. علم را به خاطر این که به آن رغبت نداری، ترک نکن. یعنی این جور نباشد که برایت دانستن چیزی این قدر کم اهمیت باشد که در آن بی رغبتی نشان بدهی «و استحياء من الناس»به خاطر حیاء از مردم هم علم را ترک نکن، برای بعضی تحصیل علم كأنه خلاف شأن و مرتبه است؛ در حالی که اگر گوش بکنند، بنشینند، فرابگیرند، تحصیل بکنند، برای آنها مراتبی را هدیه و اعطا خواهد کرد؛ در عین حال نمی خواهند؛ برای اینکه حیا می کنند از تحصیل علم، کانه شأن خودشان را از تحصیل علم اجل می دانند! به خاطر این سه چیز علم را ترک نکن، حالا یک وقت انسان می خواهد علمی تحصیل کند که وقت ندارد آن بحث دیگری است؛ یا می خواهد علمی تحصیل کند که پول تحصيل آن را ندارد، استاد آن را ندارد، این مانعی ندارد اما ترک تحصیل علم به خاطر این نباشد که با بی رغبت هستی یا رغبت در جهالت داری یا به خاطر استحياء از مردم

بی فایدگی علم بدون نشر و عمل در نظر امام صادق عليه السلام

«والعلم المصون كالسراج المطبق عليه» علمی که انسان آن را پوشیده بدارد و در معرض تبلیغ و تعلیم و عمل در نیاورد مثل چراغی است که روی آن را بپوشانند، یعنی بی فایده است نور آن به کسی نخواهد رسید.

جایگاه فرهنگ

فرهنگ توحیدی؛ فرهنگ آزادی از قید ها و گرفتاری ها

فرهنگ انقلاب ما فرهنگ توحيد و عبودیت خدا به معنای آزاد شدن از همه قیدها، بندها و رستن از همه گرفتاری ها است و فرهنگ اسلامی به معنای واقعی آن است و باید این فرهنگ در همه کتب ادبیات ما منعکس شود.

اهمیت فرهنگ

فرهنگ در حقیقت همه چیز یک جامعه است هیچ بنیاد اجتماعی و اقتصادی بدون اتکا به یک فرهنگ، شکل نمی گیرد.

فرهنگ؛ جهت دهنده ذهنیت ها و رفتارها

فرهنگ جهت دهنده ذهنیت های انسان و عامل اصلی و تعیین کننده رفتارهای فردی و اجتماعی است و می تواند زمینه مناسب را برای شکوفایی استعدادها و توانایی های یک ملت به وجود آورده به همین دلیل اگر باورها و معیارهای بالنده و تعالی بخش یک ملت به هر دلیل تضعیف شود، آینده آن جامعه با مشکل روبرو خواهد شد.

تاثیر دین بر فرهنگ جامعه

خصوصیت دین این است که وقتی وارد جامعه ای شد فرهنگ آن جامعه را تغییر می دهد دین آنچه را که در یک جامعه مضر است از بین می برد و آنچه را که ناقص است کامل می کند آنچه را که ندارند، به آنها می دهد دين در حقیقت تهذیب کننده اخلاق جامعه و تغییر دهنده و تسریع کننده فرهنگ جامعه است.

محتوای غنی فرهنگ اسلامی

اسلام که یک مکتب و یک طرح برای زندگی و یک انقلاب است، ما وقتی از ابعاد مختلف به آن نگاه می کنیم این چیزها را در اسلام می بینیم اسلام یک پیام الهی به انسانها برای سعادت و رستگاری است لذا فرهنگ اسلامی کلیه این ذهنیت ها و حالات و منش هایی است که از اسلام می جوشد و لذا تفکر اسلامی و اخلاق اسلامی جزء فرهنگ اسلامی است و همین طور است سنن و آداب اسلامی و همچنین هنر اسلامی به معنای درست هنر اسلامی نه هنر وارداتی که مسلمان ها از آن استفاده می کنند و خلاصه همین چیزهایی که در جامعه مسلمان ها از خارج از آن جامعه گرفته شده و رنگ اسلامی گرفته و خودمانی شده آن هم همین طور.

شما ملاحظه می کنید بسیاری از آداب و سننی که حتی در صدر اسلام در میان مسلمان ها رایج شد چیزهایی بود که قبل از اسلام به مسلمان ها میراث رسیده بود منتها اسلام آن آداب و سنت را از محتوای جاهلیت خالی کرد و به آنها محتوای الهی داد و یا به آنها در کنار بقيه زوایای فرهنگ اسلامی رنگ اسلامی بخشید.

جذب فرهنگ های دیگر

یک فرهنگ دارای عناصر زاینده و پویا و مفید و سازنده باید فرهنگ های دیگر را جذب کند و این در اسلام نه فقط در مورد نهى قرار نگرفته بلکه حتی مورد امر هم قرار گرفته که «اطلبو العلم ولو بالصین» در رابطه با همین مطلب است و گرایش جوامع اسلامی صدر اول به اخذ تجربیات و نظرات ملت هایی که با جامعه اسلامی ارتباط داشتند به خاطر همین است و لذا نه تنها این چیز بدی نیست بلکه چیز لازمی هم هست زیرا شرط زنده ماندن و استمرار یک فرهنگ این است که دائم جذب و دفع داشته باشد و در کنار جذب و دفع با فرهنگ های دیگر بده بستان هم داشته باشد.

مفهوم توسعه فرهنگی و سیاسی

توسعه فرهنگی و سیاسی این است که انسان ها در جامعه احساس کنند که می توانند درست بیاندیشند درست بفهمند و درست فرا بگیرند.

نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی اگر بخواهیم توسعه اقتصادی را به معنای صحیح کلمه در جامعه راه بیندازیم احتیاج به تلاش فرهنگی داریم اگر ما روی فرهنگ عمومی کار نکنیم در توسعه اقتصادی هم خواهیم ماند. این تازه در صورتی است که ما محور را توسعه اقتصادی بگیریم البته در جامعه اسلامی محور این نیست توسعه اقتصادی وسیله است که به هر حال ما از هر طرف که حرکت می کنیم، می بینیم که به فرهنگ می رسیم و راه ها واقعا به فرهنگ ختم می شود برای فرهنگ باید کار کرد.

رشد علمی و فرهنگی جامعه وظیفه همگانی

پرداختن به کسب علم و دانش و رشد فرهنگی، خاص هیچ قشر و گروهی نیست. تلاش برای زمینه های رشد فرهنگی جامعه و فراگیری و عمومیت دادن به این امر مهم، از ضروریات انقلاب فرهنگی است.

اهمیت فرهنگ و نقش آموزش و پرورش در آن

جنگ چیز مهمی نیست و یک روز تمام می شود و آن چیزی که مهم است فرهنگ این مملکت است آن چیزی که لازم است توان صرف ساختنش شود، فرهنگ مملکت است که در این زمینه آموزش و پرورش نقش مهمی دارد، ....... آموزش و پرورش تولید کنندگان جامعه هستند.

عوامل شکست فرهنگی

اگر ندانید که دشمن کار می کند یا از آن که می داند فرمان نبرید، از فرماندهی فرهنگی دستور نگیرید، یا اگر او از نیروی شما استفاده نکند و مانور یا سازماندهی را درست انجام ندهد، پشت سرش شکست است.

تهاجم فرهنگی علیه اصل اسلام

تهاجم فرهنگی عظیمی علیه اسلام هست که ارتباط مستقیمی با انقلاب ندارد این تهاجم وسیع تر از انقلاب و عليه اسلام است چیز عجیب و فوق العاده ای است که با تمام ابعاد فرهنگی و اجتماعی و سیاسی علیه اسلام.. است ... حتى اسلام به معنای اعتقاد عوامانه ی مردم هم مورد تهاجم است چه برسد به اسلام ناب و انقلابی ... از قدیم نسبت به اسلام همین احساس را می کردند که آن هم ناشی از چیزهایی بود که از اسلام دیده بودند.

احیای فرهنگی اسلامی و عوامل آن

ما در زمینه های مختلف علمی و فرهنگی از قرن های گذشته مسلمین یادگارهای بسیار ارزنده ای داریم که باید اینها را احیا کنیم زیرا زنده کردن کتابها و مولفات گذشته در زمینه های مختلف نقش زیادی دارد و از جمله چیزهایی که باز در احیای این فرهنگ نقش دارد این است که دانشگاه هایمان را به صورت حقیقی کلمه اسلامی کنیم. چون اگر دانشگاه ها اسلامی شد زمینه بسیار مناسبی برای اسلامی شدن فرهنگ کلی جامعه به وجود می آید. برای اینکه دانشجویان امروز می توانند تعیین کنندگان و نقش دهندگان فرهنگ فردای جامعه باشند همچنین لازم است بر نشر كتب یک نظارت دقیق و سنجیده ای وجود داشته باشد تا هر سخن سست و بی مبنایی به نام اسلام پخش و گفته نشود و سخنان موذیانه و خصمانه نسبت به اسلام به صورت گمراه کننده در ذهنیت مردم اثر نگذارد و لذا مطبوعات، کتاب ها، دانشگاه ها و مدارس و حوزه های علمیه، همه نقش خودشان و سهم خودشان را در احیای فرهنگ اسلامی می توانند داشته باشند و دارند.

اما نقش امت حزب الله همانطور که می دانید هر کاری از کارهای تخصصی و ویژه به یک جمعی از امت حزب الله تكيه خاص دارد و به جمع دیگر تكيه عام، لذا تكیه و کار فرهنگی به همان عناصر فرهنگی و افرادی که مشغول تحصیل و تعلیم و تعلم و کار فرهنگی هستند تكيه خاص دارد؛ اما تكيه عام که به مردم است. مردم باید درس بخوانند کتاب بخوانند، سواد آموزی کنند، قرآن بیاموزند و به مراکز فرهنگی و کتابخانه ها مراجعه کنند و کودکان خودشان را به دانش و مطالعه تشویق کنند زیرا همه این ها کمک خواهد کرد به اینکه یک پایه و یک سطح راقی فرهنگی به وجود بیاید و آن سطح بلند و راقی (پیشرو) فرهنگی کمک خواهد کرد تا ان شاء الله بتوانیم فرهنگ اسلامی را به طور همه جانبه پیاده کنیم.

نتایج حذف ارزش های والای انسانی

قدرت های ستمگر عالم، به خصوص در صد سال اخیر بر معنویت و ارزشهای والای انسانی در زندگی جوامع بشری پای فشرده اند و نتیجه آن گسترش فسادهای اخلاقی و اعتیاد و بی بند و باری و ویرانی بنیان خانواده و نیز رشد استثمار و افزایش فاصلهی میان ملت های فقیر و غنی و دوری روزافزون از عدالت اجتماعی و بی اعتنایی به کرامت انسان و تولید سلاح های مرگبار و افزایش کشتارهای دسته جمعی گردیده است، علم نیز مانند انسان، قربانی حذف معنویت و بی اعتنایی به ارزش های دینی شده است.

فرهنگ غرب و آثار آن

برنامه ریزی برای فساد انسان است، فرهنگ دشمنی و بغض با ارزش ها و درخشندگی ها و فضیلت های انسانی است، فرهنگی است که همچون ابزار در اختیار خداوندان زور و زر و امپراتوران قدرت است. با این فرهنگ در صددند نسل بنی آدم را از همه فضایل انسانی تهی دست کنند و انسانها را به موجودات فاسد و مطيع و تسلیم و غافل از یاد خدا و معنویت تبدیل کنند. منافع آنها جز از طریق گسترش این فرهنگ تامین نمی شود این فرهنگ برهنگی و اختلاط و امتزاج بی قید و شرط زن و مرد باهم است که یکی از پایه های اصلی فرهنگ غربی می باشد و از روز اول برای فساد انسان ها و خروج انسانیت از دایره فضایل انسانی بنیان گذاری شد. آنها که دلشان برای انسانیت نسوخته است. بزرگترین ایستگاه های تلویزیونی و رادیویی، از آن صاحبان بزرگترین کارخانه ها و معادن و منابع و عظیم ترین ثروت ها است. تشکیلات صهیونیستی برای فساد نسل بشر، از حدود ۱5۰ سال پیش شروع به برنامه ریزی و اشاعه فساد و فحشا کرده اند. آنها زن ها را از عفت بشری خارج ساختند؛ به طوری که حتی زن های اروپا و آمریکا هم به شدت پنجاه ساله اخیر دچار فحشا و فساد و دوری از فضائل انسانی نبوده اند. زنان کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای دوردست که جای خود دارد. همچنین مردها را به فساد و راحت طلبی و تنبلی و عشرت جویی و مصرف گرایی کشاندند و به قبول وضع زندگی حیوانی واداشتند. برای اینکه از طرف مرد ها و زن هایی که در کشورهای مختلف عالم زیر فشار استبداد و استعمار این قدرت ها قرار می گیرند، توحید تهدید نشوند، مغزها را فاسد کردند.

استانداردهای جهانی برخاسته از فرهنگ غربی

وقتی که می خواهند بگویند فرضا جمهوری اسلامی باید این تکالیف را انجام بدهد، آنچه که بیشتر از همه چیز روی آن تکیه می شود، این است که بایستی خودش را با استانداردهای جهانی تطبیق بدهد و استانداردها یعنی همین چیزهایی که منطبق با الگوی فرهنگی غربی است.

ضرورت احیای فرهنگ اسلامی

امروز بنیان خانواده در غرب و در اروپا بخصوص در آمریکا و اروپای شمالی متلاشی شده است امروز جوانان احساس راحتی نمی کنند نسل جوان در زیر سایه تمدن غربی احساس حیرت، اضطراب، سرگشتگی و عدم آرامش می کند امروز دنیا اسلام حقیقی را می خواهد ما برای اینکه احکام اسلام را برای مردم تبیین کنیم باید از واژه های خود اسلام استفاده کنیم؛ واژه های فرهنگ غربی را که دقیقا معانی اسلامی را حکایت نمی کند به کار نبریم ... ما باید فرهنگ اسلامی را زنده کنیم.

تهاجم حقیقی به فرهنگ اسلامی

امروز به خصوص نسبت به فرهنگ اسلامی، تهاجم همه جانبه هست؛ به خصوص امروز که بیداری اسلامی است بحمدلله کشورهای اسلامی بیدار شده اند حکومت های اسلامی احساس استقلال می کنند کشورهای اسلامی احساس عزت می کنند هیچ مشکلی بالاتر از این نیست که یک ملت از لحاظ فرهنگی مقهور فرهنگ بیگانگان باشد. ما در دنیای اسلام بایستی این را از بین ببریم. برادران عزیز من دهها سال، سلطه های اروپایی و اخير آمریکایی - در این چند ده سال اخیر - سعی کردند که در کشورهای اسلامی فرهنگ خودشان را بر فرهنگ اسلامی غلبه بدهند در همه جوانب گوناگون سعی کرده اند آنها را غالب کنند؛ فرهنگ خودشان را در جامعه فرهنگ مسلط کنند، این یک هجوم و یک مهاجم حقیقی است.

کار فرهنگی روح همه فعالیت ها

آن کار اقتصادی و مادی ما، جسمی است که روح و جان آن، کار فرهنگی است اگر آن را غلط انجام دادیم، مثل این است که جسمی داریم با روح بد.

اثر صد در صد کار فرهنگی

اگر فایده کار ذهنی کم باشد باید در کیفیت برنامه ریزی خودمان تردید کنیم، اثر کار فرهنگی صد درصد است و هیچ کار فرهنگی درست، بدون اثر نیست. راز کار فرهنگی را تبلیغاتچی های جهانی می دانند اگر این همه پول خرج می کند و رادیو و خبرگزاری راه می اندازند، به این دلیل است که آثار و نتایج کار فرهنگی را می دانند. تاثیر هیچ سرمایه گذاری ای مثل کار فرهنگی قطعی و نتیجه اش صد در صد نیست. اگر کار فرهنگی کم تأثیر باشد، بدانیم که ارکانش ناقص است و به میزان لازم انجام نگرفته است باید عیب آن را یافت و اصلاح کرد.

هراس استکبار از ارزش های اسلامی

دشمنان این انقلاب، از جمله تدابیری که در کنار دزدیدن مغزها و بردن استعدادها و تبلیغات سوء در سراسر عالم و بزرگ جلوه دادن عیب های کوچک و پوشاندن محاسن بزرگ و درخشندگی ها اندیشیده اند، یکی همین است که در محیط علم و روشنفکری و آگاهی و معرفت بذر بی ایمانی بپاشند و آن را ترویج کند این دشمنی با انقلاب و با اسلام است.

امروز استکبار جهانی از ایمان عمیق در هر مردمی، خائف و هراسان است. امروز دستگاه سلطه طلب و سلطه گر جهانی می داند آن چیزی که در مقابل او خواهد ایستاد، انسان های با ایمان و غیور و معتقد به یک سلسله اصول و ارزش ها هستند و فقط در مقابل سلطه طلبی و زورگویی دستگاه استکبار می ایستند، دشمن از اینها می ترسد و با آنها مقابله می کند.

توجه خاص به جبران خسارت های فرهنگی ما دیر به فکر مسئله فرهنگ افتادیم و خسارت های فرهنگی چیزهایی است که باید مورد توجه خاص قرار گیرد و رفع شود و ما در کوتاه مدت متوجه خسارات ناشی از ضعف توجه به فرهنگ نمی شویم، چرا که در بلندمدت آثار آن ظاهر می شود و وقتی خسارت آن احساس شد، دیگر قابل جبران نیست. چون فرهنگ چیزی نیست که بتوان آن را مانند اجناس و ارزاق از سایر کشورها وارد کرد یا از جایی وام گرفت.

خسارت های فرهنگی به جای مانده از کشور گشایی مغول

چون دوران مغول یکی از آن دوران های فوق العاده سخت برای عالم اسلام است و همان طور که می دانید عالم اسلام آنچه را در دوران مغول از دست دادن چیزی نیست که ممکن باشد در ظرف یک قرن و دو قرن و سه قرن بر گردد و من شک دارم که تا الان هم آنچه از منابع اصیل فقهی اسلامی که در حمله مغول از دستمان رفته آيا توفيق داشتیم آنها را به دست بیاوریم یا نه؟ و شاید اگر حمله مغول پیش نمی آمد و اگر این قدر کتابخانه و عالم و این همه کتاب از بین می رفت الان چیزهایی از آن روز داشتیم که اصلا در سرنوشت جهان اسلام و تمدن اسلامی تأثیر می گذاشت.

... حمله کنندگان در دوران مغول مردمانی بودند که هدفی جز ملک گشایی آن هم در شکل نیمه وحشی آن نداشتند یعنی میخواستند سرزمین ها را بگیرند اما قصد انهدام فرهنگ و نابودی فرهنگ قائم در این کشور را نداشتند به این دلیل که بالاخره خودشان هم به این فرهنگ گرویدند یعنی مسلمان و حتی تعدادی از آنها شیعه شدند و ما می دانیم که آثار فرهنگی اولجایتو و گوهر شاد و سایر سلطان ها و افراد قبایل و نوادگان مغول و تیمور در ایران الان هم هست ،یعنی اینها آمدند برای اینکه آب و خاک را بگیرد اما نتیجتا در کنار کشتار و خونریزی و ملک گشایی، نابودی فرهنگ و فرهنگیان هم وجود داشت.

نقش حكام قبل در تخریب فرهنگ ملی

به نظر بنده دوره قاجار جزو تاریکترین دوره های تاریخ ایران است بنده بارها گفتم خدا لعنت کند پادشاهان قاجار را که در دوران پیشرفت و علم و آن وقتی که وقت بهره گیری از علم و فرهنگ بود این ها آن کاری را که باید بکنند، نکردند و ایران را به این روز انداخته اند.

اما خاندان پهلوی کاری کردند که به مراتب از آنچه که در دوران قاجار وجود داشت، بدتر بود زیرا اینها پایه های فرهنگ خودی را متزلزل و ویران کردند فرهنگ وارداتی را جایگزین نمودند و آن را در اغلب شؤون ما نفوذ دادند.

معضلات فرهنگی بر جا مانده از سلاطين قاجار و پهلوی

ما به عنوان یک کشور از سطح دانش جهانی و تکنولوژی جهانی و پیشرفت های جهانی خیلی عقب هستیم. سلاطين در این یکی دو قرن به ما ظلم زیادی کرده اند ما را عقب نگه داشتند و نگذاشتند دانش و فرهنگ و معارف درست بیاید در این کشور.

ناصرالدین شاه قاجار از اسم قانون بدش می آمد از اینکه کسی برود به خارج و بگوید بدش می آمد، از اینکه معلومات خارجی به کشور بیاید بدش می آمد. یک چهار صباحی از روی هوس یک کارهایی انجام دادند، بعد که دیدند ممکن است یک وقتی به آنها صدمه بخورد ما را از معلومات دور نگه داشتند و خاندان پهلوی بدتر از آنها و یک جور دیگر مردم را سرگرم به شهوات کردند. بخش های فاسد فرهنگ فرنگی را به جای آن قسمت خوب و قابل استفاده اش مسلط کردند. به هر حال وقتی ما به اروپا رفتیم دانشی را از اروپایی ها یاد گرفتیم و برگشتیم که شدیم یک آدم شهوتران، یک آدم بی وجدان، آدم بی اراده، یک آدم بی دین؛ این دانش چه فایده ای به حال مردم ما خواهد داشت کما اینکه دیدیم کسانی را از خارج رفته ها که علم هم تحصیل کردند و برگشتند اما به حال کشورشان نافع نشدند و کاری برای این مملکت نکردند و مملکت همین طور مانده، این سینه آن ها است. سیئه این سلاطينی که حداقل در این دو قرن اخیر هیچ چیز نمی فهمیدند و هیچ چیز جز منافع خودشان سرشان نمی شد. از زمان فتحعلی شاه و محمد علی شاه و ناصر الدین شاه بگیرید تا زمان محمدرضا و پدرش یعنی این دو جنایتکار بزرگ یک ملت باهوش و با استعداد و دارای سابقه دانش و فرهنگ همین طور ماندند تا رقبا و دشمنان او و ملت های دیگر، یکی پس از دیگری پله های پیشرفت را طی کردند.

بیماری فرهنگی

ما باید متناسب با دشمنی و خصومت دشمن برنامه ریزی کنیم، در مسئله فرهنگ عمومی همین که مشاهده می کنیم در جامعه ما مثلا در پیچ و خم ادارات و دستگاه های دولتی و به خصوص در بعضی از ارگانها که شکایت زیادی از آنها می شود کارهای مردم، روان انجام نمی گیرد و امروز و فردا می شود و دردمندانه و دلسوزانه با کار مردم برخورد نمی گردد به خاطر یک نقص و بیماری فرهنگی است.

یا اگر مشاهده می کنیم که افراد کارآمد فکری ما در دانشگاه ها و کارگاه ها و مراکز تحقیق به نوآوری ها که برای یک محقق نان و آب و شهرتی ندارد، اما زحمت زیادی دارد، کمتر تن می دهند و به کارهای آسان تر و سهل تر تسلیم می شوند، یک بیماری فرهنگی است.

این تحقیقات عظیمی که در دنیای علم شده به وسیله چه کسانی انجام شده است؟ غالبا به وسیله کسانی که در دوره تحقیق مردمان ای مردمان نام آوری نبودند و روی عشق به تحقیق و علم و محصول کار تحقیقی خود کاری را با زحمت شروع کردند و رنج آن را بر خود هموار ساختند انجام شده است. نتیجه این کار چیز عظیمی برای یک ملت شده است. البته سیاست ها هم از محصول علمی و تحقیق آنها بدخواهانه سوء استفاده کرده اند که ما نمی توانیم سوء استفاده سیاست ها را به حساب نفس تحقیق و انگیزه آن بگذاریم.

اگر اینها را کم داریم ناشی از یک بیماری فرهنگی در ماست ما باید این را علاج کنیم این ربطی به کار مدرسه و دانشگاه و امثال اینها ندارد بلکه نگرش و فعالیت و تلاش فرهنگی سازمان یافته ی دیگری را می طلبد و ما باید آن را انجام بدهیم. حقیقتا یکی از کارهای مهم شورای عالی انقلاب فرهنگی نگرش به فرهنگ عمومی و پیدا کردن و شناختن بیماری های فرهنگی امروز کشور ما و یافتن علاج این بیماری ها با دید متخصصان و البته دردمندانه و انقلابی و توصیه آنها به دستگاه های گوناگون است.

خطر تهاجم فرهنگی غرب مسلح به فساد

دوران تهاجم فرهنگی غرب یعنی تهاجم سیاسی و اقتصادی و طبعا فرهنگ طاغوت خطرناک تر از دوران مغول است به خاطر این که مهاجمان این دوران هوشیارتر و آگاه تر و مسلح تر به سلاح های فاسد بودند.

ظلم های فرهنگی نظام پیشین

ایرانیان این افتخار را دارند که همواره پرچمدار گسترش دانش و فرهنگ در دوره بعد از اسلام در همه رشته ها بوده اند... سالیانی را این ملت با بدی و بدبختی و سیه روزگاری گذرانده است آن تحقیر انسان ها و امتیاز گرایی در طبقات که در نظام پیشین بود دیگر وجود ندارد امروز این نظام مردمی است و ارزشها ارزش های متعالی اسلامی و انسانی است.

تفاوت تبادل فرهنگی با تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی متفاوت است. تبادل فرهنگی لازم است و هیچ ملتی از اینکه معارفی را در تمام زمینه ها از جمله فرهنگ و مسائلی که عنوان فرهنگ به آن اطلاق می شود از ملت های دیگر بیاموزد، بی نیاز نیست. در همیشه تاریخ هم همین طور بوده و ملت ها در رفت و آمدهایشان با یکدیگر، آداب زندگی، خلقیات، علم، نحوه لباس پوشیدن، آداب معاشرت، زبان، معارف و دین را از هم فرا گرفته اند. این مهم ترین مبادله ملت ها با هم بوده که از تبادل اقتصادی و کالا هم مهم تر بوده است. بسیار اتفاق افتاده که این تبادل فرهنگی به تغيير مذهب یک کشور انجامیده است مثلا در شرق آسیا یعنی در ناحیه شرقی منطقه اسلامی، بیشترین چیزی که اسلام را به کشورهایی مثل اندونزی، مالزی و حتی قسمت های مهمی از شبه قاره برده دعوت مبلغین نبود بلکه رفتار آحاد ملت ایران بود و سیاهان ایرانی به این مناطق رفتند و شما می بینید در سایه همین رفت و آمدها یک ملت بزرگی که امروز شاید بزرگترین ملت اسلامی در آسیا باشد یعنی کشور اندونزی مسلمان شدند اسلام را برای اولین بار نه مبلغین دینی به آنجا بردند و نه شمشیر و جنگ، بلکه همین رفت و آمدها برد. خود ملت ما در طول زمان از ملت های دیگر خیلی چیزها آموخته است و این برای تازه ماندن معارف و حیات فرهنگی در سرتاسر عالم یک روند ضروری است، این معنی تبادل فرهنگی است که خوب و مطلوب است. در تبادل فرهنگی ملت گیرنده فرهنگ چیزهای مطبوع، دلنشین، خوب و مورد علاقه را می گیرد. فرض کنید ملت ایران می بیند اروپایی ها ملتی هستند سخت کوش و دارای روح خطر کردن. اگر ملت ما این صفات را از آنها یاد بگیرد، خیلی خوب است یا این که ملت ما می رود به اقصی نقاط شرق آسیا می بیند که مردم آنجا مردمی هستند دارای وجدان کار علاقمند و مشتاق به کار وقت شناس دارای نظم و انضباط دارای محبت بین خود و دارای حسن ادب و احترام این خصوصیات را از آنها می گیرد که خیلی هم خوب است. در تبادل فرهنگی ملت فراگیر نده نقاط درست و چیز هایی که فرهنگ او را کامل می کند تعلیم می گیرد؛ مثل یک انسانی که ضعیف است و دنبال غذا یا دوای مناسب می گردد تا آن را مصرف کنند و سالم بشود. در تهاجم فرهنگی چیزهایی را که به ملت مورد تهاجم می دهند خوب نیست و بد است مثلا وقتی اروپایی ها تهاجم فرهنگی را به کشور ما شروع کردند، روحیه وقت شناسی، شجاعت خطر کردن در مسائل و تجسس و کنجکاوی علمی را برای ما نیاوردند و سعی نکردند تا با تعلیمات و تبلیغات و پیگیری ملت ایران یک ملت دارای وجدان کار و وجدان علمی بشود. آنها فقط بی بند و باری جنسی را وارد کشور ما کردند. ملت ما در طول هزاران سال دوران اسلامی دارای مبالات جنسی یعنی رعایت های مربوط به مرد و زن بود. البته نه به این معنی که کسی خطا و تخلف نمی کرد. خطا همیشه، در همه دورانها و در همه زمینه ها بوده و هست و همواره افراد و بشر خطا می کنند. خطا کردن غیر از این است که یک خطایی عرف جامعه و ملت بشود.

اهمیت مخاطبان با فرهنگ

اگر این انقلاب مخاطبان با فهم و فرهنگی داشته باشد محال است قطره ای از آب زلال این انقلاب به هدر برود و تماما جذب خواهد شد.

ارتباط اقوام و ملل مایه ی رشد فرهنگی

بر اساس تفکر اسلامی، برقراری ارتباط میان اقوام و ملل مختلف از آن جهت که مایه آگاهی بیشتر و رشد توانایی های بالقوه و ذهنی و علمی آحاد و اجتماعات انسانی می گردد؛ مورد احترام است.

مقابله با مثل با تهاجم فرهنگی

نبرد فرهنگی را با مقابله به مثل می شود پاسخ داد. کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی شود جواب داد. تفنگ او، قلم است این را می گوییم تا مسئولان فرهنگ کشور و کارگزاران امور فرهنگی در هر سطحی و شما فرهنگیان عزيز - اعم از معلم و دانشجو و روحانی و طلبه و مدرس تان، تا دانش آموز تان و تا کسانی که در بیرون این نظام آموزشی کشور مشغول کارند- احساس کنید که امروز، سرباز این قضیه شمایید و بدانید که چگونه دفاع خواهید کرد و چه کاری انجام خواهید داد.

مثل جنگ نظامی، چشم ها را باید باز کرد و صحنه را شناخت. در جنگ نظامی هم هر طرفی که بدون شناسایی و دیده بانی و بدون دانستن وضعیت دشمن چشمش را ببندد، سرش را پایین بیندازد و جلو برود، شکست خواهد خورد. در جنگ فرهنگی هم همین طور است اگر ندانید که دشمن کار می کند یا از آنکه می داند فرمان نبرید از فرمانده فرهنگی دستور نگیرید یا او از نیروی شما استفاده نکند من مانور و سازماندهی را درست انجام ندهد پشت سرش شکست است.



جمهوری اسلامی ایران

وزارت آموزش و پرورش

**مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت**

**رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران )اصول تربیت(**

**صفحات(**185تا272)

**ویژه سنجش دانش حرفه ای مربیان تربیتی، معاونان پرورشی**

**مرکز برنامه ریزی منابع انسانی و امور اداری**

**آذر 99**

4-5. اصول تربیت

اصول تربیت قواعدی تجویزی و کلی اند، که جهت بیان چگونگی تحقق غایت تربیت (به مثابه معیار و راهنمای عمل عوامل سهیم و تأثیرگذار در جریان تربیت قرار می گیرند تا هر یک وظایف تربیتی خود را به نحو مطلوب انجام دهند. این اصول با نظر ترکیبی به مجموع مبانی تربیت وضع می گردند. به سخن دیگر، هر اصل ممکن است ناظر به مجموعه ای از مبانی باشد. هر چند، این«اصول» ماهیتی ثابت و نسبتا پایدار دارند؛ ولی محدوده کاربرد آنها ممکن است عام باشد (اصول عام که در انواع تربیت و نسبت به همه عوامل ونهادهای س هیم و تأثیرگذار در این فرایند اعتبار دارند و یا تنها در محدوده خاصی به کار گرفته شوند و معتبر باشند (اصول خاص).

توجه و التزام به اصول تربيت، به همه کارگزاران تربیتی کمک می کند تا تمامی مؤلفه های فرایند تربیت را به نحو شایسته، جهت تحقق غایت تربیت، ساماندهی نمایند. در واقع اصول تربیت، مجموعه ای از قواعد نظری هستند که اهداف کلی و جزئی، سیاستها و اولویتها و راهبردها، رویکردهای مدیریتی، تخصیص منابع مادی و مالی، تأمین و تربیت معلم و نیروی انسانی، رویکردهای کلان برنامه ریزی، حدود و ثغور مشارکت عوامل شریک و مؤثر در جریان تربیت، تدوین محتوای آموزشی، تنظیم فرصت ها و فعالیت های یادگیری، طراحی روش های یاددهی و یادگیری، شاخصها و شیوه های ارزشیابی و غیر آنها را تعیین می کنند. مجموعه اصول عامی که در پی می آید در راستای دستیابی به غایت تربیت و بیان چگونگی تحقق غایت تربیت توسط مجموعه عوامل و نهادهای سهیم و تأثیرگذار در تربیت و با توجه به تعریف تربیت و مبانی آن، تدوین گردیده اند.

در ادامه به بیان و تشریح اصول عام تربیت می پردازیم که از مبانی اساسی تربیت، استنباط شده اند. آنچه در شرح اصول می آید می تواند اشاراتی به مبانی مورد استناد آن اصل باشد و در عین حال مصادیق کاربردی اصل مذکور در عرصه عمل تربیتی نیز خواهد بود.

4-5-1 . انطباق با نظام معیاراسلامی

از آن جا که باید به دین، به مثابه آیین حیات طیبه و نظام معیار حاکم بر همه شئون آن در متن زندگی توجه داشت، ساماندهی جریان تربیت و همه مؤلفه های آن، که مهم ترین زمینه تحقق حیات طیبه اند، باید در چهارچوب نظام معیاری صورت پذیرد که مبانی و ارزش های آن بر آموزه های اسلامی (مفاهیم و گزاره هایی که به طور روشمند از منابع معرفتی معتبر اسلام - یعنی قرآن، سنت پیامبر اکرم(ص) و معصومین (ع) و عقل و یا در چهارچوب آنها بر حسب فرایند اجتهاد استخراج و استنباط شده اند) استوار و یا با آموزه های اسلامی سازگار باشند.

بنابراین، با آن که در شناخت و جهت دهی فرایند تربیت باید از یافته ها و نتایج انواع دانش بشری استفاده شود، لیکن با توجه به لزوم هدایت انسان بر اساس پذیرش ربوبیت تشریعی خداوند متعال به عنوان رب یگانه جهان و انسان جهت اساسی جریان تربیت و مؤلفه های اساسی آن را نظام معیار اسلامی (مبانی و ارزشهای مبتنی بر دین اسلام یا سازگار با آنها مشخص می نماید، که این ویژگی مهم ترین وجه تمایز تربیت در دیدگاه اسلامی از تربیت سکولار رایج محسوب می شود.

4-5-2 اولویت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

باتوجه به لزوم انطباق همه شئون زندگی آدمی با نظام معیاراسلامی و ضرورت انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه آن توسط افراد جامعه، تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، نسبت به سایر ساحتهای تربیت، محوریت دارد و از اولویت برخوردار است. در فرایند تربیت، ضمن توجه به دیگر ساحتهای تربیت، باید در جهت شکل گیری و تقویت ایمان متربیان (انتخاب والتزام آگاهانه و آزادانه ایشان نسبت به نظام معیاراسلامی) گام برداشت و سپس آنها را برای درک موقعیت وعمل شایسته (اعمال صالح منطبق با نظام معیاراسلامی) در همه ابعاد زندگی جهت تکوین وتعالی پیوسته هویت خویش براساس نظام معیار اسلامی آماده ساخت. بنابراین تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی هم پیش نیاز سایر ساحتهای تربیت تلقی می شود و هم بخشی در هم تنیده با آنها به شمار می آید. |

4-5-3 ارتباط با خداوند و تکیه بر تدابیر ربوبی او

از آنجا که در نگرش اسلامی خداوند متعال به مثابه یگانه مربی حقیقی آدمی محسوب میشود که تنها به اذن وعنایت او تدابیر و اقدامات تربیتی دیگران در جهت تحول و هدایت آدمی معنا پیدا می کنند(انک لا تهدى من احببت ولكن الله يهدي من يشاء)، لذا مربیان در همه مراحل و انواع تربیت بایدهمین نگرش توحیدی را براندیشه و عمل خود حاکم سازند و از آغاز تا انجام فرایند تربیت، خود را در این حرکت پیچیده، فعال مایشاء و عامل مستقل نپندارند و لذا لازم است همواره در عین استفاده از انواع روش ها و ابزارهای عقلائی و بهره مندی از محصول فکر و تجربه متراکم بشری (البته در چارچوب نظام معیار دینی)، با ارتباط معنوی با رب العالمين و استمداد و استعانت از الطاف ربوبی، بر ربوبیت مطلقه الهی توکل نمایند.

4-5-۴تدریج و تعالی مرتبتی

تعالی و تکامل در وجود آدمی دارای مراتبی است که هر فرد متناسب با توانایی و ظرفیت های وجودی خویش به آن دست می یابد ورشد همه جانبه و متعادل، دارای جایگاه ورتبهای از پیش مشخص شده و یک سان برای همگان نیست، بلکه طی مراتب متعددی صورت می پذیرد که هر فرد می تواند به تدریج به آنها بر حسب وسع و سعی خویش دست یابد. همچنان که تحقق حیات طیبه نیز امری ذومراتب است، به طوری که هر فرد با توجه به تلاش و امکانات وجودی اش

س طوحی از این نوع حیات را محقق می کند و می تواند به ترتیب مراتب بالاتر را نیز درنوردد. از این رو، تربیت را باید فرایندی ذومراتب وتدریجی در طول حیات بشری تلقی کرد که از س طوح پایین به مراتب عالی صورت می پذیرد. به این ترتیب که این فرایند، روندی تکاملی از تحقق مرتبه لازم و شایسته از حیات طیبه برای همگان، به س وی تحقق مراتب بالاتری از حیات طیبه برای برخی افراد جامعه دارد و برای نمونه از اصلاح ظاهر به تحول باطن، از الزام بیرونی به التزام ش خصی متربیان، از ارزیابی بیرونی به ارزیابی توسط خود شخص، از انگیزه های دنیایی به انگیزه های اخروی، از انگیزه های س طح پایین به نیات متعالی و از انگیزه های فردی به انگیزههای جمعی ارتقا می یابد.

4-5-5 . عقل ورزی

براساس این اصل، در فرایند تربیت از یک سو باید، در سیاست گذاری ها، برنامه ریزی ها، ارزیابی ها، تصمیم گیری ها و اقدامات تربیتی، به دستاوردهای معتبر دانش بشری و نتایج پژوهش های معتبر و ساز و کارهای استفاده از خرد جمعی مانند مشورت (به شرط سازگاری با مبانی دین اسلام) توجه نمود و از سوی دیگر در جریان تربيت، به مثابه یک عمل فکورانه، مربیان و متربیان باید، تا حد امکان، نسبت به خردورزی و نقادی مداوم عمل خود و دیگران اهتمام ورزند.

4-5-6 اعتدال

همان طوری که حیات طیبه همه شئون وجودی انسان را به طور متعادل در بر می گیرد، فرایند تربیت نیز باید اولا تمام ابعاد زندگی متربیان را پوشش دهد و ثانیا با توجه به لزوم رعایت اعتدال و توازن در همه امور و شئون حیات طیبه، باید بر تمام فعالیت ها و برنامه های تربیتی توازن و اعتدال حکم فرما باشد و از تعیین اهداف و سیاستها تا برنامه ریزی و اقدام و اصلاح، از یک سونگری و افراط و تفریط و بی توجهی به حدود و معیارها پرهیز شود. بدیهی است ملاک تشخیص حد وسط و تعادل در این میان، همان نظام معیار دینی است.

4-5-7 .سندیت و مرجعیت مربیان در فرایند تربیت، مربیان که به لحاظ کسب شایستگی های فردی و جمعی و وصول به مرتبه شایسته ای از حیات طیبه مسئولیت کمک به هدایت متربیان را برعهده گرفته اند، نقش اصلی را در طراحی و انجام تدابیر و اقدامات زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان برعهده دارند و گام نخست و محوری در این فرایند را با فراهم آوردن شایسته مقتضیات رشد متربیان ورفع و دفع موانع آن (البته متناسب با خصوصیات و موقعیت متربیان) بر می دارند. سندیت ومرجعیت نظری و عملی مربیان در فرایند تربیت ناشی از مسئولیت و شایستگی اخلاقی - حرفهای ایشان است و باید با تأسی از سیره تربیتی انسان کامل (پیامبر (ص) و امام معصوم(ع)) شکل بگیرد. البته در این فرایند با عنایت به خصوصیت اراده و اختیار آدمی، مربی نسبت به متربی فعال ما يشاء نیست، لذا در فرایند تربیت این مرجعیت مربیان به صورتی معنا می شود که با حضور فعال متربیان و لزوم حرکت ایشان به سوی تحقق اختیاری اهداف تربیت منافات نداشته باشد.

4-5-8 حفظ و ارتقای آزادی متربیان آزادی اراده و عمل، که وجه امتیاز انسان بر دیگر موجودات و واقعیتی غیر قابل انکار است، نه تنها باید در امر تربیت پاس داشته شود، که باید همچون معیاری برای ارتقای مرتبه وجودی انسان منظور گردد و توسعه یابد. آزادی اراده و عمل در جنبه های مختلف آن (شامل آزادی عقیده، بیان، گوش کردن و فعالیت باید به طور معقول و در چهارچوب نظام معیار اسلامی مورد نظر قرار گیرد. براین اساس علاوه بر جنبه سلبی آزادی، یعنی رفع موانع و محدودیت ها در جهت زمینه سازی برای رشد همه جانبه، جنبه ایجابی آن، یعنی فراهم آوردن امکانات و فرصت های مناسب برای شکوفایی اختیار و افزایش قدرت انتخاب و عمل آزادانه متربیان نیز باید مورد نظر قرار گیرد. بر این اساس و با توجه به شرایط و تحولات امروزی، لازم است در فرایند تربیت توانایی انتخابگری و انتخاب احسن در متربیان پرورش یابد. بنابراین برنامه های تربیتی باید مملو از فرصت های انجام فعالیت، گزینش، ترجيح، اولویت بندی و تمرین انتخابگری باشند تا فردیت افراد و استقلال آنان از بین نرود و ضمن آن که متربی با مشارکت در فعالیتهای اجتماعی، به کسب هویت جمعی مناسب نایل می آید، ترتیبی اتخاذ شود که تشخص او (بی آن که به دامن خودمحوری فروغلتد)حفظ شود و ارتقا یابد.

هرچند در عین حال، چه بسا در مراحل نخست رشد با توجه به آمادگی نداشتن متربیان برای انتخاب آگاهانه و آزادانه، لازم باشد تا آزادی ایشان به طور موقت، محدود گردد.

4-5-9 حفظ و ارتقای کرامت

باید در فرایند تربیت، کرامت ذاتی همه افراد مرتبط با این جریان حفظ و زمینه ارتقای آن فراهم گردد. بنابراین لازم است همه فعالیت های تربیتی چنان سامان یابند که نه تنها کرامت ذاتی همه افراد مرتبط با تربیت (اعم از مربیان، متربیان و اولیای ایشان حفظ شود (به گونه ای که نسبت به هیچ کس ولو افراد خطاکار با رعایت ارزش های انسانی و اسلامی مندرج در نظام معیاراسلامی، برخوردی تحقیر آمیز صورت نگیرد، بلکه لازم است همه افراد با احساس ارزشمندی و عزت نفس، زمینه پاسداشت کرامت خود و دیگران را فراهم آورند. هم چنین باید ترتیبی اتخاذ شود که افراد بکوشند علاوه بر حفظ کرامت خدادادی، با ایمان انتخاب آگاهانه و آزادانہ نظام معیار اسلامی) و انجام مداوم عمل صالح (منطبق با نظام معیار اسلامی) در صدد ارتقای مداوم و اختیاری کرامت خود برآیند.

4-5-10 عدالت تربیتی

رعایت عدالت تربیتی مهم ترین نقش را در پیشرفت عدالت همه جانبه و پایدار اجتماعی بر عهده دارد؛ اما عدالت تربیتی هرگز به معنای برابری و مواجهه یک سان با همه متربیان و نادیده گرفتن خصوصیات متفاوت آنان نیست بلکه برای برقراری عدالت تربیتی، عنایت به ویژگیهای مشترک و متفاوت متربیان و مربیان و توجه به کوشش آنان ونتایج آن ضروری است. از این رو در فرایند تربیت، از سویی باید فرصت های برابری برای همگان با توجه به ویژگیهای مشترک فراهم آورد و از سوی دیگر باید تفاوت های فردی (بین فردی و درون فردی)، فرهنگی و اجتماعی را در ارائه تربیت کیفی برای همه متربیان مورد ملاحظه قرار داد. در فرایند تربیت، هم چنین باید ویژگیهای متربیان در مراحل مختلف رشد از نظر دور نماند؛ زیرا شباهت تحولات مراحل رشد در افراد گوناگون و نیازها و ویژگیهای آن، برنامه تربیتی مشخص و نسبتا یک سانی را (به لحاظ اهداف، اصول، رویکرد، محتوا و روش ها برای آن مرحله اقتضا می کند. براین اساس نقش هریک از عوامل س هیم و تأثیر گذار در فرایند تربیت نیز در هر مرحله باید مشخص شود. بنابراین توجه به الگوهای رشد متربیان و تدریجی بودن تغییرات، همراه با توجه به ویژگیهای مشترک و متفاوت متربیان، امکانی جهت برقراری عدالت تربیتی است

با این همه، عدالت تربیتی ممکن است در مورد خصیصه های مشترک یا در مورد الگوهای مشابه تغییرات با تساوی و تشابه فرصت های تربیتی همراه باشد.

4-5-11 یک پارچگی و انسجام

در فرایند تربیت (به منزله امری واحد و یکپارچه)، باید ضمن توجه به هر یک از اجزا، ابعاد، انواع و ساحتهای تربیت و قبول مشارکت عوامل و نهادهای گوناگون در آن، با نگاه جامع و یک پارچه، از یک سونگری و حصر توجه به برخی مؤلفهها و تفکیک عناصر این فرایند پرهیز کرد. برنامه های تربیتی باید بر وحدت گرایی معرفت شناختی استوار شوند. هم چنین برنامه های تربیتی باید بر وحدت گرایی جامعه شناختی تکیه داشته باشند؛ یعنی بر تلفیق زیرسازها (مبانی و دیدگاههای اجتماعی) با ساختارها و سازوکارهای اجتماعی، اهتمام به عبور از تفاوت و تكثر به بنیاد مشترک و یگانه، ملاحظه فرد در جامعه، توجه به تأثیر جامعه در تکوین فرد و در عین حال ملاحظه ویژگی های فردی در بستر خصلت های مشترک استوار باشند. البته این تأکید بر انسجام و یک پارچگی نباید به معنی انکار هر گونه تفاوت و تنوع در میان اجزا و مؤلفه های فرایند تربیت و طرد امکان هر نوع ابداع و نوآوری در روش ها و برنامه های تربیتی باشد.

4-5-12 پویایی و انعطاف پذیری (ضمن حفظ اصول) در فرایند تربیت باید، ضمن توجه به امور ثابت و مسلم، با پدیده تغییر در جامعه و فرد مواجههای فعال صورت پذیرد. به این معنا که با پذیرش اصل وجود تغییر در شرایط اجتماعی و خصوصیات فردی، ظرفیت هدایت تغییرات در نظام تربیتی در جهت تحقق غایت تربیت پدید آید. همچنین، تمامی سیاستها، برنامه ها و روشها و عوامل تربیتی؛ در فرایند تربیت، ضمن حفظ اصول، باید متناسب با اقتضائات وموقعیت های خاص مربیان و متربیان از انعطاف پذیری لازم برخوردار باشند.

4-5-13تعامل همه جانبه

تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان وشکل گیری و پیشرفت جامعه صالح باید حاصل عمل تعاملی و مداوم متربیان با مجموعه ای از افراد به نام مربی باشد، که نقش فعال و تأثیرگذار هر دو دسته در تحقق این عمل و به نتیجه رسیدن آن امری اساسی و غیرقابل انکار است. اما این فرایند تعاملی در خلأ صورت نمی گیرد و لاجرم مجموعه ای از عوامل روانی استعدادها، علائق، انگیزهها و تجارب شخصی)، اجتماعی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی)، طبیعی (وراثتی، زیستی، جغرافیایی و ماورای طبیعی (نظیر هدایت ها و توفیقات خاصی که بر اثر ایمان و اخلاص، عبادت و دعا، توسل و توکل، صدقه و عمل صالح نصيب برخی میشود) در کم و کیف نتیجه بخشی این عمل البته بر اساس مشیت بالغه الهی مؤثر هستند، چنان که تحقق این تأثیر بنا بر مشیت الهی از دیگر سو متوقف بر اراده و انتخاب متربیان و نحوه مواجهه ایشان با این عوامل بیرونی است.| این تعامل هدفمند، از سوی مربیان مستلزم فراهم آوردن انواع زمینه های ممکن برای رشد همه جانبه و متعادل متربیان است و از سوی متربیان شامل بهره مندی مناسب از زمینه های فراهم شده و کسب شایستگی های لازم جهت درک و بهبود مداوم موقعیت خود بر اساس انتخاب والتزام به نظام معیار اسلامی است

البته اصلاح موقعیت و شرایط محیطی توسط مربیان باید به گونه ای انجام شود که متربیان امکان انتخاب و واکنش مناسب و عمل ارادی را در مواجهه با این زمینه سازی بیرونی پیدا کنند و حرکت از الزام بیرونی به التزام درونی و از اصلاح شرایط توسط مربی به مقاومت در برابر شرایط منفی و حتی تلاش برای تغییر شرایط نامساعد به وسيله متربی باشد.

4-5-14 مشارکت و هماهنگی همه ارکان و عوامل اجتماعی سهیم و تأثیرگذار در فرایند تربیت، باید به منزله اساسی ترین مجرای تحقق حیات طیبه، افزون بر مشارکت در پشتیبانی فعال از این فرایند، پس از تقسیم وظایف، با یکدیگر تعامل و همکاری فعال داشته باشند. همچنین باید میان عوامل تأثیرگذار در تربیت در زمینه سیاست گذاری، برنامه ریزی و اجرا، هماهنگی و همسویی کامل برقرار باشد. بنابراین خانواده، اجزا و بخش های مختلف دولت اسلامی، رسانه و نهادها و سازمانهای غیردولتی پشتیبان و تأثیرگذار در فرایند تربیت، باید ارتباط معنادار و هدفمندی را با هم در جهت تحقق غایت تربیت برقرار کنند.

4-5-15 پاسخ گویی و نظارت باید علاوه بر آنکه تحقق شایسته فرایند تربیت بر اساس نظام معیار و اقتضائات آن تکلیف الهی تلقی شود، به لحاظ نقش و جایگاه بی نظیر آن در بهبود و پیشرفت پایدار جامعه نیز، مسئولیتی اجتماعی و همگانی به شمار آید. از این رو لازم است از سویی همه عوامل سهیم و تأثیرگذار و مرتبط با امر تربیت، نسبت به عملکرد خود پاسخگو باشند و مسئولیت آثار تربیتی اقدامات خویش را بپذیرند و از دیگر سو باید عملکرد مجموعه عوامل سهیم، تأثیرگذار و مرتبط با امر تربیت مورد نظارت و پایش مداوم قرار گیرد. به این منظور باید مسئولیت و تکالیف مرتبط با هر یک از عوامل سهیم و مؤثر در امر تربیت مشخص شود و فرایند تربیت و همه مؤلفهها و عناصر آن مورد ارزشیابی مستمر واقع شوند تا به طور مستمر بهبود یابند.

4-5-16 تقدم مصالح تربیتی با عنایت به جایگاه ویژه جریان تربیت در میان زمینه های تحقق حیات طیبه و نقش تربیت در موفقیت همه نهادها وعوامل اجتماعی، باید مصالح تربیتی شناسایی و ملاک اصلی در تمام تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های اجتماعی قرار گیرد و همه عوامل تأثیرگذار در فرایند تربیت'، به ویژه ارکان تربیت در مقام تزاحم بين جنبه های مختلف مربوط به فعالیت خود، اهتمام جدی به امر تربیت داشته باشند. این گونه اولویت بندی و تقدم باعث میشود تا انسان و تکوین و تعالی مداوم هویت او به منزله محور تحقق حیات طیبه، جایگاهی خاص در روند پیشرفت همه جانبه و پایدار جامعه اسلامی بیابد و از هیچ گونه هزینه ای برای بهبود کیفیت فرایند تربیت مضایقه نشود.

4-5-17 توجه به فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی فرایند تربیت به منزله عملی اجتماعی، لاجرم در بستر فرهنگ جامعه و به پشتیبانی آن صورت می گیرد و از این رو انتقال فرهنگ و ارتقای آن از کارکردهای اصلی جریان تربیت به شمار می آید. لذا بهره مندی مناسب از ذخایر ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در همه مراحل و انواع تربیت ونیز زمینه سازی برای تعامل فعال فرهنگ بومی با دیگر فرهنگ ها، از مهم ترین سازوکارها برای تکوین و تعالی هویت ملی متربیانخواهد بود.

4-5-18 آینده نگری تربیت در عین توجه به گذشته فرد و جامعه و شرایط فعلی آنها اساسا رو به سوی آینده دارد و تدبیری جمعی برای ساختن و پرداختن آینده جامعه انسانی است؛ از این رو مربیان در همه سطوح سیاست گذاری، برنامه ریزی و عمل نه تنها لازم است با انجام مطالعات آینده پژوهی و، به پیش بینی نسبتا دقیق و واقع بینانه ای از آینده جامعه و چالش های پیش رو دست یابند بلکه ضرورت دارد با اتخاذ رویکردی فعال و آینده نگرانه (تبیین آینده مطلوب) نسبت به تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آینده، راهبردهای تربیتی مناسبی را در جهت مواجهه نظام تربیتی و متربیان با چالش های پیش رو و استفاده از نقاط قوت و فرصتها و تبدیل تهدیدها و نکات ضعف به فرصت ها و نقاط قوت، طراحی و اجرا نمایند.

**بخش دوم فلسفه تربیت رسمی و عمومی**

**در جمهوری اسلامی ایران**

**مقدمه**

هدایت شایسته بخش «تربیت رسمی و عمومی» از جریان تربیت در هر جامعه، نیازمند آن است که مجموعه ای از گزاره های مدلل و مدون، تبیین چیستی، چرایی و چگونگی آن را بر پایه فلسفه تربیتی خاص آن جامعه، بر عهده گیرد تا هدایت، جهت دهی و اصلاح مداوم این بخش مهم از جریان تربیت با توجه و التزام به چنین مجموعه ای صورت پذیرد.

ضرورت تدوین «فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» با توجه به چند نکته ذیل آشکارتر می شود:

١-تربیت رسمی نظیر سایر پدیده های اجتماعی امری تاریخمند است که باید متناسب با مقتضیات زمان و مکان، تکوین و تحول یابد؛ لذا، الگوی نظری واحد و جهان شمولی از آن وجود ندارد. البته تصور نادرست وجود الگویی یگانه از تربیت رسمی، سبب شده است تا الگوی نظری رایج در کشورهای غربی، در نظام های تربیتی دیگر جوامع جهان نیز گسترش یابد؛ در حالی که چنین الگویی از یک سو نمی تواند زمینه توسعه و تحول مناسبی را برای جوامع غیر غربی فراهم آورد و از دگر سو موجب انقطاع این جوامع از پیشینه فرهنگی و تاریخی خود و انفعال فرهنگی آنها نسبت به فرهنگ مسلط جهانی خواهد شد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که هر کشوری باید بر اساس مبانی فکری، پیشینه فرهنگی و فلسفه تربیتی خاص جامعه خویش، برای انواع تربیت رسمی (اعم از عمومی وتخصصی) تبیین فلسفی ویژه خود و الگوهای نظری مناسب آن را ساخته و پرداخته کند؛ زیرا تربیت رسمی، نه تنها بیش از هر چیز تابع مقتضيات محیط اجتماعی است و حدود و ثغور و ویژگی های آن تحت تأثیر شرایط جامعه رقم می خورد، که تثبیت فرآیندهای تحول مطلوب و تداوم ارزشها و هنجارهای مورد نظر هر جامعه نیز عمدتا مرهون نظام تربیت رسمی آن است.

۲-تربیت رسمی و عمومی در میان انواع تربیت، دارای ویژگی ها و اقتضائات خاصی است که نمی توان بدون توجه به آنها تبیین فلسفی چیستی، چرایی و چگونگی این بخش ازجریان تربیت را در ضمن مباحث فلسفه تربیتی جامعه و صرفا به مثابه یکی از مصادیق جریان تربیت (در معنای عام آن) پیگیری کرد. شاهد این مدعا آنکه بر خلاف تربیت در معنای عام، تردیدهایی در مباحث فلسفه تربیت معاصر نسبت به اصل ضرورت وجودی تربیت رسمی و عمومی (با توجه به انتقادات متعدد وارد بر مصادیق رایج آن )مطرح شده است که به برخی از آنها اشاره خواهد شد. بنابراین، باید با توجه به ویژگیها و اقتضائات تربیت رسمی و عمومی(خصوصا به لحاظ ارتباط با مباحث سیاسی، حقوقی، اقتصادی و اجتماعی). به طور خاص نسبت به تدوین و تبیین فلسفه تربیت رسمی و عمومی همت گماشت.

3-همان طوری که در پیش گفتار این مجموعه اشاره شد، بر اساس شواهد موجود، تاکنون نظام تربیت رسمی و عمومی به عنوان بخشی از نظام نوین تربیت رسمی در کشور ما، بر فلسفه مدون و استواری در چهارچوب فلسفه تربیتی بومی و متناسب با نظام فکری و ارزشی اسلام مبتنی نبوده است. به نظر می رسد، این امر خود از عوامل مهم بروز ناهماهنگی و انسجام نیافتگی و در نهایت ناکارآمدی نظام فعلی تربیت رسمی و عمومی ایران بوده و باعث شده است تا عموم اقدامات اصلاحی و تحول جویانه در این نظام به نتایج دل خواه نینجامد یا کم ثمر بماند و در عین حال، تبعیت از الگوهای وارداتی و اقتباسی نیز مشکل زا و بحران آفرین اند. بنا براین تدوین فلسفه تربیت رسمی وعمومی با الگوی اسلامی و ایرانی پیش نیاز اصلی هر گونه تدبیر و اقدام تحول جویانه در نظام تربیت رسمی وعمومی کشور ما به شمار می آید.

4-نظام تربیتی حاکم بر کشور ما برخاسته از سنت ها و تجارب متراکم نسل های گذشته بود، قبل از اینکه مواجه با الگوی تربیت رسمی و عمومی به شیوه موجود آن شود که چهارچوب و مؤلفه های اصلی آن، با وجود برخی دخل و تصرفهای ناگزیر در آن، بدون تردید رهاورد تمدن مدرن مغرب زمین برای جامعه ما وسایر جوامع سنتی بوده است. اما هنگام مواجهه با این پدیده مدرن، الگوی تربیتی رایج در جوامع مدرن به مثابه الگوی بديل و قدرتمندی برای سنت، اقتباس و بدون توجه به سنت الگوی تربیت سنتی و نقادی آن ، در جامعه گسترش داده شد. این نحوه مواجهه انفعالی با الگوی مدرن در جریان توسعه تجارت تربیتی باعث شد تا الگوی سنتی بدون نقادی و به طور مستقل در عرض الگوی مدرن حرکت نماید. در حالی که ما می بایست سنت تربیتی اسلامی و ایرانی خود را، با نقادی پیوسته وحفظ نکات مثبت آن، ضمن در نظر گرفتن تجارب جهانی و مدرن، به روز و نوسازی مینمودیم. به عبارت دیگر، با در نظر گرفتن اصل و اساس گوهر تجارب تاریخی خود، لایه های بیرونی آن را با جریان متحول زمانه و نیازهای روز متحول می نمودیم. متأسفانه، در مراحل متعدد تلاش برای توسعه و تحول در نظام فعلی تربیت رسمی وعمومی (پیش از انقلاب اسلامی) نیز، این نحوه مواجهه با مظاهر تربیتی سنت اسلامی و ایرانی مورد توجه نبوده است. اگرچه منتقدانی منصف در آن زمان از منظر فلسفه تربیت این گسست را مورد انتقاد قرار داده اند. به هر حال توسعه مطلوب در نظام های تربیتی جامعه معاصر همچنان نیازمند چنین مواجهه فعالی با سنت و میراث تربیتی است که تدوین فلسفه تربیت رسمی وعمومی به شکل اسلامی و بومی، راه را برای این مواجهة ناگزیر هموار می سازد

5-با عنایت به ظهور و تداوم انقلاب اجتماعی فراگیر اسلامی و تأسیس نظام سیاسی نوپایی بر اساس مبانی و ارزشهای اسلامی به نام «جمهوری اسلامی » در کشور ایران که داعیه ارائه الگوی بدیعی برای حاکمیت سیاسی بر مبنای جهان بینی و نظام ارزشی اسلام، جهت حل و فصل اهم مسائل اجتماعی ناشی از تعارض سنت و مدرنیته دارد لزوم تدوین چنین فلسفه ای برای هدایت و بازسازی نظام تربیت رسمی و عمومی در این کشور آشکارتر به نظر می رسد؛ چرا که اگر جامعه ای با انقلابی گسترده درصدد برپایی و تثبیت نظام اجتماعی تازه ای با تکیه بر حمایت های عمومی و فراگیر مردم برآمد، بی تردید ادامه فعالیت نهادهای اجتماعی آن به سبک گذشته، آن را متزلزل خواهد کرد. پیداست که نظام تربیت رسمی و عمومی، به لحاظ تأثیر مستقیم و غیر مستقیم بر نسل جوان جامعه، در تداوم ارزشهای انقلاب اسلامی و بازسازی و تثبیت نظام اجتماعی نو نقشی بی بدیل دارد و عقب ماندگی تربیت رسمی و عمومی از ارزشهای انقلاب اسلامی، به گسست اجتماعی بین نسل نوخاسته و این ارزش ها منجر خواهد شد.

به این ترتیب در جامعه ای همانند ایران، که انقلاب اجتماعی فراگیری در آن رخ داده و نظام سیاسی جدیدی بر اساس آموزه های اسلامی در آن بر پا شده، ادامه حضور الگویی از تربیت رسمی که بر پایه ایده های اصلی مدرنیته (اومانیسم و سکولاریسم و بی توجه به مبانی اسلام ساخته و پرداخته شده است، اصولا نوعی عقب ماندگی است که به گسستی پیش رونده دامن می زند. از این رو تداوم انقلاب اسلامی و برپایی جامعه اسلامی مطلوب در گرو متناسب سازی نهادها، ساختارها و سازوکارهای اجتماعی، به ویژه نظام تربیت رسمی و عمومی با ارزش های اساسی اسلام و انقلاب اسلامی است، که تنها با تدوین فلسفه تربیت رسمی و عمومی با رویکرد اسلامی (آن هم بنا بر فهم و تفسیر موجهی از این رویکرد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی متجلی است) ممکن می شود.

۶-تربیت رسمی و عمومی (در شکل فعلی آن)، نهادی است که با آغاز دوران مدرنیته درجوامع غربی ظهور یافته است و لذا یکی از مظاهر تمدن مدرن به شمار می آید. از این رو برقراری نسبت دقیق و عقلانی بین این نهاد و جوامع اسلامی، مستلزم برقراری نسبتی عقلانی و مستدل بين سنت و مدرنیته است. برقراری این نسبت، چالش مهم و بزرگ جوامع اسلامی از زمان آشنایی با مظاهر تمدن غرب بوده است و در خصوص شکل مواجهه با آن، رویکردهای نظری و عملی متفاوتی در جوامع اسلامی شکل گرفته است. این رویکردها، بنا بر یک دسته بندی از اندیشه اجتماعی معاصر اسلامی، عبارت اند از: رویکرد تجددگرا، رویکرد شریعت گرا و رویکرد تمدن ساز، که در نگاه به مدرنیته و جایگاه دین در عرصه زندگی و نسبت سنت و مدرنیته تفاوت های قابل توجهی دارند.

اندیشمندان طرفدار «تجددگرایی »، چاره حل مسائل مسلمانان در دوران معاصر را، در تن دادن به اصول و چهارچوب مدرنیته میدانند (البته برخی از آنها تلاش بلیغی مینمایند تا این چهار چوب را با اسلام منطبق، یا به تعبیری، اسلام را با این چهار چوب سازگار سازند). پنج محور اساسی این دیدگاه از این قرار است: نگرش انسان مدارانه، علم گرایی و تأکید بر خرد ابزاری، توسعه گرایی، تاریخیت و نسبیت فهم و آینده گرایی. اما اندیشمندان طرفدار رویکرد «شریعت گرایی»، راه حل مسائل اجتماعی مسلمین را در اجرای احکام فقهی بدون نیاز به پردازش الگوهای عینی و تجربی می دانند. اندیشه های این گروه حول پنج محور اصول گرایی، آئین گرایی و تکلیف مداری، اجتهادگرایی و روشمندی در فهم دین، التقاط ستیزی و گذشته گرایی می چرخد. اما رویکرد «تمدن سازی» در زمینه مواجهه با مظاهر مدرنیته، جهت دیگری را برگزیده است. در این رویکرد، افزون بر وحی و تعالیم دینی جایگاه ویژه ای برای عقل در نظر گرفته میشود. دین صرفا در قلمرو و محدوده زندگی فردی قرار ندارد بلکه برنامه جامع زندگی تلقی می شود و در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی حضور اساسی دارد. دین در عرصه های مذکور اصول کلی و در مواردی اصول و قوانین جزئی دارد و در عرصه هایی نیز به مثابه منطقة الفراغ وارد نشده است.

از این رو در عرصه اخير، استفاده از عقل و دانش متراکم بشری و توسعه آنها در چهارچوب مبانی و ارزشهای دینی، جایگاه ارزشمندی دارد. بر اساس این رویکرد، مسلمانان می توانند و باید بر مبنای تفسیر کتاب و سنت و اجتهاد روشمند و پویا، در جامعه اسلامی، متناسب با مقتضیات زمان و مکان به سوی پی ریزی تمدن نوین اسلامی گام بردارند. از منظر رویکرد تمدن سازی، اجرای همه جانبه اسلام، تنها در قالب فرآیند نوسازی جامعه به سوی یک الگوی مطلوب اسلامی و تأسیس نهادها و سازوکارهای متناسب با آنها میسر است. لذا این رویکرد برای پیریزی تمدن نوین اسلامی بر ضرورت تدوین الگوهای اجتماعی تأکید دارد. لذا بنا بر این رویکرد کلان در مواجهه با مدرنیته، که به نظر می رسد با توجه به شواهد و قرائن بسیار با راهبردهای کلان انقلاب اسلامی وجمهوری اسلامی ایران مناسبت دارد، لازم است فلسفهای اسلامی و ایرانی مناسب با

مقتضیات زمان برای نظام تربیت رسمی و عمومی کشور ما تدوین شود

۷- قاعده "نفی سبیل از قواعد فقهی فراگیر و گسترده در تمامی ابواب فقه است که دلالتهای روشنی برای تنظیم سیاست ها و مناسبات جوامع اسلامی با جوامع دیگر دارد. صرف نظر از مباحث و اختلاف فقها بر سر این قاعده و موارد شمول آن به نظر می آید جوامع اسلامی باید به گونه ای رفتار نمایند که در زمینه موضوعات فرهنگی و اجتماعی و ساز و کارهای اجتماعی و نهادهای آن باب سلطه بیگانگان و سلطه پذیری از ایشان باز نشود و در حوزه های فکری و نظری به کسب قدرت و استقلال و بومی سازی دانشها وتخصصها نظر داشته باشند. این جریانی است که در دوره بیداری مسلمانان به شدت مورد تأیید و تأکید رهبران جوامع اسلامی بوده است. پویایی و تعالی این جوامع در دوران معاصر مرهون چنین نگرشی خواهد بود. اگرچه باب تعامل و تعاطی با اقوام ملل گوناگون بر مسلمانان باز بوده و هست وهیچ گاه مسلمانان به دور خود حصار نکشیده اند و با تلاش زیاد، با جذب عناصر سازنده ملل دیگر، فرهنگ و تمدن اسلامی را پویا تر کرده اند. لیکن این گونه تعامل بر اساس قاعدة نفی سبیل، تنها در صورتی که مستلزم نفی ایجادسلطه بیگانگان و موجب غنای جوامع اسلامی شود مورد پذیرش است.

تجارب قرون اخیر نیز نشان داده است که یکی از مجاری مهم برای نفوذ استعمار گران، نظام تربیتی جوامع است. زیرا نظام تربیتی ناوابسته زمینه ساز پویایی و اصالت تحولات اجتماعی خواهد بود و برعکس وابستگی در نظام تربیتی به وابستگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عمیق می انجامد.

بنابراین به اقتضای قاعده نفی سبیل، به نظر می رسد نهادهای تربیتی جوامع اسلامی، به ویژه نهاد تربیت رسمی و عمومی در شکل فعلی آن که تحت تأثیر تجارب مغرب زمین شکل گرفته است، باید متناسب با فرهنگ اسلامی و شرایط و بسترهای اجتماعی حاکم بر این جوامع بازتعریف و الگوسازی شوند تا دادوستد وتعامل ناگزیر این نهاد با دیگر نظام های تربیتی منجر به تثبيت وتداوم تسلط فکری و فرهنگی بیگانگان بر نظام تربیتی جوامع اسلامی نشود. به نظر می رسد، تحقق این مهم مستلزم بازنگری در فلسفه تربیتی الگوی وارداتی تربیت رسمی وعمومی و تدوین فلسفه تربیتی خاصی برای نظام تربیت

رسمی وعمومی متناسب با مبانی فکری وارزشها وفرهنگ اسلامی این گونه جوامع است.

با توجه به نکات یاد شده می توان گفت اهتمام به این امر بنیادی (یعنی تدوین فلسفه ای خاص برای نظام تربیت رسمی وعمومی با ویژگی اسلامی و ایرانی) می بایست در کشور ما بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم زمان با اصلاحات ضروری کوتاه مدت در نظام آموزشی بازمانده از نظام سیاسی پیشین آغاز می شد که متأسفانه این امر مهم تاکنون به دلایل متعدد به تأخیر افتاده است.

از این رو متصدیان مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش، تدوین « فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» را وجهه همت خویش قرار داده و کوشیده اند تا به تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران در قالب مجموعه ای جامع، سازوار، به هم پیوسته، مدلل و مدون برمبنای « فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران» بپردازند. چنان که گفته شد تا کنون اقدام قابل توجهی در این خصوص انجام نیافته است، لذا تدوین «فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» را می توان اولین گام جدی در این مسیر محسوب نمود. اما پیش از ورود به بحث اصلی یعنی تبیین مبانی، چیستی، چرایی و چگونگی تربیت رسمی و عمومی لازم است اشاره کوتاهی به روش شناسی تدوین فلسفه تربیت رسمی و عمومی شود.

روش شناسی پژوهش

۱-در این تحقیق، مقصود از «فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران»

عبارت است از: مجموعه ای جامع، سازوار، به هم پیوسته، مدلل و مدون، که بر پایه "فلسفه تربیت در جمهوری

اسلامی ایران به تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران می پردازد.

۲- در تدوین فلسفه تربیت رسمی و عمومی، علاوه بر فلسفه تربیت (مبانی، چیستی، چرایی و چگونگی تربیت)، مبانی سیاسی، حقوقی، روان شناختی و جامعه شناختی نیز به اقتضای ماهیت این نوع تربیت اضافه شده است.

۳- منظور از تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت، بیان استدلالی و مبرهن این مباحث است، با توجه به مجموعه ای از گزاره های معتبر فلسفی (مسلم فرض شده و اثبات شده در جای خود) تحت عنوان «مبانی اساسی تربیت»؛ به گونه ای که بتوان به لحاظ منطقی در صورت اذعان به درستی و حقانیت این مبانی به صورت اصول موضوعه - بیان تجویزی آن

مطالب را درباره حقیقت تربیت، امری مدلل و مستدل دانست.

۴- با اتکا به فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران کوشیده ایم - ضمن رعایت شرایط اجتماعی وسیاسی جامعه ایران در دوران انقلاب اسلامی ومتناسب با نظام جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به چالش های اکنون و آینده تربیت رسمی و عمومی برای چیستی، چرایی و چگونگی تربیت رسمی و عمومی پاسخهای مستدلی به صورت نظام مند تهیه و تدوین شود.

۵- نحوه استنتاج واستنباط مبانی اساسی تربیت و چگونگی استناد و استدلال به آنها برای تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت از روش شناسی خاصی در ایجاد ارتباط بین هستها و بایدها، به دلیل ماهیت تجویزی مباحث فلسفه تربیت و حضور توأمان عناصر تحلیلی- توصیفی و استنباطی - تجویزی در مقدمات استدلال بر این مباحث) تبعیت می کند که نه می توان آن را در قالب شکل ساده برهان (قياس منطقی و اشکال اربعه آن) قرار داد ونه ممکن است با عنایت به التزام به تأثیرپذیری فلسفه تربیت اسلامی از تعالیم دینی اسلام و سازگاری محتوای آن با این تعالیم، این روش شناسی را صرفا در محدوده یکی از رویکردهای پژوهشی رایج در حوزه فلسفه تربیت (نظیر رویکردهای استنتاجی، تحلیلی، انتقادی با رویکرد قیاس عملی) تعبیه نمود. همچنان که نمی توان برای تدوین مصادیق متنوع فلسفه تربیت روش شناسی کاملا واحدی را در نظر گرفت. لذا ما در این مجموعه با شیوه ای ابداعی برای تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت رسمی و عمومی، براساس نگرش اسلامی مناسب برای جامعه اسلامی ایران در دوران معاصر، به ترتیب این گامهای روشمند را طراحی و اجرا نموده ایم

5-1 نخست با تکیه بر مباحث فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و متناسب با آن ضمن مراجعه به تحقیقات پیشین، مجموعه ای از گزاره های مدلل سیاسی، حقوقی، روان شناختی و جامعه شناختی را تحت عنوان «مبانی اساسی تربیت رسمی و عمومی» برگزیده ایم و آنها را پس از دسته بندی، به اختصار تبیین نموده ایم؛

5-2 آن گاه به بررسی و نقد الگوهای رایج تربیت رسمی و عمومی پرداخته ایم و تحقیقات پیشین در این زمینه را بررسی و قوتها وضعفهای الگوهای رایج تربیت رسمی و عمومی شناسایی کرده ایم.

5-3 سپس، متناسب با مباحث فلسفه تربیت و تحلیل صورت گرفته از نقد تربیت رسمی و عمومی رایج، به پردازش تعریف تربیت رسمی و عمومی متناسب با نظام جمهوری اسلامی ایران اقدام کرده ایم.

5-4در مرحله بعد، کوشیده ایم تا ویژگی های تربیت رسمی و عمومی احصا و تشریح شود. آنگاه بر اساس این ویژگیها و محتوای فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، به تبیین چرایی(ضرورت و غایت و اهداف و چگونگی (اصول، ارکان، الگوی نظری ساحتها) در تربیت رسمی و عمومی پرداخته ایم.

۵ - ۵ در نهایت، محصول تلاش فکری خود را در زمینه تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت که نتیجه مباحثات فکری طولانی و جلسات مفصل اقناعی بین همکاران طرح بود،

طی چندین مرحله و به صور گوناگون در معرض نقد و بررسی ناظران محترم طرح، برخی از صاحب نظران فلسفه اسلامی، بسیاری از استادان فلسفه تربیت، اعضای کمیسیون تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی و کارشناسان کمیسیون حوزوی این شورا، جمعی از صاحب نظران تربیتی، مدیران ارشد، کارشناسان حوزه های ستادی واجرایی وزارت آموزش و پرورش و برخی از مدرسان مراکز تربیت معلم قرار دادیم و با دریافت بازخوردهای انتقادی ایشان نسبت به محصول این تلاش، در صدد اصلاح تدریجی ومتناوب آن (طی ۱۲ ویرایش) بر اساس این نظرات ارزشمند بر آمدیم تا در حد امکان به نوعی هم فکری و توافق نسبی میان محصول تلاش فکری خود با نظرات مختلف مطرح شده در این باره دست یابیم.

5-6- در نهایت با توجه به ضرورت اعتبار بخشی اجتماعی به محصول این تلاش عقلانی در خصوص تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت، به گونه ای که بتواند به مثابه فلسفه تربیت رسمی وعمومی معتبر و مقبول جامعه نقشی واقعی در پشتیبانی، هدایت، تنظیم و ساماندهی نظام تربیت رسمی وعمومی ایفا نماید، نتیجه کار خود را نخست در مرجع ذیصلاح قانونی و سیاست گذار در خصوص نظام تربیت رسمی وعمومی یعنی شورای عالی آموزش وپرورش ارائه نموده ایم و پس از تایید کلیات این مجموعه در شورای عالی آموزش و پرورش، نتیجه این تلاش فکری را به بالاترین مرجع تصمیم گیرنده درباره کل فرآیند تربیت در جامعه اسلامی ایران یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی عرضه کرده ایم. در این مرحله با گرفتن بازخوردهای متعدد از اعضای محترم این شورا و بحث و بررسی تفصیلی متن پیش نهادی توسط کارشناسان مورد اعتماد شورای انقلاب فرهنگی و پذیرش نظرات اصلاحی داور نهایی مورد قبول این مرجع - که خوشبختانه از آغاز نیز به عنوان یکی از ناظران علمی مورد قبول جامعه علمی از سوی شورای علمی طرح تدوین سند ملی آموزش وپرورش و کمیته مطالعات نظری برای نظارت بر مطالعات بنیادی مورد نیاز و نیز فرآیند تلفیق مطالعات نظری تعیین شده بودند ولذا به خوبی بر روند تدوین این مجموعه اشراف داشته اند نسبت به اعتبار بخشی اجتماعی این مجموعه مدون به عنوان «فلسفه تربیت رسمی وعمومی مقبول ومعتبر در جامعه اسلامی ایران» اقدام نموده ایم.

به هرحال بنا بر تعریف مورد نظر، مباحث فلسفه تربیت رسمی وعمومی در این جا ذیل چهار عنوان زیر طرح می گردند:

\* مبانی تربیت رسمی وعمومی(مفروضات سیاسی، حقوقی، روان شناختی و جامعه

شناختی)؛

•\* چیستی تربیت رسمی و عمومی(تعریف و ویژگیها)؛

\* چرایی تربیت رسمی و عمومی (ضرورت، غایت و هدف کلی)؛

\* چگونگی تربیت رسمی و عمومی(اصول کلی، توضیح الگوی نظری ساحتهای تربیت وبیان ارکان و عوامل سهیم و مؤثر در تربیت رسمی وعمومی).

1-مبانی اساسی تربیت رسمی وعمومی

فلسفه تربیت رسمی و عمومی مانند هر نظریۂ کلان وخرد تربیتی بر مفروضات و مبانی خاصی استوار است. اعتبار گزاره های تجویزی فلسفه تربیت رسمی و عمومی از مفروضات و مبانی آن نشأت می گیرد. البته بخش مهمی از این مبانی و مفروضات در «فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران» و مبانی اساسی مندرج در این مجموعه مدون به اجمال در بخش پیشین مورد بحث قرار گرفته است. اما بخش دیگری از تبیین فلسفی تربیت رسمی و عمومی به دلیل ویژگی های این نوع از تربیت با مباحث سیاسی و حقوقی ارتباط پیدا می کند.

از سوی دیگر، این نوع تربیت به سبب شمول نسبت به گروه ویژه ای از مخاطبان در دوره رشدی خاص با مباحث روان شناختی و همچنین به دلیل تلقی از نظام تربیت رسمی وعمومی به مثابه یک نهاد اجتماعی خاص با مباحث جامعه شناختی نیز ارتباط پیدا می کند. لذا برای تبیین تربیت رسمی وعمومی باید از دستاوردهای معتبر این دو دانش مرتبط با تربیت (جامعه شناسی و روان شناسی) نیز کمک بگیریم. بر این اساس در بخش مبانی اساسی تربیت رسمی وعمومی، چهار گروه مبانی سیاسی، مبانی حقوقی، مبانی روان شناختی و مبانی جامعه شناختی، با توجه به خصوصیات تربیت رسمی وعمومی، مطرح می شوند.

1- 1. مبانی سیاسی

تربیت رسمی و عمومی به دلیل قانونمندی، رسمیت، عمومیت والزام آور بودن حضور متربیان در آن با نظام سیاسی حاکم بر جامعه نسبت وثیقی بر قرار می کند. از این رو تدوین فلسفه تربیت هر جامعه نمی تواند نسبت به مقتضیات سیاسی آن جامعه بی تفاوت باشد. بنابراین در تبیین الگوی تربیت رسمی و عمومی برای نظام جمهوری اسلامی ایران باید به ویژگی های سیاسی این نظام نیز توجه شود. «مبانی سیاسی» آن دسته از گزاردهای مفروضی هستند که از یک سو جایگاه تربیت را در نظام سیاسی کشور جمهوری اسلامی ایران نشان میدهند و از دیگر سو چگونگی دخالت و تأثیر نظام سیاسی را در حوزه تربیت بیان می کنند. در اینجا به برخی از مهم ترین مبانی سیاسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران، که از اسناد معتبر برگرفته شده اند، اشاره می کنیم:

۱ - ۱ - ۱ . هدف حکومت دینی زمینه سازی برای تحقق حیات طیبه است

در اندیشه اسلامی، که هستی مراتبی بی انتها دارد و انسان در دایره هستی موجودی ناتمام و در راه وصول به كمال تلقی می شود، مبنای تأسیس جامعه اسلامی مقاصد و اهداف ویژه ای است که در نگرش اسلامی تعریف شده و به منزله غایت، رسالت و فلسفه دین مطرح است. به این ترتیب فلسفه دین به فلسفه انقلاب دینی، سپس به فلسفه حکومت دینی و در نهایت به فلسفه تأسیس نهادهای اجتماعی و اقدامات مربوط به آن تفصیل می یابد. هدف از تشکیل حکومت متناسب با هدف دین، زمینه سازی برای تحقق حیات طیبه است.

بنابر این، دولت اسلامی دولت «زمینه ساز تحقق حیات طیبه» است، نه دولت رفاه. به بیان دقیق تر، تأمین رفاه هدف اصلی دولت اسلامی نیست، بلکه هدف اساسی آن زمینه سازی برای تحقق حیات طیبه است و هر چند با عنایت به نقش حرکت آگاهانه واختیاری افراد جامعه در تحقق حیات طیبه، توجه دولت اسلامی بیش از هر موضوع بر تربیت افراد جامعه تمرکز می یابد؛ در عین حال، از آن جا که تأمین رفاه و امنیت و مانند اینها بر موفقیت هدایت و تربیت آحاد مردم تأثیر آشکار دارد، دولت زمینه ساز تحقق حیات طیبه نیز موظف است به تأمین رفاه وامنیت مردم، همچون مقدمه ای برای تحقق حیات طیبه همت گمارد.

امام علی (ع) فرمود: «كاد الفقر أن یکون کفرا». همچنین ایشان در عهدنامه مالک اشتر به چهار وظیفه مهم دولت اسلامی یعنی مدیریت مالی، ایجاد امنیت، آبادانی و عمران و استصلاح شهروندان اشاره کرده اند. مطابق این فرمایش، دولت اسلامی وظیفهای جدی و مهم برای امنیت، عمران و آبادانی جامعه و مبارزه با فقر و ناداری مردم دارد و انجام این وظایف به در واقع زمینهای برای تحقق حیات طیبه به شمار می رود. با چنین نگاهی، تأمین رفاه و دیگر نیازهای افراد جامعه نیز زمینه ساز تحقق حیات طیبه است.

**1-1-2 تربیت شایسته عموم مردم به لحاظ حاکمیت اصل مردم سالاری دینی در حکومت اسلامی، هم از جمله اهداف تشکیل حکومت است و هم با توجه به تکيه این نوع حکومت بر انتخاب و حضور آگاهانه مردم، راهکار اصلی حفظ و تداوم نظام سیاسی مطلوب به شمار می آید.**

چنان که گذشت، تربیت از کارکردهای اساسی حکومت اسلامی به شمار می آید و آن چه به اهداف حکومت تلقی شود(نظیر اجرای احکام الهی، رفاه، امنیت و برپایی عدالت) در حقیقت وسایل و اهداف واسطی برای تحقق حیات طیبه و در عین حال مقدمه تحقق فرایند مطلوب تربیت در جامعه هستند. اما در واقع خاستگاه اقتدار دولت اسلامی وحفظ آن، انسانهای هدایت یافته ای هستند که در راه برپایی عدالت، پایداری حکومت دینی و گسترش هدایت، خستگی ناپذیر مجاهدت می نمایند. به این ترتیب زمینه سازی برای هدایت یا تربیت آحاد مردم، هم مقصد و هدف دولت اسلامی است و هم، مبدأ و ضامن بقای آن؛ یعنی زمینه سازی هدایت مردم (که هم خاستگاه اقتدار عرفی این نوع حکومت مردمی است و هم اقتدار قانونی آن را تداوم می بخشد)، از یک سو توسط دولت اسلامی پیگیری می شود و گسترش می یابد و از سوی دیگر میزان توجه مردم به حفظ حکومت دینی و تلاش ایشان برای گستردن حوزه نفوذ آن با حضور در عرصۂ حیات اجتماعی سیاسی توسط آحاد جامعه اسلامی از علائم هدایت مردم تلقی می شود. لذا نهادهای تربیتی در جامعه اسلامی نسبت به زمینه سازی برای حضور آگاهانه و مشارکت فعال عموم مردم در حیات اجتماعی و سیاسی و تلاش و مجاهدت آحاد متربیان برای پیشرفت و اعتلای مداوم جامعه مسئولیت دارند. از مصادیق این ساز و کار «شورا» است.

شورا یکی از اصول اساسی سیاست و رهبری در دولت و مدیریت اسلامی است. قرآن کریم، در آیه های ۱۵۹ سورة آل عمران و ۳۸ سوره شورا، پیامبر و مسلمانان را به شورا سفارش کرده است. در احادیث و روایات نیز تأکید بسیاری بر آن رفته است (برای نمونه نگاه کنید به ترجمه الحيات، جلد اول، فصل چهل دوم از باب نخست). این توصیه ها نشانه اهمیت و نقش حیاتی این اصل در بهبود امور جامعه در حوزه های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی است. نظرخواهی و شورا و مشارکت خردها در حیات اجتماعی(خرد جمعی از تعالیم اساسی دین مبین اسلام است و این کار برای رهبران و مدیران جامعه ضروری تر و حیاتی تر است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل هفتم، برای شورا نقش ممتاز قائل شده است در این اصل چنین آمده است: «طبق دستور قرآن کریم: وامرهم شوری بینهم، و نیز شاورهم في الأمر، شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می کند».

**1-1-3 در حکومت اسلامی پیشرفت جامعه، وسیله ای برای بسط هماهنگ و متعادل ظرفیت های وجودی افراد و تعالی تجارب متراکم جامعه در جهت تحقق حیات طیبه است.**

رسالت دولت اسلامی سیاست گذاری و برنامه ریزی برای بسط ظرفیت های وجودی افراد جامعه و گسترش تجارب متراکم اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی است (نه توسعه در مفهوم محدود آن) و لذا دولت اسلامی برخلاف دولت رفاه (که تشکیلات ایدئولوژیک سرمایه داری تلقی میشود)، از قدرت اقتصادی، صرفا هم چون ابزاری برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد بهره می گیرد.

بنابراین دولت اسلامی اگر چه صورت تفصیل یافته رهبری دینی و تشکیلات اجتماعی آن محسوب میشود (ولذا تلاش برای تمهید مقدمات تربیت دینی و اخلاقی افراد جامعه از لحاظ ارزشی وظیفه مهم تر دولت اسلامی است اما تمهید مقدمات لازم جهت تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت اقتصادی و حرفه ای، تربیت علمی و فناوری، تربیت هنری، زیبایی شناختی، تربیت زیستی و بدنی و.... افراد جامعه نیز از وظایف اصلی دولت اسلامی است.

به بیان دیگر زمینه سازی برای رشد هماهنگ و متعادل همه جنبه ها و استعدادهای افراد جامعه بر اساس تعالیم اسلامی، وظیفه نظام اسلامی است. زیرا در نگاه اسلامی کل فرایند تربیت و همه ابعاد آن باید در چهارچوب معیارهای اسلامی باشد- چه در ساحت تربیت دینی (به معنای خاص یعنی تربیت اعتقادی عباددی) و اخلاقی و چه در ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، تربیت اقتصادی و حرفه ای از این رو حتى تقدم و محوریت تربیت دینی و اخلاقی در چهارچوب نظام تربیت اسلامی زمانی معنا می یابد که در آن، سایر ابعاد و ساحتهای تربیت نیز از اهمیت لازم برخوردار باشند.

**1-1-4در حکومت اسلامی مجموعه نهادهای فرهنگی کشور باید به صورت هماهنگ و در چهارچوب سیاستهای کلان کشور و سیاستهای کلی بخش فرهنگ (مصوب مقام رهبری عمل کنند.**

نظام تربیت رسمی و عمومی، که یکی از مهم ترین دستگاههای فرهنگی کشور است، باید مطابق با اصل پنجم قانون اساسی، در راستای اصول و سیاستهای فرهنگی حاکم بر مجموعه نهادهای فرهنگی کشور تحت نظارت مقام ولایت فقیه، سامان یابد و جهت دهی شود و در همین چهار چوب، تمامی سازمانها و نهادهای فرهنگی ناظر به رشد همه جانبه عموم مردم باید با این نظام به صورت هماهنگ عمل کنند.

1-1-5 در حکومت اسلامی، جهت گیری تربیتی از جمله اولویت های اساسی همه بخش ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است. با توجه به مبانی پیش گفته، کل نظام اسلامی، تحت نظارت ولایت فقیه، باید بکوشد تا فرایند تربیت توسط نهادهای تربیت رسمی و غیررسمی بر اساس معیارهای اسلامی تحقق یابد. از این رو جهت گیری تربیتی از مهم ترین اولویت های کل نظام محسوب می شود و لذا برنامه های سیاسی و اقتصادی تابعی از جهت گیری های تربیتی نظام اند و نمی توانند تعیین کننده حدود و ثغور و کمیت و کیفیت تربیت باشند. این جهت گیری های اساسی که عمدتا ماهیت تربیتی و هدایتی دارند، در اصل سوم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته اند.

طبق اصل سوم قانون اساسی: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد

• ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی؛

• بالا بردن س طح آگاهی های عمومی در همه زمینهها، با استفاده ی صحیح از مطبوعات و

رسانه های گروهی و وسایل دیگر؛

• آموزش و پرورش [تربیت رسمی و عمومی) و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام

سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛

• تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از

طريق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان؛

• طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب؛

• محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛

• تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛

• مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛

• رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی؛

• ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور؛

• تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور؛

• پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه؛

• تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینهاء

• تأمین حقوق همه جانبه افراد، از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون؛

• توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم؛

• تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان.

**1-1-6 رویکرد «تمدن سازی» در زمینه مواجهه با مظاهر مدرنیته، جهت گیری مختار و برگزیده است.**

بر اساس پیش فرض ها و مبانی دین شناختی تشریح شده در بخش مبانی فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران برای مواجهه با مدرنیته و مظاهر و آثار آن، رویکرد تمدن سازی در قبال رویکردهایی نظیر تجددگرایی، شریعت گرایی و سنت مداری جهت گیری مرجح است. در این رویکرد، علاوه بروحی و تعالیم دینی جایگاه ویژه ای برای عقل در نظر گرفته میشود. دین صرفا در قلمرو و محدوده زندگی فردی قرار ندارد بلکه برنامه جامع زندگی تلقی می شود و در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی حضور اساسی دارد. دین در عرصه های مذکور اصول کلی و در مواردی اصول و قوانین جزئی دارد و در عرصه هایی نیز به «منطقة الفراغ» وارد نشده است. از این رو در عرصه اخير، استفاده از عقل و دانش متراکم بشری و توسعه آنها در چهارچوب مبانی و ارزشهای دینی، جایگاه ارزشمندی دارد. بر اساس این رویکرد، مسلمانان می توانند و باید بر مبنای تفسیر کتاب و سنت و اجتهاد روشمند و پویا، در جامعه اسلامی، متناسب با مقتضیات زمان و مکان، به سوی پی ریزی تمدن نوین اسلامی گام بردارند.

**از منظر رویکرد تمدن سازی اجرای همه جانبه اسلام، تنها در قالب فرایند نوسازی جامعه به سوی یک الگوی مطلوب اسلامی و تأسیس نهادها و سازوکارهای متناسب با آنها میسر است.**

این رویکرد، به طور کلی بر این محورها تأکید دارد:

\* نگرش نظام مند به معرفت دینی؛ و اصول گرایی در حوزه معرفت دین و توسعه گرایی در حوزه تحقق دین؛

• تکامل در روش اجتهاد و لزوم تجدید نظر در روش علوم جدید؛

\* ضرورت تدوین الگوهای اجتماعی؛

• پی ریزی تمدن نوین اسلامی

1-2 مبانی حقوقی

بر اساس مبانی اسلامی همه انسانها صاحب حق و حقوقی هستند که باید توسط همگان رعایت شوند. زیرا به همان اندازه که در نگاه دینی مکلف بودن انسان اهمیت دارد صاحب حق بودنش نیز در خور توجه است و این دو موضوع، دو روی یک سکه اند. به سخن دیگر، بین حق و تکلیف آحاد اجتماع، موازنه بر قرار است. اگر در جایی حقی هست تکلیفی نیز وجود دارد.؟

تربیت رسمی و عمومی، به دلیل قانونمندی ونیز به سبب ارتباط عمیق با نظام سیاسی، لاجرم با نظام حقوقی جامعه نیز ارتباط پیدا می کند؛ از دیگر س و نظام حقوقی جامعه در نگاهی کلان، مجموعه ای از گزاره های اعتباری وتجویزی است که خرد جمعی جامعه مبتنی بر فلسفه اجتماعی، آنها را برای حیات بالنده آحاد خود ضروری می داند. لذا به آنها وجاهت قانونی می دهد و برای آن ها لوازم ضمانت اجرایی فراهم می کند. از این رو نظام های حقوقی نیز با مصالح تربیتی کلان جامعه ارتباط دارند. لذا می توان گفت که فرایند تربیت رسمی و عمومی با نظام حقوقی ارتباطی دوسویه و وثيق برقرار می کند. در این بخش، متناسب با صبغه مباحث حقوقی به مهمترین مبانی حقوقی تربیت در جامعه اسلامی ایران اشاره می کنیم این مبانی در قالب حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوانین موضوعه ومعاهدات بین المللی پذیرفته شده در جمهوری اسلامی ایران (منطبق با ضوابط فقه و حقوق اسلامی مورد تأکید قرار گرفته اند:

حق برتربیت

حق بر تربیت از جمله موضوعاتی است که دو جنبه فردی و اجتماعی دارد که استیفای این حق با تکلیف نهادهای مختلف جامعه همراه است.

در جنبه فردی تربیت، فرد و خانواده صاحب حق و تکلیف اند. لذا به طور کلی مسئولیت اولیه و اصلی تربیت کودکان با والدین است و دولت نقش مکمل و ناظر را به عهده دارد. ولی ایفای جنبه اجتماعی حق بر تربیت باید با مسئولیت ارکان تربیت و همه نهادهای سهیم صورت پذیرد که در تربیت رسمی و عمومی مسئولیت اصلی بر عهده حاکمیت است و والدین نقش مکمل و ناظر را دارند. در عین حال والدین (خانواده) در فرایند تربیت رسمی و عمومی فرزندان خود از حقوق زیر برخوردارند:

• حق انتخاب نوع تربیت فرزندان خود (در چهارچوب فلسفه تربیتی جامعه)؛

• حق مشارکت در مدیریت نظام تربیت رسمی و عمومی در حد توانایی و صلاحیت؛

• حق مشارکت در جریان تربیت فرزندان خود؛

• حق نظارت بر نظام تربیت رسمی و عمومی؟

در جنبه اجتماعی تربیت، دولت اسلامی (حاکمیت) برای تحقق شایسته حق بر تربیت نسبت به آحاد افراد جامعه عهده دار سیاست گذاری و برنامه ریزی است.

اما عموم شهروندان جمهوری اسلامی ایران از منظر تربیتی دارای حقوق زیرند:

• حق دسترسی برابر به فرصت های تربیتی"؛

• حق برخورداری از تربیت منطبق با نیازها و شرایط فردی، خانوادگی، اقتصادی و فرهنگی؛

• حق برخورداری از حد نصابی شایسته از تربیت (عمومی) به طور رایگان و الزامی ؛

• حق برخورداری از تربیت اخلاقی و دینی؛

• حق برخورداری از تربیت تأمین کننده کرامت انسانی؛

• حق برخورداری از تربیت تأمین کننده و ارتقا دهنده آزادی انسانی

• حق برخورداری از تربیت آگاهی بخشد؛

• حق برخورداری از تربیت تفکر برانگیز و خلاق

• حق برخورداری از تربیت زمینه ساز استقلال ملی و رهایی بخش از انواع سلطه"؛

• حق برخورداری از تربیت زمینه ساز وحدت ملی و انسجام اجتماعی

• حق برخورداری از تربیت مصون از تعرضات جسمانی و روانی؛

• حق برخورداری آحاد اقلیت های دینی و مذهبی رسمی از تربیت دینی و مذهبی متناسب؛

• حق مشارکت فعال و متناسب متربیان با تواناییهای هر دوره رشد، در مسائل تربیتی مربوط به خود؛

• حق برخورداری از تربیت فنی و مهارتی متناسب با نیازهای جامعه؛

• حق برخورداری از محیط تربیتی سالم و ایمن و بهداشتی؛

• حق توجه به علائق و استعدادهای فرهنگی و هنری در فرایند تربیت؛

• حق انتخاب فعالیت های مکمل و جانبی متناسب با علایق و استعدادهاء

• حق انتخاب نوع تربیت (متناسب با سطح رشد و توانایی متربی)

• حق تشکیل مؤسسات مردم نهاد و نهادهای مدنی برای مشارکت و نظارت بر نظام تربیتیه

**تکالیف و مسئولیت های تربیتی (دولت وخانواده)**

دولت اسلامی موظف است شرایط برخورداری از همه حقوق تربیتی را به شیوه مناسب برای عموم شهروندان فراهم آورد. تعهدات دولت نسبت به حق بر تربیت به سه شکل است:

• تعهد به رعایت؛

\* تعهد به حمایت؛

• تعهد به زمینه سازی برای تحقق کامل.

• وظایف دولت در خصوص حقوق تربیتی افراد نباید با نقض حقوق دیگر همراه باشد. به سخن دیگر، دولت باید تربیتی ارائه دهد که موجب ضایع شدن حقوق دیگر، از جمله «حق بر امنیت» نباشد. یعنی نباید نحوه تحقق حقوق مختلف با همدیگر تعارضی داشته باشد؟

\* در صورتی که والدین وظيفة تربیتی خود را ایفا نکنند، دولت اسلامی باید این وظیفه را بر عهده بگیرد. توضیح این که دولت اسلامی در این گونه موارد وظایف خاص و اضافی بر عهده دارد: کودکانی که والدین خود را به طور دایم یا موقت از دست داده اند، کودکانی که خود یا والدین آنها از سلامت جسمی یا روانی برخوردار نیستند، کودکانی که والدینشان صلاحیت اخلاقی یا تمکن مالی و امکانات رفاهی لازم برای برخورداری یکسان آنها با سایر کودکان از حق بر تربیت ندارند. زیرا، اصل برابری فرصتها که یکی از پایه های بنیادین عدالت اجتماعی را تشکیل میدهد، ایجاب می کند که دولت اسلامی با حمایت از چنین کودکانی، زمینه های فعالیت و شکوفایی استعداد آنها را فراهم آورد. دولت اسلامی می تواند با ایجاد تبعیض مثبت به نفع چنین کودکانی، بسترهای لازم را برای زندگی و رقابت عادلانه آنها در جامعه فراهم آورد؛ چه اینکه برای رسیدن به عدالت اجتماعی در یک جامعه، می بایست پیشاپیش، بسترها و زمینه های برابری فرصت ها پدید آمده باشد.

\* سیاست گذاری و برنامه ریزی در خصوص تربیت در زمرۂ اعمال حاکمیتی است، اما نحوه ارائه آن قابل واگذاری به بخش غیردولتی است؛ مشروط بر آنکه اصول و سیاستهای حاکم بر تربیت توسط این بخش رعایت شود.

• مسئولیت حفاظت از شئون تربیتی کودکان صرفا به عهده دولت نیست؛ بلکه والدین نیز در این امر مسئول اند. در عین حال، دولت می تواند و باید به هنگام وقوع آسیب های مهم تربیتی با دادن گزارش به مقامات صلاحیت دار، موضوع را پیگیری کند و موجبات تعقیب اشخاص حقیقی و حقوقی بزهکار را فراهم آورد.

1-3 **مبانی روانشناختی**

تربیت رسمی وعمومی به دلیل پوشش دادن به متربیان در سنین خاص (دورههای کودکی ونوجوانی) ناگزیر است با مباحث علمی مربوط به مراحل رشد وخصوصیات هر دوره سروکار داشته باشد؛ زیرا شناخت واقعیت های روان شناختی متربیان موجب تجویز ساز و کارهای مناسب و عقلانی در تربیت رسمی و عمومی خواهد شد. دانش روان شناسی، که دانشی تجربی است، تصویر روشن تری از چگونگی حیات آدمی را (در بعد روان شناختی) ارائه میدهد بنابراین در تدوین فلسفه تربیت رسمی و عمومی نمی توانیم به دستاوردهای دانش معاصر روان شناسی بی**توجه باشیم.**

در این جا به برخی از مهم ترین مبانی روان شناختی، که به نظر می رسد با مبانی اساسی مقبول تربیت (مندرج در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران) سازگارند، اشاره می کنیم

۱۷

**۱ - ۳ - ۱ . آدمی تحت تأثير تعامل پیچیده و تأثیر متقابل عوامل درونی (طبیعت و فطرت)، عوامل بیرونی (محيط) و تجربیات خویش است.**

آدمی، باوجود تأثیرپذیری از عامل درونی و بیرونی، در نهایت خود (شامل تفکر، اراده و عمل) عامل تعیین کننده شکل گیری هویت (شخصیت) است. منظور از «عوامل درونی» همه امکانات و ظرفیت ها و حتی محدودیت هایی است که بشر با خود به دنیا می آورد و «محیط» به تمامی عواملی اشاره دارد که او را احاطه کرده است (مانند محیط فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و....).

در بین نظریه های مختلف روانشناختی، تأکیدات متفاوتی بر دو دسته عامل اساسی شده است: برخی بر طبیعت و دیگر عوامل درونی و برخی بر عوامل محیطی و بیرونی پافشردداند. اینک تردیدی نیست که نگاه افراطی ویا انحصاری به یکی از این دو دسته عوامل، که بر نوعی نگرش فلسفی جبرگرایانه تکیه دارد، مردود است. لذا، تمامی خصوصیات پیچیده انسان مانند هوش، شخصیت و انگیزش، محصول نهایی تعامل خود با مجموعه وسیعی از عوامل درونی وعوامل محیطی و... است.

**1-3-2 آدمی اساسا طبیعت فعال دارد.**

منبع اساسی رشد در وجود آدمی تعبیه شده است. لذا فرد می کوشد برای تحقق امکانات طبیعی خود، عوامل محیطی مشارکت فعال و پویا با داشته باشد. این مشارکت در طول حیات جریان دارد و گرچه در سال های اولیه کمتر است؛ اما به مرور افزایش می یابد. بنابراین، نباید آدمی را صرفا موجودی پذیرنده و در اختیار محيط پنداشت تا هر طور که دیگران بخواهند، بتوانند او را بار بیاورند. از سوی دیگر، نباید پنداشت که همه چیز به طور کامل از جانب فرد تعیین می شود و انسان از هر نظر بر تمام چگونگیهای رشد خود مسلط است. پس نه میتوان تمامی مسئولیتها را بر عهده عوامل بیرونی گذاشت و نه می توان همه چیز را به چگونگی های فردی منتسب کرد. واقعیت آن است که شرایط محیطی تا حد قابل توجهی بر تحولات آدمی تأثیر می گذارد، وگرنه ضرورت فعالیت های زمینه ساز برای تحقق یافتن ظرفیت های وجودی اش، فرد، مورد تردید واقع می شود.

**1-3-3 انسانها در عین داشتن اشتراک در بسیاری خصوصیات، تفاوتهای بین فردی و درون فردي قابل ملاحظه ای نیز با یکدیگر دارند.**

ظرفیت های وجودی انسان ها در سطوح مختلف و در مراتب گوناگون ظهور و بروز می کند. ترکیب پیچیده تعامل بین عوامل درونی (فطرت و طبیعت) و بیرونی (محيط) موجب تفاوت های فردی میشود و در جنبه های مختلف شناختی، عاطفی، جسمانی، اجتماعی این تفاوت ها بروز می کند. از سوی دیگر میان انسان ها از جمله تفاوتهای میان دو جنس) در بهره مندی از ظرفیت های وجودی و فعلیت یافتن آنها نیز تفاوت های قابل ملاحظه ای وجود دارد.

هریک از انسانها (کودکان و نوجوانان) دنیایی مخصوص به خود دارند؛ اما با وجود این تفاوتهای چشمگیر، در بین گروههای همانند (به لحاظ سن ومرحله رشد، جنسیت و....) شباهت های معینی نیز دیده می شود. از سوی دیگر، در میان ایشان گروهی وجود دارند که به س بب داشتن تفاوت های چشم گیر، در توانایی یادگیری، به برنامه تربیتی و ملاحظات ویژه نیازمندند. لذا لازم است این گروه به دقت مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند تا برنامه ریزی مناسبی برای نیازهایشان پیش بینی شود؛ همان طور که برای افرادی که به دلایل زیستی یا وراثتی توانشان در یادگیری محدودتر است، باید تدابیر ویژه ای اندیشید.

**1-3-4«رشد» آدمی نه صرفا ناشی از محیط و نه صرفا امری زیستی و تابع الگویی جهان شمول (کاملا منطبق بر همه) است، بلکه ماهیتی منعطف و قابل شناسایی دارد.**

رشد اگر چه دارای جنبه های کمی است، اما در نهایت امری کیفی است و به صورت جریانی مستمر و مرحله به مرحله شکل می گیرد. تمامی مراحل رشد اهمیت دارند، با این توضیح که مراحل اولیه رشد از حساسیت بیشتر و ویژه ای برخوردار است. ساده ترین مرتبه رشد، بعد جسمانی آدمی است و عالی ترین آن، رشد هماهنگ و موزون ابعاد مختلف و ظرفیتهای وجودی اوست. جریان رشد، در عین حال از الگوهای نسبتا کلی پیروی می کند که در قالب این طرح های کلی، با تأثیرپذیری از عوامل محیطی و زیستی و درونی، تفاوت های متعدد فردی نیز بروز می کند. لذا، میتوان گفت که در جریان رشد انعطاف و پویایی هم وجود دارد. |

**1-3-5 یادگیری یکی از ظرفیت های وجودی آدمی و منشأ اصلی بسیاری از تحولات در ابعاد وجودی اوست.**

یادگیری، حاصل تعامل پیچیده طبیعت (ظرفیتهای وجودی خدادادی)، عوامل محیطی تجربیات فردی، محیط مادی و فرهنگی و ...) و اراده و عمل فرد است و ابعاد مختلف و سطوح گوناگون دارد. یادگیری نه در خلا، که در محیط اجتماعی رخ میدهد و عوامل اجتماعی در آن نقشی تعیین کننده دارند. بر این اساس، یادگیری نیازمند زمینه است و هر زمینهای مساعد و مناسب یادگیری نیست. یادگیری قابلیت مادام العمر آدمی است؛ لذا آدمی می تواند در تمامی مراحل زندگی تغییر کند. البته نوع، روش و منابع انگیزشی انسانها برای یادگیری در مراحل مختلف متفاوت است.

**1-3-6 شخصیت (هویت)، ترکیبی پیچیده، پویا و حاصل تعامل اراده فرد با عوامل زیستی، اجتماعی، فرهنگی، شناختی و روانی است.**

شخصیت آدمی از ابعاد و جنبه های گوناگونی شکل یافته است. اما با وجود داشتن ابعاد و جنبه های مختلف، از وحدت و کلیتی یک پارچه بهره مند است. بنابراین، همواره بین جنبه های جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و معنوی هویت انسان ارتباط و پیوستگی عمیق و ژرفی وجود دارد.

**1-3-7 رشد آدمی در همه ابعاد رخ می دهد و محصول تعامل با عوامل متعدد است.**

رشد جریانی است که همه ابعاد وجودی آدمی را در بر می گیرد. ساده ترین مرتبه رشد، جسمانی است و عالی ترین آن رشد هماهنگ و موزون ابعاد مختلف و ظرفیت های وجود آدمی است.

همچنین رشد آدمی اگرچه دارای جنبه های کمی است اما در نهایت امری کیفی است که به صورت جریانی مستمر و طی مراحل، صورت می گیرد. هرچند تمامی مراحل رشد دارای اهمیت اند، با این حال مراحل اولیه رشد، به لحاظ آثار قابل توجه و تقریبا غیر قابل جبران، از حساسیت بیشتر و ویژه ای برخوردار است..

1**-3-8 انگیزش و میل درونی بر پایه شناخت و اراده از مبادی مهم عمل آدمی است؛ الذا، توجه مناسب به انگیزه اعمال، جایگاه خاصی در حیات وی دارد**.

بخش مهمی از نظریات روان شناختی به این مقوله مهم در حیات آدمی، یعنی عوامل شکل گیری عمل، اختصاص یافته است. این بحث در روان شناسی عمدتا تحت عنوان انگیزش مورد بحث قرار می گیرد. عموم نظریات انگیزشی، به دلیل خصوصیت کاهش گرایانه، نظریه جامعی را درباره پیچیدگی های فرایند انگیزش در عمل انسان ارائه نداده اند. در عین حال می توان چنین گزاره هایی را در خصوص انگیزش ارائه داد:

\* انگیزش متأثر از هدف انسان و نحوه شناخت آدمی از آن است؛

• انگیزش تحت تأثیر روابط فردی و هویت انسان است؛

\* انگیزش تحت تأثیر خودپنداره انسان (تلقی مثبت یا منفی آدمی از خویش است؛

• تأکید زیاد بر انگیزه های بیرونی عوامل تقویت کننده، الگوها موجب غفلت از منابع سرشارانگیزنده های درونی می شود؟

\* در انگیزش، کیفیت رفتار تحت تأثیر قدرت تفکر و انتخاب و مسئولیت پذیری فرد است.

لذا نظریاتی که به منابع درونی انگیزشی توجه می نمایند، تبیین دقیق تری ارائه می دهند. بر پایه این دسته از نظریه های انگیزش در یادگیری وقتی نیرومند است که منابع انگیزشی درونی باشند یا حرکت به سوی انگیزه های درونی باشد، هدفهای یادگیری مورد توجه فراگیران باشد، متمرکز بر اجرای تکلیف باشد، یادگیرنده موفقیت و شکست خود را در امر یادگیری به دلیل قابل پایش استناد دهد و یادگیرنده کارایی خود را باور داشته باشد.

**1-4مبانی جامعه شناختی**

تربیت رسمی بیش از هرچیز تابع مقتضيات محیط اجتماعی و شرایط تاریخی است و وضعیت

جامعه یا دوران، می تواند حدود و ثغور و ویژگی های آن را رقم بزند. شناخت واقعیت های جامعه موجب تجویز ساز و کارهای مناسب و عقلانی تربیت رسمی و عمومی خواهد شد. بنابراین تدوین فلسفه تربیت رسمی و عمومی نمی تواند به دستاوردهای دانش جامعه شناسی بی توجه باشد. در این جا به برخی از مهم ترین مبانی جامعه شناختی منطبق با دیدگاه اسلامی اشاره می کنیم

**۱ - ۴ - ۱ . جامعه حیاتی مستقل از حیات فردی آحاد خود دارد.**

جامعه به حکم این که خود، از نوعی حیات مستقل از حیات فردی برخوردار است، قوانین و سنتهایی مستقل از اجزای خود (افراد) دارد. در عین حال، اجزای جامعه، که همان انسانها هستند، از استقلال برخوردارند، زیرا حیات فردی و فطریات فردی و مکتسبات فرد از طبیعت، به کلی در حیات جمعی حل نمی شود. در حقیقت، انسان با دو حیات و دو روح زندگی می کند:

حیات و روح فردی انسان که مولود حرکات جوهری طبیعت و اراده شخصی و عمل اوست و دیگری حیات و روح جمعی که مولود زندگی اجتماعی است و به صورت هویت جمعی هر فرد و براساس انتخاب و عمل جمعی او ظهور و بروز می نماید. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین فرد و جامعه رابطه حقیقی برقرار است، نه رابطه قراردادی مانند رابطه کتاب های یک قفسه.

**1-4-2 انسان با محیط (جامعه) و آحاد آن تعامل فعال دارد.**

دیدگاه اسلامی، به لحاظ تأکید بر آزادی و مسئولیت فردی از محیط گرایی (منطوی در علوم اجتماعی معاصر) فاصله می گیرد. به لحاظ توجه به موقعیت، با فردگرایی نیز تفاوتی اساسی دارد و به ما گوشزد می کند که از تعامل با محیط ناگزیریم و نمیتوانیم آن را نادیده بینگاریم، ولی مجاز نیستیم برای تغییر محیط، دوباره خود را به محیط واگذاریم.

**1-4-3 نسبت فرد و جامعه نسبت وحدت و کثرت است.**

توجه به موقعیت اجتماعی، در نگرش اسلامی، هرگز به معنای اصالت جمع نیست؛ بلکه به معنای ملاحظه وحدت در کثرت، تشخص در محیط و فردیت در جماعت است. توجه به موقعیت سبب میشود ما در مقام تبیین اعمال آدمی، تأثیرات محیط اجتماعی و حتی عناصر طبیعی را (به لحاظ وجود مقتضی و رفع مانع) در بروز شیوه های رفتاری و در تداوم آنها و حتی در ظهور ویژگی های اخلاقی و نگرش انسان ها، مورد بررسی و مطالعه دقیق قرار دهیم، ولی در مقام تجویز از آدمیان بخواهیم با تکیه بر انتخاب و اراده خویش میزان و نوع این تأثیرات محیطی را شناسایی و حتی الامکان به کنترل در آورند. یعنی کانون توجه، چه در مقام تبیین عمل و چه در مقام تجویز اصلاحات، شخص یا همان فرد اندیشنده، تصمیم گیرنده و عمل کننده است.

پس دیدگاه اسلامی از یک سو (در تعارض با فردگرایی) به ما توصیه می کند از نفی ساده لوحانه آثار و لوازم ساختارها و سازوکارهای اجتماعی در ظهور و استمرار رفتار و تکوین هویت اشخاص بپرهیزیم و از سوی دیگر (در تعارض با جبرگرایی اجتماعی) به ما اجازه نمیدهد برای تغییر و اصلاح عملکرد یادگیرندگان، صرفا به ساختارهای اجتماعی متمسک شویم؛ زیرا قانون کلی در دیدگاه اسلامی آن است که هیچ کس بار دیگری را (به طور کامل) برنمی دارد. براین اساس ما نمی توانیم از تأثیرات محیطی بر اعمال افراد چشم بپوشیم. در عین حال، نمی توانیم نقش آنها را در تبیین اعمال ایشان و حتی در تصحیح آنها انحصاری و بیش از حد واقعی برجسته نماییم؛ زیرا مسئولیت نهایی عملکرد هر کسی برعهده خود اوست؟.

**1-4-4 نهادها، ساختارها و فرایندهای اجتماعی در نحوه عمل افراد در موقعیت های زندگی تأثیرگذار است.**

توجه به اهمیت و تأثیر گسترده نهادهای اجتماعی، ساختارها و فرآیندهای اجتماعی در تکوین نگرش افراد و نوع نگاه آنها به موقعیت و هم چنین تکوین دلایلشان برای عمل در موقعیت، میتواند سیاستگذاران اجتماعی را به تغییرات محیطی حساس کند. سیاست گذاران اجتماعی لازم است، ضمن توجه به پیچیدگی های بسیار فرآیندهای اجتماعی، انواع عوامل تأثیرگذار و شیوه های گوناگون تأثیرگذاری آنها را شناسایی کنند. بنابراین سیاست گذاران تربیتی باید با بررسی گسترۀ تأثیرگذاری نهادهایی نظیر اقتصاد، سیاست و علم برای دست کاری در عوامل محیطی آماده شوند. برنامه ریزان تربیتی لازم است تصویری نزدیک به واقعیت از حوزه عمل این نهادها در اختیار متربیان قرار دهند. آنها می توانند و باید برای دستیابی به تفسیری معتبر از موقعیت و راههای اصلاح مداوم آن از منابع معتبر علمی و دینی بهره مند شوند؟.

**1-4-5 زمینه سازی برای کسب شایستگی ها توسط شهروندان جامعه اسلامی عامل تحرک اجتماعی است.** عموم انسانها توانایی کسب شایستگی های لازم را برای مشارکت فعال در حیات فردی و اجتماعی دارند. لذا، جریان تربیت، باید فرصت مناسب تحقق این توانایی را به صورت عادلانه برای آحاد اجتماع فراهم آورد. از این رو نظام تربیت رسمی و عمومی باید زمینه مناسب شناخت و تعالی مستمر ظرفیتهای متربیان را فراهم سازد تا ضمن تکوین و تعالی هویت سالم و متعادل در آنان، از انسداد طبقاتی در جامعه جلوگیری کند.

**1-4-6 نهادهای اجتماعی دارای غایت مشترکاند و کارکرد همدیگر را در راستای غایت تکمیل می کنند.**

نهادهای اجتماعی س هیم در جریان تحقق حیات طیبه، با وجود داشتن تفاوت در ساختار و ظرفیت، از غایت مشترکی برخوردارند و کارکردشان مکمل و مؤید یکدیگر به شمار می آید و غایت ویژه آنها (متجلی در رسالت و کارکردهای خاص) در راستای تحقق غایت مشترک تعیین میشود. بنابراین نقص در کارکرد هریک از نهادهای اجتماعی را نمی توان به سادگی با تقویت نهادهای دیگر جبران کرد و لازم است همه نهادها با همدیگر تعامل داشته باشند.

1-4-7 نهاد خانواده، که نقش غیر قابل انکاری در تربیت برعهده دارد، یکی از نهادهای بنیادی جامعه به شمار می آید.

در نگاه اسلامی س لامت جامعه و رسیدن به جامعه ای سالم منوط به وجود خانواده های سالم و کارکرد مناسب آنها در همه ابعاد زندگی است. یکی از نهادهای اجتماعی مؤثر و بنیادی در انواع تربيت، به ویژه در سنین کودکی و نوجوانی، نهاد خانواده است. در واقع نهاد خانواده کوچکترین واحد اجتماعی و در عین حال مهم ترین و تأثیرگذارترین واحد تربیتی در جوامع محسوب می شود. اساسا یکی از عملکردهای مهم این نهاد، تربیت فرزندان است و لذا خانواده در هر حال نقش غیر قابل انکاری در فرایند تربیت دارد. در نگرش اسلامی نیز بر این موضوع مهم تأکید شده است. تنوع و تکرار فراوان روایات و احادیث، درباره وظايف تربیتی خانواده و نیز تصریح متون مقدس و معتبر اسلامی به نقش والدین در تربیت، در خصوص مسئولیت والدین نسبت به تربیت فرزندان، در میان علمای دین اجماعی کلی پدید آورده است.

1-4-8 در روند شکل گیری و تحول جامعه باید بین فرایند انسجام اجتماعی (پیوند یافتن واحدهای اجتماعی در راستای ایجاد وحدت و فرایند تمایز یافتگی (تقسیم و تشخص یافتگی واحدهای اجتماعی به منظور پذیرش کثرت و تنوع) - براساس اصل وحدت در کثرت وكثرت در وحدت- جمع نمود. در شکل گیری و تغییرات جامعه دو جریان کلان دخالت دارد. جریان اول فرایند "انسجام اجتماعی است. این فرایند شکل گیری و ایجاد مجموعة واحدی از انسانها را به نام جامعه عملی می سازد. در این جریان واحدهای اجتماعی از قبیل افراد یا گروهها با هم پیوند می یابند و جامعه را به وجود می آورند. این فرایند، پیوستگی و همبستگی اجتماعی ایجاد می کند. جریان دوم، فرایند تمایزیافتگی" نام دارد. این فرایند موجب تمایز و تشخص افراد و واحدهای اجتماعی می شود و گروهها و اصناف را در جامعه به وجود می آورد. همچنین موجب انشعاب و کثرت در گروه ها و بخش های جامعه و ایجاد خرده فرهنگ ها می شود و حتی به برخورد و تعارض بین آنها منجر می گردد .

اما رویکرد جامعه شناختی مطلوب، بر اساس اصل فلسفی وحدت در کثرت و کثرت در وحدت، رویکردی است که هر دو جریان کلان اجتماعی یعنی " انسجام" و " تمایز یافتگی " را در کنار هم در نظر می گیرد و تبیینی کلان از آنها ارائه میدهد. یعنی هم بر وحدت و انسجام اجتماعی تاکید دارد و هم بر وجود کثرت در گروهها و فرهنگ ها عنایت دارد. |

در اینجا توضیح و تشریح مبانی فلسفه تربیت رسمی و عمومی به پایان می رسد و در ادامه از چیستی تربیت رسمی و عمومی بحث خواهیم کرد منظور از چیستی تربیت رسمی و عمومی بیان تعريف تربیت رسمی به نحو تجویزی است یعنی تعریف تربیت رسمی و عمومی بر اساس مبانی پذیرفته شده و چنانچه باید باشد. از این رو در این تعریف تمامی مبانی تدوین شده در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و فلسفه تربیت رسمی و عمومی مورد اعتنا و ابنتا می باشد.

**۲-تبیین چیستی تربیت رسمی وعمومی**

فرایند تربیت، اساسی ترین جریان اجتماعی بشری و عامل اساسی تحقق حیات طیبه در ابعاد فردی و اجتماعی آن است که باید توسط نهادهای ذی ربط اجتماعی پشتیبانی و هدایت شود. این فرایند به نحو تجویزی در فلسفه تربیت بر اساس استنتاج و استنباط از مبانی اساسی تصریح شده چنین تعریف شده است:

**«تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان، به صورتی یک پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد.»**

از این تعریف بر می آید که عمل تربیت فرایندی دو سویه است: از یک سو عمل زمینه سازی است که در آن مربیان با طراحی، سازماندهی و تدارک فرصتهای مناسب در قالب تدابیر و اقداماتی تدریجی، سنجیده (براساس انطباق با خصوصیات و موقعیت متربیان)، هماهنگ و یک پارچه براساس نظام معیار زمینه های مناسبی را فراهم می سازند؛ از سوی دیگر، عمل کسب توسط متریی است که در آن متربیان نیز با مشارکت فعال در این فرایند و استفاده مناسب از فرصتهای فراهم شده، شایستگی های فردی و جمعی لازم را کسب می کنند و از این طریق آماده می شوند تا آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه را در همه ابعاد محقق سازند.

البته این فرایند تعامل مستمر بین مربیان و متربیان، در خلأ صورت نمی پذیرد و تحقق شایسته آن، به مثابه مهم ترین عمل اجتماعی زمینه ساز تحقق حیات طیبه، مستلزم مشارکت فعال تمامی عوامل اجتماعی سهیم و مؤثر در آن، به ویژه پشتیبانی مؤثر عناصر اصلی اجتماع (خانواده، دولت، رسانه و سازمانها و نهادهای غیر دولتی) به منزله ارکان این فرایند در دوران معاصر است. تربیت رسمی و عمومی در واقع آن بخش از این جریان تربیت است که با پشتیبانی دولت برای عموم افراد در دوره زمانی خاصی انجام می پذیرد.

براین اساس، «تربیت» را بایدعملی جامع و یک پارچه، تدریجی، هماهنگ، فراگیر و همیشگی مادام العمر) و مشتمل بر تمام فرایندهای زمینه ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی دانست که به مثابه امری واحد، با تکوین و تعالی پیوسته و یک پارچه تمام ابعاد فردی و اجتماعی وجود انسان، به منزله یک کل، سر و کار دارد.

اما چنان که در بخش پیشین (فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران گذشت، این فرایند عام اجتماعی از ابعاد و منظرهای مختلف قابل تقسیم بندی است. برای فهم بهتر شکل ویژه و مورد نظر از فرایند عام تربیت در این بخش (یعنی تربیت رسمی وعمومی) لازم است اقسام و اشکال اجتماعی مختلف جریان تربیت به خوبی شناخته شوند. لذا اینک به این اقسام اشاره می کنیم:

\*تربیت از منظری به شئون و ابعاد حیات طیبه، یعنی غایت زندگی بشری، نظر دارد. از این منظر، تقسیم تربیت (جریان آماده سازی فرد و جامعه برای تحقق حیات طیبه) در شئون مختلف با وجود متحد و یک پارچه بودن حیات طیبه، موضوعیت پیدا می کند. لذا چنان که گذشت، تربیت، در یک تقسیم بندی اعتباری ناظر به شئون حیات طیبه، به شش ساحت تقسیم می شود که عبارت اند از: تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی تربیت علمی و فناوری؛ تربیت اجتماعی و سیاسی تربیت اقتصادی و حرفه ای تربیت زیبایی شناختی و هنری و تربیت زیستی و بدنی. البته با توجه به جامعیت و یک پارچگی مفهوم تربیت، این تقسیم بندی برای ساماندهی مؤثرتر تدابیر و اقدامات تربیتی صورت می پذیرد و نباید تصور چندگانگی واقعی بین این ساحتها را ایجاد کند. لذا این ابعاد، ضمن تمایز نسبی، از وحدت برخوردارند.

\* تربیت از منظر مراحل رشد متربیان نیز قابل دسته بندی است. تحولات و تغییرات رشدی متربیان مراحل و مراتبی دارد که میتوان با وجود پیوستگی و استمرارشان، آن را کم و بیش، به دوره ها و مراحل نسبتا متمایزی بخش کرد. تفاوت ویژگیهای متربیان در این مراحل، اقدامات تربیتی گوناگون را اقتضا می کند. بر این اساس، جریان تربیت را برحسب مراحل رشد (دوره جنینی، نوزادی، کودکی اول، کودکی دوم، اوائل نوجوانی، نوجوانی،جوانی، میان سالی، بزرگسالی و کهن سالی) می توان به انواع گوناگونی تقسیم کرد.

• فرایند تربيت، به لحاظ میزان شمول نسبت به آحاد جامعه، به دو نوع «عمومی» و«تخصصی» تقسیم می شود. تربیت عمومی بخشی از جریان تربیت است که در جهت تکوین و تعالی مداوم هویت متربیان با تأکید بر وجوه مشترک هویت، ضمن ملاحظة ویژگی های فردی و غیر مشترک ایشان، صورت می گیرد تا متربیان مرتبه ای از آمادگی را برای تحقق حیات طیبه در ابعاد گوناگون به دست آورند که تحصیل آن مرتبه، برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد. اما تربیت تخصصی، بخشی از جریان تربیت است که در راستای تکوین و تعالی پیوسته وجوه اختصاصی هویت بر بنیاد تکوین وجوه مشترک هویت انجام می گیرد تا متربیان مرتبه ای از آمادگی برای تحقق مراتب حیات طیبه در ابعاد مختلف را به دست آورند که وصول به آن مرتبه از آمادگی، تنها برای بخشی از افراد جامعه لازم یا شایسته باشد.

تربیت از منظر نحوه سازماندهی و اعتبار قانونی نیز به دو نوع رسمی و غیررسمی تقسیم می شود. تربیت رسمی بخشی از جریان تربیت است که به شکل قانونی، سازماندهی شده (با مخاطبان مشخص و اهداف، ساختار و برنامه معین)، انعطاف پذیر (برحسب خصوصیات متربیان)، در جهت آماده سازی متربیان برای تحقق مراتب حیات طیبه در ابعاد مختلف و متناسب با نیازهای متنوع جامعه، طراحی و اجرا می شود و پس از احراز کسب شایستگی های لازم از سوی متربیان (جهت درک موقعیت و عمل برای اصلاح مداوم آن بر اساس نظام معیار) گواهینامه موفقیت مدرک معتبر) به ایشان اعطا می گردد. لیکن تربیت غیررسمی آن، شکلی از جریان تربیت است که در آن انواع شایستگی های لازم جهت درک موقعیت و اصلاح مداوم آن بر اساس نظام معیار، در جهت آماده سازی متربیان برای تحقق مراتب حیات طیبه در ابعاد گوناگون، بدون سازمان دهی مشخص و از طريق تجارب داوطلبانه متربیان (مانند حضور در خانواده، مطالعه کتاب و روزنامه، تماشای فیلم و تلویزیون، مشارکت در فعالیت گروه ها و انجمن ها، شرکت در مساجد و محافل مذهبی) کسب میشود.

تربیت از منظر نحوه حضور متربیان و چگونگی برخورداری از آن، به دو گونه تربیت الزامی و اختیاری تقسیم می شود. تربیت الزامی نوعی از جریان تربیت است که متربیان باید بر حسب ضوابط قانونی در آن حضور یابند. تربیت اختیاری نوعی از جریان تربیت است که شرکت متربیان در آن داوطلبانه است. البته این تمایز به معنای استقلال کامل این دو از همدیگر نیست؛ بلکه دو نوع تربیت الزامی و اختیاری را حتی الامکان باید به طور هم جهت و مکمل یکدیگر و حتی در هم تنیده با یکدیگر) ساماندهی کرد.

بر اساس آنچه گفته شد، اینک می توان بخشی از فرایند تربیت را با تلفیق و ترکیب برخی از انواع یادشده تحت عنوان «تربیت رسمی و عمومی» نام گذاری کرد که مقصود از آن، بخشی از جریان تربیت است که مخاطبانش در دوره رشدی ویژه ای (کودکی دوم ونوجوانی و جوانی) قرار دارند و به لحاظ میزان و نحوه شمول از نوع تربیت عمومی و تربیت الزامی است و از منظر نحوه سازماندهی و اعتبار قانونی در نوع تربیت رسمی قرار می گیرد و در عین حال مطابق با خصوصیت همه جانبه نگری و یک پارچگی فرایند تربیت ولزوم رشد همه جانبه متربیان، تمامی ساحتهای تربیت را به طور متوازن دربردارد. به سخن دیگر در فرایند تربیت رسمی مفهوم عمومی ناظر به گروهی خاص از متربیان است که در دوره رشدی ویژه ای-کودکی دوم ونوجوانی و جوانی قرار دارند. اما این فرایند به سبب تداوم و الزامی بودن، «در طی زمان» نسبت به همه افراد جامعه به تدریج عمومیت می یابد و پوشش همگانی پیدا می کند. شایان یادآوری است که دامنه دوره رشدی مورد نظر (حدود سنی متربیان در نظام تربیت رسمی وعمومی) بر حسب شرایط و مقتضیات اجتماعی متغیر است. از این رو این دامنه در نظام های تربیت رسمی و عمومی جهان تفاوت دارد.

**بررسی اجمالی الگوهای رایج تربیت رسمی وعمومی**

البته می توان صورتهایی از تربیت سازمان یافته را به عنوان تربیت رسمی در همه جوامع (از جمله جوامع سنتی) شناسایی کرد، چنان که تربیت عمومی نیز در شکل غیررسمی آن در همه جوامع بشری پیشینهای طولانی دارد، ولی همان گونه که پیش تر گفته شد، تربیت رسمی و عمومی در شکل امروزین آن، پدیده اجتماعی نوظهوری از محصولات دوره مدرن است که مطابق با نیازها و مقتضیات فرهنگی، اقتصادی و فناورانه جوامع معاصر در اشکال گوناگون بسط یافته است.

به هرحال تربیت رسمی و عمومی در اشکال و مصادیق رایج آن، بدون شک توفیقات قابل توجهی در جوامع امروزی داشته است که می توان از جمله به این موارد اشاره نمود:

\* ارتقای فرهنگ عمومی؛

• نقش آفرینی در تحرک اجتماعی افرادطبقات مختلف و بسط عدالت اجتماعی؛

\* کمک به ایجاد انسجام اجتماعی و وحدت ملی؛

• تعمیم آموزش سواد و مهارت های اساسی زندگی؛

\*کمک به گسترش روابط اجتماعی این توفیقات باعث شده است تا نه تنها در همه جوامع معاصر بسط و گسترش تربیت رسمی و عمومی مهم ترین راهکار توسعه و تعالی پایدار جوامع و لوازم آن (یعنی شکل گیری و ارتقای سرمایه انسانی، تکوین و تعالی سرمایه اجتماعی و ایجاد انسجام اجتماعی و وحدت ملی) به شمار آید؛ بلکه در قوانین و میثاق های بین المللی و قوانین اساسی عموم کشورها، بهره مندی از آن، حق مسلم همه آحاد جامعه (قطع نظر از ویژگی های فرهنگی، قومی، مذهبی، اقتصادی، جنسی و فردی محسوب شود. اما از سوی دیگر در طول سال های ظهور و توسعه تربیت رسمی و عمومی، انتقادات فراوانی از سوی صاحب نظران با مبانی فکری متفاوت نسبت به مصادیق رایج آن مطرح شده است.

اهم نقدهای وارد شده به مصادیق رایج تربیت رسمی و عمومی از منظر رویکردهای انتقادی، پست مدرن، سنت گرایی، کارکردگرایی، انسان گرایی و لیبرالیسم، عبارت اند: .

\*گروهی از منتقدان، شکل فعلی تربیت رسمی و عمومی را «ناکارآمد» تلقی می نمایند.

این انتقاد از منظر دیدگاه کار کردگرایی در جامعه شناسی وارد شده است. به اعتقاد اینان، این نظام به دلیل س اختار غیرمنعطف خود به تحولات اجتماعی و نیازهای برآمده از آن، با تأخیر جواب می دهد. همچنین این نظام در برآورده کردن نیازهای فرهنگی و حرفه ای افراد، ناموفق است

. در لایه های عمیق تر این انتقاد، به نوعی تحویل گرایی در کارکرد تربیت رسمی و عمومی اشاره می شود. این تحویل گرایی در دو عرصه نمود و بروز یافته است. نخست در عرصه فروکاستن صلاحیت ها و مهارتهای متربیان به کسب مدرک تحصیلی برای ورود به تربیت تخصصی و دوم فروکاستن یادگیری به حفظ کردن محتوای مشخص به ویژه محتوای کتاب های درسی و هم چنین فروکاستن مفهوم شایستگی های متربیان به توسعه بعد شناختی ایشان. فروکاهش نخست، به پدیده مدرک گرایی منجر شده است و دومی به معضل حافظه گرایی.

البته ناکارآمدی یادگیری رسمی موجب واکنش های ایجابی نیز شده است. توجه به یادگیری های غیررسمی و به کارگیری آن در مدرسه، از این جنس واکنش هاست. طرح ایده فعالیت های فوق برنامه درسی - مانند فعالیتهای بیرون مدرسه و فعالیتهای مکمل - بی تردید واکنش کارگزاران نظام های تربیت رسمی و عمومی به دیدگاههای برخی منتقدین بوده است. این ایده ها توانسته است بخشی از آثار نامطلوب یادگیری رسمی و ناکارآمدی های آن را کاهش دهد. در واقع، نظام تربیت رسمی از عناصر و اشکال تربیت غیر رسمی در راستای تحقق اهداف خود بهره برده است. از این روست که برخی از صاحب نظران، ترکیب این دو شکل از تربیت را راهکاری مناسب برای دور شدن از آثار نامطلوب تربیت رسمی و راهکاری مناسب برای انطباق آن با شرایط و نیازهای جامعه می دانند. .

\* از منظر عدالت اجتماعی، شماری از صاحب نظران بر نظام های رایج تربیت رسمی و عمومی خرده گرفته اند که مدارس و به طور کلی نظام های تربیت رسمی، نابرابریهای موجود اجتماعی را بازتولید می کند و حتی بر میزان اختلاف طبقات اجتماعی دامن میزند. طبق نظر این گروه، طبقات برخوردار اجتماع فرصت و امکان بیشتری برای بهره برداری کامل از مواهب تربیت رسمی دارند و متعاقب آن دانش و تخصص، که از منابع اصلی قدرت در جوامع پیشرفته صنعتی به شمار می رود، مجددا در اختیار همین طبقات برخوردار قرار می گیرد.

\* برخی از منتقدان نظامهای تربیت رسمی معتقدند که به طور کلی تربیت رسمی به سبب تکیه بر نظام ارزشی و فکری مغرب زمین، موجب گسترش و سلطه فرهنگ غربی بر کشورهایی می شود که این الگو را بدون دست کاری و بومی سازی اقتباس می کنند. لذاء تربیت رسمی رایج، نابرابری قدرت اجتماعی و فرهنگی را در س طح بین الملل گسترش میدهد و فرهنگ های دیگر جهان را به انفعال و استحاله دچار می کند. .

\*یکی دیگر از انتقاداتی که به نظام تربیت رسمی و عمومی وارد کرده اند، ناظر به آثار و نتایج این تربیت بر متربیان است

. از این دیدگاه، متربیان با توجه به روش های تربیتی مرسوم در این نظام تربیتی، عموما افرادی منفعل و پذیرنده بار می آیند و خود را تابع موقعیت و سازگارشونده با آن و نه تغییر دهنده آن می دانند. در این صورت متربیان به سان ظرف های خالی و فاقد اراده و قدرت تصمیم گیری، از محتوای گزینش شده ای پر میشوند. برخی این تربیت را ’’تربیت بانکی نیز می نامند ؟ این انفعال گرایی شدید متربیان، ناشی از اقتدار مطلق و سندیت بی چون و چرای مدرسه (مصداق عینی نظام تربیت رسمی و عمومی) و اولیای آن است.

\*از منظری دیگر، کارکرد نظارتی و کنترلی تربیت رسمی مورد انتقاد جدی برخی صاحب نظران بوده است. از دید آنان، نظام های سیاسی از طریق تربیت رسمی به هویت سازی، مدیریت اذهان و تأثیرگذاری بر فرایند تولید و توزیع دانش های معتبر می پردازند. به این ترتیب «شخصیت زدایی»، «از خود بیگانگی» و «پیروی نهاد دانش از نهاد سیاست» از پیامدهایی است که از این تربیت رسمی نشئت می گیرد. این انتقاد بیشتر ناشی از دو سازوکار مهم استانداردسازی همگانی» و «تمرکز نهادی» تربیت رسمی و عمومی است؟

در ساز و کار نخست، تربیت رسمی و عمومی می کوشد، مطابق با نیازهای جامعه صنعتی و مانند فرایند تولید صنعتی بر اساس دستورالعمل های نظم دهنده، افرادی منضبط، مطلوب و به هنجار را برای زندگی در جامعه صنعتی آماده سازد. سازوکار دوم که با سازوکار نخست ارتباط دارد، شامل تمرکزگرایی در سیاست گذاری، برنامه ریزی و مدیریت بر نظام های تربیت رسمی وعمومی می شود، به طوری که استانداردسازی بدون این تمرکزگرایی مقدور نخواهد بود و بدیهی است که در شکل افراطی اش به حذف خرده فرهنگ های جوامع می انجامد. از این رو می توان گفت این تمرکزگرایی شدید، با شرایط امروزی جوامع، سازگار نیست و بسیاری از جوامع در تلاش اند که با سیاست واگرایی مدیریتی از این تمرکزگرایی افراطی دور شوند.

اما، افزون بر این انتقادات، با تأمل در وضع فعلي الگوی تربیت رسمی وعمومی می توان نقدهای دیگری را نیز از منظر اسلامی به آن وارد دانست که برخی از آنها عبارت اند از:

• تضعیف شدن جایگاه خانواده در امر تربیت. تمایل منابع قدرت، به ویژه دولت های تمامیت

خواه به کنترل و مهار نظام تربیت رسمی وعمومی، لاجرم به کاهش نقش خانواده در امر تربیت رسمی و عمومی منجر شده است. بر اساس این تمایل «دولت والاتر از هر نهاد پایین تری است و دولت بهتر از افراد و خانواده هایشان تشخیص میدهد که جامعه باید چگونه باشد. بنابراین، فرد و خانواده باید تسلیم رهنمودهای سیاسی، اقتصادی و اخلاقی دولت شوند». البته از دیدگاه منتقدان، این جریان به کاهش اهمیت خانواده در جامعه نیز منجر شده است.

\* اندیشه حذف تأثیر خانواده در امر تربیت هرچند به لحاظ تاریخی به افلاطون برمی گردد، ولی کاهش اهمیت خانواده در فرایند تربیت خود ناشی از حاکمیت تفکر لیبرالی بر جوامع معاصر به ویژه جوامع غربی است. در تفکر لیبرالی خانواده نهادی مرتجع محسوب میشود. نکته جالب توجه اینکه رویکرد تضعیف نقش تربیتی خانواده به شکلی دیگر در تفکر سوسیالیستی نیز دیده میشود. از این رو در حالی که تربیت در جوامع سنتی از وظایف اصلی خانواده به شمار می آید و خانواده تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی بر فرایند تربیت است

، در جوامع سنتی معاصر به رغم تفاوت در فلسفه اجتماعی و تأکید فرهنگ س نتی بر نهاد خانواده، نیز این کاهش تأثیر خانواده در فرایند تربیت با تبعیت از الگوهای رایج تربیت رسمی و عمومی از کشورهای غربی کم و بیش رخ داده است. بر این اساس، به انزوا و انفعال کشاندن خانواده به صورت مستقیم و غیرمستقیم یکی از محورهای انتقاد بر الگوهای تربیت رسمی و عمومی غربی است که در درازمدت موجب تزلزل نهاد خانواده وحتى اضمحلال آن خواهد شد.

• از سوی دیگر بی توجهی الگوهای رایج تربیت رسمی وعمومی به خصوصیات جنسی / جنسیتی متربیان و تلاش برای ارائه تربیتی خنثا وغیرحساس، نسبت به این لایه مهم از هویت متربیان، مسئله ای است که تا حدود زیاد از نگرش مدرنیستی به مسئله جنسیت مبنی بر شباهت کامل به تبع تساوی کامل مردان و زنان) ناشی می شود و در برخی موارد نیز متأثر از رویکردهای لیبرال فمنیستی، به تلاش عمدی برای حذف یا تقلیل کلیشه های جنسیتی از محتوا و روش های تربیتی در نظام های تربیت رسمی می انجامد.

این گونه بی توجهی موجب شده است تا نظامهای فعلی تربیت رسمی وعمومی در مهم ترین دوران تکوین هویت جنسی و جنسیتی افراد جامعه، از این امر مهم غافل شوند و در نتیجه تربیت یافتگان این نظامها نه تنها از خلال تجارب تربیتی مدرسه تقریبا هیچ یک از انواع آمادگیهای لازم را برای ورود به زندگی خانوادگی و اجتماعی، متناسب با خصوصیات جنسی و هنجارها و نقش های جنسیتی ای که از ایشان برحسب ارزشهای اجتماعی و فرهنگی مورد انتظار است، نمی یابند.

در حالی که در نظام تربیت رسمی و عمومی مطلوب، خانواده - برخلاف رویکردهای فمنیستی رادیکال و لیبرال - مهمترین نهاد پشتوانه تشکیل جامعة صالح به شمار می آید. لذا تأسیس و حفظ خانواده، از ارزش های اساسی برگرفته از سنت اسلامی است. و نوباوگان و نوجوانان باید به اهمیت این نهاد ارزشمند و بنیادی پی ببرند و مهارتهای ضروری را برای تشکیل و تداوم آن کسب کنند. البته در این باره باید به سه نکته مهم اشاره نمود:

- نکته اول این که ترتیبات اجتماعی امروزی جامعه، نیازمند تعریف خانواده با ساختار جدید و مبتنی بر ارزش های اصیل و اساسی اسلامی است، تا براساس آن شایستگی های ضروری برای دختران و پسران و در واقع مادران و پدران آینده) تعریف شود.

-نکته دوم این که بسیاری از شایستگی های ضروری برای تشکیل نهاد خانواده در زمره شایستگیهای پایه و مشترک اند، که اگر به خوبی کسب شوند زمینه های استحکام بنیان خانواده را به خوبی فراهم می سازند. در عین حال، برخی از شایستگی های ضروری نیز با توجه به تفاوت های جنسی ناظر به نقش های جنسیتی است که لازم است در تجارت تربیتی نظام تربیت رسمی و عمومی به نحوی گنجانده شود.

-نکته سوم این که با توجه به رویکرد عدالت محور اسلام و این که زن و مرد، صرف نظر از جنسیت خود، لازم است در جامعه، به عنوان یک انسان، نقش و وظایف و مسئولیت های اجتماعی خود را برعهده گیرند. لذا تربیت رسمی و عمومی باید براساس مشی عدالت جویانه خود هم به تشابهات جنسی و جنسیتی و هم به تفاوت ها توجه داشته باشد.

• نقد دیگری که از منظر اسلامی بر الگوهای رایج تربیت رسمی و عمومی وجود دارد ناظر به نگاه سکولار به فرآیند تربیت و تلاش جهت تفکیک کامل این فرایند از دین و لزوم نقش آفرینی آن است. چنانچه گفته شد الگوی رایج تربیت رسمی و عمومی، در واقع یکی از محصولات دوران مدرنیته است، لذا به شدت تحت تأثیر نگاه سکولاریستی مدرنیته قرار گرفته است. به این معنی که نمی توان ونباید بنیاد هرگونه تربیت را فرایندی اجتماعی بر اساس مبانی و ارزش های دینی قرار داد؛ لذا هر چند در برخی از الگوهای رایج تربیت رسمی و عمومی رابطهای جزئی بین دین و فرایند تربیت در قالب تربیت دینی به معنای خاص دیده میشود، اما بر اساس تفکر و سیاستهای سکولار حاکم بر الگوهای تربیتی رایج، رابطه هنجاری و جهت دهنده نهاد دین و ارزش های دینی با این گونه تربیت به طور کلی قطع گردیده یا به حداقل رسانده شده است. زیرا مطلوب نگرش سکولار و نتیجه طبیعی فرایند سکولاریزاسیون (غیر دینی شدن امور و مسائل اجتماعی این است که مبانی و ارزشهای دینی مبنای هیچ اقدامات وسازوکارهای اجتماعی قرار نگیرند ودامنه نفوذ نهاد دین نیز تنها به حیطه خصوصی زندگی افراد جامعه و رابطه شخصی ایشان با خداوند محدود گردد.

\* یکی دیگر از انتقادات وارد بر الگوهای رایج تربیت رسمی و عمومی، به ویژه الگوی رایج در کشور ما، نگاه تفکیکی و گسسته به فرایند تربیت است. نقدی که مدت هاست برخی صاحب نظران بر نظام تربیت رسمی و عمومی وارد کرده اند. در حالی که براساس نگاه توحیدی به زندگی انسان و هویت او، فرایند تربیت یک جریان پیوسته و در هم تنیده است و مفهوم تربیت ترکیبی است جامع و یک پارچه متشکل از مفاهیم خردتری که هریک در راستای تربیت رخ می دهد. البته این مفهوم دارای وحدت اعتباری است نه وحدت حقیقیه، لیکن نگرش تفکیکی به این فرایند یک پارچه و گسست بین مفاهیم زیر مجموعه آن (مانند آموزش و پرورش و واگذاری مسئولیت آن به بخش های مختلف، موجب تشتت در فرایندها و ساز و کارهای اجرایی شده و ناکارآمدی نظام تربیت رسمی وعمومی را به همراه آورده است. تجربه الگوی تربیت رسمی و عمومی در ایران نشان میدهد که این تفکیک مفهومی بین مفهوم های زیر مجموعه تربیت به غلبه عمل آموزش بر دیگر کارکردهای نظام منجر شده است. |

اکنون با توجه به این واقعیت که بسط و تحول نظام تربیت رسمی و عمومی در جوامع معاصر، چنان که گذشت

، بیشتر محصول اقتباس و تقلید از نمونه های غربی (احيانا با برخی تغییرات متناسب با شرایط بومی در اجزای آنها بوده است، به نظر می رسد در عین توجه به نکات مثبت وامتیازات قابل توجه الگوهای رایج این نوع تربیت، از س ویی نباید نسبت به انتقادات وارد شده درباره مصادیق رایج تربیت رسمی وعمومی بی تفاوت بود واز سوی دیگر باید از تعمیم این انتقادات نسبت به هر گونه الگوی پیشنهادی برای تربیت رسمی وعمومی پرهیز نمود.

**2-1 تعريف تربیت رسمی وعمومی**

**بنا بر آنچه گذشت، در پردازش مفهوم و الگویی متمایز از تربیت رسمی و عمومی برای جامعه اسلامی ایران، بر اساس تعریف تربیت باید از یک سو، هم موفقیت های به دست آمده و هم انتقادات وارد شده به الگوهای رایج تربیت رسمی و عمومی را در نظر گرفت و از سوی دیگر، باید شرایط و مقتضیات جامعه کنونی ایران و چالش های پیش روی آن را مد نظر قرار داد و تلاش نمود الگوی نسبتا متمایز از تربیت رسمی و عمومی ارائه داد که مشمول این انتقادات نگردد و در عین حال جنبه های مثبت و موفقیت های آن را در نظر داشته باشد. لذا برای تدوین این الگوی متمایز، ابتدا به تعریف تربیت رسمی و عمومی با اتکا بر فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و تعریف تربیت، می پردازیم. به نظر می رسد بر این اساس، چنین تعریفی از تربیت رسمی و عمومی در جامعه اسلامی ایران، قابل ارائه است:**

**«بخشی از جریان تربیت که به شکل سازماندهی شده، قانونی، عادلانه، همگانی و الزامی در مدرسه با محوریت دولت اسلامی و مشارکت فعال دیگر ارکان تربیت خانواده، رسانه و سازمانها و نهادهای غیردولتی صورت می پذیرد و با تأکید بر وجوه مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) - همراه با توجه به وجوه اختصاصی هویت متربیان به ویژه هویت جنسیتی) - در پی آن است تا آنان، مرتبه ای از آمادگی را برای تحقق حیات طیبه در ابعاد گوناگون فردی، خانوادگی و اجتماعی به دست آورند که تحصیل آن مرتبه، برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد».**

البته مرتبه لازم و شایسته از آمادگی جهت تحقق حیات طیبه برای عموم افراد جامعه در گرو دستیابی به مجموعه ای از شایستگیها (صفات، توانمندی و مهارت های مورد نیاز برای شکل گیری «جامعه صالح» واعتلای مداوم آن براساس نظام معیار اسلامی است که تربیت رسمی و عمومی زمینه کسب آن مجموعه را به نحو نظام مند و سازماندهی شده فراهم می آورد و بالمآل این جریان از طريق اکتساب شایستگی های پایه و ویژه توسط متربیان به ثمر می رسد.

لذا شایستگی های پایه مورد نظر، آن دسته از صفات، توانمندیها و مهارت هاست که همه افراد جامعه باید آنها را کسب کنند تا برای زندگی مطلوب و با کیفیت (براساس نظام معیار اسلامی) در برهه تاریخی و روند تکاملی و استعلایی متناسب با عصر خود آمادگی لازم را پیدا کنند. اگرچه چهارچوب این شایستگی ها در قالب اهداف ساحتهای تربیت به صورت کلی و عام تعریف می شود، اما مصادیق آن متناسب با شرایط زندگی در هر عصر و زمانی تعیین می شود؛ یعنی نمی توان یک بار و برای همیشه آنها را تعیین کرد و تعیین آن، موضوعی زمان مند و وابسته به موقعیت و شرایط اجتماعی است. زیرا تحولات سریع عصر حاضر، بیانگر آن است که تعیین دقیق مصادیق این شایستگیها برای همیشه امکان ندارد و این ضرورتی انکارناپذیر است.

لذا تعیین مصادیق شایستگی های پایه برای متربیان در این نوع تربیت، در بازه های زمانی معین، در چهارچوب فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و با توجه به ملاکهای زیر، صورت می گیرد:

• اولویت های نظام معیار اسلامی

\* نیازها و مقتضیات اجتماعی، با توجه به میزان رشد و توسعه یافتگی جامعه و چشم انداز

تحولات پیش رو؛

\* یافته های پژوهشی مربوط به مشخصات و نیازهای مراحل رشد متربیان؛

• دلایل ضرورت تحقق اهداف تربیت (برحسب نوع ساحتها) برای همگان؛

\* قابلیت تحقق پذیری شایستگی های مورد نظر، نسبت به عموم افراد جامعه.

شایان ذکر است که کسب شایستگی های پایه، افزون بر این، پیش نیاز ورود متربیان به سطوح بالاتری از رشد و تعالی هویت نیز هست که نتیجه برخورداری افراد از تربیت تخصصی (به ویژه نوع رسمی آن است.

از سوی دیگر باید به خاطر داشت که نظام تربیت رسمی و عمومی، با توجه به اصل وحدت در عین کثرت، نباید به دستگاهی برای یکسان سازی انسان ها تبدیل شود؛ لذا علاوه بر تأکید بر کسب شایستگی های پایه در جهت تکوین و تعالی ابعاد مشترک هویت، که برای تعامل آحاد انسانی با همدیگر ضرورتی انکارناپذیر است، باید به جنبه های ویژه شخصیت هر متربی نیز توجه داشت و زمینه کسب شایستگی های ویژه ی متناسب با این جنبه ها (استعداد و سطح رشد، خصوصیات جنسی و جنسیتی، قومی و مذهبی و موقعیت های خاص زندگی) را فراهم آورد.

بنابراین، شایستگی های ویژه، آن گروه از صفات، توانمندی ها و مهارت هاست که افراد بر حسب خصوصیات فردی وغیر مشترک (جنسی اجنسیتی، دینی مذهبی، قومی و فرهنگی)، علائق و استعدادهای فعلیت یافتہ خود و نیازهای خاص جامعه آنها را کسب می کنند. پس یک متربی در تربیت رسمی وعمومی باید، علاوه بر کسب شایستگی های پایه، آماده شود تا شایستگی های خاص خود را نیز به دست آورد.

توجه به این دسته از ویژگیها، واکنشی است نسبت به این انتقاد از نظام های رایج تربیت رسمی و عمومی که در راستای ایجاد هویت واحد برای آحاد جامعه، به یکسان سازی اهداف ومحتوای آموزش و برنامه های درسی اقدام می کنند و نتیجه طبیعی آن شخصیت زدایی» از متربیان واضمحلال فردیت ایشان است. لذا نظام تربیت رسمی و عمومی مطلوب، طبق اصل اساسی و مهم «وحدت در کثرت»، علاوه بر زمینه سازی تکوین و تعالی هویت مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی در آحاد متربیان با تأکید بر کسب شایستگی های پایه، نسبت به زمینه سازی برای تکوین لایه های ویژه هویت آنان به ویژه هویت جنسیتی) از طریق کسب شایستگی های ویژه نیز توجه دارد.

**۲ - ۲. ویژگی های تربیت رسمی وعمومی**

بعد از ارائه تعریف تربیت رسمی و عمومی و در ادامه تلاش برای تدوین و تبیین الگوی موردنظر برای آن، اکنون به تشریح ویژگیهای الگوی مطلوب تربیت رسمی وعمومی برای جامعه اسلامی ایران می پردازیم. در این بحث به سه دسته ویژگی عام، خاص و اختصاصی این نوع از تربیت اشاره خواهیم داشت. منظور از ویژگی های عام، آن دسته از خصوصیات هستند که کم و بیش به صورت یکسان در الگوهای رایج تربیت رسمی وعمومی در کشورهای جهان دیده میشوند و با فلسفه تربیتی جامعه اسلامی ایران نیز توافق دارند. از این رو این خصوصیات در الگوی مطلوب نیز مورد عنایت قرار گرفته است. منظور از ویژگیهای خاص آن دسته ویژگیهایی است که در الگوهای رقیب به صورت موردی یافت می شوند اما تأکید بر آنها در الگوی مطلوب بیشتر است. اما مراد از ویژگی اختصاصی الگوی تربیت رسمی وعمومی آن خصوصیاتی است که می توانند تمایز اساسی بین الگوی مورد نظر با الگوهای رقیب ایجاد نماید. به نظر میرسداز ترکیب ویژگیهای عام، خاص و اختصاصی تربیت رسمی وعمومی می توان خصوصیات اساسی الگوی مطلوب و مد نظر را پردازش نمود.

**2-2-1 ویژگی های عام تربیت رسمی وعمومی**

با تأمل در مباحث گذشته و بررسی و تحلیل خصوصیات مصادیق رایج این پدیده، موارد ذیل را می توان مهمترین خصوصیات عام و مورد قبول از مفهوم مورد نظر تربیت رسمی و عمومی (یعنی اهم وجوه تمایز آن از دیگر انواع تربیت) دانست که با توجه به مفاد فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده هستند و حتی می توان شواهد و مستنداتی برای این ویژگیها در متون اسلامی یافت.|

**• سامان یافتگی**

در عصر حاضر، برای حضور فعال در جامعه و برخورداری از حیات متعالی فردی و اجتماعی، نخست باید برخی از صفات، توانمندیها و مهارتهای لازم در ساحت وجودی افراد جامعه محقق شود. اهمیت کسب این صفات، توانمندی ها و مهارت ها به حدی است که جامعه معاصر نمی تواند تحقق آنها را در آحاد جامعه، به عنصر تصادف و اتفاق واگذارد. زیرا هر شرایط و زمینه ای، مساعد و مناسب یادگیری هدفمند (به ویژه کسب این گونه شایستگیها) نیست و مجموعه ای از عوامل متداخل و متعامل، مانند شرایط اجتماعی و عوامل فردی و انسانی در آن دخالت دارند. به همین سبب، برای کسب این دسته از شایستگی ها و برای شکل گیری جامعه مورد نظر، باید زمینه های نظام مند، مناسب و مساعدی تدارک دیده شوند تا با مراقبت از عوامل مؤثر در یادگیری، امکان تحقق بیشتر و بهتر هدف ها، در جریان تربیت فراهم آید. |

لذا می توان گفت که داشتن حدی از نظام مندی و سامان یافتگی، برای تحقق اهداف این نوع تربیت در بین انواع تربیت ضرورتی انکار ناپذیر است

. به نظر می رسد این گونه سازمان یافتگی، نه تنها مغایرتی با دیدگاه اسلامی ندارد بلکه با توجه به مصالح و آثار مطلوب آن، از منظر اسلامی نیز بیشتر مورد تأکید است. بر این اساس تربیت رسمی و عمومی باید مخاطبان معین و برنامه و محتوای مشترک و تعریف شده داشته باشد. همچنین این نوع تربیت، باید از ساختار (مراتب و مراحل مشخصی برخوردار باشد که مخاطبان طبق شرایط تعریف شده، از این مراتب و مراحل بگذرند. البته این سازمان یافتگی باید، با توجه به ویژگیهای متربیان و مقتضیات خاص مناطق گوناگون کشور، از انعطاف لازم نیز برخوردار باشد.

**\* قانونمندی**

دولتها، امروزه از عوامل اصلی و محوری سیاست گذار و تصمیم گیرنده در فرایند تربیت و مسئول برنامه ریزی کلان جهت زمینه سازی برای کسب شایستگی های لازم و مورد نیاز افراد جامعه اند. دولت ها بر اساس قوانین اساسی کشورها و میثاق های جهانی متعهدند که تربیت رسمی و عمومی را، با کیفیت مطلوب و کامل، برای آحاد اعضای جامعه محقق کنند. بنابراین در جوامع امروزی، تربیت رسمی و عمومی با حمایت دولتها و برمبنای قوانین ویژهای ساماندهی و هدایت می شود که برای رعایت و حمایت و تحقق کامل این نوع تربیت تدوین و تصویب شده اند. دولت اسلامی نیز بر اساس رسالت خاص خود در جهت تمهید شرایط لازم برای تحقق حیات طیبه، باید زمینه ساز هدایت افراد جامعه به منظور بهره مندی از نوع خاصی از تربیت باشد. لذا سیاستگذاری، پشتیبانی و نظارت قانونی بر این بخش مهم از فرایند تربیت و الزام قانونی همگان (فرزندان آحاد افراد تابع دولت اسلامی) نسبت به حضور در این نوع از تربیت سازوکار مناسبی برای ایفای این رسالت است.

**• فراگیری نسبت به آحاد جامعه**

همه انسانها در آفرینش بر ایرند (فطرت و طبیعت مشترک دارند و در امکان کسب ارزشهای مشترک انسانی شبیه هم اند. لذا تربیت باید حدی از ارزش های مشترک را در ساحت وجودی همه انسانها محقق سازد. این مفهوم، همان شمول اجتماعی تربیت رسمی و عمومی است.

این ویژگی ناظر به هدف مهم ایجاد وحدت ملی و انسجام اجتماعی در آحاد اجتماع نیز هست. لذا دولت ها موظف اند تربیتی وحدت آفرین ارائه دهند، به گونه ای که افراد، گروهها، صاحبان خرده فرهنگ ها و اقوام مختلف بتوانند در چهارچوب واحدی به نام «ملت» و به طور مسالمت آمیز در کنار هم زندگی کنند. بنابراین دولتها برای این که بتوانند مجموعه ای از افراد متنوع را در چهارچوب مرزهای خود با آرمان ها و ارزشهای مشترک تحت عنوان ملتی واحد سامان دهند و هم جهت نمایند، ناگزیرند از نظام تربیتی واحدی بهره بگیرند.

نظام تربیت رسمی وعمومی واحد، با نزدیک سازی زبانی و فرهنگی بین متربیان و هم چنین ترویج روحیه بردباری، فرزندان اقوام و صاحبان خرده فرهنگ های متعدد و متنوع در هر کشور را به همدیگر نزدیک می کند و نتیجتا به شکل گیری، تثبیت، وارتقای فرهنگ و ارزشهای مشترک بین افراد جامعه تحت عنوان ملت واحد، منجر می شود. گفتنی است شرایط امروزی جهان، على الخصوص پدیده جهانی شدن، یکی از موانع و تهدیدات قابل تأمل در راستای تحقق «ملت واحد» است و توجه جدی و بیشتری را به این نقش وحدت بخش تربیت رسمی وعمومی می طلبد.

البته برخی از دیدگاههای جدید پست مدرن، الگوهای دولت- ملت را به دوره مدرن متعلق میدانند و در عصر پست مدرن دوره آن را پایان یافته تلقی می نمایند. به زعم آنان در عصر جهانی شدن، دولتهانه در عرصه داخلی و نه در عرصه خارجی حاکمیت مطلق ندارند و جریانات بین المللی بر تصمیمات آنان تأثیرگذار است. جامعه مدنی و مجامع علمی نیز، که مقید به قدرت دولت ها بوده اند، ر این شرایط از سلطه بی چون و چرای آنان خارج می شوند. نباید فراموش نمود

که این نگرش خود به نوعی فرصت هایی را برای پویایی اقوام و جوامع فراهم آورده است

. به این صورت که توسعه وسایل ارتباطی مانند شبکه تارنمای جهانی، شبکه های مجازی از انسانهایی با هویتهای نزدیک به هم و مشترک گرد هم آورده است که می توانند از مرزبندیهای هویتی خویش دفاع کنند.

از سوی دیگر، مبارزه با جهل در بین عموم انسان ها، از جهت گیری های اصلی دین اسلام است. این امر، نه تنها از آیات و روایات که از سیره عملی حضرت رسول (ص) و ائمه معصوم(ع) استنباط میشود.. لذا می توان این گونه نتیجه گرفت که اسلام برای ترویج آگاهی بین عموم آحاد جامعه به ارائه چند دستور و پند اخلاقی بسنده نکرده و آن را از وظایف حاکم دانسته است که باید به ترویج و گسترش دانش و آگاهی عمومی دست بزند.

این موضوع، یعنی پوشش همگانی تربیت رسمی و عمومی در دوره سنی خاص در قوانین جهانی و ملی، از جمله در ایران، مد نظر قانون گذار بوده است. بر اساس بندهای ۱ و ۱۴ و ۱۵ اصل سوم و اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همه آحاد کشور باید حق دسترسی برابر به فرصت های تربیتی را، صرف نظر از خصوصیات فردی، خانوادگی و اجتماعی، داشته باشند. این حق، همچنین در ماده اول قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مورد تأکید قرار گرفته است.

عدالت تربیتی در بعد کمی، مستلزم ایجاد برابری فرصت دسترسی به تربیت رسمی و عمومی برای همه افراد جامعه است و همگان بر اساس آن حق دارند که به حد نصاب مقبولی از آن متناسب با شرایط و امکانات عصری) دسترسی داشته باشند. البته این برابری فرصت دسترسی به تربیت رسمی و عمومی، عمدتا ناظر به جامعه هدف این گونه تربیت، یعنی کودکان و جوانان در سنین خاص است که شمول آن نسبت به همه افراد جامعه به همین معناست و در نهایت همه آحاد جامعه یا باید از آن برخوردار شوند یا از نوعی تربیت جبرانی (تربیت رسمی و عمومی مخصوص بزرگ سالان بهره بگیرند.

به سخن دیگر پوشش همگانی در یک برهه زمانی رخ نمی دهد. توضیح این که اگرچه تربیت رسمی و عمومی گروه سنی خاصی را هدف خود قرار می دهد، اما این پوشش در طول زمان صورت می گیرد. حتی اگر گروهی در دوره زمانی مطلوب از این تربیت بر خوردار نشده اند باید ترتیبات و اقدامات جبرانی مناسب برای برخورداری آنها (مانند سواد آموزی بزرگ سالان و...) انجام گیرد. در یک بیان کلی پوشش همگانی تربیت رسمی و عمومی در زمانی است. یعنی طی دورههای زمانی رخ میدهد نه در مقطع زمانی خاص.

نکته مهم و اساسی این است که در راستای تحقق پوشش همگانی، تربیت رسمی و عمومی باید به روش ها و ابزارهای مختلف صورت گیرد. هر ابزار و روشی که به تحقق این همگانی شدن و پوشش کمک نماید مطلوب است. اصل اساسی در این راستا تنوع و انعطاف پذیری است؛ یعنی سازوکارها انعطاف پذیر و متناسب با شرایط مخاطبان باشند. در واقع تنوع موقعیت های تربیتی رسمی و عمومی را باید به گونه ای سامان داد که بیشترین افراد لازم التربيه با شرایط مختلف جسمی | جنسی | فرهنگی اقتصادی و مکانی از حداقلی از کیفیت و وکمیت آن برخودار شوند.

یکی از ظرفیت های موجود برای گسترش و تعمیم تربیت رسمی و عمومی فناوری اطلاعات و ارتباطات است. این فناوری جدید قابلیت هایی دارد که میتواند به توسعه و گسترش تربیت رسمی و عمومی یاری رساند. البته نسبتی که این فناوری با تربیت بر قرار می کند نسبت تساوی نیست. زیرا نمی توان از این فناوری انتظار کارکردی از نوع تربیت داشت. این فناوری را می توان در بستر وسیع و گسترده تربیت رسمی و عمومی، که اساسا بر تعامل رو در روی مربی و متربی تأکید دارد و از موقعیت های تعاملی بر می خیزد به کار گرفت، آن هم در حد روش نه به مثابه هدف. آنچه از این فناوری می توان انتظار داشت بیشتر از توسعه آگاهی و دسترسی آسان (و غیر مقید به زمان و مکان به اطلاعات نیست. در حالی که از تربیت بیش از انتقال اطلاعات و آگاهی انتظار می رود. از این رو می توان گفت نسبت بین فناوری اطلاعات و تربیت نسبت عموم و خصوص من وجه است ووجه اشتراک این دو، کاربرد روشی آن هاست.

**\* ملاحظه تفاوتها بین متربیان**

همان گونه که در مبحث انسان شناسی فلسفه تربیت مبانی روان شناختی به تفصیل بحث شد، انسانها علاوه بر داشتن مشترکات (طبیعت و فطرت ) در شئون گوناگون حیات خود نیز تفاوت های قابل توجهی دارند. این اختلافها و تفاوت ها، که مبتنی بر حکمت بالغه الهی است، لازمه بالندگی و تعالی حیات آدمیان است. تنوع ظرفیتهای وجودی انسان ها فرصت های بی شماری را به روی جوامع می گشاید که توسعه و بسط آنها موجب تعالی حیات اجتماعی می شود. از این رو فعلیت یافتن این ظرفیت ها یکی از ضرورت های حیات اجتماعی است. بر این اساس، می توان گفت که شایستگی های ویژه (صفات، توانمندی ها و مهارتهای مبتنی بر تفاوت های فردی وغیرمشترک) در فرایند تربيت، به ویژه تربیت رسمی و عمومی، باید مورد عنایت جدی قرار گیرد.

توجه به شایستگی های ویژه در الگوی مطلوب تربیت رسمی و عمومی، ناظر به خصوصیات مشترک جنسی اجنسیتی، قومی محلی، دینی مذهبی و فرهنگی خانوادگی ونیز به تفاوت های فردی موجود در بین اعضای جامعه نیز هست. به سخن دیگر، تربیت رسمی و عمومی، با وجود داشتن حدی از نظام مندی که برای کمک به شکل گیری هویت مشترک ضرورت دارد، جریانی یکسان ساز و یکدست کننده همه افراد جامعه نیست. چه، رمز توسعه و تعالی جوامع در توجه مناسب به همین تفاوت ها و تنوع هایی است که خداوند در سرشت آدمیان رقم زده است. لذا در جریان تربیت رسمی و عمومی اگرچه بنیاد کار، زمینه سازی برای تکوین و توسعه هویت مشترک بین آحاد جامعه است، اما در کنار آن برای توسعه و تعالی وجودی و پرورش استعدادهای فطری و طبیعی، به جنبه های خاص فردی هر یک از متربیان ونیز به خصوصیات مشترک بین بخشی از متربیان(به ویژه هویت جنسی اجنسیتی ایشان نیز توجه می کند تا از این طریق، ظرفیتهای وجودی افراد جامعه برای حضور شایسته در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی تا حد امکان و متناسب با شرایط تاریخی و عصری بشری تحقق یابد. این همان جریان تکوین و تعالی پیوسته هویت در دو جنبه مشترک و اختصاصی است.

از این رو فردیت متربیان، که ترکیبی از زمینه های مشترک و متفاوت وجودی آن هاست، در این الگوی تربیت رسمی و عمومی (علاوه بر هویت جمعی) مورد تأکید قرار می گیرد. نماد این تأکید محوریت یافتن مفهوم هویت در تربیت رسمی و عمومی است.

**• حضور الزامی متربیان**

هرچند در جریان تربیت، توجه به آزادی و اختیار متربیان، به منظور تکوین و توسعه هویت آنان، موضوعی اساسی است و تحولات تربیتی (در نتیجه جریان تربیت مورد نظر در وجود متربیان باید آگاهانه و آزادانه باشد، اما زمینه سازی برای تحقق و هدایت این حرکت به لحاظ عقلانی، یک ضرورت است. از این رو، با توجه به محدودیت های طبیعی دوره های پایین رشد و مخاطراتی که در راه تعالی انسانی وجود دارد، حضور الزامی متربیان در موقعیت های مناسب، به بهره مندی آنان از این زمینه ها در جهت تحقق مطلوب تعالی ایشان یاری می رساند. چنین الزامی، برای برخورداری متربی از شرایطی که وی را به مقام انسان عاقل و آزاد و فاعل اخلاقی نزدیک سازد، امری خردمندانه و قابل قبول است و از همین رو بسیاری از اندیشمندانی که در زمینه تربیت اظهار نظر کرده اند، با محدود ساختن موقت آزادی کودکان در سال های اولیه زندگی آنها، به منظور تربیت فاعل آزاد، آگاه و اخلاقی که در راستای تعالی حیات فردی و اجتماعی گام بردارد، موافق اند؛ چرا که کودکان و افراد کم تر رشد یافته و کم تجربه در معرض خطا و تأثیرپذیری از عناصر منفی محیط و مخاطرات آن قرار دارند.

بی تردید، انسانی که برای تکوین و توسعه ظرفیتهای وجودی اش، در محیط مناسب قرار نگیرد، اسیر هوسها و ضروریات س طح پایین حیات مادی خواهد ماند. لذادر اسلام نیز روایات بسیاری ناظر به این مفهوم در دست داریم که بر ضرورت برخورداری از این فرصت های تعالی بخش برای عموم انسان ها، به ویژه نسل نوخاسته، تأکید می کند. به هر حال امروزه این نظر با اقبال عمومی مواجه است و اجماع کلی درباره آن وجود دارد که تربیت رسمی و الزامی به نفع کودکان و نوجوانان است. این موضوع در اسناد حقوقی و میثاق نامه های جهانی نیز منعکس شده است.

بنابراین، استفاده از نوعی الزام در مراحل ابتدایی تربیت، که متربیان با محدودیت های قابل توجهی در انتخاب اختیاری و آزادانه و اراده معطوف به خیر و مصلحت خویش مواجه اند، هم بر اساس ادله عقلی و هم برمبنای دلایل و شواهد نقلی امری مجاز و مرجح است. اما همواره باید به یاد داشت که جهت کلی این الزام بیرونی، باید به سوی شکل گیری التزام درونی و اختیاری نسبت به ارزش ها و پرورش انسان به مثابه فاعل مختار، آگاه و اخلاقی باشد.

برای دفاع از الزام در حضور و برخورداری از فرصتهای تربیت رسمی و عمومی می توان به شکل دیگری نیز استدلال نمود. الزامی نمودن برخورداری از تربیت رسمی و عمومی در ظاهر با حق بر آزادی انسانها مخالف است. این مخالفت، به نظر قابل تأمل و تفقه است. موضوع این است که اگر آزادی حق است، تربیت نیز حق است، همان گونه که شواهد آن در بخش مبانی حقوقی بیان گردید. بی شک نباید هیچ یک از این دو حق، منتفی و فراموش شود. تحقق این دو باید به گونه ای باشد که یکی از آنها معطل نماید و از حوزه تحقق خارج نشود. به طور کلی هر دو حق با مصالح عالية متربی تناسب دارند. به عبارت دیگر، آزاد بودن و تربیت شدن، هردو از مصالح اساسی حیات انسانی به ویژه کودکان است. به گونه ای که بهره گیری از آزادی بدون تربیت شدن ممکن نیست. آزادی بدون تربیت شدن به رهایی و اسارت در حد نیازهای اولیه حیات می انجامد. تربیت بدون رعایت حدودی از آزادی متناسب با رشد، نیز ممکن نیست. از این رو عقل سلیم حکم می کند که مربی، برای مصالح عالیه زندگی متربی، برخی شرایط الزامی را برای تحقق حق بر تربیت فراهم نماید تا آزادی واقعی در عرصۂ حیات متربی نمود و ظهور یابد؟.

از منظر فقهی نیز می توان در خصوص الزام تربیت رسمی و عممی نیز بحث کرد. در پاسخ به وجوب "تربیت"، برخی از فقها چنین نظر داده اند که فراگیری دانشها در سه سطح واجب عینی، واجب کفایی و تواجب نظاميه قرار می گیرند. شهید ثانی در کتاب "منية المريد" بیان داشته است که فراگیری علومی که افراد جامعه برای تأمین معیشت و گذران زندگی خویش به آن نیاز دارند از

قبیل پزشکی، صنایع ضروری مانند خیاطی، پارچه بافی. فراگیری این علوم واجب کفایی است منظور از واجبات نظامیه، اموری ضروری است که نظام زندگی اجتماعی به آن وابسته است؟. بنابراین نظر، على الأصول تربیت رسمی و عمومی اگرچه حق است، از دیگر سو به دلیل این که حکم وجوب دارد تکلیف نیز است

. اگر از دیدگاه حقوق متقابل (بر اساس سخن امام علی) به آن بنگریم نیز هر حقی به تکلیفی منجر می شود. لذا می توان چنین نتیجه گرفت که حق بر تربیت اگرچه برای حاکم تکلیفی ایجاب می کند در مقابل آن نیز برای متربیان تکلیفی به همراه می آورد. این تکلیف عبارت است از بهره گرفتن از موقعیت های تربیتی که توسط جامعه برای اعتلای حیات فرد فراهم شده است. به هر حال به نظر می رسد تربیت رسمی وعمومی امری الزامی عمدتا در حوزه واجبات نظامیه محسوب میشود وهدایت و نظارت بر فرایند تربیت رسمی و عمومی با حدود تعریف شده در قلمرو امور اجتماعی (مربوط به وظایف حکومت اسلامی) قرار می گیرد.

\* مدرسه مداری خصوصیات سامان یافتگی (داشتن برنامه مشترک، مراتب و مراحل و مخاطبان معین)، قانونمندی، شمول اجتماعی و الزامی بودن تربیت رسمی و عمومی نشان از آن دارد که این نوع تربیت، باید در شرایط ویژه و موقعیت تعریف شده ای تحقق یابد. این موقعیت ویژه «مدرسه» نامیده میشود. در واقع مدرسه زمینهای سازمان یافته و مناسب برای کسب شایستگی های فردی و جمعی لازم جهت درک موقعیت خود و دیگران و بهبود پیوسته آن از سوی متربیان است و از این رو حضور در مدرسه در سنین خاص برای همه آحاد جامعه، ضرورت می یابد.

لذا تربیت رسمی وعمومی شکلی از فرایند تربیت است که در مدرسه و یا تحت نظارت و مدیریت مدرسه صورت می پذیرد و تنها در شرایطی اضطراری و به طور موقت می توان این نوع تربیت را در خارج از مدرسه سامان داد. البته چنان که خواهیم گفت، منظور از مدرسه تنها ساختار فیزیکی محیط بر فرایند تربیت نیست، بلکه این مفهوم، ترکیبی پیچیده از فضا، مکان، جو وروابط انسانی و فرهنگی میان عوامل حاضر در آن است که ویژگیهای منحصر به فردی را برای زمینه سازی مناسب جهت تکوین و تحول هویت فردی و جمعی متربیان به خصوص در سنین کودکی و نوجوانی داراست.

**• اعطای مدرک معتبر**

دو خصوصیت الزامی و قانونی بودن در تربیت رسمی و عمومی، مستلزم آن است که متربیان پس از حضور در مراحل معینی از این نوع تربیت، نسبت به میزان توفیق در کسب شایستگی های مورد نظر، مورد ارزشیابی توسط دیگران و بر اساس معیارهای مشخص و روش های معتبر) قرار گیرند و مدارک معتبر و قانونی را که شاخص موفقیت در گذر از مراحل پیش و پیش نیاز حضور در مراحل بعدی تربیت رسمی است دریافت کنند. اما این نوع ارزشیابی توسط دیگران را نباید تنها قالب داوری درباره میزان تحقق شایستگی های مورد نظر در متربیان تلقی کرد، بلکه لازم است با توجه به نقش محوری متربی در کسب شایستگیها، امکان و زمینه خودارزیابی مداوم ارزشیابی توسط خود متربی) را نیز فراهم آورد. هم چنین در ارائه این گونه مدارک، همواره باید توجه داشت که ارزش اصلی به کسب سطح مورد نظر از شایستگی های لازم و تلاش مداوم برای حفظ و ارتقای آن شایستگیها (نه کسب مدرک) داده شود و اعطای گواهینامه موفقیت در کسب شایستگی ها به مدرک گرایی منجر نشود. هم چنین باید ملاکهای موفقیت از انعطاف لازم برخوردار و با شرایط و نیازهای متنوع متربیان سازگار باشد.

**\* پیش نیاز حضور در حیات بالنده فردی، خانوادگی و اجتماعی**

رشد و تعالی کیفیت حیات انسان، بدون کسب لوازم آن ممکن نیست. رشد و تعالی وجودی انسان ها و بالمآل تعالی پایدار جوامع، منوط به درک صحیح موقعیت خود است. این گونه درک موقعیت، به همراه عمل برای اصلاح و بهبود پیوسته موقعیت خود و دیگران، همان استمرار تعالی وجودی آدمیان است.

تربیت رسمی و عمومی زمینه مناسب کسب صفات وتوانمندی های اساسی و ضروری شایستگی های پایه و ویژه) را در جهت حضور فعال و با نشاط در صحنه زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی برای عموم آحاد جامعه فراهم می سازد. لذا این نوع تربیت پیش نیاز حضور فعال همه افراد در فرایند تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد است؛ هرچند تکوین و توسعه این صفات و توانمندی ها و مهارت ها در جامعه فرایندی مداوم و به عبارت دیگر روندی مادام العمر است که از گهواره تا پایان عمر ادامه می یابد.

براساس این ویژگی، تربیت رسمی و عمومی باید زمینه ساز کسب شایستگیهایی باشد که متربیان بتوانند به مدد آنها به صورتی فعال در عرصه های مختلف حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی مداخله و مشارکت کنند. مفهوم اصلاح و بهبود موقعیت خود و دیگران (که در مبانی انسان شناسی فلسفه تربیت به آن اشاره شد) در وجه جمعی و مشترک آن، مستلزم کسب شایستگی های متعدد، از جمله توانمندی شناخت و فهم شرایط اجتماعی، ارتباط فعال با دیگران، درک و حساسیت اخلاقی و ارزشی نسبت به مسائل، مواجهه خردمندانه با مسائل و مشکلات، نقد خود و دیگران و ساز و کارهای اجتماعی، تحمل نقد و سعه صدر و مدار است که افراد جامعه با استفاده از آن، پیوسته بر مبنای نظام معیار، وضع موجود را نقد می کنند و به اصلاح و بهبود آن همت می گمارند. قرآن کریم آشکارا و صریح، انسانها را به آزمون مکرر و پیوسته میراث گذشتگان و سنت های نیاکان فرا می خواند و پیروی بی چون و چرا از دیگران را ناپسند میشمرد و کسانی را که مشی گذشتگان را توجیهی برای عمل ناپسند خود می انگارند، به باد انتقاد می گیرد؟

تردیدی نیست که سنت ها به تمامی نامطلوب و ناپسند نیستند؛ اما برای بازشناسی مطلوب از نامطلوب وامور پسندیده از ناپسند، نقد مستمر آنها ضرورت دارد. این نقد مستمر و پیرایش، نسبت به روال های جاری زندگی نیز لازم است؛ چرا که مایه ی بالندگی هر فرد و جامعه است بر این اساس، مهارت نقد مبتنی بر چهار چوب نظام معیار اسلامی، پیش نیاز اصلی حرکت استعلایی زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی است.

همچنین ملاحظه آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، آیه تعاون، آیات مربوط به پیشی گرفتن در انجام خیرات و هم چنین براساس آیه یازده سورۂ رعد که می فرماید سرنوشت هیچ قومی تغییر نمی کند مگر این که خودشان تغییر بکنند و روایات مأثوره در خصوص مسئولیت همگانی برای مشارکت در تمشیت امور خود و مردم و سیره معصومین (ع) نشان میدهد که همه آحاد جامعه به نوعی باید در امور مختف اجتماع حضور فعال و پویا داشته باشند. اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مداخله نیک اندیشانه آحاد کشور در امور مختلف اجتماعی تأکید و صراحت دارد.

چنین مطالبه ای از آحاد جامعه اسلامی مستلزم آن است که هر عضو جامعه اسلامی، نخست صفات، توانمندی ها و مهارت های لازم را برای حضور فعال و پویا در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی کسب کند و در خود محقق نماید. اما از آنجا که جوامع امروزی نسبت به گذشته ها پیچیده تر شده ساز و کارهای تمهید این گونه حضور فعال و پویا نیز متفاوت تر از گذشته گردیده است. لذا در جامعه صالح باید ساز و کاری وجود داشته باشد که زمینه های کسب این توانمندی های لازم را به صورت سازمان دهی شده برای آحاد جامعه در فرصت و موقعیتی خاص فراهم آورد که حکمت بالغه خداوند در مرحله ای از دوران رشد طبیعی انسان با مختصاتی ویژه (یعنی دوران کودکی و نوجوانی) مهیا نموده است تا همه افراد جامعه با کسب این گونه صفات، توانمندیها و مهارتها، قادر باشند جریان توسعه ظرفیت های وجودی خود (سیر اشتداد وجودی نفس) را به طور مادام العمر هدایت و مدیریت کنند. |

**• پیش نیاز ورود به انواع تربیت تخصصی**

تربیت رسمی و عمومی، افزون بر آن که پیش نیاز حضور شایسته افراد جامعه در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی به حساب می آید، می تواند و باید زمینه ورود گروهی از آحاد جامعه به انواع تربیت تخصصی را با ایجاد آمادگی های مقدماتی و لازم در ایشان فراهم سازد تا مراتب دیگری از آمادگیهای خاص برای تحقق حیات طیبه در ابعاد گوناگون و متناسب با خصوصیات فردی و علائق و استعدادهای فعلیت یافته متربیان و نیازهای متنوع جامعه در جریان تربیت محقق شود.

**۲ - ۲ - ۲ . ویژگی های خاص**

علاوه بر ویژگیهای فوق، که تاحدودی در عموم الگوهای رایج تربیت رسمی وعمومی دیده میشود و با مبانی فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران نیز سازگار است، می توان صفات و ویژگی هایی دیگری بر فهرست ویژگی های تربیت رسمی و عمومی مورد نظر افزود. به نظر می رسد باید برای این دسته از ویژگی ها در ارزش ها و مبانی اسلامی (در مقایسه با ویژگیهای عام یادشده) جایگاه مهم تر و برجسته تری قائل شویم. |

**اهم این خصوصیات عبارت اند از:**

**\* عدالت محوری**

در آیات و روایات، مقوله عدالت یکی از ارکان حیات اجتماعی تلقی شده و مورد توجه بوده است. بر اساس بیان قرآن، هدف اساسی ارسال پیامبران به پاداشتن مردم برای برپایی جامعه عادلانه است از این، رو یکی از اهداف اساسی حکومت اسلامی، اجرا و بسط عدالت در جامعه است. عدالت در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی قابل پیگیری است. البته بر اساس آیات قرآن، حوزههای عدالت متعددند و خود، ۲ خانواده، خویشان، امته و جامعه انسان ها، ۶ را شامل می شود؟.

«از نظر علامه طباطبایی معنای اصلی عدالت اقامة مساوات میان امور است به این که هر امری را آن چه سزاوار است بدهی تا همه امور مساوی شود و هریک درجای واقعی خود که مستحق آن است قرار بگیرد... عدالت در مردم و بین مردم این است که هر کسی را در جای خود که به حکم عقل یا شرع و عرف مستحق آن است قرار دهی»

با توجه به این تعریف علامه طباطبایی می توان گفت که عدالت اجتماعی در یک س طح با مساوات برابر است و در سطحی نیز رعایت تفاوت هاست. در واقع در مفهوم عدالت هم تساوی وجود دارد هم رعایت تفاوت ها. از سوی دیگر، منابع فهم عدالت «عقل، شرع و عرف» است. با توجه به این که علامه طباطبایی در مقاله ششم کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» عدالت را از مقوله اعتباریات بالمعنى الأخص تلقی می کند و آن را به حوزه عقل عملی مربوط می داند، می توان گفت عدالت اجتماعی مقوله ای است که به روابط افراد و گروه بندی های در جامعه مربوط میشود. گروهها و طبقات اجتماعی به شکلی باید تعامل داشته باشند تا بین آنها شکاف ایجاد نشود. در واقع عدالت خواهی و عدالت ورزی یعنی حساسیت نسبت به کنش گروهها و گروه بندی ها و حرکت شکاف های اجتماعی.

یکی از عرصه های بنیادی بر پایی عدالت اجتماعی، توسعه عدالت در امر تربیت است. امروزه استفاده برابر مردم از امکانات تربیتی، می تواند مصداقی از اجرای عدالت باشد؛ خصوصا که در دنیای امروز نپرداختن به این عرصه، ظلم به مردم محسوب می شود. بر این اساس، بدون شک یکی از ویژگی های مهم الگوی مطلوب تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران عدالت محوری است. عدالت تربیتی (در سطح نظام تربیت رسمی و عمومی) مفهومی ذومراتب است و تحقق کامل آن منوط به تحقق همه مراتب ذیل است:

\*در مرتبه نخست عدالت تربیتی ناظر به تأمین اصل (وجود) تربیت است. در این مرتبه

باید سازوکارها و امکانات لازم به صورت الزامی برای برخورداری همه افراد جامعه (در سنین خاص) از حق بر تربیت وجود داشته باشد تا بهره مندی از حد نصاب قابل قبولی از این حق به طور رایگان برای فرزندان همه آحاد جامعه تضمین شود و به این وسیله این جریان در جامعه مانع ایجاد انسداد طبقاتی گردد.

\*در مرتبه بعد، عدالت تربیتی ناظر به قابلیت دسترسی برابر برای همگان است. یعنی باید امکانات و فرصتهای تربیتی در حد نصاب ضروری و مطلوب برای همگان قابل دسترسی برابر باشد و تبعیض های قومی، نژادی، جنسی جنسیتی وطبقاتی در زمینه حق بر تربیت برطرف شود.

\* در مرتبه بالاتر، عدالت تربیتی ناظر به فراهم آوردن کیفیت مطلوب و قابل قبول در ارائه خدمات تربیتی، (از جمله بهداشت و سلامتی محیط یادگیری، وسایل و امکانات آموزشی مناسب و معلمان با صلاحیت) است.

• مرتبه دیگر عدالت تربیتی نیز انطباق جریان تربیت با خصوصیات فردی ومشترک جنسی اجنسیتی، بومی و محلی، قومی، مذهبی، فرهنگی و خانوادگی) متربیان است. در این مرتبه باید تربیت با نیازهای ویژه آحاد اجتماع هم خوانی داشته باشد و گروههای مختلف جامعه را تحت پوشش قرار دهد. .

یکی دیگر از مراتب عدالت تربیتی، وجود اعتدال و توازن در جریان تربیت است. باید به رشد همه جنبه های وجود آدمی به صورت هماهنگ و متوازن توجه شود و در پرداختن به برخی از جنبه های وجودی متربی افراط و تفریط صورت نگیرد. به عبارت دیگر، در اقدامات تربیتی ناظر به زمینه سازی برای توسعه و تکوین هویت متربیان باید تمامی ابعاد وجودی آنان را به شکل متوازن ومتعادل در نظر گرفت.

• نقش آفرینی مؤثر دولت اسلامی) به طور متعامل با دیگر ارکان تربیت خانواده، رسانه، نهادها و سازمانهای غیر دولتی)

بر اساس مبانی بیان شده در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، ارکان تربیت عبارت اند از: دولت اسلامی (حاکمیت)، خانواده، رسانه، نهادها و سازمانهای غیر دولتی. د البته در راستای مبانی سیاسی و حقوقی پیش گفته و تقدم جنبه اجتماعی تربیت رسمی وعمومی برجنبه فردی آن، دولت اسلامی (به لحاظ رسالت زمینه سازی جهت تحقق حیات طیبه و هدایت فرد وجامعه) در ساماندهی سیاستها، برنامه ها و اقدامات نظام تربیت رسمی و عمومی نقش محوری و اساسی تری برعهده دارد. لذا دولت اسلامی به دلیل داشتن همین نقش محوری باید علاوه بر سیاست گذاری و نظارت، شرایط و لوازم تحقق در حد مقبول و مناسب با ویژگیهای تربیت رسمی و عمومی را به طور عادلانه برای همه مخاطبان این نوع تربیت تأمین کند. اما این گونه نقش آفرینی دولت اسلامی نباید به بی توجهی به نقش فعال دیگر ارکان تربیت در فرایند تربیت رسمی وعمومی منجر شود. لذا علاوه بر نقش اساسی دولت اسلامی در جهت دهی نظام تربیت رسمی و عمومی، خانواده، رسانه، نهادها و سازمانهای دیگر حق و تکلیف دارند که به شکل مؤثر و هماهنگ در فعالیتهای این نظام مشارکت جویند.

**• تحول آفرینی و هدایت تغییرات اجتماعی**

چنان که گذشت، یکی از انتقاداتی که به اشکال رایج تربیت رسمی وارد است، محافظه کاری و تبعیت کامل آنها از شرایط اجتماعی و تربیت انسانهای تابع شرایط جاری است. بر اساس این نقد، عموم نظامهای تربیت رسمی و عمومی عمدتا تحت تأثیر شرایط و مقتضیات اجتماع قرار دارند و اساسا منفعل و تأثیر پذیرند. از این منظر، تربیت رسمی و عمومی سازوکاری است که برای تداوم وضع موجود و باز تولید شرایط حاکم مورد استفاده قرار می گیرد. به همین دلیل تربیت رسمی و عمومی به گونهای سامان می یابد که متربیان نسبت به محیط اجتماع، پذیرنده و منفعل بار می آیند.

حال آن که می توان تربیت رسمی را چنان سامان داد که افراد در مقابل محیط، به جای تسلیم و تن سپردن به انفعال، توانایی تغییر در موقعیت خود و دیگران را در خویش بپرورند. در تعریف تربیت بر اساس فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، با توجه به کسب شایستگی های لازم جهت درک و اصلاح موقعیت خود و دیگران و آماده سازی برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، چنین رویکردی دنبال شده است. زیرا انسان در نگرش اسلامی موجودی است برخوردار از آزادی، قدرت تفکر و تعقل و قدرت خلق و تولید و تصرف در طبیعت و اصلاح موقعیت خود و دیگران.

لذا تربیت رسمی و عمومی براساس این دیدگاه، ضمن تکیه بر این نگرش، شرایطی را فراهم می آورد که متربیان از انفعال و پذیرش مطلق محیط به سوی مواجهه فعال با محیط و عناصر موقعیت خود روی آورند. آنها باید با موقعیت های زندگی خود نقادانه برخورد کنند و به اصلاح و بهبود آنها بپردازند. لذا نظام تربیت رسمی و عمومی، باید فعالانه در جریان تحولات اجتماعی حضور یابد و از برخورد انفعالی با تحولات پرهیز کند. از این رو مدرسه و کارگزاران آن، به ویژه معلمان، همواره باید در هدایت تحولات اجتماعی نقشی سازنده داشته باشند. اما به مصداق این سخن حکیمانه که:

ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی

بخش تربیت رسمی و عمومی زمانی می تواند محملی برای ایجاد شایستگی های لازم جهت درک و بهبود موقعیت متربیان شود که این کارکرد در مدرسه و کارگزاران آن مشاهده شود. شایان تذکر است که این سخن نباید به معنای سیاست زدگی مدرسه و کارگزاران آن تلقی شود و مدرسه را وارد جریانات سطحی و گذرای سیاسی جامعه کند.

**• ارزشمداری عقلانی**

افزون بر اینکه تربیت فرایندی اجتماعی و امری ارزشی است و نمی توان آن را نسبت به ارزش ها خنثا و بی طرف تلقی نمود، این فرایند اصولا به قصد تکثیر و تعالی ارزشها (خیرات) صورت می گیرد. اما نحوه مواجهه نظام های تربیتی با مقوله ارزش ها متفاوت است. در برخی نظامها توسعه و تعالی ارزشها به روش های سخت و تحمیلی (چه آشکار و چه پنهان) تحقق می پذیرد ولی شکل دیگر این فعاليت على الأصول بر آگاهی و آزادی متربیان استوار می گردد و تثبیت می یابد.

بر اساس مبانی تعریف شده در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، فرایند تربیت رسمی و عمومی در الگوی مطلوب فرایندی نیست که منجر به ساز و کارهایی نظیر القا و تلقین واجبار و اکرام (اقتدار گرایی در حوزه ارزشها گردد. بلکه در این الگو با آنکه نظام تربیت رسمی وعمومی نسبت به مجموعه ای از ارزشها - یعنی نظام ارزش های حیات طیبه و مبانی آن - سوگیری والتزام آشکار دارد، اما می کوشد تا این ارزشها على الأصول نخست به نحو جذاب، عقلانی ومستدل برای متربیان تبیین و توجیه گردند و در صورت عدم آمادگی فکری متربیان نیز حتی الامکان سعی می شود از روش های عاطفی و نرم وغیرمستقیم برای هدایت و جهت دهی متربیان به سوى التزام به ارزش ها استفاده شود به گونه ای که در نهایت بطور اختیاری و با توجه به منافع و امتیازات شخصی واجتماعي التزام به ارزشها آنها را برگزینند. ضمن اینکه در دعوت به ارزشها نیز ارزش های اساسی زندگی ومتلائم با فطرت پاک متربیان در اولویت قرار دارند. بنا براین در چنین فضایی انتظار این است که عموم متربیان (و نه لزوما تمامی ایشان به طور آگاهانه واختیاری به پذیرش والتزام نسبت به ارزش های موجه ومقبول نظام تربیت رسمی وعمومی روی آورند.

تربیت، در الگوی تربیت رسمی و عمومی مطلوب، تربیت ماهیت ارزشمدار عقلانی دارد، لذا بر تصریح و تبیین و اصلاح ارزش های زیرساختی تربیت تأکید می شود. تربیت ارزش مدار بر آزادی و آگاهی انسان استوار می شود. آگاهی از نیک بختی و آزادی برای دست یابی به آن، در گرو در کی عقلانی از وضع مطلوب، وضع موجود و فاصله میان آنهاست. لذا منظور از تربیت ارزش مدار، تلقین و تحميل فهرستی از ارزشها و هنجارها نیست؛ بلکه تربیتی است که بر رغبت و آگاهی نسبت به مطلوب تکیه دارد و به انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار (متناسب با غایت زندگی مطلوب:حیات طیبه) منجر می شود. در عین حال، تربیت رسمی و عمومی، علاوه بر توجه به ارزش های انسانی و اخلاقی عام، معطوف به مجموعه ای از ارزشهای اسلامی و ایرانی است که این نیز، یکی از وجوه تمایز الگوی مورد نظر از تربیت رسمی و عمومی با الگوهای رایج غربی به شمار می آید. البته در این الگو ارزش های انسانی، اسلامی و ایرانی در جهت شکل گیری لایه های انسانی، دینی و ملی هویت مشترک، مورد توجه قرار می گیرد.

**• تأکید بر وحدت ملی و انسجام اجتماعی، ضمن پذیرش کثرت و تنوع**

همان گونه که پیشتر گفته شد، تربیت رسمی و عمومی پدیدهای تاریخی و زمینه محور است. به این معنی که بر بستر تاریخی و اجتماعی جامعه می روید و نشو و نما می کند. لذا الگوهای مطلوب تربیت رسمی و عمومی، نسبی و تابع شرایط و مقتضیات هرجامعه است. یکی از واقعیتهای جامعه ایران، پذیرش کثرت قومی وفرهنگی، دینی و مذهبی و تنوع زبانی است (جریان تمایز یافتگی). اما با وجود این کثرت قابل توجه که در کشور ما موضوعی ریشه ای و تاریخی به شمار می آید، همواره نوعی وحدت و هم گرایی تاریخی نیز در مجموعه صاحبان خرده فرهنگ ها و اقوام مختلف ساکن این سرزمین با نام ایران و عناصر مشترک فرهنگی جریان داشته است (جریان وحدت و انسجام).

البته پدیده کثرت فرهنگی، امروزه در بسیاری از کشورهای جهان وجود دارد که هر **کشوری** در مواجهه با آن، رویکرد با رویکردهای ویژه ای متناسب با فلسفه اجتماعی خود انتخاب کرده است. به طور کلی در برخورد با تکثر فرهنگی، سه رویکرد، قابل طرح و پیگیری است: نخست، رویکرد کثرت گرا که در آن خرده فرهنگها به صورت هم عرض (بدون توجه به فرهنگ مشترک) تکثیر و تأیید می شوند. این رویکرد در نهایت به تفکیک کامل خرده فرهنگ ها و اختلاف نهادی و گسستن انسجام اجتماعی می انجامد. دوم، رویکرد وحدت گرا که در آن خرده فرهنگ ها در فرهنگ غالب هضم میشود و در شکل افراطی به حذف خرده فرهنگ ها می انجامد. سوم، رویکرد وحدت در کثرت است که در آن، ضمن حفظ هویتهای قومی و خرده فرهنگ ها، هویت مشترک میان آحاد جامعه تکوین و تعالی می یابد. در این رویکرد از حذف یا ادغام خرده فرهنگ ها خوداری میشود. در واقع در این رویکرد، بین دو قطب وحدت و کثرت تعاملی به وجود می آید که در آن «وحدت» پشتیبان تنوع فرهنگی و تنوع» عامل وحدت بخش خرده فرهنگ هایی می شود که در یک چهارچوب جغرافیایی و سیاسی به سر می برند. به نظر می رسد در تعامل بین خرده فرهنگ ها کثرت) و فرهنگ مشترک و واحد نوعی هم افزایی فرهنگی روی می دهد.

التزام نسبت به کسب شایستگی های پایه، همراه با توجه به شایستگی های ویژه و تأکید بر تکوین و تعالی هویت مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی)، همچنین توجه به وجوه اختصاصی هویت به خصوص هویت جنسی و جنسیتی متربیان)، را می توان جنبه های متمایز نظام تربیت رسمی و عمومی کشورمان دانست. این نظام تربیتی با وحدت گرایی، ضمن پذیرش کثرت و تنوع، از سویی خود را از عیب بزرگ برخی نظامهای نامتمرکز تربیت رسمی مبرا می سازد که با مشکلاتی (همانند تقویت واگرایی اجتماعی، تضعیف وحدت ملی و گسترش نابرابری های اجتماعی) روبه رو می شوند و از سوی دیگر به روی تمرکزگرایی رایج در بسیاری از نظام های تربیت رسمی تن نمیدهد، که تضعیف خرده فرهنگ ها، بی توجهی به خصوصیات جنسی اجنسیتی، قومی / مذهبی و نیازهای منطقه ای محلی و خانوادگی، حاکمیت نوعی نگاه کارخانه ای (نماد تولید انبوه و استاندارد هم سان) بر نظام تربیتی را در پی می آورند. |

**• انعطاف پذیری معیار مدار**

ویژگی مهم دیگر تربیت رسمی و عمومی در راستای اصول تدریج و تعالی مرتبتی و وحدت گرایی ضمن پذیرش کثرت و پویایی، گشودگی و انعطاف است. فرایند ایجاد وفاق بين افراد و گروههای اجتماعی فرایندی است که باید ضرورتا فرهنگی باشد. سازو کار تربیت رسمی و عمومی، به مثابه یکی از ساز و کارهای فرهنگی ایجاد وفاق، باید ضمن وفادار بودن به ارزش های هسته ای و به اصول ثابت و نظام معیاری مشخص، نسبت به تنوع ها گشوده و منعطف باشد. گشودگی و انعطاف تربیت

رسمی و عمومی نسبت به شرایط و مقتضیات و نیازهای روز آمد فردی، گروهی، محلی، ملی و جهانی موجب می گردد که ظرفیت های انسجام بخشی آن (به ویژه در شکل گیری هویت مشترک) افزون گردد. شاخص مهم این ویژگی مواجهه فعال با مقتضیات روز آمد، حساس بودن نسبت به تغییرات در شرایط اجتماعی و انعطاف پذیری نسبت به تنوع و تکثر گروهها و خرده فرهنگ هاست. این گونه گشودگی و انعطاف، هم چنین در عناصر ساختار، محتوا، اهداف و روش ها تبلور می یابد.

یکی از پدیده های جدید دوران معاصر، که بسیار چالش برانگیز نیز ظاهر شده است، موضوع جهانی شدن (یا جهانی سازی و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات است، که هر دو مستقیم یا غیر مستقیم بر نظام آموزش رسمی و عمومی تأثیر دارند. نظام تربیت رسمی و عمومی با ویژگی انعطاف معیار مدار، باید نسبت خود را با این رخدادهای تأثیرگذار و حیاتی مشخص سازد. این پدیده ها در عین این که فرصت های بی نظیری برای بهبود و توسعه کمی و کیفی نظام تربیت رسمی و عمومی فراهم ساخته اند تهدیداتی را نیز برای نظام به همراه آورده اند. از این رو، تربیت رسمی و عمومی در چهار چوب اصول دین بنیاد خود نسبت به آنها موضع گیری فعال ومثبت (نه انفعالی ومنفی بینانه) می کند و جهت گیری های عملی خود را تعیین می نماید.

**• تعامل و بهره گیری از تجارب دیگران (در چهارچوب اصول)**

اساسا به سبب وجود اشتراکات فراوان انسانی، از گذشته های دور بین جوامع و ملل مختلف تعاملات فرهنگی و تبادلات تجربیات متراکم امری رایج بوده است. افزون بر این، شرایط امروز جهان به دلیل ظهور پدیده جهانی شدن، توسعه و گسترش فناوری های ارتباطی، کاهش فاصلههای فیزیکی، رنگ باختن تقابل دور - نزدیک، ارتباطات بین جوامع و به تبع آن روابط بین نهادهای تربیتی گوناگون در جهان، عمیق تر و بیشتر میشود. بدون تردید تداوم روند کنونی، توسعه و گسترش این گونه روابط بین المللی را در پی خواهد داشت. نظام مطلوب تربیت رسمی و عمومی در جامعه اسلامی در مواجهه با این پدیده به مثابه چالشی جهانی، باید با نظامهای تربیتی دیگر جوامع (اعم از مسلمان و غیر مسلمان تبادلات و تعاملاتی را بر قرار نماید.

در احادیث و روایات نیز به کسب علم و بهره گیری از تجارب بشری و از منابع مختلف، حتی خارج از جغرافیای مسلمانان، و از اقوام، ملل و فرهنگ های گوناگون توجه شده است. خداوند در قرآن می فرماید: «به بندگانی که سخنهای گوناگون را می شنوند و از بهترین آنها پیروی می کنند، بشارت ده.» پیامبر (ص) فرموده است: «علم را بجوئید حتی اگر در چین باشد.» بر این اساس مسلمانان برای کسب علم، از اغلب محدودیت های مکانی و فرهنگی عبور می کردند.

همچنین امام علی (ع) می فرماید: «حکمت گمشده مؤمن است؛ پس آن را بگیرید، حتی اگر در دست منافق باشد».

این دو حدیث نشان میدهد که علم همچنان به زمینه خود (فرهنگی و دینی وابسته نیست. در غیر این صورت تجویز کسب علم از فرهنگ های دیگر یا آیین های دیگر نامعقول و غیرموجه به نظر می رسید. امام صادق (ع) نیز فرموده اند: «اگر مردم می دانستند طلب علم چه نتیجه ای دارد، به دنبال آن می رفتند؛ حتی اگر خونشان بریزد و به دریاها وارد شوند و در گرداب ها فرو افتند» رفتار مسلمانان در سده های نخسین شکل گیری تمدن اسلامی نشان میدهد که آنها به تأسی از قرآن و رهبران دینی خود، از گرفتن دانش متراکم بشری از منابع مختلف آن عصر و تعامل با فرهنگ های ایران، یونان، مصر و پیروان ادیان یهودی و مسیحی و اقوام و ملل دیگر و بازسازی و توسعه و تعالی آن هیچ شک و تردیدی نداشتند.

بنابراین بی تردید، امروزه در مواجهه با پدیده نوظهور جهانی شدن، نه می توان موضع انکار گرفت و نه می توان موضع تسلیم داشت. بلکه بر اساس نگرش بالا، باید روندهای موفق جهانی را در تربیت رسمی (به ویژه در کشورهای مسلمان و منطقه) شناسایی کرد و از آنها در مسیر توسعه و بهبود جریان تربیت رسمی و عمومی کشور بهره گرفت. همچنین لازم است با شناخت روندهای جهانی در زمینه های فرهنگی، علمی، سیاسی و اقتصادی، نظام تربیت رسمی و عمومی را متناسب با تغییرات پیش رو و در راستای اصول فلسفه تربیت اصلاح نمود.

این استدلال با رویکرد تمدن سازی و همچنین با رویکرد سنت گرایی تحولی که در بخش های پیش بحث شد، هماهنگ و هم سوست. همین طور با قاعدة نفی سبیل نیز به نحو سلبی سازگار است. اگر جوامع اسلامی از فرصت بهره گیری از تجارب جهانی، به دلیل برخی دیدگاهها، محروم شوند و این محرومیت باعث عقب ماندگی و ضعف مسلمانان شود سرافکندگی جوامع اسلامی را در پیش خواهد داشت و موجب وهن اسلام خواهد شد. از این رو برقراری ارتباط با الگوهای رقیب و بهره گیری از تجارب ابنای بشر در چهارچوب اصول اساسی، منافاتی با استقلال فرهنگی جوامع اسلامی ندارد.

بر این اساس، ضرورت می یابد در بیان ویژگیهای الگوی مطلوب، این نسبت تبیین و تشریح شود. به طور کلی نسبت و رابطه الگوی تربیت رسمی و عمومی با الگوهای رایج، از نوع رقابت الگویی خواهد بود؛ هرچند رابطه رقابت الگویی نباید به این معنی گرفته شود که این الگو تنها بر مفروضات و مبانی تفکر اسلامی استوار است و به هیچ روی با دیگر الگوهای رایج، تعامل و ارتباط ندارد؛ بلکه این الگو انعطاف پذیر است و نسبت به تجربیات و نظریات معقول و متناسب روی خوش نشان می دهد. به عبارت دیگر در این خصوص، امکان گفت و گو و دادوستد با الگوهای بدیل وجود دارد.

مشابهت این الگو با الگوهای رقیب و بدیل در برخی ویژگی های عام، ناشی از نبود تعارض میان این گونه ویژگی ها و مبانی مذکور است، ضمن آن که الگوی مورد نظر از تربیت رسمی و عمومی، ویژگیهای مخصوص خود را نیز دارد. براین اساس، استفاده از نتایج پژوهش های انجام یافته در نظام های دیگر و تجربیات و موفقیت های آن نظامها، باید در چهارچوب الگوی مورد نظر و متناسب با مبانی و پیش فرض های اساسی آن باشد. در این صورت بهره مندی از تحقیقات تربیتی و تجربیات دیگر کشورها برای ارتقا و بهبود کیفیت تربیت رسمی و عمومی امکان پذیر و مطلوب است.

بنابر این نظام تربیت رسمی وعمومی می تواند با دیگر کشورها و نهادهای بین المللی همکاری های علمی و تحقیقاتی داشته و از تجارت جهانی آنان، با عنایت به شروط فوق الذکر، بهره گیرد. به عبارت دیگر، نمی توان و نباید در نظام تربیت رسمی و عمومی به شکل بی حساب و کتاب و بدون ملاحظه تناسب بین تجارب و ایده های مورد استفاده با مفروضات اسلامی و مقتضیات بومی، به اقتباس وتقليد محض از دیگران اقدام کرد یا در جهت مقابل هر گونه استفاده از تجارب دیگران را ممنوع ساخت. لذا، یا باید از ایده ها و تجارب جهانی متناسب با اقتصائات بومی استفاده کرد و یا الگوها و راهکارهایی را، متناسب با مقتضیات فرهنگ اسلامی ایرانی و شرایط بومی، برای نظام تربیت رسمی و عمومی خلق و ابداع نمود.

**2-2-3 -ویژگی های اختصاصی تربیت رسمی وعمومی**

برای الگوی مطلوب، علاوه بر ویژگی های ذکر شده، باید ویژگی های دیگری در نظر گرفت که متمایز کننده آن از دیگر الگوهای رقیب و نشان دهنده ارتباط این الگو با مبانی اندیشه اسلامی و به ویژه با خصوصیات نظام جمهوری اسلامی ایران باشد.

• دین مداری (انطباق همه ابعاد و مؤلفهها با نظام معیاراسلامی) این ویژگی، نکته محوری و اساسی در مفهوم مورد نظر از تربیت رسمی و عمومی است. به سخن دیگر این ویژگی در مقایسه با دیگر ویژگیها بیشتر جنبه تأسیسی دارد؛ در حالی که ویژگیهای قبلی به سبب تناسب و سازگاری با مفاد فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران مورد قبول واقع شدهاند و بیشتر جنبه امضایی دارند.

پیش از این، در بخش مبانی اساسی فلسفه تربیت، به ویژه در بخش مبانی دین شناختی و هم چنین رویکرد مختار در مواجهه با مسئله سنت و مدرنیته؛ یعنی رویکرد «تمدن سازی» و رد سکولاریسم (که در بخش مبانی سیاسی فلسفه تربیت رسمی و عمومی بیان شده است) در انطباق تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران با نظام معیار دینی، اشارات متعددی شده است. همان گونه که سکولاریسم ویژگی اساسی و به نوعی ایدئولوژی مسلط بر بسیاری از الگوهای تربیت رسمی و عمومی در جهان است، دین محوری نیز ویژگی ممتاز تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران است. اگرچه در برخی از نظام های تربیت رسمی و عمومی مانند انگلستان و آلمان تربیت دینی (به معنای تربیت برای تقویت دینداری نسبت به دین و مذهب خاص) مشاهده می شود؛ اما هرگز کل جریان تربیت براساس معیارهای دینی تنظیم و هدایت نمی شود. این بدان سبب است که سکولاریسم اساسا دین ستیز نیست؛ بلکه دین را در مقوله مسائل شخصی و فردی (حیطه خصوصی) قرار میدهد و در چهارچوب اصول دمکراسی و لیبرالیسم، آموزش دین را در مدارس برمی تابد. البته در برخی نظامهای تربیت رسمی و عمومی مانند آمریکا و فرانسه ممنوعیت تربیت دینی در مدارس دولتی که با بودجه عمومی اداره می شوند) مشهود است. هرچند در این کشورها نیز در خصوص آموزش «درباره دین» منعی وجود ندارد. |

اما در مقابل این رویکردهای سکولار، وقتی انطباق با نظام معیار دینی ویژگی اساسی تربیت رسمی و عمومی تلقی می شود که همه ابعاد و عناصر این نوع تربیت، بر مبانی و ارزش های بنیادی برگرفته از دین مبین اسلام استوار یا با آنها سازگار باشند.

**• تکیه بر فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی و تناسب با جامعه امروز ایران**

بر اساس این ویژگی، الگوی مطلوب تربیت رسمی و عمومی باید نشانه های بارزی از وابستگی به تمدن اسلامی ایرانی را نیز به همراه داشته باشد. در بحث های پیش، از تاریخمند بودن تربیت رسمی و عمومی سخن به میان آمد. منظور از تاریخمند بودن یعنی با ظرف مکانی و زمانی تناسب داشتن. با این حساب، الگوی مطلوب تربیت رسمی و عمومی باید با مقتضيات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی و حتی اقتصادی کشور ایران تناسب داشته باشد. این ویژگی نیز الگوی مطلوب را به جامعه ایران امروز اختصاص می دهد. بنابراین اینتا بر فرهنگ، زبان و ادب فارسی و تأکید بر هویت ملی ایرانی نیز باید از وجوه تمایز تربیت رسمی و عمومی محسوب شود. به این ترتیب، بعد از تشریح و تبیین ویژگی های الگوی مورد نظر، می توان گفت که الگوی مورد نظر از تربیت رسمی و عمومی برای جامعه اسلامی ایران، ویژگی های عام و مشترکی با دیگر الگوهای رایج (نظير الزامی بودن، نظام مندی، همگانی بودن، مدرسه مداری و...) دارد که این ویژگیها با مبانی فلسفه تربیت رسمی و عمومی سازگار است. در عین حال، این الگو ویژگی های متمایز کننده ای از الگوهای رایج نیز دارد. برخی خصوصیات نظير «عدالت محوری» و «تأکید بر وحدت ملی و انسجام اجتماعی ضمن پذیرش کثرت و تنوع» به لحاظ میزان تأكید و برجسته سازی از وجوه تمایز این الگوست. لیکن «انطباق با نظام معیار دینی» و «تناسب با فرهنگ اسلامی- ایرانی و پاسخگویی نسبت به مقتضیات جامعه امروز ایران» وجوه اختصاصی این الگو و تمایز بخش الگوی مطلوب از مدل های رایج تربیت رسمی وعمومی به شمار می آید که از یک سو ناظر به نقش کلیدی و هدایتگری است که نظام معیار اسلامی در همه ابعاد و مؤلفه های تربیت رسمی و عمومی ایفا می نماید و از سوی دیگر معطوف به ویژگی تاریخمندی این الگوست.

**۳- تبیین چرایی تربیت رسمی وعمومی**

در این بخش، فلسفه وجودی این بخش خاص از فرآیند تربیت و غایت ونتایج مورد انتظار از این شکل معین از تربیت مورد بحث قرار می گیرد. مراد از این گونه تبیین، طرح مباحث زیر در زمينه تربیت رسمی و عمومی است.

• اهمیت و ضرورت

\* نتیجه اختصاصی و هدف کلی

\* اهداف

**3-1 اهمیت و ضرورت**

افزون بر دلایلی که در فلسفه تربیت برای اهمیت و ضرورت تربیت در معنای عام) و جایگاه نهاد تربیت در اجتماع مطرح شده اند، موارد ذیل را نیز می توان از وجوه اهمیت و ضرورت شکل خاص تربیت رسمی و عمومی در جامعه اسلامی دانست: • رسالت پیامبران الهی و جانشینان آنها، هدایت عموم مردم برای اقامه عدالت اجتماعی است. به سخن دیگر، هدف انبیا برقراری عدالت (توسط خود ایشان نبوده بلکه هدایت و برانگیختن انسان ها بوده است تا برای برپایی عدالت اقدام کنند. در قرآن کریم به کرات از فضیلت قسط و عدالت سخن گفته شده است (مانند آیه ۱۳۵ سوره نساء و آیه ۲۹ سوره اعراف). هم چنین در سورة آل عمران، آیه ۲۱، جرم کسانی را که مروجین و برپاکنندگان قسط را می کشند در حد گناه کشتن پیامبران قرارداده است. بی شک، تربیت رسمی و عمومی، در صورتی که بر اساس معیارهای دینی جهت داده شود، در هدایت عموم مردم نقشی اساسی خواهد یافت؛ چه اینکه اقامه قسط و عدالت اجتماعی بر گونه ای از تربیت

عموم افراد جامعه متوقف است که خواستار عدالت و پایبندی به لوازم آن (در سطح شخصی) باشند و از برپایی عدالت و قسط (در سطح اجتماعی) حمایت کنند. تحقق آرمان هدایت و عدالت در نظام اسلامی، متوقف بر وجود نظام و تشکیلاتی با این کار کرد است. لذا «تربیت رسمی و عمومی برای تحقق زمینه های مناسب هدایت عموم و آماده سازی آنان برای

اقامه عدالت اجتماعی منطبق با معیارهای اسلامی ساز و کاری مناسب و ضروری است. .

\*انسان در کشاکش دو جریان متضاد زشتی و زیبایی و خیر و شر در حرکت است. او بالقوه، امکان روی آوردن به خیر یا شر را در خود دارد. لذا حرکت استکمالی او در مسیر خیر، همواره در معرض خطر و آسیب است. این مخاطرات برخی منشأ بیرونی و برخی منشأ درونی دارند. شیطان وسوسه گر یکی از مهم ترین عوامل بیرونی است. بر اساس آیات قرآن، ابلیس از خداوند تا قیامت مهلت خواست تا در کار وسوسه و فریب فرزندان آدم بکوشد. انسان های تربیت ناشده و زشت کار(انسانهایی که ظرفیت های مثبت وجودی آنان محقق نشده است و به قول قرآن مانند چهارپایان و حتی پست تر از آن هایند) از عوامل دیگر این دسته از مخاطرات اند. برخی تمایلات و مشتهيات نفسانی از موانع درونی پیش روی انسان برای رسیدن به کمال اند.

• بر این اساس، جریان تربیت برای افزایش فرصت و امکان حرکت متعالی انسانی و رفع امکان حرکت به سوی زشت کاری و سقوط از حد انسانیت ضرورت می یابد. به سخن دیگر، باید قابلیت ها و شایستگی هایی در انسان ها تحقق یابد تا آدمی از درون، آگاهانه و آزادانه در برابر مخاطرات بیرونی و درونی موضع بگیرد. تربیت از این منظر در زمرۀ زمینه سازی سلبی قرار می گیرد. مراد از جنبه سلبی تربیت، رفع (نه صرفا دفع) مخاطراتی است که عمدتا نقش بازدارندگی دارند و متربی را از رسیدن به مرتبه انسانی فاعل آگاه، آزاد و اخلاقی دور می سازند. تربیت رسمی و عمومی در این راستا (هدایت عموم آحاد جامعه) به مثابه جریانی فراگیر و گسترده ضرورت می یابد. در حقیقت خردمندان اجتماع با طراحی و تدبیر این جریان، در مقابل مخاطرات درون و بیرون از نسل نوخاسته مراقبت می کنند.

• نهاد اجتماعی تربیت، از گذشته های دور، به طور درهم تنیده با دیگر نهادها، کارکردهای ویژه خود در تداوم و توسعه حیات فردی و اجتماعی ارائه داده است. این نهاد در قرون اخیر، به سبب تغییرات و تحولات جوامع در توسعه دانش و فناوری، شکل گیری دولت و دیگر نهادهای مدنی و پیچیده تر شدن زندگی اجتماعی، با جلوهای سازمان یافته تر، ساختاری سلسله مراتبی، تشکیلات و اهدافی مشخص و قانونمند (تربیت رسمی)، به منظور تداوم و توسعه جریان تربیت در همه جوامع، شکل گرفت. ضرورت تربیت رسمی، به ویژه بخش عمومی آن، در تمامی جوامع امروزی مورد تأکید و تأیید است؛ به گونه ای که قوانین بین المللی و قانون اساسی همه کشورها از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) برخورداری از آن را اجباری و رایگان کرده اند. .

\*در جهان امروز، امنیت، استقلال، توسعه و تعالی کشورها و ملتها به وجود انسان های شایسته و کارآمدی وابسته است که در شرایط پیچیده و همواره متغیر امروزین، بتوانند موجب بقا و توسعه جامعه شوند. این موضوع چنان اساسی و مهم است که نمی توان آن را به فعالیتهای غیر عمدی و نامنظم و صرفا جریان تربیت غیررسمی واگذاشت؛ بلکه باید تمهیداتی قانون مند و سازوکاری مناسب (تربیت رسمی نظام مند) برای تربیت آحاد اجتماع اندیشید. از این رو نمی توان تعالی جامعه را به تربیت گروهی نخبه منوط و متکی ساخت بلکه این امر منوط به توسعه و تعالی بیشترین ظرفیت های وجودی افراد اجتماع

است.

\* به نسبتی که زندگی پیچیده تر می شود، ضرورت فعلیت بخشیدن به امکانات و استعدادهای بالقوه انسانها برای حضور در جامعه بیشتر میشود. به بیان دیگر، جوامع امروزه به انسان هایی نیاز دارند که توانایی های انسانی وسیع تری در آنها تحقق یافته باشد. به همین دلیل است که واگذاری این امر به سازوکارهای معمول اجتماعی (تربیت غیررسمی یا محیطی) امری نامعقول به نظر می رسد، زیرا موجب می شود بسیاری از آحاد اجتماع برای زندگی و مشارکت در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی به شایستگی های ضروری مجهز نشوند و ارزش های پذیرفته جامعه را چنان که باید درونی نکنند و برای برقراری

روابط مطلوب با خدا، جامعه و طبیعت قادر نگردند.

• بدیهی است تداوم چنین وضعیتی زمینه ساز رکود است و فروپاشی جامعه را به دنبال دارد. برای جلوگیری از این امر و تربیت انسان هایی متناسب با ضروریات زندگی اجتماعی، باید مجموعه ای از امکانات و زمینه های الزامی و نظام مند (سازمان یافته در دسترس آحاد جامعه قرار گیرد تا ضمن فهم و درک و مواجهه فعال با تجربیات متراکم فرهنگی، حد نصابی از شایستگی های لازم را برای حضور فعال و مؤثر در عرصۂ حیات فردی و خانوادگی و اجتماعی کسب کنند.

\* انسجام و وحدت در یک جامعه مستلزم تربیت انسان هایی است که زمینه های باهم زیستن و انسجام اجتماعی را داشته باشند. این مهم با شکل گیری عناصر معرفتی و گرایشی مشترک در هویت گروهی افرادی تحقق می یابد که در چهارچوبی رسمی و اعتباری تحت عنوان «ملت» یا «امت» با همدیگر زندگی می کنند. البته این انسجام اجتماعی امری تشکیکی است، به طوری که از خانواده و جامعه محلی شروع میشود و به جامعه جهانی می رسد. از آنجا که هویت ملی ماهیتی معرفتی و گرایشی وعملی دارد. لذا مهم ترین عامل شکل گیری آن، نه ساز و کارهای صرفا سیاسی بلکه ساز و کارهای فرهنگی و به ویژه تربیتی است . از جمله ساز و کارهای تربیت، شکل سازمان دهی شده و قانونمند آن، یعنی تربیت رسمی و عمومی است. بنابراین، نهاد تربیت رسمی و عمومی، از عوامل اصلی زمینه ساز تکوین و تعالی هویت مشترک و انسجام اجتماعی در سطح ملی به شمار می رود.

\* عناصر فرهنگی جوامع، همه، وضع مطلوب ندارند و دچار نقایص و مشکلاتی هستند، موضوعی که به ویژه می تواند در جریان تربیت غیر رسمی تأثیر منفی بگذارد. سازوکار تربیت رسمی و عمومی با پیرایش شرایط محیطی، فضایی را فراهم می آورد که تکوین هویت نسل نوخاسته اجتماع، تا حد ممکن، به دور از تأثیرات منفی نقایص و مشکلات فرهنگی موجود در جامعه صورت پذیرد.

**3-2 نتیجه و هدف کلی تربیت رسمی وعمومی**

چنانچه در بخش پیشین اشاره شد از منظر اسلامی، تربیت در میان تمامی ساز و کارهای اجتماعی، که زمینه ساز تحقق حیات طیبه اند، نقشی مهم و اساسی را ایفا می کند. تربیت در انواع و اقسام آن با ایجاد زمینه های مناسب کسب آمادگی در آحاد مردم برای تحقق حیات طیبه چنین نقشی را برعهده می گیرد. کسب آمادگی برای تحقق حیات طیبه مقتضیاتی دارد. اقتضای این آمادگی آن است که آحاد جامعه آزادانه و آگاهانه در جهت تکوین و تعالی هویت خویش، که در واقع بزرگ ترین دستاورد حیات هر فرد است، در تکاپو باشند. به عبارت دیگر، فراتر از تاثیر پذیری صرف از عوامل محیطی ووراثتی، نخست واقعیت سیال و ناتمام هستی خویش را از طريق انتخاب های آگاهانه و عمل فردی و جمعی شکل دهند و سپس فرایند زندگی خود و بالمآل مظهر جمعی حیات طیبه، یعنی جامعه صالح را شکل دهند.

تکوین و تعالی هویت به نوبه خود نیز اقتضائاتی دارد. اقتضائش این است که انسانها قادر باشند در فرایند زندگی و حرکت تعالی جویانه، موقعیت خویش و دیگران را بشناسند و آن راپیوسته با عمل آگاهانه اصلاح کنند و بهبود بخشند. این نیز مستلزم کسب شایستگی هایی صفات، توانمندیها و مهارت هایی است که آدمی را قادر سازد تا در فرایند مستمر قبض و بسط موقعیت های زندگی، آنها را بشناسند و برای بهبود و اصلاح، پیوسته عمل متناسب را به کاربندند.

بر این اساس س ازو کار تربیت، صرف نظر از نوع آن، چنین ساختاری از اهداف را دنبال می نماید. تفاوت در محتوا و روشهاست. البته بر این اساس می توان گفت بر بنیاد مبانی معرفت شناختی آن چه در این فرایند نقش حیاتی و اساسی دارد معرفت متربی است. معرفت، بنیاد هر شایستگی و هر تحول وجودی است و درک و بهبود موقعیت، مستلزم معرفت است.|

این نگاه به ساختار اهداف تربیت موجب انسجام و هماهنگی درونی بین اشکال و انواع مختلف تربیت می شود و روابط بین آنها را نظم می بخشد و على الأصول به جریان وفاق و انسجام اجتماعی نیز یاری می رساند.

از آنجا که تربیت رسمی و عمومی، بخشی از جریان تربیت در شکل عمومی آن است، لذا نتيجة خاص تربیت عمومی (اعم از رسمی و غیررسمی) - منتج از تعریف تربیت عمومی در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و با توجه به مفاهیم کلیدی و ویژگیهای آن و همچنین ویژگیهای تربیت عمومی در این چهارچوب- عبارت خواهد بود از این که متربیان مرتبه ای از آمادگی را برای تحقق حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی به دست آورند که تحصیل آن مرتبه از آمادگی برای عموم افراد جامعه لازم و شایسته باشد. بر این اساس هدف کلی تربیت عمومی (اعم از رسمی و غیررسمی) نیز عبارت است از:

**«تکوین و تعالی هویت مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) متربیان، همراه با توجه به وجوه اختصاصی هویت فردی و غیر مشترک (به خصوص هویت جنسیتی ایشان به صورتی یک پارچه در راستای شکل گیری جامعه صالح واعتلای مداوم آن براساس نظام معیار اسلامی که از طریق کسب شایستگی های لازم (پایه وویژه) صورت می گیرد».**

هویت، به مثابه مفهوم کلیدی هدف کلی تربیت عمومی، نیازمند توضیح و تشریح بیشتر است. هویت، بخش نامتعین و سیال و ناتمام و در عین حال یک پارچه وجود آدمی است که در جریان قبض و بسط زنجیره موقعیت های زندگی توسعه و تعالی می یابد. هویت دارای دو جنبه فعال و منفعل است . جنبه فعال آن بخش خلاق و مولد و زایای هویت است که بر اساس آگاهی و قدرت انتخابگری انسان عمل می کند و بر عناصر موقعیت تأثیر می گذارد و آن را اصلاح و بهبود می بخشد. اما تکوین وتحول هویت در جنبه منفعل، از عناصر فطرت و طبیعت از یک سو و از سوی دیگر از عناصر موقعیت تأثیر می پذیرد. همچنین هویت امری چندلایه است . این لایه ها وابسته به حلقه های تودرتوی حیات اجتماعی و فردی بشر وشامل لایه های جهانی (انسانی)، دینی، ملی، جنسی جنسیتی، قومی / محلی، خانوادگی و فردی است. این لایه ها متعامل و متداخل اند و نمی توان به صورت ایستا و مستقل به آنها نگریست.

گفتنی است، اگرچه هویت در وهله نخست امری فردی به نظر می رسد که موجب تشخص و تمایز افراد از یکدیگر می گردد، اما در نگاهی عمیق تر، فرایند تربيت، به ویژه تربیت رسمی و عمومی، متوجه لایه های مشترک هویت است. توجه به لایه های مشترک هویت وتحقق اوصاف جمعی متربیان، بعد اجتماعی کار کرد تربیت رسمی و عمومی را در راستای تشکیل جامعه صالح واعتلای مدام آن مورد توجه قرار میدهد. هم چنان که در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران بیان شد، تربیت برای تحقق حیات طیبه، در متربیان ایجاد آمادگی می کند و این آمادگی، با تکوین و تعالی پیوسته هویت فردی و جمعی متربیان در راستای شکل گیری واعتلای مداوم جامعه صالح براساس نظام معیار اسلامی، حاصل میشود. |

هم چنین توجه به لایه های مشترک هویت یا به عبارت دیگر، محور قرار گرفتن هویت مشترک که در واقع برای فرایند تربیت رسمی و عمومی هدف تلقی میشود)، به این معنی نیست که لایه های فردی و خاص هویت به طور کلی از منظر توجه مربیان خارج شوند. برعکس، به دلیل یک پارچه بودن هویت، لایه های فردی و خاص هویت نیز مورد توجه این بخش از فرایند تربیت قرار می گیرد. اما تربیت رسمی و عمومی باید در راستای تکوین و توسعه هویت مشترک متربیان به این لایه ها توجه نماید: |

اولین لایه، لایه جهانی (انسانی) هویت است. این لایه بر آن دسته از مشترکات انسانی تأكید می کند که در آن، متربی به چشم عضوی از جامعه انسانی نگریسته میشود. شکل گیری پدیده جهانی شدن و تبدیل شدن جامعه بشری به یک مجموعه نزدیک به هم (با تعابیری نظیر دهکده جهانی) ضرورت توجه به این جنبه از هویت متربیان را بیشتر آشکار می سازد.

توجه به این جنبه انسانی از هویت در منابع دینی بسیار به چشم می خورد. پیامبر اکرم (ص) در حدیث معروف «کسی که فریاد کمک کسی را بشنود و به کمک او نشتابد او مسلمان نیست!» بر این جنبه از مشترکات انسانی و هم زیستی انسانها عنایت نموده است. امام علی(ع) نیز در عهدنامه مالک اشتر در زمینه رعایت حقوق آحاد جامعه به مالک میفرماید: «.. انسانها یا در دین با تو برادرند، یا در خلقت با تو شبیه.» این سخن والا نشان میدهد که ایشان مشترکات انسانی را عنصری مهم در حیات انسانها و روابط بین آنها می دانستند؟

فرد دارای هویت انسانی می تواند در جریان همزیستی مسالمت آمیز با انسان های دیگر، که از فرهنگ ها، ملل و اقوام و نژادهای دیگرند، تعاملی مثبت نشان دهد و در ایجاد شرایط مساعد برای حیات عالیه بشری بکوشد. در عین حال، توجه به این جنبه از هویت، امکان توسعه و تعالی ارزش های عالی معنوی انسانی را، که مورد تأیید دین اسلام نیز هست، فراهم می آورد.

در لایه بعدی هویت، عنصر دین و مذهب مورد عنایت قرار می گیرد. اعتقادات و ارزش های دینی و مذهبی، از اساسی ترین نیازهای بشر و محور اصلی در شکل گیری لایه دوم است. این لایه نیز جنبه فراملی دارد و در آن هویت جمعی متربیان فراتر از مرزهای سیاسی و ملی مد نظر است.

لایه بعدی هویت مشترک، جنبۀ ملی (ایرانی) دارد که در آن ارزشها و هنجارها، آداب و رسوم و دیگر مؤلفه های هویت ملی مورد توجه قرار می گیرد. همان طور که پیش تر اشاره شد، تربیت رسمی و عمومی در شکل گیری یک ملت و تداوم حیات آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است، لذا در تربیت رسمی و عمومی، این لایه از هویت نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

تأکید بر این جنبه از هویت نیز با اندیشه و تفکر اسلامی سازگار است. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی معروف میفرماید: «دوستی وطن از ایمان است.» اسلام با این که دینی جهانی است، هیچ گاه توجه به تفاوت های ملی و قومی را به طور کلی رد نکرده است. لذا فرهنگ و تمدن اسلامی با عنایت به همین ویژگی، اقوام و ملل متعددی از اندونزی در شرق کشورهای اسلامی تا مراکش در غرب را در خود جای داده است.\*\*

علاوه بر وجود انسانی، اسلامی و ملی (ایرانی) هویت، که زمینه ساز تثبیت اخوت و همدلی و تعاون و مشارکت میان افراد جامعه اسلامی می باشد و نیز رابطه مسالمت آمیز، حق محورانه وعدالت گستر بین ایشان با دیگر اقوام وملل را در چهارچوب نظام معیار اسلامی فراهم می سازد، توجه به خصوصیات جنسی اجنسیتی هویت لایه دیگری از شخصیت متربیان را شکل می دهد که افزون بر ایجاد آمادگی در متربیان (جهت ایفای نقش جنسیتی مناسب در حیات خانوادگی واجتماعی)، نوعی فهم، علاقه، نگرش و هنجار مشترک بین افراد یک جنس به وجود می آورد. البته در تکوین این لایه از هویت متربیان باید به نقش مکمل وضروری افراد جنس مقابل در حیات بشری توجه نمود تا مردان و زنان در خانواده و اجتماع خود را، نه در برابر یکدیگر ویا رقیب هم، بلکه به منزله دو بخش ضروری و تکامل بخش (هرچند متمایز از یک حقیقت واحد بدانند.

بنابراین هویت جنسیتی از جمله مهم ترین لایه هایی از هویت است که در نظام تربیت رسمی و عمومی و در تداوم روند تکوین و تعالی هویت مشترک متربیان باید به آن توجه جدی شود. زیرا به سبب اهمیت نهاد خانواده و نقش آن در تحقق جامعه صالح، تكوين وتعالی هویت جنسیتی می تواند در این نظام برای کسب شایستگی های لازم جهت درک و بهبود مداوم موقعیت خود و دیگران کانون توجه قرار گیرد، که مواردی نظیر نقشهای جنسیتی و آمادگی برای تشکیل خانواده از جمله این شایستگی هاست.

شایان یاد آوری است که تکوین و تعالی هویت جنسی جنسیتی، مانند ابعاد دیگر هویت، امری عمدتا انتخابی واختیاری و آگاهانه است و تربیت رسمی و عمومی می تواند تنها برخی از زمینه های مهم آن را فراهم سازد؛ چه این که بخشی مهم از زمینه های کسب شایستگی های مرتبط با هویت جنسی جنسیتی باید توسط نهادهای دیگر مانند خانواده، رسانه و نهادهای دینی فراهم گردد.

**3-3اهداف تربیت رسمی وعمومی**

اهداف تربیت رسمی و عمومی در راستای تحقق نتیجه اختصاصی و هدف کلی تربیت تعریف میشود. این اهداف مجموعه ای از شایستگی های مربوط به درک موقعیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آن هاست که عموم افراد جامعه در جهت تحصیل آمادگی برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، برای تکوین و تعالی هویت خویش وشکل گیری واعتلای جامعه صالح، باید آنها را کسب کنند. این هدفها شامل دو سطح اهداف مشترک و اهداف ویژه اند:

**3-3-1 .اهداف مشترک**

اهداف مشترک تربیت رسمی و عمومی آن دسته از شایستگی های پایه است که عموم افراد جامعه باید آنها را کسب کنند. منظور از شایستگی های پایه برای عموم افراد جامعه، مجموعه ای از صفات، و توانمندی ها و مهارتهای فردی و جمعی ناظر به همه جنبه های هویت (عقلانی،عاطفی، ارادی و عملی) ومعطوف به همه مؤلفههای جامعه صالح است که همه آحاد اجتماع جهت درک و بهبود مستمر موقعیت خود و دیگران برای تحقق مرتبہ قابل قبول حیات طیبه باید آنها را داشته باشند.

شایان ذکر است که این شایستگی ها در راستای تکوین و توسعه هویت متربیان (با تأکید بر وجوه مشترک انسانی، اسلامی و ایرانی ضمن توجه مناسب به هویت اختصاصی ) و شکل گیری واعتلای جامعه صالح براساس نظام معیار اسلامی توسط متربیان کسب میشوند. جریان تربیت رسمی و عمومی به دنبال تحقق شایستگیهای (تواناییها، مهارتها و صفات مشترکی در آحاد جامعه است تا، با توجه به انواع تربیت (بر حسب شئون گوناگون حیات طیبه)، در ساحتهای شش گانه تربیت دینی و اخلاقی، علمی و فناوری، اقتصادی و حرفه ای، سیاسی و اجتماعی، زیستی و بدنی، زیبایی شناختی و هنری) بیان شوند.

البته شایستگی های پایه مطلوب و تعریف مرتبۂ قابل قبول و حد نصاب هر یک از آنها توسط بالاترین مرجع سیاست گذار جریان تربیت در سطح ملی، در بازه های زمانی دراز مدت(ده یا بیست ساله)، با توجه به ملاکهای ذیل، تعیین خواهد شد

• تناسب با غایت و اهداف تربیت و به تبع آن با غایت و هدف کلی تربیت؛

\* قابلیت تحقق؛

\*تناسب با شرایط و نیازهای کشور و چشم انداز توسعه بر اساس مطالعات آینده نگر؛

• تناسب با ویژگیها و مراحل رشدو خصوصیات مشترک جنسی اجنسیتی متربیان براساس

\* نتایج پژوهش های علمی؛

• تناسب با اصول و رویکردهای مربوط به ساحتهای شش گانه تربیت بر اساس نظام معیار اسلامی.

3-3-2 اهداف ویژه تربیت رسمی وعمومی

نظام تربیت رسمی و عمومی برمبنای اهداف مشترک و تحلیل آنها، اهداف ویژه ای نیز دارد که همان شایستگی های ویژه ناظر به خصوصیات فردی، جنسی اجنسیتی، خانوادگی، قومی، دینی مذهبی و بومی و محلی متربیان اند که به شکل گیری هویتهای ویژه آحاداجتماع می انجامد. البته عنایت به شایستگی های ویژه در کنار شایستگی های پایه، به معنی در حاشیه قرار گرفتن آنها در نظام تربیت رسمی و عمومی نیست، بلکه برعکس، کسب این دسته از شایستگی های ویژه) نقش مهمی در شکل گیری جامعه صالح و تحقق حیات طیبه دارد ولذا تربیت رسمی و عمومی باید سازوکارهای مناسب تحقق آنها را تدبیر نماید.

به هر حال این دسته از شایستگی ها در چهارچوب شایستگی های پایه مشترک (بر اساس اصل وحدت گرایی، ضمن پذیرش کثرت)، توسط نهادهای ذی صلاح در سطوح مختلف نظام تربیت رسمی و عمومی بر حسب معیارهای زیر تعریف می شوند:

• مرحله رشد متربیان؛

\*خصوصیات فردی و مشترک جنسی اجنسیتی، فرهنگی خانوادگی، قومی و دینی مذهبی متربیان؛

• علائق متربیان ونیازهای جامعه محلی؛

• موقعیت زمانی و مکانی متربیان و شرایط اجتماعی حاکم بر زندگی ایشان؛

• آمادگی لازم برای ورود به انواع تربیت تخصصی.

**4- تبیین چگونگی تربیت رسمی وعمومی**

مفهوم چگونگی، ناظر به نحوه عملی شدن جریان تربیت رسمی و عمومی، در جهت تحقق رسالت و اهداف آن است. این مفهوم، به چند موضوع خردتر اما مهم و اساسی تحلیل میشود که عبارت اند از: اصول کلی، خصوصیات مدرسه صالح (به مثابه مظهر تحقق فرایند تربیت رسمی و عمومی)، الگوهای نظری (اصول و رویکردهای حاکم بر ساحتهای تربیت و عوامل سهیم و مؤثر در تربیت رسمی و عمومی

**4-1 اصول کلی تربیت رسمی وعمومی**

نظام تربیت رسمی و عمومی، به منزله یک نهاد اجتماعی و فرهنگی سازمان یافته، متولی تحقق شایسته جریان «تربیت رسمی و عمومی» در همه سطوح سیاست گذاری، برنامه ریزی، پشتیبانی، هماهنگی، ساماندهی و اجرا، نظارت، ارزشیابی و اصلاح است. این نهاد، مشتمل بر مجموعه ای از بخش های اصلی و عناصری است که علاوه بر کارکرد ویژه، در جهت تحقق رسالت و اهداف نظام و بهبود جریان تربیت در ساحتهای مختلف، با همدیگر در تعامل اند. کارکرد هماهنگ بخشها و اجزای متعدد نظام تربیت رسمی و عمومی و تعامل سازنده آنها با یکدیگر و با سایر عوامل سهیم و تأثیرگذار در جهت تحقق اهداف و رسالت آن، مستلزم اتکا بر اصولی معین (قواعد و ملاکهایی مشخص و سازگار برای راهنمایی عموم سیاست گذاران و کارگزاران این نهاد) است.

اصول تربیت رسمی و عمومی، قواعد و ضوابطی (و در واقع معیار و راهنمای چگونگی تحقق اهداف، رسالت و کارکردهای نظام تربیت رسمی و عمومی) هستند که مبنای عمل قرار می گیرند و از اصول کلی حاکم بر جریان تربیت و مباني برشمرده تربیت رسمی و عمومی استنباط شدهاند؛ لذا در تمامی س طوح تصمیم گیری و عمل تربیتی کاربرد دارند و اجزای نهاد را در راستای تحقق اهداف، رسالت و کارکردهای آن هماهنگ می کنند.

بر این اساس می توان گفت اصول تربیت رسمی و عمومی از یک منظر شامل دو دسته اصول است: نخست اصول ناظر به روابط درونی بخش ها و اجزای نهاد تربیت رسمی و عمومی و دوم اصولی که ناظر به روابط بیرونی این نهاد با عوامل سهیم و تأثیرگذار است. در ادامه، به تشریح این دو دسته از اصول می پردازیم.

**الف) اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی**

**4-1-1 انطباق با نظام معیار اسلامی**

دین به مثابه «آیین حیات طیبه» بر همه شئون و ساز و کارهای فردی و اجتماعی انسان تأثیر می گذارد. فرایند تربیت رسمی و عمومی یکی از سازوکارهای اجتماعی است که زمینه ساز تحقق حیات طیبه است. از این رو به طریق اولی ضرورت دارد با مبانی و ارزش های اساسی دین متناسب، هماهنگ و منطبق باشد. مصادیق این اصل در تربیت رسمی و عمومی عبارت اند از:

\* سازگاری سیاست ها و برنامه ها و روش های تربیت رسمی و عمومی با نظام معیار اسلامی؛

• محوریت و اولویت تربیت اعتقادی و عبادی در برنامه های تربیت رسمی و عمومی برای زمینه سازی انتخاب و التزام اختیاری و آگاهانه نظام معیاراسلامی؛

• اولویت تربیت اخلاقی در تمام برنامه های درسی تربیت رسمی و عمومی

**4-1-2 .عدالت تربیتی**

عدالت اساسی ترین ارزش اخلاقی و اجتماعی در نظام اسلامی و به نوعی عامل بقای جامعه است. هم چنین یکی از مأموریت های محوری انبیا تلاش برای بسط عدالت و قسط در جامعه بوده است. بر این اساس، عدالت ارزشی فراگیر است که باید در تمامی جنبه ها و شئون حیات اجتماعی تجلی داشته باشد و تمامی ساز و کارهای اجتماعی در راستای آن حرکت کنند.

تربیت رسمی و عمومی شامل این قاعدة عام است. تعریف مصداقی این اصل در تربیت رسمی و عمومی به شرح زیر است: • \*ایجاد فرصت حضور در تربیت رسمی برای فرزندان آحاد جامعه، صرف نظر از ویژگیهای فرهنگی، قومی، دینی و اقتصادی؛ • فراهم کردن فرصت های برابر دسترسی به تربیت عمومی و رسمی (برابری در توزیع منابع و امکانات برای تمامی آحاد جامعه؛

• ارائه تربیت عمومی و رسمی با کیفیت قابل قبول ؛

\* توجه تربیت عمومی و رسمی به تفاوت های متربیان در سطح فردی و خانوادگی و اجتماعی؛

مواردی مانند توجه به نیازها و تفاوت های فرهنگی (دین و مذهب و زبان)، اقتصادی و اجتماعی، از جمله عنایت به آموزش زبان مادری در کنار آموزش زبان رسمی کشور (زبان وادبیات فارسی)، آموزش دینی و مذهبی پیروان ادیان و مذاهب رسمی، توجه به مناطق محروم، عشایر، روستائیان و مانند اینها. در عین حال، این اصل ناظر به مسئله مهم تفاوت های فردی و توجه به هویت ویژه متربیان نیز هست. بر این اساس نظام تربیت رسمی و عمومی تلاش می کند در کنار تأکید بر کسب شایستگی های پایه، برای تکوین هویت مشترک به زمینه سازی برای کسب شایستگیهای ویژه نیز همت گمارد.

\* تنوع بخشی به فرصت های تربیتی، متناسب با استعدادهای مختلف متربیان؛

\* توجه به نیازهای ویژه تربیتی گروههای مختلفآحاد اجتماع، با توجه به تفاوت های فردی؛

• بر اساس مبانی روانشناختی پذیرفته شده، گاهی تفاوت ها و شباهت های آحاد متربیان به گونه ای است که میتوان آنها را در گروههایی دسته بندی کرد و خدمات تربیتی ویژه و کیفی تری به آنها ارائه کرد. برای مثال می توان از گروههایی مانند متربیان با استعداد ویژه، متربیان دارای ناتوانایی های ذهنی و جسمی، متربیان محروم از تحصیل، متربیان دور از وطن، متربیان محروم از خانواده نام برد.

\*توجه هماهنگ و متعادل به همه ساحتهای تربیت.

• برقراری روابط عادلانه و منصفانه در محیط مدرسه (که زمینه ای است برای شکل گیری فضیلت عدالت در متربیان و شکل گیری فضایل و توانمندی های اخلاقی دیگر در آنان)؛

• برقراری روابط عادلانه در محیطهای سازمانی و مدارس بین معلمان و مدیران

**4-3-1تأکید بر فرهنگ اسلامی ایرانی و زبان و ادب فارسی**

با توجه به ضرورت پرداختن به «هویت ملی»، که از لایه های جمعی هویت متربیان است، باید در همه مراحل تربیت رسمی و عمومی بهره مندی از ذخایر ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی و ارتقای آن در تعامل با سایر فرهنگ ها مد نظر قرار گیرد. در این خصوص با عنایت به مفاد قانون اساسی، زبان و ادب فارسی تجلی بخش وحدت ملی و زمینه ساز شکل گیری هویت ملی متربیان خواهد بود. برخی از مصادیق این اصل عبارت اند از:

• تأکید بر استفاده از ذخایر زبان و ادب فارسی در همه سطوح تربیت رسمی و عمومی

• معرفی نمادهای فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی و توجه دادن به نقش برجسته آنها در برنامه های درسی

**۴ - ۱ - ۴ . انسجام اجتماعی**

مهم ترین مؤلفه قوام بخش هر جامعه، انسجام است. بدون وجود این فرایند، آحاد و گروههایی که در یک تجمع انسانی گرد هم آمده اند، تداوم و استمرار نخواهد داشت. لذا پیش فرض تحقق حیات طیبه و جامعه صالح ایجاد انسجام است. نهادها و بخش های مختلف جامعه با وجود تفاوت در کارکردهای ویژه و اهداف و اغراض در راستای انسجام اجتماعی حرکت می نمایند. از این رو انسجام اجتماعی اصل حاکم بر کلیه فرایندهای تربیت است. یکی از عوامل انسجام بخش شکل گیری هویت ملی است. هویت ملی بخشی از مفهوم هویت است که عبارت است از آن ویژگی یا ویژگی هایی که ملتها را قابل شناسایی می کند و ابزاری است برای برای تفکیک یک ملت از ملت دیگر با تکیه بر آگاهی مشترک حول مفهوم یا مفاهیم تعریف شده جمعی. به طور کلی عناصری که به شکل گیری هویت ملی کمک می کنند عبارت اند از: سرزمین و قلمرو، دین و مذهب، زبان، حکومت و دولت، نژاد و قومیت، سنت ها و آیین ها، میراث فرهنگی، اسطورهها و قهرمانان. مصادیق این اصل عبارتند از:

• تأکید بر عناصر وحدت ملی مانند زبان و ادب فارسی و تاریخ و فرهنگ اسلامی-ایرانی و نمادهای دیگر هویت بخش در راستای شکل گیری هویت مشترک ملی؛

• تأکید بر همزیستی مسالمت آمیز و توأم با تفاهم پیروان ادیان، مذاهب و اقوام در کشور و جهان.

• وحدت در سیاست گذاری و تصمیم گیری کلان عناصر نظام تربیت رسمی و عمومی؛

4-1-5 تنوع و کثرت از منظر انسان شناسی و روان شناسی تفرد، تنوع و تفاوت در ابنای بشر واقعیتی در خور توجه است. خداوند در سوره حجرات، آیه سیزدهم میفرماید: "ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبيله قبيله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگار ترین شماست؛ بی تردید خداوند دانای آگاه است».

سیاق این آیه از آن حکایت دارد که تفاوت و تنوع در ابنای بشر امری طبیعی و سودمند است. از این رو، این واقعیت باید در جمیع جهات خود در فرایند تربیت نیز مورد توجه قرار گیرد.

از منظر جامعه شناسی در کنار فرایند انسجام بخشی، فرایند تمایز یافتگی نیز رخ میدهد. این فرایند نیز طبیعی است و ناظر به شکل گیری هویت های متمایز آحاد و گروهها، اقشار مختلف جامعه و خرده فرهنگ هاست. از این رو تفاوت و تمایز و تنوع در حیات انسانها به اندازه تشابه واقعیت دارد و جامعه نیز باید آن را به صورت یک ضرورت در نظر بگیرد.

تربیت رسمی و عمومی نیز، که یک جریان مهم و فرهنگی جامعه تلقی می شود، باید این واقعیت را بر ساز و کارهای خود حاکم سازد. مصادیق این اصل عبارت اند از:

• قبول تنوع و تکثر (در چهارچوب اصول) در مقام برنامه ریزی و اجراء

• تأکید بر حفظ و بالندگی خرده فرهنگ ها؛

• توجه به زمینه سازی برای شکل گیری هویتهای ویژه (مخصوصا هویت فردی جنسی /جنسیتی) متربیان در کنار هویت مشترک؛

\* تنوع و کثرت گرایی روشی در مواجهه با مسائل و مشکلات نظام تربیت رسمی و عمومی؛ و تنوع بخشی به موقعیت ها و فرصت های تربیتی در چهارچوب اهداف تربیت رسمی و عمومی با هدف بهره گیری از موقعیت های بالقوه موجود در جامعه و ایجاد فرصت های جدید با استفاده از امکانات موجود.

**4-1-6خردورزی**

تلاش و تکاپو برای رسیدن به غایت زندگی در گرو بهره گیری و به کارگیری ظرفیت های سازنده و تعالی بخش آدمی است. از جمله ظرفیت های خدادادی تعقل و خردورزی است. آدمی به کمک عقل قادر خواهد بود واقعیت ها و حقایق تربیت و لوازم عملی مرتبط با آن ها را بشناسد. لذا اساسا عمل تربیت، عملی خردورزانه و مستلزم آگاهی است. تربیت رسمی و عمومی در مسیر تکاپوی تعالی بخش خود، همواره با چالش های بسیار مواجه است و راهکارهای برون رفت از این چالش ها و مسائل پیش رو بی شک مستلزم مواجهه خردمندانه با آن هاست. مصادیق این اصل در تربیت رسمی و عمومی عبارت اند از:

\* پژوهش محوری و بهره مندی از نتایج پژوهش ها در حوزه های مرتبط و نظریه های علمی در روند سیاست گذاری، تصمیم گیری، اصلاح و هدایت تربیت رسمی و عمومی؛

\* بهره مندی مناسب از تجارب بین المللی در عرصه اعتلای نظام تربیت رسمی و عمومی مشارکت در طرح های مطالعاتی و تحقیقاتی بین المللی در جهت توسعه و بهبود کیفیت

تربیت رسمی و عمومی)؛ و بهره گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات به مثابه یکی از محورهای توسعه کمی و کیفی

فرصتهای تربیتی با توجه به نظام معیار اسلامی؛ و توسعه و ارتقای توانمندی های فکری و عقلانی مربیان (کارگزاران) تربیت رسمی و عمومی؛

\* توجه به شورا و خرد جمعی در سطوح مختلف نظام تربیت رسمی و عمومی؛

• ارتقای توانمندی های فکری و عقلانی متربیان؛ و بهره گیری از حوزه های معرفتی مرتبط با تربیت به صورت میان رشته ای.

**4-1-7حفظ و ارتقای آزادی**

انسان موجود مختار آفریده شده است. از این رو انسانها ذاتا میل به آزادی دارند. یعنی این میل در طبیعت و فطرت آنان به صورت خدا دادی موجود است. امام علی(ع) در وصیتش به امام حسن (ع) می فرماید: بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است. آزادی یکی از شروط شناخت و تحقق ظرفیت های گوناگون آدمی و به طریق اولی شرط لازم تکوین و تعالی هویت آدمی است. آزادی، در واقع شرط دین ورزی و تخلق (تعالی) آحاد جامعه و به تبع آن دین ورزی و تخلق جامعه است.

در همین حال، چگونگی بهره گیری از نعمت آزادی امری فطری و ذاتی نیست و امری یاد گرفتنی است . چنان که شاهد هستیم این میل ذاتی، به سادگی به رهایی از هر بند و قید ترجمه و تبدیل می شود. لذا انسان باید، چگونگی بهره گیری از آن را تجربه کند و در موقعیت های زندگی یاد بگیرد. نتیجه چنین مقدماتی آن است که جامعه و نهادهای مرتبط به ویژه تربیت، این زمینه ها را فراهم آورد.

از این رو، یادگیری شیوه بهره مندی از آزادی خدادادی از طریق عمل اختیاری و آگاهانه رخ میدهد. لذا اقتدار گرایی، صرف در موقعیت های تربیتی، مانع میشود از این که شایستگی بهره گیری از آزادی و حتی از معرفت و شناخت مؤثر حاصل گردد. موقعیت های تربیتی باید سرشار از فرصت هایی باشد که متربیان به تمرین و تجربه انتخاب و گزینش دست بزنند تا انواع شایستگی ها از جمله آزادگی، به مثابه فضيلت اخلاقی ، در آنان توسعه و تعالی یابد.

تربیت رسمی و عمومی، این ساز و کار اثرگذار در زندگی عصر حاضر، باید حفظ و ارتقای آزادی را اصل راهنما در عمل مربی در نظر بگیرد. تحقق اصل آزادی در موقعیت های تربیت رسمی و عمومی امری تشکیکی است. به این معنا که از جنبش و فعالیت جسمانی تا فعالیتهای پژوهشی و فکری و خردورزانه را در بر می گیرد. تردیدی نیست که مطابق با اصول فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران و مباحث مربوط به ویژگیهای تربیت رسمی و عمومی آزادی موردنظر صرفا آزادی از نیست بلکه با توجه به شرایط مدرسه "آزادی در است. که اولی جنبه سلبی آزادی است و دومی جنبه ایجابی آن.

از سوی دیگر، از آنجا که بر مبنای فلسفه اسلامی در شناخت، شناسنده(عالم) نقشی مؤثر دارد. لذا می توان گفت که عمل و فعالیت یادگیرنده در موقعیتهای تربیتی ضروری و با اهمیت است. به سخن دیگر، یادگیری عمل متربی است و این عمل، عملی اختیاری و آگاهانه است و قصد وجهد متربیان، شرط لازمی برای آن است. براساس این مبانی، کسب معرفت و شایستگی های پایه برای تعالی وجودی متربی مستلزم مواجهه فعال متربی با جهان هستی و به سخن عام تر،با موقعیت های زندگی است.

مصادیق این اصل عبارت اند از:

• تکیه بر آزادی عمل و تجربه فردی متربیان، متناسب با شرایط رشد آنها در جهت کسب

\*شایستگیها در چهار چوب موقعیت مدرسه؛

• تأکید بر مسئولیت متربی در امر یادگیری (زیرا لازمه تحقق اصل آزادی است)؛

• زمینه سازی برای تحقق آزادی معنوی متربیان؛

• فراهم نمودن تجربۀ گزینش، انتخاب و ترجیح برای متربیان؛

\* بهره گیری از روشهای فعال در جریان مدیریت فرایند یاددهی یادگیری.

**4-1-8 سندیت شایستگی محور مربیان**

اصل آزادی نباید مانع وجود حد معقولی از سندیت ومرجعیت برای مربیان باشد. چه این که شناخت حدود و رعایت آزادی آزادی در متناسب با شرایط رشدی متربیان و فراهم کردن فرصت هایی برای عمل آزادانه متربیان، بودن اقتدار حقیقی در مربی بستگی دارد. به سخن دیگر، سندیت مربی هیچ منافاتی با آزادی متربی ندارد. زیرا مربی می تواند با درک درست از شرایط رشدی متربی برای او شرایط انجام عمل اختیاری و آگاهانه را فراهم آورد. روشن است که این مرجعیت باید اساسا از تعالی و اشتداد وجودی مربیان برخاسته باشد، نه صرفا از اقتدار رسمی و قانونی ایشان.

پیامبر(ص) که خود مربی بزرگ بشریت است، نیز به بیان قرآن، (آیات هشتاد و هفت و هشتاد و هشت سوره مبارکه غاشیه) بر مردم این سیطره را نداشت، بلکه ایشان تنها تذکر دهنده و هدایتگر بوده اند. انتخاب راه هدایت با مردم بوده است. ائمه معصومین (ع) نیز به تبع آن هدایتگر بوده و با وجود داشتن مرجعیت و سندیت الهی آزادی انسانها را در پذیرفتن و نپذیرفتن هدایت محدود نکرده اند. اگرچه در وجود این بزرگواران ویژگی هایی بوده است که مردم به سوی آنها جذب می شده اند.

این سندیت و اقتدار مربی در تربیت رسمی و عمومی واجد چند ویژگی مهم است: نخست این که انعطاف دارد، یعنی تابع شرایط رشدی متربی، ساحت تربیتی و انواع تربیت است. همچنین این گونه سندیت و مرجعیت مربیان با عنایت به اصل حفظ و ارتقای آزادی متربیان، محرک مشارکت و تعامل با متربیان است. مصادیق این اصل عبارت اند از:

\* توجه به اقتدار شخصیتی مربی ناشی از احراز شایستگی اخلاقی و حرفه ای، به ویژه درفرایند گزینش و تربیت معلم؛

• فراهم نمودن فرصت های عمل آزادانه و خلاقانه برای مربیان در ارائه برنامه های تربیتی درچهارچوب اصول و سیاستهای مصوب.

**4-1-9 . محبوبیت و مقبولیت مربیان**

بی تردید برخورداری از محبوبیت و مقبولیت از عوامل اساسی در تربیت رسمی و عمومی مربیان است. تأثیرگذاری مربیان در فرایند تربیت و رشد تعالی هویتی متربیان مشروط به شرایطی است. یکی از این شرایط مهم در اصل پیش، یعنی اصل سندیت مبتنی بر شایستگی مربیان گفته شد. اما علاوه بر آن، محبوبیت و مقبولیت آنان نیز نقش مهمی در هدایت فرایند تربیت دارد. پذیرش حقیقی(نه رسمی) مربیان، تحت عنوان «مربی» توسط متربیان، مشروط به وجود این اصل است. داشتن نقش الگویی نیز در محیط مدرسه برای مربیان به این اصل وابسته است.

محبوبیت و مقبولیت مربیان منوط به برقراری رابطه احسان و عدالت است. زیرا رابطۂ عدالت و احسان که از اصول حاکم بر روابط بین افراد در مدرسه است مانع از تحقق این احتمال خواهد شد که اقتدار وسندیت مربی یا کارگزاران مدرسه به سخت گیری و خشونت علیه متربیان و به حاکمیت جوی استبداد منشانه در مدرسه بینجامد. در واقع سندیت مربی، با توجه به رابطه عدالت و احسان که حاکم بر روابط درون مدرسہ اسلامی است، تعدیل می گردد. به سخن دیگر، جو عاطفی، اخلاقی و مهرورزانهای در محیط تربیت رسمی و عمومی به وجود می آید که ناشی از محبوبیت و مقبولیت مربیان است.

در قرآن بر این رابطه مهروز رانه پیامبر با مؤمنین اشاره شده است. عامل اصلی جذب مؤمنین به ایشان و انجذاب شخصیتی پیامبر(ص) همانا مهر و محبت بوده است. خداوند در آیه یکصد و پنجاه و نه سوره مبارکه آل عمران می فرماید: پس به برکت رحمت الهی، با آنان نرم خوشدی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعا از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه و در کارها با آنها مشورت کن" و نیز در آیه یکصد و بیست و هشت سوره مباركه توبه می فرماید:» قطعا برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید و به هدایت ] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است".

این به آن معناست که مربی نیز باید در کنار سندیت، چنین محبوبیتی را دارا باشد تا نقش وی، که زمینه ساز تحولات رشد یابند؛ هویت متربیان است، به درستی تحقق یابد. به نظر می رسد اثر بخشی نقش اسوه بودن حضرت رسول (ص) با این ویژگی محبوبیت و پذیرش در قلبهای مؤمنین تحقق خارجی می یابد و معلمان نیز که چه به نحو توصیفی و چه تجویزی اسوه و الگو شده اند

بدون داشتن این محبوبیت و مقبولیت نمی توانند این نقش را به درستی ایفا نمایند. شایان ذکر است که نقش الگو و تأسی بر معلمان و به نحو اولی بر پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) تأسی آگاهانه است. در این نظام تربیتی تأسی کورکورانه هیچ ارجی و ارزشی ندارد.

مصداق این اصل عبارت است از:

• تأکید بر شایستگی های اخلاقی مربیان در هنگام گزینش و تربیت نیروی انسانی

**4-1-10 .تعامل همه جانبه**

فراهم آوردن زمینه مناسب برای تکوین و تعالي هویت متربیان در فرایند تربیت رسمی و عمومی نیازمند تعامل و همکاری بین عناصر اصلی و محوری آن است. تعامل در معنای عام ناظر به عمل متقابل و همفکران تمامی عناصر تربیت رسمی و عمومی است و در معنای خاص ناظر به رابطه بین مربی و متربی است. مربیان و متربیان باید در تعامل مستمر باشند. این تعامل از سوی مربیان شامل زمینه سازی (در دو بعد سلبی و ایجابی) و از سوی متربیان بهره گیری و عمل برای تحقق ظرفیت های وجودی است.

تعامل در واقع، به تشریک مساعی متقابل در موقعیت تربیتی بر می گردد. مربی و متربی به فراهم کردن شرایط مناسب و مساعدی در موقعیتهای تربیتی اقدام می کنند که تعالی و رشد متربی و حتی مربی را به دنبال دارد. در حقیقت تعامل مربی و متربی در موقعیتهای تربیتی، تعاملی استعلایی یعنی تعالی بخش است. شروط تحقق چنین تعاملی اصول پیش گفته آزادی و سندیت و همچنین حاکمیت اصل عدل و احسان بر روابط درون مدرسه ای است.

این تعالی، نخست در موقعیت نمود می یابد و س پس در متربی و مربی. البته، تراز تعامل بین مربی و متربی در موقعیتهای تربیت رسمی و عمومی، یکسان و برابر نیست، بلکه تراز تعامل، موضوعی تشکیکی و تابع شرایط رشدی متربیان است، با این توضیح که در فرایند تعامل بین مربیان و متربیان، سندیت و مرجعیت نسبی (ناشی از شایستگی های کسب شده مربی) از آن مربیان است. مصادیق این اصل عبارت اند از:

\* همکاری متربیان در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی های تربیتی مدرسه، متناسب با سطح رشد آنهاء

\* همکاری مربیان در تولید طرح ها و برنامه های تربیتی و اصلاحی، تولید محتوا، تصمیم گیری ها در س طح مدارس مناطق و کشور، از طریق تشکل ها و انجمن های علمی و حرفه ای؛

• تعامل متربیان و مربیان در هدایت روند یاددهی- یادگیری در فرایند فرصت های تربیتی مدرسه.

**4-1-11 .همه جانبه نگری**

از یک سو موضوع تربیت انسان است که موجودی پیچیده و دارای شئون مختلف وجودی است و از دیگر سو فرایند تربیت که برای تحقق ظرفیتهای مختلف و متداخل متربیان شکل می گیرد خود فرایندی پیچیده است و عوامل و علل گوناگونی در آن حضور و نفوذ دارند. بر این اساس شناخت ظرفیت های وجودی انسان، فهم و درک عوامل و علتهای مداخله گر و ذی نفوذ در فرایند تربیت به نحو عام و در تربیت رسمی و عمومی به نحو خاص و هدایت آن مستلزم نگاهی باز و جامع و همه جانبه نگر است. از این رو نگاه کاهش گرایانه به موضوع و فرایند تربیت مقبول نیست.

مصادیق این اصل عبارت اند از:

\*توجه به تمامی شئون وجودی متربیان در طراحی برنامه ها و فعالیت های تربیتی؛

• توجه به همه ابعاد و لایه های هویت (انسانی، اسلامی، ایرانی و....)؛

\* نگرش نظام مند در هدایت تحولات در نظام تربیت رسمی و عمومی؛

• توجه به ساحت های مختلف تربیت

**4-1-12 یک پارچگی**

فرایند تربیت در عين دارا بودن عناصر، اجزا و فرایندها امری واحد و یک پارچه است. لذا باید از کاهش گرایی با توجه افراطی به برخی فرایندها و مؤلفهها و نادیده گرفتن برخی اجزا، دوری کرد.

مصادیق این اصل در تربیت رسمی و عمومی عبارت اند از:

\*توجه به وحدت هویت متربیان؛

• توجه به وحدت مراحل رشد و پیشرفت متربیان؛

• توجه به یکپارچگی برنامه ها و فعالیتهای تربیتی در طول مراحل و سطوح تربیت رسمی و عمومی؛

\* هماهنگی ارکان و مؤلفه های تربیت رسمی و عمومی.

4**-1-13حق محوری و مسئولیت پذیری**

علاوه بر این که فرایند تربیت رسمی و عمومی در کلیت خود (به مثابه فرایند سازنده و تعالى بخش) در کلیت خود بر اساس حق و حقوق متقابل انسانی و کرامت او شکل می گیرد، سازو کارهای درونی و روابط بیرونی آن نیز با نظام حقوقی جامعه ارتباط وثيق و مستحکمی دارد. از این رو رعایت حقوق دیگران یکی از ملاکها و معیارهای راهنمای عمل مربیان و کارگزاران تربیت رسمی و عمومی است. همان گونه که در مبانی حقوقی بحث شد رابطۀ حقوقی رابطه ای متقابل است. به این صورت که اگر برای متربی حقی وجود دارد برای مربی تکلیف و مسئولیتی است و اگر برای مربی حقی است برای متربی نیز مسئولیتی در قبال آن حق در نظر گرفته میشود. مصادیق این اصل عبارت اند از:

• رعایت حقوق و تکریم متربیان در عین مسئولیت پذیری آنها نسبت به تکالیف؛

• رعایت حقوق و تکریم مربیان همراه با لزوم پاسخ گویی ایشان نسبت به وظایف محوله؛

• رعایت حقوق و تکریم اولیا در عین پاسخ گو دانستن ایشان در خصوص انجام وظایف تربیتی خود نسبت به فرزندان؛

• برقراری رابطه مسئولیت و احترام متقابل بین مربیان، متربیان و اولیا۔

• مراقبت و دیدبانی فرایندها و جریان های تربیت رسمی و عمومی از منظر حقوقی توسط نهاد ویژه و مستقل.

**4-1-14 پویایی و آینده نگری**

از یک منظر تربیت رسمی و عمومی به دلیل دارا بودن اهداف کوتاه مدت و بلند مدت، نشان از پویایی یک جامعه دارد. در واقع، سازو کار عقلایی برای عطف توجه به آینده است. این نگرش به آینده نه از جنس آینده نگری بلکه از جنس آینده سازی است. یعنی جوامع با ابداع و تعریف ساز و کار نهادینه شده تربیت رسمی و عمومی نشان میدهند که قصد دارند آینده ای را با طرحی تعریف شده و با توجه به تجارب گذشته - هر چند نه با تعیین جزئیات - بسازند.

اما با وجود این همه تلاش و کوشش ابنای بشر و جوامع آنها، تغییر و تحول در ساختارهای اقتصادی، فناوری، دانش ها، فرهنگ و هنر و روابط سیاسی جلو برجسته جهان و حیات اجتماعی بشر امروزی است. سازوکارهای اجتماعی متناسب با مقتضیات و شرایط تحول یافته، ظهور و بروز می یابند. نهادها و مؤسسات اجتماعی نیز در تناسب با تحولات اقدام به بازسازی خود می نمایند. تربیت رسمی و عمومی، که نماد پویایی هر جامعه و یکی از سازوکارهای نهادینه شده اجتماعی است، باید در مواجهه با تغییرات و تحولاتی که در عصر حاضر بسیار سریع و روز افزون اند، فعال باشد. یعنی ضمن در نظر داشتن چهارچوب های مشخص متناسب با مقتضیات تحولات، در اجزا و عناصر خود تغییر ایجاد کند.

شرایط جهان امروز، توسعه و تسهیل ارتباطات و تبادل اطلاعات و تعاملات فرهنگی بین کشورها را افزایش داده و استفاده از فرصت های موجود در عرصه بین الملل و شناخت تهدیدات آن و ارتباط با کشورها و نهادهای بین المللی را ضروری کرده است. همچنین، پدیده جهانی شدن بی تردید آثار و تبعاتی فرهنگی برای کشور ما به همراه خواهد داشت که لازم است با این پدیده فعالانه مواجه شد و از فرصت های به وجود آمده استفاده برد و تهدیدات آن را کاهش داد.

آثار این اصل در تربیت رسمی و عمومی عبارت اند از:

• انعطاف پذیری در اهداف، سیاست ها، برنامه ها و روشها در چهارچوب اصول متناسب با نیازهای جدید متربیان و تحولات جامعه برای افزایش پیوسته کیفیت؛

• توجه به نیازها و شرایط جدید و آینده جامعه محلی، ملی، جهانی متربیان و اتخاذ تصمیم مناسب در قبال آن؛

• بومی سازی رویکردهای جدید جهانی در تربیت رسمی و عمومی، از طریق انطباق با اصول فلسفه تربیت و فلسفه تربیت رسمی و عمومی؛

• آینده نگری و توجه به روندهای آینده در حوزه های مختلف معرفت بشری؛

• بهبود مستمر کیفیت فرآیند و نتایج تربیت رسمی و عمومی؛

• نظارت و ارزش یابی مستمر از فرایند تربیت رسمی و عمومی.

**4-1-15 استمرار**

انسان موجودی رشد یابنده است، هرچند این رشد جریانی واحد و دارای مراتبی تشکیکی است.. به سخن دقیق تر، رشد جریانی است که دارای وحدت تشکیکی است. به تبع این واقعیت فرایند تربیت امری مراتبی، چند جانبه و در عین حال پیوسته است.

رعایت این اصل در تربیت رسمی و عمومی شامل مصادیق زیر است:

\* توجه به مراتب مختلف اهداف تربیت در سطوح و مراحل تربیت رسمی و عمومی؛

• پیوستگی و انسجام محتوایی بین سطوح و مراحل تربیت رسمی و عمومی؛

\* توجه به فراهم کردن زمینه های لازم برای استمرار یادگیری در طول زندگی؛

\* توجه به پیوستگی تجارب یادگیری و معنادار شدن آنها برای متربیان

**ب) اصول ناظر به روابط بیرونی تربیت رسمی و عمومی**

هیئت کلی و عرض عريض جامعه مشتمل بر جریان ها، نهادها و مؤسساتی است که در عرض یا طول همدیگر و در راستای غرض و غایت اجتماع حرکتی مستمر دارند. به همین رو این اجزا و عناصر جامعه، نسبتها و روابطی را با همدیگر بر قرار مینمایند و در شکل مطلوب آن، این نهادها کارکرد همدیگر را در راستای غایت جامعه تنظیم، تکمیل و هماهنگ مینمایند. یکی از اشکال این روابط، مطالباتی است که اجزا و عناصر اجتماع از همدیگر دارند. اصول ناظر به روابط بیرونی تربیت رسمی و عمومی ناظر به این روابط و مطالبات است.

**4-1-16 پاسخ گویی**

یکی از اشکال روابط بیرونی تربیت رسمی و عمومی پاسخ گویی است که در جهت اصلاح، بهبود و هماهنگی فرایندهای آن با هیئت کلی جامعه صورت می گیرد. نقش آفرینی تربیت رسمی و عمومی در راستای زمینه سازی نظام مند و قانون مند به منظور کسب آمادگی متربیان برای تحقق حیات طیبه لازم است مورد پایش مستمر قرار گیرد. از این رو، نهاد تربیت رسمی و عمومی باید نسبت به عملکرد خود در راستای اهداف جامعه مسئول باشد. کارگزاران تربیت رسمی و عمومی در تمامی سطوح و اجزا باید این موارد را راهنمای عمل خود قرار دهند:

• پاسخ گویی نظام تربیت رسمی و عمومی و عناصر آن نسبت به انجام رسالت، کارکردها و وظایف خود؛

• ارزشیابی عملکرد نظام تربیت رسمی و عمومی در مراحل مختلف در جهت بهبود و توسعه عملکرد نظام؛

• نظارت متقابل ارکان نظام تربیت رسمی و عمومی در جهت پشتیبانی از نظام.

**4-1-17.مشارکت**

همان گونه که در مبانی جامعه شناختی بحث شد، نظامهای اجتماعی در خلأ عمل نمی کنند. آنها جزئی از کل جامعه و فرهنگ اند و با سایر نهادها و نظام های اجتماعی روابط و کنش متقابل دارند. عملکرد درست یک نظام، به برقراری روابط صحیح و اصولی با دیگر نهاد و نظامهای اجتماعی نیز وابسته است. بر این اساس، نظام تربیت رسمی و عمومی برای تحقق رسالت خود به روابط صحیح با دیگر نهادهای مؤثر و سهیم در جریان تربیت نیاز دارد. لذا برای تحقق رسالت و اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی، همگان به نوعی مسئولیت دارند. سخن دیگر، نظام تربیت رسمی و عمومی برای تحقق رسالت و اهداف خود باید از ظرفیت های جامعه حداکثر استفاده را ببرد. بر این اساس، این اصل ناظر بر روابط نظام تربیت رسمی و عمومی با عوامل و محیط های بیرونی نظام است.

تربیت رسمی و عمومی به مثابه یک نهاد اجتماعی» به سبب عمومیت داشتن، پیچیدگی و تعدد عوامل ذی مدخل در آن بخش ها و گروههای گوناگون از جامعه را در گیر می کند و تحت تأثیر خود قرار میدهد. لذا برای پیشبرد اهداف خود در جامعه نیازمند همکاری و مشارکت تمامی نهادها و عوامل سهیم و مؤثر است. بی شک، مشارکت جویی یک اصل مهم و حاکم بر روابط بیرونی تربیت رسمی و عمومی با دیگر بخش های جامعه است.

مصادیق این اصل عبارت اند از:

\*هماهنگی نظام تربیت رسمی و عمومی با نظام تربیت رسمی و تخصصی (آموزش عالی)در تدوین اهداف دوره متوسطه و سیاستهای گزینش دانشجو؛

\* همکاری با نظام تربیت رسمی و تخصصی( آموزش عالی) و نهادهای پژوهشی کشور درامر پژوهش، ارزشیابی، نظارت و تربیت نیروی متخصص؛

• هماهنگی نظام تربیت رسمی و عمومی با نهادهای متولی فرهنگ عمومی(نظیر رسانه ومساجد ) در فرایند اصلاح اجتماعی؛ • همکاری با نهادهای بین المللی و نهادهای منطقه ای در زمینه تربیت رسمی و عمومی درراستای کسب و انتقال تجربیات تربیتی؛

\* هماهنگی نظام تربیت رسمی و عمومی با نظام بازار و صنعت در تدوین اهداف، به ویژه دردوره متوسطه؛

\* هماهنگی و پشتیبانی نهادهای فرهنگی مؤثر در تربیت با نظام تربیت رسمی و عمومی درتحقق اهداف عام تربیت عمومی و رسمی؛ پشتیبانی و هماهنگی حقوقی و قضایی نهاد قضا از نظام تربیت رسمی و عمومی، 287

تنظیم:عبدالرضا میرزاوند

**بسمه تعالی**

**بزرگترین و جامع ترین و معتبرترین گروه ضمن خدمت درکشور**

**ابرگروه ضمن خدمت هوشمندسازی**

**برای ورود به گروه روی لینک زیر کلیک کنید**

[**https://t.me/Hushmandsazi\_Group**](https://t.me/hushmandsazi_group)

**لینک کانال و صفحه درتلگرام ، اینستاگرام ، روبیکا، سروش و ایتا**

**@MohtavaNemunesoal**

**با تشکر از:آقایان مجتبی بیات ،عبدالرضا میرزاوند و سایر ادمین های محترم**

**فایل جهت آشنایی با محتوای**

## **دوره :** آزمون **گروه مربیان تربیت بدنی و معاونان پرورشی(کلیه رتبه ها)**

**کشوری**

## **تاریخ آزمون :** 07/10/1399

**ساعت آزمون:9تا 10صبح**

**هرگونه کسب درآمد**

**(فروش فایل-آزمون دادن و ...)**

**ازاین فایل بدون رضایت صاحب اثر شرعا حرام است.**

**\*ارسال فایل فقط با ذکر نام و لینک گروه مجاز است.\***

**\* کن رعایت حق مردم با صفا \***



جمهوری اسلامی ایران

وزارت آموزش و پرورش

*اخلاق حرفه ای*

*)کلیه رتبه ها(*

*ویژه سنجش دانش حرفه ای مربیان تربیتی و معاونان پرورشی*

*مرکز برنامه ریزی منابع انسانی و امور اداری*

*آذر 99*

**تعریف علم اخلاق**

کلمه « اخلاق » جمع «خُلق» است که به معناى شکل درونى انسان و سرشت و سجیه آمده است. به غرایز و ملکـات و صـفات روحـى و باطنى که در انسان وجود دارد، اخلاق گفته مى شود و به کردارها و رفتارهایى که از این خلقیات، ناشى مى شـود نیـز اخـلاق یـا رفتـاراخلاقى مى گویند. پس اخلاق به معناى ویژگى هاى روحى و نفسانى است؛ منتها این ویژگى ها باید در وجود فـرد، «ملکـه» شـده باشـد، یعنـى چنـان بـا شخص، در هم آمیخته باشد که گویى جزئى از سرشت اوست. به عبارت دیگر، صفتى در فرد، چنان ریشه بدواند که بـى هـیچ تکلّفـى، خود را نشان بدهد؛ بنابراین، اخلاق،عبارت است از: ویژگى هاى پایدار نفسانى که با اراده و اختیار، صورت گیرد.

بنابراین، موضوع علم اخلاق عبارت است از: صفات خوب و روش کسب آنها و صفات بد و راه زدودن آنها؛ این صفات خوب و بـد از آن جهت که با افعال اختیاري انسان مرتبط هستند در علم اخلاق مورد نظر می باشـند. غایـت علـم اخـلاق رسـاندن انسـان بـه کمـال وسعادت جاودان و منزل مقصودي است که براي رسیدن به آن خلق شده است. چنان که بیان شد علم اخلاق یکی از شعبه هاي فلسفه بـه معناي عام آن بوده است.

**معني لغوي اخلاق**

-در فرهنگ معین اخلاق به معنی خلق و خوي ها، طبیعت باطنی، سرشت درونی معنی شده است.

- مَلَکه اى است پایدار در نفس آدمى که سبب مىشود، کارها به آسانى انجام پذیرد بدون نیاز به اندیشه و نگرش.

- حالات درونی انسان است که در کردار و رفتار تجلی می یابند.

- اخلاق جمع خُلْق و خُلُق می باشداین دو واژه در اصل به یك ریشه باز می گردد .

- خُلُق به معناي هیات و شکل و صورتی است که انسان با چشم می بیند وُخلْق به معناي قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می شود.

**تقسیم بندي اخلاق**

1- مَلَکاتى که سرچشمه پدیدآمدن کارهاى نیکو است و اخلاق خوب و مَلَکات فضیله نامیده مى شود.

2- مَلَکاتی که منشا اعمال بد است و به آن اخلاق بد و مَلَکات رذیله مى گوید.

**اخلاق حرفه ای**

قبل از پرداختن به مباحث اخلاق حرفه ای شایسته است حرفه و شغل را تعریف کنیم؛ همانگونه که اخلاق را تعریف کردیم و با داشتن تعاریف روشن از اخلاق و حرفه به موضوعات مرتبط به اخلاق حرفه ای می پردازیم.

**حرفه چیست؟**

” حرفه ” به معنی کسب دانش و تجربه در یك حوزه کاری خاص می باشد در حالی که انجام کارهای گوناگون در حیطه های مختلف و یا به اصطلاح از این شاخه به آن شاخه پریدن نمی تواند ما را در داشتن یك حرفه یاری کند.

حرفه به موضوع کاربردی و کارشناسی یك شغل اطلاق می شود که پیرامون آن امکان آموزش تخصصی و ایجاد کسب و کار وجود دارد. حرفه ها معمولاً دارای آموزش تکمیلی و دانشگاهی در موضوع خود هستند. هدف حرفه ها ارائه خدمات و تولید است. در گذشته بیشتر سه حرفه پزشکی، روحانیت و حقوق به عنوان حرفه شناخته می شدند اما در حال حاضر بیشتر رشته های دانشگاهی حرفه مستقل خود را دارا هستند.

از مشخصات یك حرفه، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. امکان اشتغال تمام وقت
2. دارا بودن رشته دانشگاهی و آموزش کلاسیك دانشگاهی
3. دارا بودن انجمن ها و صنف های حرفه ای مربوط به آن

وقتی به خدمت یا توصیه خاصی نیاز داریم و از دانش و مهارت مربوط به آن حوزه بی بهره هستیم، به سراغ گروه های از افراد می رویم که تشکیل دهنده آن حرفه هستند و با آنها مشاوره می کنیم. " ابوت " در مقاله ای به عنوان «نظام حرفه ها» که به عنوان یکی از بهترین فعالیت های انجام شده در تعریف حرفه شناخته می شود، حرفه ای سازی را به عنوان تلاشی مستمر برای نظام مند کردن قلمرو خاصی معرفی می کند. به اعتقاد وی این قلمرو بین گروه های مختلفی در یك بازی مجموع صفر در حال رقابت است. البته اگر چه هیچ حرفه ای نمی تواند به طور کامل از مرزهای خود محافظت کند، اما در مورد ورود سایر حرفه ها به حوزه خود می تواند محدودیت های مشخصی را وضع کند. مشاغلی وجود دارد که دارای جایگاه یك حرفه کلاسیك می باشد. در بین این مشاغل می توان به پزشکی، وکالت و حسابداری اشاره نمود. این مشاغل حرفه های کلاسیك محسوب می شوند، چرا که می توانند بر دور حوزه مشخصی از دانش و مهارت های خاصی حصاری را بکشند که به صورت اجتماعی و اقتصادی به آن ارزش بدهند.

**تفاوت حرفه و شغل**

شغل می تواند تنها به معنی داشتن کار برای رفع نیازهای مالی باشد اما حرفه به معنی انجام کار، کسب تجربه و دانش در جهت پیشرفت و ارتقا مهارتهاست.

اگر به دنبال کسب حرفه ای خاص هستیم باید از خود بپرسیم آیا تجربه ی کاری، تحصیلات و دانشمان ما را به سمت و سوی درستی هدایت می کند و یا بدون داشتن هدف و برنامه ای مدون برای آینده مدام شغل و کارمان را عوض می کنیم؟

**تفاوت اصلی بین حرفه و شغل نگرش در شماست**

– افرادی که به دنبال کسب حرفه ای خاص هستند دارای اهداف بلند مدتی هستند و برای رسیدن به این اهداف برای زمان حالشان برنامه ریزی می کنند.

– در مقابل افرادی که تنها به دنبال داشتن شغل هستند اغلب در ازای کاری دشوار مبلغ اندکی دریافت می کنند و حقوق، مسئولیت ها و وظایف کاری قابل توجهی نصیبشان نمی شود.

میتوانیم این طور بگوییم که زندگی مانند یك بازی کامپیوتری است و شغل فقط یك مرحله از آن بازی است اما داشتن حرفه به معنی دادن تعهد برای بازی کردن است که هر چه جلوتر می رویم روز به روز رشد و پیشرفت بیشتری می کنیم.

**تعاریف اخلاق حرفه ای**

اخلاق حرفه ای یکی از مسائل اساسی همة جوامع بشری است. امروزه در دانش های مربوط به مدیریت و سازمان، شاخ های با عنوان اخلاق حرفه ای وجود دارد. جامعه ما نیازمند آن است تا ویژگی های اخلاق حرفه ای مانند دلبستگی به کار، روحیه مشارکت و اعتماد، ایجاد تعامل با یکدیگر و... تعریف، و برای تحقق آن فرهنگ سازی کند. بسیاری از کشورها جهان صنعتی به این بلوغ رسیده اند که بی اعتنایی به مسائل اخلاقی و فرار از مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی، به از بین رفتن سازمان می انجامد. به همین دلیل، بسیاری از سازمان های موفق برای تدوین استراتژی اخلاقی احساس نیاز کرده، و به این باور رسیده اند که باید در سازمان یك فرهنگ مبتنی بر اخلاق رسوخ کند. از این رو، کوشیده اند به تحقیقات دربارة اخلاق حرفه ای جایگاه ویژه ای بدهند؛ وقتی از حوزة فردی و شخصی به حوزه کار گام می نهیم، اخلاق کار و یا اخلاق شغلی به میان می آید؛ مانند: اخلاق پزشکی، اخلاق معلمی، اخلاق مهندسی و نظایر آن.

اخلاق حرفه ای نقش راهبردی در سازمان ها دارد و متخصصان مدیریت استراتژیك، اصول اخلاقی شایسته در سازمان را از پیش شرط های مدیریت استراتژیك خوب دانسته اند در اخلاق حرفه ای، مسئولیت های اخلاقی سازمان در قبال محیط داخلی و خارجی است و این متمایز از حقوق کار است؛ اما حقوق کار نیز در آن وجود دارد.

**مفهوم اخلاق حرفه ای**

در ابتدا مفهوم اخلاق حرفه ای به معنای اخلاق کار و اخلاق مشاغل به کار می رفت. امروزه نیز عده ای از نویسندگان اخلاق حرفه ای، از معنای نخستین این مفهوم برای تعریف آن استفاده می کنند. اصطلاحاتی مثل work ethics یا professional ethics معادل اخلاق کاری یا اخلاق حرفه ای در زبان فارسی است. تعریف های مختلفی اخلاق حرفه ای ارائه شده است از جمله؛

الف) اخلاق کار، متعهد شدن انرژی ذهنی و روانی و فیزیکی فرد یا گروه به ایده جمعی است در جهت اخذ قوا و استعداد درونی گروه و فرد برای توسعه به هر نحو؛

ب) اخلاق حرفه ای یکی از شعبه های جدید اخلاق است که می کوشد به مسائل اخلاقی حرفه ای گوناگون پاسخ داده و برای آن اصولی خاص متصور است.

ج) اخلاق حرفه ای به مسائل و پرسش های اخلاقی و اصول و ارزش های اخلاقی یك نظام حرفه ای می پردازد و ناظر بر اخلاق در محیط حرفه ای است.

د) مقصود از اخلاق حرفه ای مجموعه قواعدی است که باید افراد داوطلبانه و براساس ندای وجدان و فطرت خویش در انجام کار حرفه ای رعایت کنند؛ بدون آن که الزام خارجی داشته باشند یا در صورت تخلف، به مجازات های قانونی دچار شوند.

هـ) اخلاق فردی، مسئولیت پذیری فرد است در برابر رفتار فردی خود، صرفاً به منزلة یك فرد انسانی، و اخلاق شغلی، مسئولیت پذیری یك فرد است در برابر رفتار حرفه ای و شغلی خود، به مثابه صاحب یك حرفه یا پست سازمانی.

و) این اخلاق، دربرگیرندة مجموعه ای از احکام ارزشی، تکالیف رفتار و سلوك و دستورهایی برای اجرای آنهاست.

ز) اخلاق حرفه ای، به منزلة شاخه ای از دانش اخلاق به بررسی تکالیف اخلاقی در یك حرفه و مسائل اخلاقی آن می پردازد و در تعریف حرفه، آن را فعالیت معینی می دانند که موجب هدایت فرد به موقعیت تعیین شده همراه با اخلاق خاص است.

**در تعریف اخلاق حرفه ای به موارد زیر اشاره شده است:**

1- اخلاق حرفه ای رفتاری متداول در میان اهل یك حرفه است.

2- اخلاق حرفه ای مدیریت رفتار وکردار آدمی هنگام انجام دادن کارهای حرفه ای است.

3- اخلاق حرفه ای رشته ای از دانش اخلاق است که به مطالعة روابط شغلی می پردازد.

4- اخلاق حرفه ای عبارت است از مجموعه ای از قوانین که در وهلة اول از ماهیت حرفه و شغل به دست می آید.

در بیشتر تعریف هایی که از اخلاق حرف های شده است، دو ویژگی دیده می شود:

الف) وجود نگرش اصالت فرد و فرد گرایی؛

ب) محدود بودن مسئولیت ها و الزامات اخلاقی فرد در شغل،

که به نظر می رسد این نگاه به اخلاق حرفه ای، نوعی تحویلی نگری و تقلیل دادن اخلاق حرفه ای است؛ زیرا هویت جمعی و سازمانی در نهادهای مشاغل در کسب وکار، بسی فراتر از شغل فردی اشخاص است. با توجه به همین دیدگاه بود که در این اواخر نیز بحث از اخلاق حرفه ای در منابع مدیریتی و بیشتر در آثار و مباحث مربوط به مدیریت منابع انسانی مطرح می شد.

در مفهوم جدید از اخلاق حرفه ای، به مسئولیتهای اخلاقی سازمان اشاره می شود که جامع تر از تعریف سنتی است.

در این نگاه، سازمان به منزلة یك شخصیت حقوقی دو گونه مسئولیت دارد:

الف) مسئولیت های حقوقی کیفری؛

ب) مسئولیت های اخلاقی

که مسئولیت های اخلاقی سازمان بسیار پیچیده تر از مسئولیت های اخلاقی فردی ـ شخصی و فردی ـ شغلی است. به عبارت دیگر، مسئولیت های اخلاقی سازمان شامل همه اضلاع و ابعاد سازمان می شود و اخلاقیات شغلی را نیز دربرمی گیرد.

**ویژگی های اخلاق حرفه ای**

اغلب در اخلاق حرفه ای، تلقی «شما حق دارید و من تکلیف»، مبنای هر گونه اخلاق در کسب و کار است. این مبنا از رفتار ارتباطی فرد، به صورت اصلی برای ارتباط سازمان با محیط قرار می گیرد و سازمان با دغدغه رعایت حقوق دیگران، از تکالیف خود می پرسد. ویژگی های اخلاق حرفه ای در مفهوم امروزی آن عبارت اند از:

دارای هویت علم و دانش بودن، داشتن نقشی کاربردی، ارائه صبغه ای حرفه ای، بومی و وابسته بودن به فرهنگ، وابستگی به یك نظام اخلاقی، ارائه دانشی انسانی دارای زبانِ روشن انگیزشی، ارائه روی آوردی میان رشته ای.

**تفاوت اخلاق فردی و اخلاق حرفه ای**

گاهی از این هم فراتر می رویم و اخلاق را نه به عنوان مسئولیت فرد، بلکه به عنوان مسئولیت یك گروه اجتماعی، یـك سـازمان و یـا یك موسسه به میان می آوریم؛

یعنی هر سازمانی یا موسسه ای چون به عنـوان یـك شـخص حقوقی در جامعـه نقـش دارد و تـاثیرش در جامعـه بیشتر از اشـخاص است، مسئولیت اخلاقی هم دارد.

مسئولیت اخلاقی سازمان را مهم ترین ویژگی اخلاق حرفه ای می نامیم که با اخلاق شخصی از این حیث تفاوت پیدا می کند که آنجـا شخص به عنوان یك شخصیت حقیقی مطرح است؛ ولی اینجا سازمان مطرح است.

اگر یك سازمان اخلاقا مسئولیت پذیر باشد؛ یعنی دقیقاً به مسئولیت های اخلاقی خودش در قبال دیگران پایبند باشد؛ این سازمان، از نظـر مردم و از نظر محیط درونی و بیرونی پیش بینی پذیر می شود؛ یعنی من می تـوانم عملکـرد شـما را در خصـوص رعایـت حقـوق خـود پیش بینی کنم.

به عبارت دیگر، می توان اطمینان خاطر پیدا کرد که اولاً شما به من خسارت نمی زنید و ثانیاً اگر خسارت زدید، جبران خواهید کرد.

این پیش بینی پذیر شدن سازمان شما باعث می شود من به شما اعتماد کنم. اعتماد من به شما، چه کارمند شما باشم و چه مشتری، چه تأمین کننده شما باشم و چه عنصری دیگر، سرمایه بزرگـی اسـت کـه گـاهی اهمیتش از منابع مالی بیشتر است.

بنابراین اخلاقی بودن، اعتمادآفرینی می آورد و اعتماد باعث می شود که من با شما رابطه آسان و صحیحی داشته باشم و این فواید زیادی به دنبال دارد. چه تمایزی بین اخلاق فردی و شغلی و یا کاری است؟

ساده ترین وجه این تمایز این است که گفته شود: اخلاق فردی، مسئولیت پذیری شخصی است در برابر رفتار فردی که یك انسان از خود نشان می دهد، ولی اخلاق کار(work ethics) مسئولیت پذیری یك فرد است در برابر رفتار حرفه ای و شغلی خود به عنوان صاحب یك حرفه، شغل و یا پست سازمانی.

**برای کاربردی نمودن اخلاق حرفه ای در عرصه ی جامعه، چه مسیرهای طی شده است؟**

برخی دانشمندان علوم مدیریت، مسیر های طی شده ی اخلاق حرفه ای برای رسیدن به مرحله ی عملیات فردی و سازمانی را این گونه ذکر کرده اند که باورها و اعتقادات فرد، سازمان و قوانین حاکم بر آن را می سازند و مسئولیت به دنبال آن شکل می گیرد و یا به عبارتی دقیق تر استمرار عمل به قانون، به مسئولیت پذیری عمق می بخشد و همین زمینه ها، پیش بینی رفتار را موجب می شود. با طی چنین مراحلی، اعتماد، اطمینان و امید در سازمان و در تعامل با عناصر ذی نفع آن تجلی می یابد و ثمره ی آن اخلاق حرفه ای است و این همان چیزی است که باید رفتارهای افراد، گروه ها و سازمان های تخصصی را شکل دهد. **در واقع ریشه ی اخلاق حرفه ای باورها و اعتقادات فردی و سازمانی است.**

**اخلاق حرفه ای تنها با آموزش به دست می آید؟**

بله، با آموزش تا حدودی می توان به مفاهیم اخلاق حرفه ای در کاربرد رسید. زیرا اخلاق حرفه ای فقط انتقال اطلاعات و یافته های علمی نیست. بلکه باید در متن عمل به آن تخصص و شغل و مراحل مختلف تصمیم گیری در آن شغل هم دیده شود و این بدان معنی است که صرف آموزش کافی نیست. باید آموزش ها به یادگیری تبدیل شود. یادگیری از نظر روان شناسان یعنی تغییر در رفتار. پس باید انگیزه ها تصحیح و تقویت شود، انگیزش و اخلاق با هم همبستگی دارند. فقدان انگیزش مانع ترویج اخلاق در سازمان است. باید تکنیك ها و مهارت ها افزایش یابد، باید توان فکری ارتقاء یابد و نگرش ها متحول شود و در کل معرفت و بصیرتی ایجاد شود. وگرنه با یك بخشنامه و یا چند توصیه و یا چند ماده ی قانونی که نمی شود مثلا پدیده های خلاف اخلاق حرفه ای مانند زیرمیزی و یا تقاضاهای القایی را به طور کامل در حوزه ی نظام سلامت برچید. باید کار علمی، فرهنگی، مهارتی و حقوقی توامان انجام پذیرد.

مسئولیت پذیری در سطح فردی و سازمانی چه معنی و مفهومی دارد و مسئولیت پذیری در این دو حیطه، آیا تفاوت هایی هم دارند؟

مباحث اخلاقی در سازمان به عنوان نظام ارزش ها و بایدها و نبایدها تعریف می شود که بر اساس آن خوب و بدهای سازمان مشخص و اقدام سره از ناسره متمایز می شود. به طور کلی انسان ها هر یك دارای ویژگی های خاص اخلاقی هستند که فکر، گفتار و رفتار آنها را شکل می دهد. این افراد وقتی در یك پست سازمانی و یا مدیریتی قرار می گیرند، تحت تاثیر عواملی، ویژگی هایی پیدا می کنند، حتی بعضا متفاوت. این ویژگی ها به هر حال بر روی میزان کارایی و اثربخشی سازمان در هر شرایطی تاثیر می گذارند. مسئولیت پذیری اول فردی است و بعد نهادی و یا دولتی. چرا این حرف را می زنیم؛ برای اینکه اولی رفتار را شکل می دهد و مقدمه ی اصلاح فرایندها می شود و دومی سیاست را قوام می بخشد و زمینه ی تجدید ساختار را در صورت لزوم پدید می آورد.

ریشه ی اغلب مشکلات، آنجا که حد متوسطی از مسئولیت پذیری فردی وجود دارد، سیستم ها هستند و اینجاست که، اگر این زمینه ها به خوبی فراهم شود، بستر مناسبی برای مسئولیت پذیری سازمانی ایجاد می شود. همه این انواع مسئولیت پذیری ها، در قالب مسئولیت پذیری اجتماعی تقسیم بندی می شوند. مسئولیت پذیری یعنی پاسخگویی در قبال وظیفه و تکلیف، بنابراین مسئول در قبال رفتار خود و عوارض ناشی از آن، مورد سوال و بازخواست قرار می گیرد و تشویق و یا تنبیه می گردد. البته پاداش و یا توبیخ فرع بر مسئولیت است و مسئولیت فرع بر تکلیف و تکلیف فرع بر اختیار و اختیار یا حق تصمیم گیری، نیز از جمله خصوصیات منحصر به انسان است.

مسئولیت هم مربوط به تك تك افراد و شهروندان است که برابر ارزش های مورد قبول خود در این رابطه پاسخگو هستند و هم مربوط به گروه ها، سازمان ها و شرکت هاست که بر اساس تکلیف و متناسب با اختیار و با ساختار معلومی که دارند در قبال فرد و جامعه، دارای مسئولیتند. مثلاً، وقتی گفته می شود نظام آموزشی کشور مسئول پرورش نیروی انسانی متعهد و متخصص است یا فلان سازمان مسئول واردات داروهای خاص است یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مسئول تامین، حفظ و ارتقاء سلامت است، مسئولیت پاسخگویی در عرصه اجتماعی نیز اهمیت دارد.

**اخلاق حرفه ای، شکلی از یک نوع مدیریت است؟**

بله، بخشی از مدیریت است و بخش مهمی از آن است. چه آنجا که فرد بر خود و اعمالش مدیریت می کند و چه آنجا که مدیریتی بر سازمان، حاکم است و می تواند به سبك مدیریت خاصی نیز، شکل و اعتبار دیگری بخشد. آرتورکستلر داستان نویس، وقایع نگار و روزنامه نگاری از یهودیان مجارستان بود. کستلر در خصوص مشاهداتش در سفرها می گوید، همه این« آدم ها »یك صفت مشترك داشتند. «همه کار خود را خوب می شناختند و در شرایط دشوار خوب انجام می دادند. این یك نمونه ی خوب از ایفای نقش اخلاق حرفه ای در تاثیرگذاری بر مدیریت جامعه است. این روزها با سالگرد آزادسازی خرمشهر، حماسه های زیادی نقل می شود از همه ی گمنامانی که تاریخ ما را ساختند و دشمن تا دندان مسلح ما را از خاکمان راندند. آنجا هم کسانی که نه درجه داشتند و نه سمت و پست، ولی به راستی رفته بودند، تا جان برکف، مسئولیتی را که در حفظ ارزش ها برای خود قائل بودند، را ادا کنند. آن ها حیرت آفریدند و همه ی کسانی که منتظر بودند، تا ببینند ایران سرانجام با این سربازان کم سن و سالش در مقابل افسران زبده ی نظامی، چه خواهد کرد را به شگفتی واداشتند. جای جای تاریخ انقلاب و دفاع مقدس و کارهای بزرگ این انقلاب پراز این اخلاق کاری و مسئولیت پذیری است.

**نظام های اخلاقی عمده**

اخلاق حرفه ای در تفکر سنتی، کم و بیش بر نظام ارسطویی استوار بوده است؛ اما امروزه نظام های دیگری نیز کانون توجه است. در حال حاضر، بیشتر از پنج نظام عمدة اخلاقی در بیان اخلاق حرفه ای استفاده می شود. ملاك مقبولیت این پنج نظام در میان ده ها نظریه و نظام اخلاقی، توانایی آنها در بیان سیستماتیك فضایل و رذائل اخلاقی، ارائه نظام سازگار، فراگیر و کاراست. این پنج نظام اخلاقی (نظریه های عمده) عبارتند از:

1- فایده گرایی، 2- وظیفه گرایی، 3- عدالت فراگیر، 4- آزادی فردی 5- زیبایی و خیر مطلق.

چهار نظریة نخست در واقع اصول راهبردی اخلاق را ملاك نهایی می انگارند، اما در نظریة پنجم، خداوند متعال، برترین زیبایی و مشخص کننده ملاك نهایی اخلاق است. در این نظام اخلاقی که روشنی بخش دیگر نظام های اخلاقی است، تقرب به خدا و کسب رضایت او آرمان اخلاق است و دستیابی به عدالت فراگیر اجتماعی، آزادی، حرمت انسان و بیشترین سود برای بیشترین کسان نیز از اهداف زندگی اجتماعی در چهار ساحت 1- فردی، 2- شغلی 3- سازمان 4- جامعه است.

گفتنی است، همة تحقیقات در چارچوب نظام اخلاقی اسلام، بر اساس نظریة زیبایی و خیر مطلق انجام می شود.

**مبانی نظری اخلاق حرفه ای در اسلام**

الگوهای رفتاری در سطح نهادها و سازمان های اجتماعی، وحدت بخش جامعة دینی است. تعریف كلی الگوهای اخلاقی و رفتار ارتباطی، مسئولیت پذیری در برابر حقوق افراد است. جامعة دینی از حیث تعامل سازمان ها و نهادهای اجتماعی در آن و نیز از نظر رفتار ارتباطی افراد، متضمن مسائل فراوانی است. این مسائل از تعین دینی چنین جوامعی سر بر می آورند و با تعیین دینی نیز باید پاسخ یابند. اخلاق، سامان دهندة رفتار ارتباطی در مقیاس فرد، سازمان، جامعه و روابط جهانی است. رفتار ارتباطی درون شخصی و برون شخصی فرد در زندگی شخصی و زندگی شغلی، از طریق اخلاق سامان و انسجام می یابد. همچنین رفتار ارتباطی سازمان با محیط و نیز تعامل نهادهای اجتماعی با یكدیگر، در دو سطح ملی و جهانی، بر مبنای اخلاق قوام می یابد. برای تعیین مؤلفه های كاربردی اخلاق حرفه ای (اسلامی)، می توان از اصول راهبردی اخلاق حرفه ای در اسلام استفاده كرد؛ اصول راهبردی اصلی (در اسلام) عبارت اند از: احترام اصیل و نامشروط به انسان ها، رعایت آزادی انسان ها، برقراری عدالت در مورد انسان ها، امانت ورزی در رفتار و بینش شخصی.

اخلاق حرفه ای در نظام اداری جمهوری اسلامی باید هویت اسلامی داشته باشد و مبتنی بر اخلاق اسلامی شكل بگیرد. برای داشتن هویت اسلامی اخلاق حرفه ای در كشورمان، به چهار دلیل می توان اشاره كرد:

الف) از لحاظ فرهنگی به دلیل وابستگی توده مردم كشورمان به نظام عقیدتی اسلام؛

ب) از لحاظ دینی به دلیل جداناپذیری اخلاق از دین در متن دین اسلام؛

ج) نیاز به پویایی درون فرهنگ اسلامی با توجه به مواجهه آن با چالش جهانی شدن؛

د) از لحاظ نظام حكومتی،

الزام به حكومت دین مدار در نظام حكومت دینی و از لحاظ قانونی، به تأكید قانون اساسی ـ در اصل هشتم ـ بر تصویب قوانین اسلامی در كشور. نظام اخلاق اسلامی به گونه ای است كه با اخلاق حرفه ای در هم آمیخته و تفكیك ناپذیر است؛ زیرا در این نظام ملاك نهایی و نهایت سعادت بشری، الله است و انسان در مقام خلیفه و جانشین الهی در زمین، محور توجهات اخلاقی است؛ بدین معنا كه خشنودی انسان و خدمت به او موجب رضایت و تقرب به خداوند می شود؛ از این رو، نظام اخلاق اسلامی با توجه به ملاك نهایی، در صدد است با ارائه دستورالعمل ها و آیین نامه های اخلاقی در سطح حرفه و زندگی اجتماعی و همچنین با در نظر گرفتن پیشرفت های مادی در جهت بهبود زندگی انسان ها، زمینة سعادت و كمال حقیقی بشر را فراهم آورد.

دربارة مورد اخیر باید گفت در اخلاق حرفه ای اسلامی، ملاك نهایی اخلاق همانا خواست خداوند ـ خیر مطلق ـ است. مهم ترین اصول راهبردی كه می توانند منشأ شكل گیری مؤلفه های كاربردی اخلاق حرفهای (اسلامی) شوند، عبارت اند از:

الف) كرامت انسانی؛

ب) آزادی فردی؛

ج) عدالت اجتماعی در مفهوم عام قرار دادن هر امری در جایگاه شایسته آن؛

د) امانت ورزی در دو سطح امانت داری و بینش امانت نگری در این بین، اصل چهارم مهم ترین اصل (اصل الاصول) است.

مفهوم امانت داری در كسب وكار، قابل تجزیه به سه پرسش است:

1. چه چیزی در كسب وكار مورد امانت قرار می گیرد؟

2. مراد از امانت داری در قبال آن امور چیست؟

3. صاحبان امانت كیستند؟

البته امانت داری در حرفه نمی تواند به معنای عدم تصرف باشد؛ زیرا تصرف و به كارگیری مقوم كسب وكار است؛ بلكه تصرف در حرفه دو گونه است: امانت دارانه و غیرامانتدارانه. در این زمینه تصرف امانت دارانه استفاده بهینه و شایسته است. ضامن امانت داری در نگرش اسلامی این بینش است كه عالم همه محضر خداست. با این نگاه، فرد با بصیرت ایمانی به امانت نگری در جهان هستی می رسد و همه چیز از جمله خود را امانت خداوند می داند. پس در مواجهه با همه چیز و در استفاده از همة امور، راه امانت داری را می پیماید و چنین حزم و احتیاطی تقوا است. اصول منشور اخلاقی در اسلام، در همة حرفه ها مشترك است؛ ولی تفاوت حرفه ها در فروع است. بدین ترتیب، اصولی را كه از منابع اسلامی به دست می آید، می توان در تمامی حرفه ها جاری ساخت. پس باید اخلاق اداری و سازمانی جزو برنامه های آموزش در سازمان قرار گیرد.

مصطفی دلشاد تهرانی، پیرامون بحث اخلاق حرفه ای در نهج البلاغه می گوید: امیرالمومنین علی (ع) زمانی كه می خواهند روایت انسان ها را نسبت به دنیا اصلاح كنند می فرمایند «ن گاهتان به دنیا نگاه پارسایان روی گردان از آن باشد » بنابراین در درجه اول باید فهم خود را نسبت به دنیا اصلاح كنیم.

وی در خصوص نگاه امام علی(ع) نسبت به اخلاق حرفه ای گفت: نگاه علی (ع) نسبت به اخلاق حرفه ای را می توانیم در ۵ آموزه نگاه به خدا، نگاه به خود، نگاه به كار و مسئولیت، نگاه به مردمان و نگاه به مسئولان خلاصه كنیم.

نگاه به خدا، یك نوع خداشناسی است. خداشناسی در رفتار ما تاثیر می گذارد. كسی كه به بازخواست شدن در روز قیامت باور داشته باشد، اقدام به انجام هر كاری نمی كند. بنابراین نوع معرفت شناسی نسبت به هستی، معاد و خدا به شدت در رفتارسازمانی افراد تاثیر می گذارد. به عنوان نمونه، امیرالمومنین وقتی می خواهند نگاه مالك اشتر را به خدا تصحیح كند، میفرمایند « تو بالا سر كسانی هستی و آنها را اداره می كنی. سرپرست بالای تو هم از تو بالاتر است ولی خدا بالای سر كسی است كه تو را بر سر كار گذاشته است و رئیس اصلی خداست ». اگر به همین مقدار توجه كنیم بسیاری از رفتارهای ما اصلاح می شود.

این استاد دانشگاه افزود: حضرت در جای دیگری به مالك فرمودند «در جایگاه قدرت به هیچ وجه خود را در مرتبه و منزله جنگ با خداوند قرار نده، مبادا خود را در مقام جنگ با خدا قرار بدهی، چرا كه طاقت تحمل كیفر خداوند را نداری». حال این پرسش مطرح می شود كه جنگ با خدا در آموزه های امام علی (ع) چگونه معنا می شود؟ امام باور داشتند كسی كه در مقام قدرت به مردم ظلم كند، اعلام جنگ با خداوند كرده است. خداوند او را دادگاهی می كند و در این دادگاه از هیچ كس هیچ عذری پذیرفتنی نیست.

نگاه به خود باید منوط به بندگی خدا باشد فرض كنید كارگزاری كسی را بر كاری بگمارد و آن فرد اموال مردم را حیف و میل می كند. این كارگزار باید در برابر خداوند پاسخگو باشد كه چرا چنین فردی را بر سركار گذاشته است. هیچ ظلمی از جایگاه قدرت به مردم از جانب خدا پذیرفتنی نیست. پس اگر این تفكر به زیرساخت فكری افراد تبدیل شود، دیگر نمی توانیم هر كاری انجام بدهیم و افراد ناشایست را بر سر كار بگذاریم و از آنها حمایت كنیم.

وی در ادامه با اشاره به عهدنامه مالك اشتر گفت: امام علی (ع) می فرمایند «هیچ چیز مانند برپا داشتن ستم، نعمت خدا را دگرگون نمی كند و كیفر خدا را نزدیك نمی كند» اگر نگاه ما اینگونه شود، دیگر اجازه نمی دهیم نادان ها برسركار بمانند و دارایی های مردم را چپاول كنند.

دلشاد در توضیح دومین رکن اخلاق حرفه ای از نگاه امام علی (ع) گفت: نگاه به خود، در جایگاه حرفه ای باید منوط به بندگی خدا باشد. قدرت وسوسه كننده است. امام علی (ع) خطاب به مالك اشترمی فرمایند «اگر قدرت نخوتی در تو پدید آورد، آنگونه كه خود را بزرگ بشماری، آن زمان به عظمت و بزرگی حكومت خداوند بنگر. این تفكر تو را اصلاح خواهد كرد و رفتار و مناسبات را درست می كند».

قدرت ممكن است عارضه طماح یعنی عصیان و سركشی، تندی و تیزی و دور شدن از عقل را در آدمی ایجاد كند. انسان باید خود را بنده خدا ببیند. برای همین امام در ابتدای همه نامه های خود به عبد بودن در برابر خداوند اشاره می كند.

دلشاد تهرانی گفت: امیرالمومنین نسبت به كار و مسئولیت، نگاه مسئولانه و امانت دارانه داشتند. ایشان در نامه نهج البلاغه می فرمایند «مسئولیت برای تو طعمه نیست» پس باید به كار امانت دارانه و پاسدارانه نگاه كنید و فكر نكنید كه اینجا آمده اید كه چیزی را برای خود ذخیره كنید.

نگاه مسئولین باید خیرخواهانه باشد

چهارمین زیرساخت در بحث نگاه شناسی، مردم هستند. امیرالمومنین (ع) در عهدنامه مالك می فرمایند «وجودت را لبریز از عشق به مردم كن» به اعتقاد ایشان كسی كه نمی تواند به مردم خدمت كند، زیرساخت لازم برای اخلاق حرفه ای را ندارد. امام در همان نامه می فرمایند «مبادا مانند جانوران درنده خوی شوی و خوردن را غنیمت بشماری».

حكام نباید بی احترامی و ظلم كنند. مردم یا برادر دینی تو هستند یعنی همانند تو در آفرینش هستند یعنی انسان هستند. امام معتقد بودند نباید انسان ها را و شهروندان را درجه اول و دوم كرد. وقتی كسی ولو با هر عقیده ای به سازمانی رجوع می كند، باید به او خدمت كرد.

با اشاره به حساسیت امام علی (ع) نسبت به جرم: امام توصیه می كنند كه با مردم با حسن ظن برخورد كنید. به عنوان نمونه اگر فروشنده هستید و خریداری از شما كالایی خرید اما اگر پشیمان شد و خواست آن كالا را عوض كند صاحب مغازه باید با حسن ظن با مشتری برخورد كنید و بدون هیچ سوال و جوابی كالا را پس بگیرد.

با اشاره به منع تحقیر مردم در آموزه های نهج البلاغه؛ اجازه تحقیر كردن در اخلاق حرفه ای وجود ندارد در حكومت حضرت كارگزاران حق نداشتند در سخت ترین شرایط مردم را تحقیر كنند. امام «جاریه بن قدامه» را برای دفع شورشی فرستاد و به او فرمود «برو با پروا داشتن از خدای كه بازگشت همه به سوی اوست» و در مكتوبی كه برای وی نوشتند به او سفارش كردند كه به هیچ وقت مسلمانان و غیر مسلمانان را تحقیر نكن.

بنابراین، از نظرگاه امام، نگاه مسئولان باید خیرخواهانه باشند و هر كس در سازمانی قرار میگیرد باید خیر سازمان را بخواهد. امیرالمومنین به مالك می فرمایند «گزیده های تو باید از كسانی باشند كه بیش از همه سخن تلخ را به تو بگویند و زمانی كه خلاف می كنی و تصمیم غلط می گیری كمترین یاری را به تو برسانند».

**عوامل پایه ای اخلاق حرفه ای**

یکی از صاحب نظران این نظریه به نام زیونتس در مقاله ای عواملی را به منزلة عوامل پایه ای برای اخلاق حرفه ای برمی شمارد که عبارت اند از:

**الف: استقلال حرفه ای اخلاق علمی**

این عامل مانند اخلاق در هر نظام حرفه ای دیگر باید منعکس کنندة هنجارهای درونی حرفه و احساس تعهد اخلاقی از سوی خود حرفه ای ها و نهادهای تخصصی آنها باشد، نه آنکه در قالب بایدها و نبایدهای اخلاقی به آنها تحمیل و قبولانده یا گوشزد شود. برای مثال، یك مدیر باید در حرفة خود مسائلی مانند صداقت، دقت، قابل اعتماد بودن، گشوده بودن به فضای انتقاد و ارزیابی، پرهیز از جزمیت، احترام به زیردستان و اطرافیان، توجه به حریم خصوصی و مسئله حفظ اسرار افراد را سرلوحة خویش قرار دهد.

**ب) خودفهمی حرفه ای**

پایه و اساس اخلاق، خودفهمی حرفه ای است. افراد تنها با فهمی از کار و فعالیت حرفه ای خود، فلسفه آن و نسبتش با زندگی مردم است که به درك اخلاقی از آن نائل می آیند و در نتیجه، در مناسبات خود با طبیعت و جهان پیرامون خود، نوعی احساس درونی از تعهد به آن ارزش ها پیدا می کنند.

**ج: عینیت گرایی، بی طرفی و عدم جانب داری**

از مهم ترین اصول اساسی که در اغلب اسناد و مباحث مربوط به اخلاق حرفه ای علمی مورد تأیید قرار می گیرد، رعایت عینیت گرایی و بی طرفی است. فردی که اخلاق حرفه ای را در زندگی شغلی اش به کار می گیرد، نباید جانب داری غیرعقلانی نسبت به منبعی که دارای صفات غیراخلاقی است نشان دهد.

**د) فراتر رفتن از مفهوم معیشتی**

تا زمانی که فردی درگیر مسائل فیزیولوژیکی باشد، توجه به مسائل دیگر کم رنگ تر خواهد بود. معنای اخلاق حرفه ای با عبور از مفهوم معیشتی آن به عرصة ظهور می رسد. زمانی که افراد در فعالیت و کسب وکار حرفه ای خود از سطح گذران زندگی مادی فراتر می آیند، دست کم سه سطح دیگر از فعالیت های علم و فناوری برای آنها معنا می یابد:

1. احساس کارآیی، اثربخشی و تولید کیفیت به عنوان ارزش افزوده؛

2. احساس خدمت به مردم و مفید واقع شدن؛

3. احساس رهاسازی از طریق بازتوزیع فرصت ها و نقد قدرت .

**ضرورت ترویج اخلاق حرفهای در سازمان**

توسعة سازمانی تلاشی پی گیر، منسجم و کاملاً برنامه ریزی شده است که به منظور بهبود و نوسازی نظام صورت می گیرد. هدف از توسعة سازمانی، هم بهبود زندگی (شغلی) فرد و هم بهبود کارکرد سازمان است.

با توجه به اهمیت اخلاق حرفه ای در توسعة سازمان، لازم است در تعیین اثربخشی (میزان تحقق اهداف سازمانی) و هدایت منابع (از جمله منابع انسانی) به میزان آموزش اخلاق حرفه ای در سازمان توجه شود. البته در زمینه مذکور از جمله موانع تغییر رفتار اخلاقی در هر سازمان، جهل و ناآشنایی کارکنان از اخلاقیات شغل و سازمان بیان شده است. با توجه به اینکه امروزه هیچ سازمانی قادر نیست بدون آموزش توسعه یابد، لازم است در سازمان ها افزون بر آموزش تخصص ها و مهارت های مورد نیاز هر شغل به کارکنان، ایجاد روحیة تعاون، کار مشترك و دسته جمعی و به ویژه اخلاق اداری و سازمانی جزو برنامه های آموزش در سازمان قرار گیرد.

از آنجا که منشور اخلاقی در هر سازمان طی فرایند گفت وگو و مشارکت تمامی کارکنان و رئیسان به وجود آمده است، به منزلة یك میثاق عمومی سازمان پذیرفته شده است. به تدریج سازمان گسترش این اصول را جزو اهداف خود می پذیرد. بدین منظور، شیوه های مختلفی برای آموزش اخلاق حرفه ای در سازمان ها به وجود آمده است که یادگیری مستقیم، رایج ترین آنهاست؛ اما این شیوه نشان داده است که کارآیی لازم را ندارد. پس با توجه به اینکه ترویج اخلاق در سازمان، به معنای یادگیری سبك خاصی از زندگی سازمانی است، باید به شیوه های غیرمستقیم مانند آموزش های حین عمل و آموزش های اجتماعی و فرهنگی، توجه بیشتری شود.

اما جدای از نوع آموزش، به منظور تعیین محتوای آموزشی، سازمان باید نیازهای آموزشی را از مقایسه میان وضع موجود و وضع مطلوب (با آنچه لازمة پاسخگویی به منشور اخلاقی و اهداف سازمان است) مشخص کند. برای تعیین وضع موجود (میزان پایبندی کارکنان به اخلاق حرفه ای سازمان) و حتی برای تعیین وضع مطلوب (دیدگاه کارکنان به عنوان افرادی آگاه به شرایط سازمانی برای ارائه مولفه هایی کاربردی) لازم است از تحقیقات دربارة اخلاق حرفه ای حمایت کرد.

منشور اخلاقی هر سازمانی، از اشتراك عمومی همة اعضای سازمان در مورد اصول و قواعد اخلاقی خاصی که در جهت بهبود و توسعة فعالیت های سازمانی است، به دست می آید .در صورتی که اگر بخواهیم ارزش های خاصی را به صورت پذیرش همگانی در آوریم، باید در ابتدا از توسعة آگاهی ها و دانش های مرتبط شروع کنیم. سپس به تدریج نگرش ها را تغییر، و در نهایت به عنوان خروجی، رفتارها را تحت تأثیر قرار داد.

**وظایف مدیران در اخلاقی کردن سازمان**

پنیو اعتقاد دارد که اخلاق حرفه ای رشته ای از دانش اخلاق است که ضمن مطالعة ارتباط شغل ها، به بیان مسئولیت های اخلاقی سازمان، تشخیص و حل مسائل اخلاقی در حرفه های گوناگون می پردازد. او وظایف مدیران را در اخلاقی کردن سازمان این گونه برمی شمارد:

الف) ارزشیابی عملکردهای اخلاقی کارکنان؛

ب) اخلاقی کردن هدف های سازمان؛

ج) اشاعه ارزش ها و مسائل اخلاقی در سازمان؛

د) اخلاق ورزی در زندگی شخصی؛

ذ) اهمیت دادن به اخلاق حرفه ای در شغل؛

و) برخورد عقلانی و روشمند در مواجهه با مشکلات اخلاقی پیش آمده در سازمان و اقدام برای برطرف کردن آنها؛

هـ) عنایت خاص به آموزش اخلاق حرفه ای

ی) تهیه و تدوین منشور اخلاقی مربوط به سازمان با مشارکت همه اعضای سازمان؛

**مشکلات و موانع اخلاق حرفه ای**

**ارزش مداری به جای مسئله محوری**

بسیاری از مشکلات، ناشی از نگرش سنتی ما به اخلاق است. ما در نگرش سنتی خود به معضلات اخلاقی صرفاً فضیلت محور یا ارزش مدار هستیم نه مسئله محور؛ جهت گیری ما فضیلت گرایانه است، نه کارآمدی. ورود ما به معضل اخلاقی، صرفاً موعظه ای، تبشیری و انذاری است. در حالی که برخورد صحیح و مؤثر با معضلات اخلاقی به تخصص و مهارت نیاز دارد.

رویکرد فضیلت گرایانه ما را وا می دارد تا در مواقع رویارویی با معضلات اخلاقی، صرفا احکام و فضیلت های اخلاقی را یادآوری کرده، بر آن اصرار کنیم. در چنین مواقعی، تا می توانیم از احساسات و عواطف خود خرج می کنیم، اما برای حل معضل، ذره ای مهارت به خرج نمی دهیم. فضیلت گرایی، یك رویکرد نیست، بلکه یك نوع موضع گیری و نهایتا یك نوع نگرش است. رویکرد، غیرشخصی و روشمند بوده، ناظر به درك درست مسئله و در نهایت حل معضل است. همچنین، رویکرد، مبتنی بر « توصیف تعلیلی » موضوع است و در مسیر خود از معیارها و ابزارهای علمی و سنجش گر سود می برد؛ اما نگرش، موضع گیری شخصی است و اساساً ناظر به حل مسئله نیست. با جهت گیری مسئله محور، ذهن، بی آنکه به بیراهه برود، فقط همان را می یابد و همان قدر و همان گونه می یابد که به کار حل مسئله می آید.

**غفلت از عوامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه ای**

در دانش مدیریت این مسئله کاملاً روشن است که عوامل محیط بیرون سازمان، به ویژه عوامل محیط جهانی کمتر در دسترس سازمان بوده و امکان تأثیرگذاری یا کنترل این دسته عوامل تقریباً ناممکن است؛ اما با وجود این، در مقام تحلیل مسائل داخلی سازمان، از آن غافل نیستند. کمترین فایده ای که درك این عوامل دارد این است که ما را در اخذ استراتژی و خط مشی سازمانی، واقع بین تر و در نتیجه موفق تر خواهد کرد. در حوزه اخلاق حرفه ای نیز، لااقل در مقام تبیین و تحلیل معضلات اخلاقی سازمان، از عوامل فردی، سازمانی و محیطی نباید غفلت کرد. غفلت از این عوامل در تحلیل و تبیین علل معضل اخلاقی، ما را دچار تحویلی نگری و غیر واقع گرایی می کند که نتیجه ای جز ناکامی در پی نخواهد داشت.

**" پنیو "عوامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه ای را به سه جنبه تقسیم می کند:**

**1- جنبة فردی:** یعنی ویژگی ها و خصوصیات فردی، ارزش های مذهبی، ملاك های شخصی، عوامل خانوادگی، باورها و اعتقادات و شخصیت از جمله عوامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه ای از جنبة فردی هستند. مسلماً فردی که فاقد صلاحیت های اخلاقی شایسته از لحاظ فردی باشد، از معیارهای اخلاق حرفه ای متناسبی نیز برخوردار نخواهد بود.

**2- جنبه سازمانی:** عواملی مثل رهبری، مدیریت، ارتباط با همکاران، ارتباط با زیردستان و فرادستان، نظام تشویق و تنبیه، انتظارات همکاران، قوانین و مقررات و رویه ها، جو و فرهنگ سازمانی در این حیطه قرار می گیرند. بدیهی است که نامطلوب بودن عوامل مزبور، عامل تهدیدکنندة اخلاق حرفه ای خواهد بود و بالعکس.

**3- جنبه محیطی:** عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و همچنین دیگر سازمان ها و عوامل رقابتی بین آنها، از جمله عوامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه ایست.

افزون بر این، کمبود امکانات و ابزار کار، نامناسب بودن ابزار، فضای نامناسب کاری، حجم کاری مازاد بر توان کارمند، محیط شلوغ اداره و رخنه های قانونی بر معضلات اخلاقی دامن می زنند؛ بی ثباتی اقتصادی، بی ثباتی سیاسی، دردهای مزمن فرهنگی ـ تاریخی مانند استبداد زدگی که به شدت با فرهنگ مشارکتی و کار تیمی ناسازگار است، آموزش های نادرست اجتماعی مانند مسئولیت گریزی و تنبلی در کار را نوعی زرنگی تلقی کردن، وضعیت نابرابر رقابت جهانی که تهدید کنندة اخلاق کسب وکار است. و دیگر عوامل این چنینی، بی گمان در وضعیت اخلاقی سازمان تأثیرگذار است.

**رفتار کلیدی برای داشتن اخلاق حرفه ای**

در هر نوع مدیریتی، توجه به سه مفهوم « مسئولیت اجتماعی »، « تعهد اجتماعی » و « انطباق پذیری اجتماعی » که به رغم درصدی تشابه معنایی، مرزبندی مشخصی با هم دارند، حائز اهمیت است.

یك مدیر از یك طرف در فعالیت ها، باید برابر با قانون، آیین نامه ها و دستورالعمل ها، استانداردهای حقوقی و اقتصادی و… عمل کند، تا «تعهد اجتماعی» خود را به جا آورده باشد، یعنی هنگامی که یك سازمان مسئولیت های قانونی خود را در فعالیت ها لحاظ می کند، به تعهد اجتماعی (Social obligation) خود عمل کرده است. از طرف دیگر باید فراتر از قانون و علم اقتصاد به دنبال اهداف بلندمدتی باشد که برای جامعه مفید است و این بستگی به مهارت های ادارکی بالایی نیز دارد که مدیران سطوح بالا باید واجد آن باشند، تا به مسئولیت های اجتماعی خود عمل کرده باشند. این حوزه مسئولیتی، ملاحظات اخلاقی را نیز در بر می گیرد. مثلا انجام کارهایی که باعث بهبود وضع جامعه می شود و اجتناب از کارهایی که وضع جامعه را بدتر می کند، در این حیطه قرار می گیرند. به عنوان مثال رواج سزارین و سقط های غیردرمانی، بار بیماری ها را در حال و آینده بیشتر می کند و وضع سلامت مادر و کودك را مختل می کند، بنابراین مبادرت به این امور، ولو در مواردی تناقض قانونی هم نداشته باشد، به دور از اخلاق حرفه ای است.

در کنار این دو مفهوم، انطباق پذیری اجتماعی (Social adaptability) نیز مطرح است و آن به **توانایی های** **انطباق و پذیرش شرایط اجتماعی** در حال تغییر اشاره دارد. این موضوع هم در فرهنگ های مختلف به صور گوناگونی اعمال می شود. مثلا در کشور ما که به دنبال استقرار گفتمان مسلط انقلاب اسلامی در عرصه های مختلف اداره جامعه هست، همراهی با موج ها تا جایی مجاز است که به اصول و ارزش های دینی و ملی، خللی وارد نشود. البته در این راستا، از موج ها به عنوان یك فرصت، برای ترویج اصول تا حد امکان باید بهره جست. انطباق پذیری اجتماعی، عمل گرا تر از بقیه است و به همین جهت تمرکزش بر ابزار هاست و تاکیدش بر واکنش ها و رخدادهاست و با الگوهای اجتماعی هدایت می شود و به دنبال آن است که در کوتاه مدت و میان مدت تصمیم گیری صورت گیرد. پس می ببینید که اخلاق حرفه ای در هر زمینه و تخصصی، کاربردهای خاص خود را دارد و مسئله ی مهمی است.

یك مدیر وقتی می تواند به مسئولیت اجتماعی خود عمل نماید که سازمان او در انجام وظایف قانونی و اهداف اقتصادی خود سرآمد باشد، در غیر این صورت مدیر نمی تواند به مسئولیت اجتماعی خود عمل نماید. در واقع با ورود به حوزه مسئولیت اجتماعی، یك چارچوب اخلاقی به آن اضافه می شود. مسئولیت اجتماعی جنبه های عملی، اخلاقی، محیط کار، رفتاری، به روز کردن سیاست ها و خط مشی ها و رویه ها و راهکارهای حل مشکلات و… را پوشش می دهد. البته مسئولیت اجتماعی، به علت همین مسئله اخلاق و ارزش ها، در جوامع و فرهنگ های گوناگون در برخی ابعاد، تعاریف و تفاسیر متفاوت و متمایزی دارد.

اخلاقیات را نمی توان مستقیم مدیریت کرد، مثلاً رفتار مدیر سازمان بر کارکنان و محیط کار به شدت تأثیر می گذارد، اولویت های اهداف استراتژیك مانند حداکثر کردن سود، افزایش سهم بازار، کاهش هزینه ها و… خود تأثیر زیادی در اخلاق کارکنان دارد، حال باید توجه داشت که قوانین و مقررات مستقیماً بر رفتارهای افراد در جهت اخلاقی تر شدن به گونه ای که ضرر و زیان ناشی از رفتارهای بد اجتماع به حداقل برسد، مؤثر است. با توجه به آنچه که گفته شد، ضرورت نهادینه شدن مسئولیت اجتماعی، به صحنه مشارکت آوردن مردم با کار تیمی و بهبود و تداوم کیفیت زندگی و محصولات و بهره گیری از فن آوری پیشرفته و به روز است.

یك اصل مهم دیگر اینکه؛ همچون سایر فرایندهای مبتنی بر فعالیت های اجتماعی بشری، هیچ چیز نمی تواند برای همه مناسب باشد. بنابر این در کشورهای مختلف، ارزش ها و اولویت های متفاوتی وجود خواهند داشت که چگونگی عمل به مسئولیت پذیری را شکل خواهند داد. نگاه و جهت گیری مدیریت قرن بیست و یکم به سمت تحقق مسئولیت پذیری اجتماعی و به بیانی دیگر به سوی ارزش هاست. در این نوع مدل مدیریتی، سازمان ها هم به سود و بازده ی خود فکر می کنند و هم در پی خیر و صلاح مردم هستند.

**حفظ محیط زیست**

**اجرای برنامه های آموزشی**

**اهمیت اجرا:** ارتقاء سطح دانش، سواد، آگاهی، نگرش، اخلاق ، مشارکت و مهارت های محیط زیستی و اشاعه فرهنگ شهروندی حفاظت

**دامنه اجرا:** مدرسه و خانواده های دانش آموزان ، آموزگاران و کارکنان آموزش و پرورش

**زمان اجرا:** نامحدود

**نحوه اجرا:** با مشارکت سازمان حفاظت محیط زیست ، وزارت نیرو و سایر دستگاه های مرتبط

**تشریح فعالیت ها:**

## 1-برگزاری فعالیت های آموزشی با هدف ایجاد رفتار حفاظت از محیط زیست و تربیت شهروند محیط زیستی درمدارس کشور

## 2-بازدید از موزه های تاریخ طبیعی ، مناطق تحت مدیریت سازمان یا مناطق طبیعی دیگر

## 3-تهیه و اجرای برنامه های محیط زیستی بر اساس تقویم محیط زیستی با نظارت دبیرخانه استانی

## 4-دعوت از متخصصین و پیشکسوتان محیط زیست کشور به منظور سخنرانی در مراسم خاص

## 5-مشارکت در مسابقات پیاده روی و دوچرخه سواری و برگزاری نمایشگاه های نقاشی، کاردستی، انشاء نویسی و ...

## 6-مشارکت در جشنواره ها با ارایه انواع محصولات بازیافتی و مواد آموزشی محیط زیستی تهیه شده در مدرسه .

## 7-بازدید از کارخانجات بازیافت و تهیه کمپوست و مکان هایی که صفحات خورشیدی و توربین های بادی در آن بکار رفته اند .

## 8-برگزاری دوره ساخت کاردستی های بازیافتی در زنگ های هنر

## 9-خرید کتاب، فیلم و سایر رسانه های آموزشی با موضوعات محیط زیستی برای کتابخانه مدرسه با همکاری سازمان محیط زیست و دستگاه های مسئول

## 10-حمایت و تشویق دانش آموزان ارایه دهنده اختراعات و ایده های محیط زیستی

## 11-برگزاری کلاس های آموزشی با موضوعات محیط زیستی برای مربیان و معلمان مدرسه و اولیاء با مشارکت سازمان محیط زیست و دیگر دستگاه های مسئول

12-برگزاری کالس های آموزشی با موضوعات محیط زیست برای دانش آموزان مطابق با تقویم زمانی ارسالی.

13-انجام طرح های پژوهشی یا فعالیت عملی توسط دانش آموزان در طول سال تحصیلی.

14-برگزاری کارگاه های آموزشی با موضوعات محیط زیستی و آموزش راه های ساده حفاظت برای اولیاء دانش آموزان مطابق با تقویم زمانی

15-مشارکت در برنامه های بین المللی محیط زیستی در طول سال تحصیلی (مثالً شرکت دانش آموزان در مسابقه نقاشی محیط زیستی که سازمان های بین المللی برگزاری می کنند.(

16-بازدید از تأسیسات و تجهیزات تأمین ( استحصال، ) انتقال ، تصفیه و توزیع آب

17-بازدید از تأسیسات شبکه های جمع آوری و تصفیه فاضالب و استفاده از بازچرخانی پساب ها

18-بازدید از سد و شیکه های آبیاری کشاورزی و چگونگی استحصال آب کشاورزی فراهم ساختن فضای زیبا، سالم و استاندارد

**اهمیت اجرا:** بدون شك یکی از مولفه هایی که درآموزش و پرورش کودکان تاثیر اجتناب ناپذیردارد محیط مادی وفیزیکی حاکم برمدرسه است .محیط مدارس باید به گونه ای باشد تا ازهرلحاظ به نیازهای جسمی ، روانی واجتماعی دانش آموزان پاسخ دهد . درآموزش و پرورش نوین فضای فیزیکی به عنوان یك عامل زنده و پویا درانجام فعالیت های آموزشی و تربیتی دانش آموزان تلقی میگردد. چنانچه درمدرسه آب سالم ،سرویس های بهداشتی ، فضای کافی ، تجهیزات و وسایل مناسب واستاندارد ، سیستم صحیح جمع آوری زباله وفاضالب وجود نداشته باشد و به طور کلی آسایش محیطی فراهم نشود ، به طور قطع تالشهای آموزش و پرورش معلمان ومربیان بازدهی مطلوب نخواهد داشت . (آیین نامه بهداشت محیط مدارس(

**دامنه اجرا**: مدرسه

**زمان اجرا:** نامحدود

**نحوه اجرا:** با مشارکت سازمان حفاظت محیط زیست و شهرداری

**تشریح فعالیت ها:**

1 .بازدیدهای ادواری با هماهنگی ادارات کل حفاظت محیط زیست استان ها از مناطق تحت مدیریت سازمان با رعایت ضوابط اردویی آموزش و پرورش

2 .در مدارسی که در مجاورت پارک های ملی و مناطق حفاظت شده قرار دارند، امکان همزیستی دانش آموزان با زیستگاه های طبیعی بومی همراه با رویکرد حفاظتی امکان پذیر شود. در منطقه های آموزشی و تفرجی پارک های ملی، امکان آموزش و گشت و گذار دانش آموزان با رعایت ضوابط اردویی آموزش و پرورش، فراهم شود.

3 .مدارس مجاور مناطق طبیعی می توانند میزبان سایر مدارس شهر یا شهرستان خود در روزهای تقویم محیط زیستی باشند.

4 .استفاده از نور کافی، سامانه عایق صوتی و گرمایشی و سرمایشی مناسب در مدارس جدیدالتاسیس

5 .استفاده از تخته های هوشمند یا حداقل تخته سفید و ماژیك به جای استفاده از تخته سیاه و گچ

6 .در مدارس جدیدالتاسیس عایق بندی مناسب کلاس ها برای جلوگیری از هدر رفت انرژی

7 .تجهیز مدارس با کتابخانه های حاوی کتاب ها و انواع رسانه های آموزشی موردنیاز

8 .پیروی از سیاست های کاهش تولید زباله

9 .ارایه گزارش کاهش مصرف انرژی و تولید کربن و کمك به جلوگیری از گرم شدن زمین با کمك کارشناسان محیط زیست

11 .جلب مشارکت دانش آموزان در ارایه آموزش های محیط زیستی و حفاظت از فضاهای موجود و وسایل مدرسه. بهینه سازی مصرف مواد اولیه ، بازیافت و دفع بهداشتی پسماند ها

**اهمیت اجرا:** صرفه جویی در مصرف، کاهش هزینه ها، جلوگیری از فساد و تخریب مواد، بازگرداندن مواد قابل استفاده به چرخه مصرف و اشاعه فرهنگ صحیح مصرف و بازیافت

**دامنه اجرا:** مدرسه

**زمان اجرا:** نا محدود

**نحوه اجرا:** با مشارکت سازمان حفاظت محیط زیست و شهرداری

**تشریح فعالیت ها:**

1 .اقدام های آموزشی به منظور صرفه جویی در مصرف موادی مثل کاغذ، لوازم التحریر و ... برای دانش آموزان، معلمان و مربیان انجام شود.

2 .کلیه کلاس ها، راهروها، قسمت های اداری، توالت و دستشویی، محوطه سالن ورزشی، کارگاه ها و آزمایشگاه ها سطل زباله بهداشتی و درب دار داشته باشند.

3 .طرح تفکیك زباله در مدرسه اجرا و دانش آموزان به تفکیك زباله و مدیریت آن ترغیب شوند.

4 .موادی همچون کاغذ، پارچه، قوطی های آلومینیومی، کیسه های پلاستیکی، مقوا، بطری های پلاستیکی، شیشه، فویل آلومینیومی، قوطی های فولادی و پسماندهای تر مربوط به مواد غذایی همگی قابل بازیافت هستند. قبل از بازیافت باید تفکیك شوند که تمیزتر و آسان تر بازیافت شوند.

5 .سطل های مختلفی با رنگ های متفاوت و برچسب های مشخص برای بازیافت کاغذ، شیشه، قوطی های آلومینیومی و کیسه های پلاستیکی توسط دستگاه های مسئول اختصاص داده شود.

6 .در صورت امکان زباله های تفکیك شده بایستی در بسته های جداگانه به محل های مربوط به بازیافت

شهرداری منتقل شوند که دوباره در محیط پراکنده نشوند.

7 .از مشوق های انگیزشی مثل جایزه و پاداش برای تشویق دانش آموزان و کارکنان مدرسه به منظور کاهش مصرف مواد و کاهش زباله استفاده شود.

**بهینه سازی مصرف انرژی الکتریکی در تاسیسات روشنایی ساختمان و محوطه**

**اهمیت اجرا**: صرفه جویی، کاهش هزینه ها، افزایش طول عمر وسایل، جلوگیری از آلودگی های نوری و اشاعه

**فرهنگ صحیح مصرف**

**دامنه اجرا**: مدرسه

**زمان اجرا**: نامحدود

**نحوه اجرا**: با مشارکت سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت نیرو

**تشریح فعالیت ها:**

1 .استفاده حداکثر از روشنایی طبیعی روز(با تنظیم پرده و کرکره ها و همچنین چیدمان مناسب میزهای کار(

2 .شیشه ها و لامپ ها به صورت دوره ای تمیز شوند.

3 .تعویض لامپ ها رشته ای w 100وات با کم مصرف 23W1

4 .تعویض لامپ های فلورسنتT10 و T12 ( به ترتیب با قطر 32 و 38 میلی متر( با نوع 8 (T با قطر 28 میلی متر2

5 .برداشتن لامپ های سوخته و نیم سوخته خاموش ساختمان ( علی رغم انتظار افراد وجود لامپ های نیم سوخته و سوخته فلورسنت در قاب های روشنایی با مصرف برق همراه می باشد.(

6 .لامپ های فضای بیرون از سرما محافظت شوند.

7 .در جاهایی که دائما چراغ ها روشن یا خاموش می شوند ازلامپ های کم مصرف استفاده نشود زیرا عمر لامپ کوتاه می شود.

8 .میزان روشنایی مکان ها با توجه به نوع کاربری آن ها مناسب باشد.

9 .از کلیدهای دوپل برای روشن شدن بخشی از لامپ های موجود در یك اتاق استفاده شود.

11 .در صورت امکان سیم کشی ساختمان هر دو سال یکبار توسط یك نفر متخصص بررسی شود.

11 .فیوز برق ساختمان به طور مرتب بررسی شود تا بیش از حد تحمل توان الکتریکی ساختمان نباشد.

12 .خرید لوازم اداری شامل رایانه ها، نمایشگرها، چاپگرها، نمابرها و . . . از نوع کم مصرف و دارای برچسب 4 Energy Star

3 .در صورت سوختن لامپ علاو بر تعویض، علت آن نیز بررسی شود.

14 .در رنگ آمیزی ساختمان از رنگ های روشن استفاده شود.

15 .فعالیت های آموزشی برای صرفه جویی در مصرف برق برای دانش آموزان، معلمان و مربیان انجام شود.

16 .در مدارس جدیدالتاسیس استانداردها و مقررات مربوط به تاسیسات الکتریکی در اتصال ها رعایت شود.

**بهینه سازی مصرف تاسیسات سرمایشی و گرمایشی ساختمان**

**اهمیت اجرا**: استفاده بهینه از انرژی ، صرفه جویی، کاهش هزینه ها، افزایش طول عمر وسایل، جلوگیری ازآلودگی های حرارتی و هدر رفت انرژی و اشاعه فرهنگ صحیح مصرف

**دامنه اجرا**: مدرسه

**زمان اجرا**: نامحدود

**نحوه اجرا**: با مشارکت سازمان حفاظت محیط زیست ، وزارت نیرو و سازمان بهره وری انرژی ایران

**تشریح فعالیت ها:**

1 .وسایل گرمایشی بخصوص بخاریهای گازی مدارس باید استاندارد بوده وگازهای حاصل از سوخت دستگاه ها مولد حرارت به خارج ازکالس هدایت شود تا حداقل اکسیژن را برای سوخت کامل مصرف کند خطر آتش سوزی وجود نداشته باشد وفضای کالس را بطوریکنواخت گرم نماید.(نکات ایمنی بطور کامل رعایت گردد.(

2 .لوله کشی ساختمان و عایق کاری به صورت دوره ای بررسی و کنترل شود.

3 .شیرهای رادیاتورها به طور مرتب بررسی شوند تا به راحتی باز و بسته شوند.

4 .در صورت وجود موتورخانه تاسیسات، دیگ آب گرم عایق کاری حرارتی شده باشد.

5 .لوله های آب گرم عایق کاری حرارتی و فواصل خالی بین لوله ها پرشود.

6 .در صورت وجود کولر آبی، در مکان باز نصب شده باشد.

7 .کولرها حتما قبل از استفاده سرویس شده و دو سال یك بار پوشالشان تعویض شود.

8 .در مدارس جدیدالتاسیس، در سیستم گرمایشی از دیگ، مشعل و کوره های با کارایی بالا استفاده شود.

9 .اقدامات آموزشی به منظور کاهش مصرف انرژی در سیستم سرمایش و گرمایش برای دانش آموزان، معلمان ومربیان انجام شود.

11 .درز درها و پنجره ها به منظور جلوگیری از اتلاف هوای گرم یا سرد، با درزگیر عایق بندی شود.

11 .در صورت استفاده از آب گرمکن، حتی الامکان از آب گرمکن های خورشیدی استفاده شود.

12 .کولرها در جایی نصب شوند که ضمن رعایت ضوابط ایمنی، کمترین مسیر کانال کشی را داشته باشند.

13 .شیشه های ساختمان در مدارس جدیدالتاسیس از نوع کم تشعشع باشد.

14 .به منظور کاهش تلفات سرما و گرما، شیشه ها، پشت بام، دیوارها و نمای ساختمان عایق کاری شود.

15 .در مدارس جدیدالتاسیس تا جایی که امکان پذیر است از مواد طبیعی )ارگانیك( و تجدیدپذیر همچون چوب پنبه، تخته چوبی، تخته خاک اره، پرکن های سلولزی و غیره برای عایق کاری استفاده شود.

16 .در مدارس جدیدالتاسیس فاصله بین قرنیزها و کف پوش ها پر شود.

17 .حتی المقدور در ساعت های کاری از کنترل کننده های زمانی در سیستم سرمایش و گرمایش استفاده شود.

18 .پره های دیگ بخار آب گرم ساختمان و لوله های آب گرم به طور مرتب رسوب زدایی شوند.

19 .در مدارس جدیدالتاسیس حتی المقدورپنجره های دوجداره نصب شوند.

20 .پایش مستمر بر اجرای صحیح، صورت گیرد.

21 .از دانش آموزان برای آموزش های لازم استفاده شود.

**مصرف بهینه آب در ساختمان و محوطه**

**توجه:** ایران کشوری در اقلیم گرم و خشك و با کمبود آب مواجه است. اکیدا در مصرف آب صرفه جویی شود.

**اهمیت اجرا:** مصرف بهینه آب ، صرفه جویی، کاهش هزینه ها، جلوگیری از هدر رفت آب، پیشگیری از فرسایش های آبی و پوسیدگی ها و اشاعه فرهنگ صحیح مصرف

**دامنه اجرا:** مدرسه

**زمان اجرا:** نامحدود

**نحوه اجرا:** با مشارکت سازمان حفاظت محیط زیست ، وزارت نیرو، سازمان آب و فاضالب

**تشریح فعالیت ها:**

1 .محفظه کنتور آب هر چند وقت یك بار برای جلوگیری از نشت احتمالی بازدید و کنترل شود.

2 .در صورت امکان، از آب باران برای مصارفی مثل آبیاری باغچه ها استفاده شود.

3 .در مناطق خشك، از گیاهان مقاوم به خشکی در فضای سبز مدرسه استفاده شود.

4 .در صورت بالا بودن مصرف آب، علل آن بررسی شود.

5 .هرگونه اتلاف قابل توجّه آب را (شکستگی لوله ها، باز بودن لوله ها، هدرروی آب در هر نقطه) به مرکز ارتباطات مردمی سازمان آب اطلاع دهید.

6 .به دانش آموزان آموزش دهیم تا با بستن به موقع شیر، آب را هدر ندهند

7 .تعویض واشر شیر آب برای جلوگیری از چکه کردن آب

8 .سیستم لوله کشی آب هر سال یك بار بررسی شود تا در صورت اشکال رفع شود.

9 .در صورت امکان، از آب غیرشرب مثل آب چاه یا قنات ها برای آبیاری فضای سبز استفاده شود.

11.از سیستم آبیاری قطره ای به منظور آبیاری فضای سبز مدرسه استفاده شود .

11.به دانش آموزان محدودیت منابع آب و روش های صرفه جویی آن را آموزش دهیم.

12.شیرهای کنترل زیر دستشویی ها در زمان مصرف آب نیمه بسته شوند.

13.در صورت امکان نشت سنجی سالیانه با استفاده از دستگاه های نشت سنج انجام شود.

14.در مدارس جدیدالتاسیس، در صورت امکان از شیرآلات هوشمند یا پدالی در دستشویی ها استفاده شود.

15.در مدارس جدیدالتاسیس، در صورت امکان در سرویس های بهداشتی از فلش تانک های فشاری با حجم کم یا دوزمانه استفاده شود.

16 .نحوه دفع فاضلاب بر اساس استانداردهای موجود از نظر بهداشتی، طراحی و اجرا گردد.

17.در مناطقی که سیستم دفع فاضلاب (اگو) ندارند، دفع فاضلاب به چاههای جاذب و یا سپتیک تانک طبق اصول بهداشتی انجام گیرد.

18.پساب و ضایعات مواد شیمیایی آزمایشگاه، ابتدا باید خنثی و سپس با رعایت دقیق موارد ایمنی و زیست محیطی دفع گردند.

19.پایش مستمر بر اجرای صحیح، صورت گیرد.

20 .از مشارکت دانش آموزان برای آموزش های لازم به سایر دانش آموزان استفاده شود.

**بهینه سازی ناوگان حمل و نقل و جابجایی**

**اهمیت اجرا**: صرفه جویی در مصرف سوخت، کاهش هزینه ها، جلوگیری از آلودگی هوا و ترافیک، **افزایش امنیت**

دانش آموزان و اشاعه فرهنگ صحیح حمل و نقل

**دامنه اجرا:** مدرسه و مسیرهای مرتبط

**زمان اجرا:** در طول سال تحصیلی

**نحوه اجرا:** با مشارکت سازمان حفاظت محیط زیست و انجمن اولیاء و مربیان

**تشریح فعالیت ها:**

1 .خودروهای سرویس مدرسه معاینه فنی داشته باشندو از خودروهای دودزا و غیر استاندارد استفاده نشود.

2 .آموزش های لازم در خصوص کاهش آلاینده ها در جابه جایی های روزمره ارایه شود.

3 .از مشارکت دانش آموزان برای و آموزش های لازم به سایر دانش آموزان استفاده شود.

***مقدمه:***

*تعلیم و تربیت، تنها در پشت دیوارهای مدرسه و توسط معلمان انجام نمی گیرد؛ بلکه نهادهای فرهنگی و اجتماعی و رسانه های بسیاری درگیر امر آموزش و پرورش و تأثیر گذاری بر نسل کودک و نوجوان اند.*

*شایسته است، وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران ضمن حفظ اصول دینی و ملی خود، همسو با تحولات جهانی فعالیت ها و برنامه های اثربخش گذشته، خود را با نگاهی علمی و واقع بینانه، بازنگری نماید و آنها را متناسب با اقتضائات نسل امروز طراحی کند.*

*یکی از برنامه هایی که در عرصه تعلیم و تربیت از قدمت زیادی برخوردار است اردوها هستند. تاریخچه تدوین و ضابطه مند کردن آن در ایران از دیرباز وجود داشته، اما به صورت قانونمند از سال ۱۳۸۲ با تصویب آیین نامه ای در شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام گرفته است. در تاریخ 05/12/1382 شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۳4 برای هماهنگی اردوهای دانشجویی و دانش آموزی، ضمن تعریف اردو، اهداف و سیاست های اردوها، در ماده 4 این مصوبه نسبت به تهیه و تدوین شیوه نامه اردو و ابلاغ آن توسط وزیر آموزش و پرورش به مدارس تأکید شده است. در سال ۱۳۸۳ شیوه نامه اجرایی اردو و بازدید دانش آموزی با امضای وزیر محترم وقت ابلاغ شد و در سال های ۱۳۸۸ و ۱۳۹6، پس از بازنگری و اصلاح مجددا ابلاغ گردید.*

*به استناد مصوبه جلسه شماره ۵۳4 شورای عالی انقلاب فرهنگی و راهکار 2-8 سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به عنوان یکی از مهم ترین استاد بالادستی، وزارت آموزش و پرورش باید تلاش نماید تا میزان مشارکت خود را با نهادهای دینی فرهنگی و اجتماعی افزایش دهد و نیز بر مبنای "هدف عملیاتی 6 " و راهکار 6- 6 سند یاد شده، در محیط های یادگیری تعامل ایجاد نماید. بر این اساس و به دستور ریاست محترم جمهور و به منظور تحقق تربیت جامع و متوازن در ساحت های تربیتی، کارگروه های تخصصی ویژه در وزارت آموزش و پرورش با مسئولیت معاونت پرورشی و فرهنگی تشکیل شد تا اصلاح و بازنگری دستورالعمل برگزاری اردوی دانش آموزی مورد بررسی قرار گیرد و سرانجام با نگاه عمیق به سند تحول بنیادین، برنامه درسی ملی، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، دستورالعمل حاضر، با توجه به اقتضائات روز دانش آموزان و امکانات موجود، اعم از فضاهای مناسب و نیروی انسانی، تدوین و تنظیم گردید.*

*بنابراین از تمام مدیران، معاونان و مربیان پرورشی، معلمان و عوامل اجرایی دلسوز انتظار دارد تا ضمن مطالعه دقیق ضوابط و مقررات مندرج در این دستورالعمل، به منظور برگزاری اردوهای هدفمند و ایمن، زمینه تحقق اهداف آن را در کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت فراهم نمایند و با به کارگیری تمام توان خویش بسترهای، استعدادیابی، رشد، کیفیت بخشی و مشارکت را برای نسل کودک و نوجوان ایران اسلامی ایجاد و کشور را در مسیر پیشرفت و تعالی، یاری دهند.*

***فصل اول: تعاریف، اصول و اهداف***

***اردو:*** *مقصود از اردو در این دستورالعمل، سفر دانش آموزان با مقاصد علمی، آموزشی، فرهنگی، تربیتی، ورزشی، عبادی، سیاسی، زیارتی و سیاحتی است که با مجوز مراجع ذیربط برگزار می شود.*

***تبصره:*** *در این دستور العمل، تعریف مذکور بازدیدها، همایش ها، مسابقات، جشنواره ها، المپیادها و مجامع دانش آموزی را نیز شامل می شود.*

***مدرسه:*** *از مهمترین نهادهای اجتماعی، تربیتی و آموزشی و اصلی ترین رکن تعلیم و تربیت است که به منظور تربیت صحیح دانش آموزان در ابعاد دینی، اخلاقی، علمی، آموزشی، اجتماعی و کشف استعدادها و هدایت و رشد متوازن روحی و معنوی و جسمانی آنان بر اساس اهداف مصوب دوره های تحصیلی، برابر ضوابط و دستورالعمل وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می شود.*

***شهر:*** *محلی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی بخش واقع شده و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل، دارای سیمانی با ویژگی های خاص خود بوده به طوری که اکثریت ساکنان دائمی آن در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، کشاورزی، خدمات و فعالیت های اداری اشتغال داشته و در زمینه خدمات شهری از خودکفایی نسبی برخوردار و کانون مبالات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حوزه جذب و نفوذ پیرامون خود بوده و حداقل دارای ده هزار نفر جمعیت باشد؟*

***تبصره:*** *تعیین محدوده شهری به پیشنهاد شورای شهر و تصویب وزار تین کشور و مسکن و شهر سازی خواهد بود.*

***شهرستان:*** *واحدی از تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین است که از به هم پیوستن چند بخش هم جوار که از نظر عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی واحد متناسب و همگنی را به وجود آورده اند.*

***منطقه:*** *در شهرهای بزرگ از به هم پیوستن چند محله، منطقه شهری تشکیل می شود. از نظر جغرافیایی به محدوده ای از مکان گفته می شود که یکی از وجوه اقتصادی، سیاسی یا کالبدی را به صورت مشترک در درون خود داشته باشد.*

***استان:*** *واحدی از تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین است که از به هم پیوستن چند شهرستان هم جوار با توجه به موقعیت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی تشکیل می شود*

***قطب:*** *از هم پیوستن چند شهرستان یا استان همجوار تشکیل می شود*

***کشور:*** *واحد جغرافیایی منسجمی که از چند استان شکل می گیرد و بزرگترین واحد سیاسی را تشکیل می دهد. این واحد معمولا از یک سیستم حکومتی که در محلی به نام پایتخت متمرکز است، پیروی می نماید.*

***مرز:*** *آخرین حد قلمرو زمینی، هوایی و دریایی و تحت الارضی هر کشور را مرز آن کشور می گویند. مرز مهمترین عامل تشخیص و جایی سرزمین یک کشور همسایه است.)*

***سامانه نظارت و کنترل:*** *برای افزایش ایمنی، نظارت، کنترل و ارتقای کیفیت اجرای برنامه های اردوها سامانه ای طراحی شده است. این سامانه برگزاری اردوها را از سطح مدرسه تا ستاد وزارت آموزش و پرورش کنترل و پایش می کند.*

***کد حرکت اردو:*** *کدی است که پس از طی فرآیندهای لازم از طریق سامانه نظارت و کنترل صادر می شود و بر اساس آن مراکز آموزشی و پرورشی، اداره آموزش و پرورش منطقه، اداره کل آموزش و پرورش استان و ستاد می توانند مجوز حرکت اردو را صادر کنند.*

***عوامل اجرایی:*** *عوامل اجرایی اردو شامل سرپر ست، سرپرست مربی، مربی، مربی همراه، داور، نیروی خدماتی و کمک مربی ویژه همراه اردو است*

***متقاضی اردو:*** *مدیران واحدهای تابعه وزارت آموزش و پرورش در تمامی سطوح و تشکل های دانش آموزی عضو شورای هماهنگی تشکل های دانش آموزی که قصد برگزاری اردوی دانش آموزی دارند می توانند متقاضی اردو باشند.*

***تبصره:*** *سازمان ها ، نهادها، موسسات عمومی دولتی و غیردولتی در صورت انعقاد تفاهم نامه با آموزش و پرورش می توانند در چارچوب تعهدات في مابين، متقاضی اردو باشند.*

***سرپرست:*** *فردی است که مسئولیت اجرایی اردو را بر اساس شرایط و وظایف مندرج در این دستورالعمل در همه سطوح برگزاری مدرسه ای، فرا مدرسه ای به عهده دارد. سرپرست در مسیر رفت و برگشت و برنامه های اردو همراه اردو است. (شرایط و وظایف سرپرست مطابق پیوست شماره ۱۸ است)*

***مربی:*** *یکی از عوامل اجرایی است که زیر نظر سرپرست اردو و مطابق شرایط و ضوابط مندرج در این دستورالعمل انجام وظیفه می نماید. شرایط و وظایف مریی مطابق پیوست شماره ۱۹ است)*

***سرپرست مربی:*** *فردی است که مسئولیت سرپرست و مربی را تواما در اجرای اردو، متناسب با جنسیت دانش آموز مطابق جدول شماره ۱) به عهده دارد.*

***مربی همراه:*** *به همکار فرهنگی مرد، متعهد، متأهل، مجرب و آشنا به فعالیت های گروهی، گفته می شود که در اردوی دختران زیر نظر سرپرست اردو و مطابق با وظایف مندرج در (پیوست شماره ۲۰) فعالیت می کند.*

***کمک مربی ویژه:*** *مریی کمکی و یا پرستار دانش آموز با نیازهای ویژه (استثنایی است که در اردو دانش آموز را همراهی می نماید.*

***ناظر امور بهداشت و تغذيه:*** *فردی است که دارای تخصص حرفه ای در حوزه های بهداشتی می باشد و لازم است قبل و حین اجرای برنامه های اردو، در مجموعه اردوگاهی حضور فعال داشته باشد.*

***مشاور:*** *فرد فرهنگی متخصص در زمینه روانشناسی و مشاوره که در مدرسه به ارائه خدمات راهنمایی، مشاوره ای( سازگاری)، تحصیلی و شغلی می پردازد.*

***برنامه:*** *منظور از برنامه در این دستورالعمل مجموعه فعالیت ها و اقدامات مرتبط با برگزاری اردو است.*

***اردوهای مدرسه ای:*** *در محدوده شهر، با موافقت شورای مدرسه و در محدوده شهرستان و خارج از آن علاوه بر موافقت شورای مدرسه با موافقت اداره آموزش و پرورش محل تحصیل برگزار می شود.*

***اردوهای مراکز آموزشی:*** *و پرورشی از قبیل کانون فرهنگی تربیتی، اردوگاه، پژوهشسرا، دار القرآن و کانون های ورزشی و مراکز آموزشی و پرورشی غیر دولتی ( دارای مجوز از آموزش و پرورش) که مطابق با ضوابط قانونی بطور مستقیم با دانش آموزان ارتباط داشته و فعالیت آموزشی و پرورشی دارند، مدرسه ای محسوب می شوند.*

***اردوهای فرامدرسه ای:*** *اردو هایی است که برنامه ریزی و اجرای آن تو سط سطوح مختلف سازمانی آموزش و پرورش شامل منطقه، شهر ستان، استان و حوزه ستادی با دستگاه ها و نهادهای متقاضی اردو در چارچوب این دستورالعمل انجام می شود.*

***اردوهای برون مرزی:*** *اردوهایی هستند که از سوی مسئولین مدرسه، منطقه، شهر ستان، استان و یا ستاد در خارج از مرزهای رسمی کشور انجام می شود و مجوز آن از سوی مراجع ذی ربط صادر می شود.*

***بیمه مسئولیت مدنی:*** *تعهد بیمه گر در قبال خسارت های مالی و جانی وارده به دانش آموزان شرکت کننده در اردوها فضاها و مکان های برگزاری اردو است که به سبب قصور عوامل اجرایی اردو وارد می شود و بر مبنای نظر مرجع قانونی ذی صلاح تعیین شود.*

***اعزام کننده اردو:*** *مدیر یا مسئول ذی صلاح مرجع متقاضی اردو است که ابلاغ سر پرست اردو را صادر می کند.*

***اعزام کننده وسیله نقلیه:*** *شرکت های مسافربری معتبر و دارای مجوز قانونی که نسبت به تأمین وسیله نقلیه اردو مطابق با ضوابط و مقررات این دستورالعمل، سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای و پلیس راهنمایی و رانندگی اقدام می نمایند. !.*

***1- اصول و ارزش ها***

1. *تقویت و گسترش تربیت اسلامی و ارزش های اخلاقی*
2. *تقویت مهارت های کار گروهی با مشارکت فعال دانش آموزان در برنامه های اردویی*
3. *هماهنگی و همسویی برنامه ها با نیازهای عاطفی، اجتماعی و جسمی شرکت کنندگان برای تأمین رضایت آنان*
4. *رعایت اقتضائات جنسیتی و رشدی دانش آموزان در دوره های تحصیلی*
5. *ایجاد جذابیت، تنوع بخشی و نشاط آوری در برنامه ها و فعالیت های اردویی*
6. *تأمین امنیت فردی و گروهی دانش آموزان*

***2- اهداف اردو***

1. *ایجاد زمینه مناسب برای شناسایی، رشد و شکوفایی استعدادها و تقویت روحیه نشاط و شادایی در دانش آموزان، با رعایت اصول تعلیم و تربیت اسلامی*
2. *زمینه سازی برای تحقق اهداف آموزشی و تربیتی برون مدرسه ای در ساحت های تربیتی با تأکید بر هویت یابی و تقویت وحدت و انسجام ملی*
3. *افزایش آگاهی های عمومی دانش آموزان و کسب تجربه و مهارت های زندگی در زمینه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، جغرافیایی و تاریخی*
4. *ایجاد زمینه تعامل و تبادل تجربیات دانش آموزان با هم در حوزه های فرهنگی، هنری، ورزشی، علمی و آموزشی*
5. *توسعه و تقویت فرهنگ گردشگری و ایران گردی و آشنایی با میراث ارزشمند فرهنگ ایرانی اسلامی*

***فصل دوم: انواع اردو***

*به منظور سهولت در برنامه ریزی و اجرا، اردو ها از نظر عناوین زیر شامل تقسیماتی می شوند*

1. *مدت زمان برگزاری*
2. *موقعیت جغرافیایی*
3. *سطح برگزاری*
4. *موضوع*

***١. براساس مدت اردوها***

*براساس مدت برگزاری، به ۲ نوع تقسیم می شوند؛ یک روزه و چندروزه*

***1- یک روزه:***

*منظور اردویی است که در محدوده زمانی ساعت ۵ صبح یک روز شروع و حداکثر تا ساعت ۲۳ همان روز پایان می یابد و شامل دانش آموزان تمامی دوره های تحصیلی می شود.*

***تبصره ۱:*** *اردوهای یک روزه برای دوره پیش دبستانی صرفا در محدوده شهرستان برگزار می شود.*

***تبصره: ۲:*** *برگزاری اردوی یکروزه خارج از محدوده شهر ستان، در دوره های اول و دوم ابتدایی، مجاز خواهد بود و در دوره پیش دبستانی ممنوع است.*

***2- چندروزه:***

*منظور اردویی است که در مدت بیش از یک روز و با بیتوته برگزار می شود*

***تبصره ۱:*** *شرکت دانش آموزان دوره اول و دوم ابتدایی، حسب ضرورت در اردوهای چند روزه ( حداکثر یک هفته) و خارج از شهر ستان صرفا در المپیادها، فعالیت های ورزشی در چارچوب ضوابط فدراسیون ورزش دانش آموزی)، جشنواره ها و مسابقات استانی و کشوری، با اخذ مجوز از معاونت ڈی ریط ستادی و رعایت مقررات مربوط، بلامانع است.*

***تبصره ۲:*** *برگزاری اردوی خارج از محدوده شهرستان صرفا برای دانش آموزان پایه ششم ابتدایی، حداکثر به مدت سه روز و دو شب مجاز است.*

***۲. موقعیت جغرافیایی***

1. *درون شهری*
2. *درون شهرستانی*
3. *برون شهرستانی (داخل استان)*
4. *برون استانی*
5. *برون مرزی*

***تبصره:*** *محدوده های جغرافیایی هر استان تابع تقسیمات کشوری است.*

***٣. سطح برگزاری***

1. *مدرسه ای (مراکز آموزشی و پرورشی)*
2. *فرا مدرسه ای منطقه ای، استانی، قطبی، کشوری)*

***تبصره:*** *مجوز برگزاری اردوهای قطبی و کشوری از سوی معاونت ها، سازمان ها و مراکز ذی ربط در سطح وزارت آموزش و پرورش صادر می شود و برنامه های اجرایی آن قابل تفويض به استان میزبان است.*

***4. موضوع***

*موضوع اردوهای دانش آموزی بر اساس ساحت های مندرج در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به شرح ذیل است*

1. *تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی*
2. *تربیت اجتماعی و سیاسی*
3. *تربیت بدنی و زیستی*
4. *تربیت زیبایی شناختی و هنری*
5. *تربیت اقتصادی و حرفه ای*
6. *تربیت علمی و فناورانه*

***توجه:***

*1- رعایت نکات تربیتی، ایمنی و بهداشتی در بازدید از مراکز بهداشتی و درمانی، عیادت از بیماران، مراکز انتقال خون و سایر اماکن مورد تأکید است.*

*۲- به منظور ترویج فرهنگ ایثار و ش هادت، فعالیت های اردویی با محوریت دیدار با خانواده معظم ش هدا، جانبازان و حضور در گلزار شهدا مورد تأکید است.*

*ضوابط و مقررات برگزاری اردوها*

***فصل اول: ضوابط و مقررات اجرایی***

*در برگزاری اردوهای دانش آموزی در تمام سطوح برنامه ریزی توجه به نکات ذیل ضروری است.*

***الف. عوامل اجرایی***

*عوامل اجرایی اردو شامل سرپر ست، سرپرست مربی، مربی، مربی همراه، داور، نیروی خدماتی، کمک مربی ویژه همراه اردو است. شرایط و وظایف آنها مطابق ( پیوست شماره ۱۸ تا ۲۰) این دستورالعمل است.*

***ب. تخصیص نیروی انسانی***

*تشکیلات و سازماندهی نیروی انسانی اردوهای دانش آموزان عادی و دانش آموزان مراکز آموزش و پرورش با نیازهای ویژه و استثنایی بر اساس موارد ذیل انجام می شود.*

***تخصیص نیروی انسانی در اردوهای دانش آموزان عادی***

*١. تخصیص نیروی انسانی در اردوهای دانش آموزان مدارس عادی بر اساس جدول شماره 1) سازمان دهی و*

*تشکیلات اردوهای دانش آموزان عادی انجام می گیرد.*

***تبصره:*** *به کار گیری و اعزام مربی و عوامل اجرایی کمتر از آنچه که در جداول سازمان دهی ذکر شده، ممنوع است.*

*٢. دسته بندی دانش آموزان ترجیحا در قالب گروه های ۷ نفره انجام گیرد (به منظور ایجاد زمینه مشارکت و تعامل اعضا در فرآیندهای گروهی و اجتماعی، اعضای اردو در قالب گروه های ۷ نفره تقسیم می شوند، هر گروه از طریق سرگروه "دانش آموز با مربیان اردو در ارتباط است).*

*٣. در اردوهای چند روزه دختران، انتخاب و اعزام مربی مرد همراه بر اساس موارد ذیل الزامی است.*

* *به ازای هر اتوبوس، مینی بوس یا میدل باس، برای هماهنگی و حل مشکلات احتمالی، علاوه بر تعداد پیش بینی شده در جدول سازماندهی و تشکیلات اردوهای دانش آموزان عادی پیش بینی انجام شود.*
* *اولویت با مربی مردی خواهد بود که همسر وی از عوامل اجرایی حاضر در اردو باشد.*

***تبصره 1:*** *حضور یک نفر مربی همراه در اردوهای دختران، که حداقل ۸۰ ٪ مسیر را از طریق وسایل ریلی، سفر می نمایند،کافی است.*

***تبصره ۲:*** *در صورتی که در مدارس دخترانه متقاضی، برگزاری اردوهای چند روزه درون و برون شهرستانی تامین مربی همراه مرد ممکن نباشد با هماهنگی و تأیید آموزش و پرورش منطقه بکارگیری همکاران واجد شرایط شاغل در مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی همچنین نیروهای مرد بازنشسته فرهنگی بلامانع است.*

*4. در اماکنی که دسترسی به بیمارستان، درمانگاه و مراکز درمانی وجود ندارد در برنامه اردویی چندروزه، اعزام پزشک به همراه تکنسین فوریت های پزشکی یا پرستار با حداقل تجهیزات لازم و مناسب، ضروری است.*

*5. تخصیص نیروی انسانی برای اعزام به همایش ها، گردهمایی ها، جشنواره ها، نشست ها، مسابقات و اردوهای متمرکز کشوری که از طرف وزارت آموزش و پرورش با سازمان های مرتبط پیش بینی و اجرا می گردد، علاوه بر موارد مندرج، تابع ضوابط و شرایط خاصی است که در دستورالعمل های اختصاصی برای هر برنامه، اعلام می شود.*

***تبصره:*** *حضور سرپرست، سرپرست مربی، مربی و مربی همراه در اردو، باید به صورت کامل و تمام وقت باشد و عواملی از قبیل همراه داشتن فرزند و ... که مانع حضور و توجه تمام وقت به دانش آموزان تحت اختیار می شود، ممنوع است.*

***جدول شماره (1) سازماندهي و تشكيلات اردوهاي دانش آموزان عادي***

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| *نوع اردو* | *دوره تحصیلی* | *نُرم تعداد اردو* | *سرپرست مربی* | *سرپرست* | *مربی* | *توضیحات* |
| ***درون شهری*** | *پیش دبستانی* | ***1 تا 7*** | ***1*** | ***-*** | ***-*** |  |
| ***7 تا 14*** | ***-*** | ***1*** | ***1*** |  |
| ***14 تا 56*** | ***-*** | ***1*** | *به ازای هر 14 نفر یک مربی تا 56 نفر 4 مربی* | *به ازای افزایش 1 تا 14 نفر یک مربی اضافه می شود* |
| *دوره اول و دوم ابتدایی* | ***1 تا 7*** | ***1*** | ***-*** | ***-*** |  |
| ***7 تا 21*** | ***-*** | ***1*** | ***1*** |  |
| ***21 تا 84*** | ***-*** | ***1*** | *به ازای هر 21 نفر یک مربی تا 84 نفر 4 مربی* | *به ازای افزایش 7 تا 21 نفر یک مربی اضافه می شود* |
| *دوره متوسطه اول و دوم* | ***1 تا 7*** | ***1*** | ***-*** | ***-*** |  |
| ***7 تا 28*** | ***-*** | ***1*** | ***1*** |  |
| ***28 تا 112*** | ***-*** | ***1*** | *به ازای هر 28 نفر یک مربی تا 112 نفر 4 مربی* | *به ازای افزایش 7 تا 28 نفر یک مربی اضافه می شود* |
| ***درون شهرستانی*** | *پیش دبستانی* | ***1 تا 7*** | ***1*** | ***-*** | ***-*** |  |
| ***7 تا 14*** | ***-*** | ***1*** | ***1*** |  |
| ***14 تا 56*** | ***-*** | ***1*** | *به ازای هر 14 نفر یک مربی تا 56 نفر 4 مربی* | *به ازای افزایش 1 تا 14 نفر یک مربی اضافه می شود* |
| *دوره اول و دوم ابتدایی* | ***1 تا 7*** | ***1*** | ***-*** | ***-*** |  |
| ***7 تا 21*** | ***-*** | ***1*** | ***1*** |  |
| ***21 تا 84*** | ***-*** | ***1*** | *به ازای هر 21 نفر یک مربی تا 84 نفر 4 مربی* | *به ازای افزایش 7 تا 21 نفر یک مربی اضافه می شود* |
| *دوره متوسطه اول و دوم* | ***1 تا 7*** | ***1*** | ***-*** | ***-*** |  |
| ***7 تا 28*** | ***-*** | ***1*** | ***1*** |  |
| ***28 تا 112*** | ***-*** | ***1*** | *به ازای هر 28 نفر یک مربی تا 112 نفر 4 مربی* | *به ازای افزایش 7 تا 28 نفر یک مربی اضافه می شود* |
| ***برون شهرستانی*** | *دوره اول و دوم ابتدایی* | ***1 تا 7*** | ***1*** | ***-*** | ***-*** |  |
| ***7 تا 21*** | ***-*** | ***1*** | ***1*** |  |
| ***21 تا 84*** | ***-*** | ***1*** | *به ازای هر 21 نفر یک مربی تا 84 نفر 4 مربی* | *به ازای افزایش 7 تا 21 نفر یک مربی اضافه می شود* |
| *دوره متوسطه اول و دوم* | ***1 تا 7*** | ***1*** | ***-*** | ***-*** |  |
| ***7 تا 28*** | ***-*** | ***1*** | ***1*** |  |
| ***28 تا 112*** | ***-*** | ***1*** | *به ازای هر 28 نفر یک مربی تا 112 نفر 4 مربی* | *به ازای افزایش 7 تا 28 نفر یک مربی اضافه می شود* |

***تخصیص نیروی انسانی در اردوهای دانش آموزان مراکز آموزش و پرورش با نیازهای ویژه «استثنایی»***

*۱. تخصيص نیروی انسانی در اردوهای دانش آموزان با نیازهای ویژه استثنایی» بر اساس جدول سازمان دهی و تشکیلات اردوهای دانش آموزان با نیازهای ویژه انجام می شود.*

*٢. دسته بندی دانش آموزان در اردوهای یک روزه ترجیحا در قالب گروه های پنج نفره و در اردوهای چندروزه در قالب گروه های سه نفره انجام گیرد.*

*٣. اگر تعداد دانش آموزان کمتر از اعداد درج شده در ستون دانش آموز( جدول شماره ۲) باشد، یک نفر از عوامل اجرایی در سازماندهی و تشکیلات کسر خواهد شد.*

*4. به ازای اضافه شدن هر 6 نفر پیش دبستانی، ۹ نفر ابتدایی و یا ۱۲ نفر متوسطه به شرکت کنندگان اردو (مطابق جدول سازمان دهی و تشکیلات اردوهای دانش آموزان با نیازهای ویژه) یک مربی به تعداد عوامل اجرایی اضافه خواهد شد.*

*5. از نظرات و مساعدت های انجمن اولیا و مربیان استفاده و بهره برداری شود.*

*٦. ادارات آموزش و پرورش استثنایی مجازند در اردوهای چندروزه به ازای هر ۵ نفر دانش آموز، یک نفر کمک مربی ویژه اضافه کنند.*

*۷. حداکثر تعداد شرکت کنندگان و عوامل اجرایی در اردوها و همایش های متمرکز منطقه ای استانی با صلاحدید منطقه / استان تعیین می گردد.*

*۸ به ازای هر یک دانش آموز معلول جسمی- حرکتی و چند معلولیتی (که نیاز به همراه دارد) شرکت کننده در اردو،* ***یک نفر کمک مربی ویژه*** *اضافه می شود.*

*9. به ازای هر چهار دانش آموز آسیب دیده بینایی (نیمه بينا) یا هر دو دانش آموز (نابینای مطلق) شرکت کننده در اردو، یک نفر کمک مربی اضافه شود.*

*۱۰. یکی از بستگان درجه اول هم جنس دانش آموز معلول جسمی حرکتی، چند معلولیتی و اوتیسم در صورت ضرورت می توانند با تشخیص و تأیید شورای مدر سه، یا رئیس اداره آموزش و پرورش منطقه / استان با مسئول ذیربط در استان و هماهنگی سازمان آموزش و پرورش استثنایی در اردوهای کشوری ) به عنوان همراه، با دانش آموز اعزام شوند. افراد فوق حق مداخله در برنامه های آموزشی و پرورشی نداشته و صرفا به عنوان همراه دانش آموز اعزام خواهند شد و موظف به هماهنگی کامل با سرپرست و مربی هستند.*

***تبصره ۱:*** *افراد همراه می بایست قبل از اعزام اردو نسبت به تحت پوشش قرار گرفتن بیمه حوادث با پرداخت حق بیمه خود اقدام نمایند.*

***تبصره ۲:*** *هزینه پرداختی مربوط به فرد همراه دانش آموز، معادل با هزینه پیش بینی شده هر دانش آموز بوده که پرداخت آن بر عهده ولی دانش آموز است.*

***جدول شماره (2) سازماندهي و تشكيلات اردوهاي دانش آموزان با نیازهای ویژه (استثنایی)***

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **نوع اردو** | **دوره تحصیلی** | **یک روزه** | | | **سقف تعداد دانش آموزان در هر برنامه اردویی توسط مدرسه برای دانش آموزان با نیازهای ویژه** |
| **سرپرست** | | |
| تعداد دانش آموزان | مربی | خدمات |
| **درون شهری** | پیش دبستان | **6** | **1** | **-** | **24** |
| دوره اول و دوم ابتدایی | **9** | **1** | **-** | **36** |
| متوسطه اول | **12** | **1** | **-** | **48** |
| متوسطه دوم | **12** | **1** | **-** | **48** |
| **درون شهرستانی** | پیش دبستان | **6** | **1** | **-** | **24** |
| دوره اول و دوم ابتدایی | **9** | **1** | **-** | **36** |
| متوسطه اول | **12** | **1** | **-** | **48** |
| متوسطه دوم | **12** | **1** | **-** | **48** |
| **برون شهرستانی** | دوره اول و دوم ابتدایی | **9** | **1** | **-** | **36** |
| متوسطه اول | **12** | **1** | **-** | **48** |
| متوسطه دوم | **12** | **1** | **-** | **48** |
|  |  |  |  |  |  |
| **نوع اردو** | **دوره تحصیلی** | **چند روزه** | | | **سقف تعداد دانش آموزان در هر برنامه اردویی توسط مدرسه برای دانش آموزان با نیازهای ویژه** |
| **سرپرست** | | |
| تعداد دانش آموزان | مربی | خدمات |
| **درون شهری** | پیش دبستان | **-** | **-** | **-** | **-** |
| دوره اول و دوم ابتدایی | **-** | **-** | **-** | **-** |
| متوسطه اول | **12** | **1** | **-** | **36** |
| متوسطه دوم | **12** | **1** | **-** | **36** |
| **درون شهرستانی** | پیش دبستان | **-** | **-** | **-** | **-** |
| دوره اول و دوم ابتدایی | **-** | **-** | **-** | **-** |
| متوسطه اول | **12** | **1** | **-** | **36** |
| متوسطه دوم | **12** | **1** | **-** | **36** |
| **برون شهرستانی** | دوره اول و دوم ابتدایی | **-** | **-** | **-** | **-** |
| متوسطه اول | **12** | **1** | **1** | **36** |
| *متوسطه دوم* | ***12*** | ***1*** | ***1*** | ***36*** |

***ج. سامانه نظارت و کنترل اردوهای دانش آموزی***

*بخش مهمی از امر نظارت و کنترل اردوهای دانش آموزی از سطح مدر سه تا ستاد از طریق سامانه ای انجام می شود به همین منظور این سامانه تحت نظر اداره کل فرهنگی و هنری، اردوها و فضاهای پرورشی طراحی و سیاست گذاری می شود و در ادارات کل آموزش و پرورش استان ها و یا هر بخش دیگری تحت نظارت معاونت پرورشی و فرهنگی فعالیت می نماید این سامانه در تعامل با دستگاههای اجرایی و انتظامی است تا بتواند از همه ظرفیت های موجود برای نظارت و کنترل بر اردوها استفاده نماید.*

*مسئولیت ایجاد زیر ساخت های فنی مهندسی این سامانه به عهده حوزه ستادی است و روند اجرای مناسب آن بر عهده مجریان و مسئولان محترم برگزار کننده اردو در مدرسه، منطقه، استان و ستاد می باشد. سامانه نظارت و کنترل، مجاز است که در صورت عدم رعایت ضوابط و هر موردی که ممکن است ایمنی سفر دانش آموزان را به مخاطره اندازد، از برگزاری یا ادامه اردو در هر مرحله، ممانعت به عمل آورد و سرپرست اردو، موظف به اجرای دستورات صریح سامانه فوق الذکر است.*

***1. شرح وظایف سامانه نظارت و کنترل اردوهای دانش آموزی مدرسه - منطقه - استان – ستاد***

1. *پایش تکمیل بودن تمهیدات آغاز اردو به منظور صدور کد اردو.*
2. *نظارت بر اردو و صدور کد حرکت اردوهای مدرسه ای، منطقه ای / شهرستانی (پس از تمهید و ابلاغ مقدمات نرم افزاری)*
3. *نظارت بر اردو و صدور کد حرکت اردوهای درون استانی توسط اداره کل آموزش و پرورش استان (پس از تمهید و ابلاغ مقدمات نرم افزاری)*
4. *نظارت بر اردو و صدور کد حرکت اردوهای برون استانی توسط سامانه نظارت و کنترل اردوهای دانش آموزی ستاد.*
5. *پایش و نظارت تحقق زمان بندی های اردو شامل تاریخ و زمان رسیدن به مقصد و کنترل عدم تخطی از مقرارت مندرج در این دستورالعمل*
6. *ارتباط مستمر با مراکز اطلاعات پلیس و سایر دستگاه های امدادی – خدماتی*
7. *ارتباط مستمر با سرپرست اردو، راننده و سایر کادر و دست اندرکاران اردو جهت رصد دقیق موقعیت و ایمنی اردو در جاده بین شهری*
8. *کسب آخرین اطلاعات از وضعیت ایمنی راه ها و اطلاعات هوا شناسی کشور با اولویت مسیرهایی که اردو در حال حاضر یا طی ساعات یا روزهای آتی از آن عبور خواهند کرد به منظور صدور کد حرکت اردو و یا در صورت نیاز به توقف یا تغییر مسیر اردو و در اختیار قرار دادن این اطلاعات به سرپرست.*
9. *دریافت لیست کلیه شرکت کنندگان در دوره اردویی (به صورت الکترونیکی) از مرکز برنامه ریزی منابع انسانی و فناوری اطلاعات، به منظور بررسی و اطمینان از گذراندن دوره آموزشی.*

***تبصره ۱:*** *مرجع صدور کد حرکت مجاز خواهد بود در هر مرحله از سفر که عدم اجرای ضوابط این دستور العمل را مشاهده نماید، نسبت به متوقف کردن وسیله نقلیه اقدام و گزارش موارد تخلف را به اعزام کننده اردو جهت پیگیری های بعدی ارسال نماید.*

***تبصره ۲:*** *در صورت بروز وقوع حوادث منجر به جرح و فوت در اردوهای دانش آموزی مدیر کل آموزش و پرورش استان اعزام کننده اردو به عنوان مسئول پی گیر تعیین می شود و لازم است با قید فوریت گزارش ماوقع را جهت اقدام های بعدی به اداره کل فرهنگی و هنری، اردوها و فضاهای پرورشی منعکس نماید. ضمنا کلیه اطلاع رسانی های حادثه با هماهنگی مدیر کل استان انجام شود.*

***۲. مراحل دریافت کد حرکت اردو:***

*پیش از آغاز اردو اطلاعات مورد نیاز مطابق نمون برگ مشخصات اردو (پیوست شماره ۱۵) از طریق سامانه نظارت و کنترل تکمیل و به اداره آموزش و پرورش منطقه و اداره کل آموزش و پرورش استان و در صورت نیاز به سامانه نظارت و کنترل ستاد ارسال می شود. در صورتی که اردوی درون شهری باشد صرفا اطلاعات در سامانه توسط مدیر کد گذاری خواهد شد.*

*صدور کد حرکت اردو منوط به رعایت تمام موارد مندرج در این دستورالعمل و متمم های آن است. درخواست برگزاری اردوهای درون شهرستانی در قالب نمون برگ های پیوست پس از تأیید اداره آموزش و پرورش منطقه جهت اخذ کد حرکت به سامانه نظارت و کنترل منطقه و همچنین در خواست برگزاری اردوهای درون استانی در قالب نمون برگ های پیوست پس از تأیید اداره آموزش و پرورش منطقه جهت اخذ کد حرکت و مجوز نهایی به سامانه نظارت و کنترل اردویی استان ارسال می شود و برون استانی در قالب نمون برگ های پیوست پس از تأیید اداره کل آموزش و پرورش استان به سامانه نظارت و کنترل اردویی ستاد جهت اخذ کد حرکت ارسال می شود.*

*لازم به ذکر است مسئولیت نظارت بر عملکرد سامانه نظارت و کنترل اردوهای درون منطقه و شهرستان بر عهده معاون پرورشی و تربیت بدنی منطقه/ شهر ستان و نظارت بر عملکرد سامانه های نظارت و کنترل اردوهای درون استانی بر عهده معاون پرورشی و فرهنگی اداره کل آموزش و پرورش استان و اردوهای برون استانی بر عهده اداره کل فرهنگی و هنری، اردوها و فضاهای پرورشی و سامانه های نظارت و کنترل ستاد می باشد.*

*خلاصه فرآیند اجرایی جهت دریافت کد حرکت اردو به شرح زیر است:*

***جدول شماره (3) فرآیند راهنمای دریافت کد حرکت اردو***

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ***ردیف*** | ***شرح*** | ***مسئول اجرا*** |
| ***1*** | *تکمیل نمون برگ های اردو در سامانه نظارت و کنترل اردویی مدرسه/ منطقه/ استان/ ستاد* | *متقاضی* |
| ***2*** | *درخواست کد حرکت از منطقه، استان و ستاد در سامانه نظارت و کنترل اردویی* | *متقاضی* |
| ***3*** | *ورود به نرم افزار سامانه نظارت و کنترل و تکمیل اطلاعات اردو خصوصا اطلاعات وسایل نقلیه، تخصیص مربی و دانش آموز به وسایل نقلیه، و سایر اطلاعات اردو* | *متقاضی* |
| ***4*** | *بررسی و کنترل درخواست اردو و ارجاع جهت رفع نواقص و موارد احتمالی (کنترل های مندرج در دستورالعمل)* | *مدرسه/ منطقه/ استان/ ستاد* |
| ***5*** | *صدور کد حرکت اردو از طریق سامانه نظارت و کنترل و ارسال به متقاضی اردو (اردوهای درون استانی)* | *منطقه/ استان* |
| ***6*** | *صدور کد حرکت اردو از طریق سامانه نظارت و کنترل و ارسال به متقاضی اردو (اردوهای برون استانی)* | *استان/ ستاد* |
| ***7*** | *بررسی و کنترل آب و هوا و ترافیک مسیر و مقصد* | *منطقه/ استان/ ستاد* |
| ***8*** | *رصد مستمر صدور کد حرکت اردوهای برون استانی* | *استان/ ستاد* |

***تبصره:*** *صدور کد حرکت اردو توسط مدرسه / منطقه/ شهرستان و استان پس از تمهید مقدمات نرم افزاری و ابلاغ به استانها صورت خواهد گرفت بدیهی است تا انجام آن فرآیند، كما في سابق سامانه مرکزی نظارت و کنترل مسئولیت صدور کد حرکت را در چارچوب ضوابط و مقررات بر عهده خواهد داشت. توجه: برای هر یک از تشکل های دانش آموزی امکان دسترسی به سامانه برای تقاضای اردو وجود خواهد داشت.*

***٣. نظارت بر حرکت خودروها از مبدأ تا مقصد و بالعکس:***

*سامانه نظارت و کنترل در طول مسیر حرکت از مبدأ تا مقصد و بالعکس، ناظر بر رعایت قوانین ایمنی، ترافیکی و مقررات برگزاری اردو است. در این مرحله از طریق سامانه رهگیری خودرو با سرپرست و مربیان، اطلاعات لازم دریافت و ثبت شده و در صورت نیاز، اقدام لازم صورت خواهد گرفت.*

*سامانه نظارت و کنترل، به صورت استمرار بر مسیر حرکت خودرو نظارت دارد، لذا سرپرست اردو موظف است هر نوع نیازمندی یا بروز حوادث غیر مترقبه (نظير وقوع تصادف و راه بندان در مسیر، سیل و یا نیاز به هماهنگی با استان و اردوگاه و ...) را به صورت تلفنی با سامانه های الکترونیکی مرتبط، به کارشناسان ذی ربط اطلاع دهد.*

*در صورت بروز هر گونه نیاز به تغییر مسیر مراتب بلافاصله به صورت تلفنی از سامانه نظارت و کنترل استعلام و تعیین تکلیف شود.*

***تبصره:*** *در صورتی که اعزام های دانش آموزان از طریق خرید بلیط انفرادی سرویس های عمومی شرکت های مسافربری معتبر انجام شود، شامل ضوابط و مقررات پلیس راهور و وزارت راه و شهرسازی می گردد و سامانه نظارت و کنترل فقط موقعیت اردوها را رصد خواهد کرد.*

***د. پرونده اردو***

*برای هر برنامه اردویی، یک پرونده اختصاصی، شامل موارد زیر، توسط متقاضی اردو، تشکیل و در محل دفتر وی، نگهداری می شود.*

1. *صورت جلسه بررسی و تأیید برگزاری اردو، در مرجع ذی صلاح.*
2. *برنامه های پیش بینی شده برای اجرا در اردو.*
3. *تمامی رضایت نامه های مربوط به تک تک دانش آموزان همراه با پانوشت تأیید صحت امضا با اثر انگشت ولی با قیم قانونی روی هر یک از آنها*
4. *تکمیل نمون برگ های ارسالی سامانه نظارت و کنترل جهت - دریافت کد حرکت اردو.*
5. *چک لیست امضا شده بررسی تمهیدات مورد نیاز برگزاری اردو (مطابق پیوست شماره 14).*
6. *قرارداد با شرکت مسافربری معتبر و دارای مجوز قانونی*
7. *رونوشت از حکم مأموریت یا ابلاغیه کلیه عوامل اجرایی اردو.*
8. *رونوشت از گواهینامه گذراندن تک درس آشنایی با وظائف سرپرستان و مربیان، مربوط به سرپرست و تک تک مربیان.*

***تبصره:*** *همراه داشتن تصویر بندهای ۲، ۹، ۷ در طول اردو برای سرپرست ضروری است.*

***الزامات اجرایی***

*در برگزاری اردو تفکیک دانش آموزان بر اساس جنسیت و دوره تحصیلی الزامی است.*

***تبصره ۱:*** *از اعزام سرپرست و مربیان مرد برای اردوی دختران و سرپرست و مربیان زن برای اردوی پسران خودداری شود.*

***تبصره ۲:*** *برگزاری مسابقات، جشنواره ها، همایش ها، مجامع و نشست های دانش آموزی که دارای آیین نامه اختصاصی مصوب مراجع ذی صلاح هستند، تابع ضوابط و مقررات خود خواهند بود.*

*1. در مناطق روستایی و عشایری و نیز مراکز آموزش وپرورش استثنایی دوره ابتدایی، برگزاری اردو برای دانش آموزان مختلط چند پایه ابتدایی و دوره پیش دبستانی با رعایت نکات تربیتی بلامانع است.*

*٢. در برگزاری اردوی مدارس ابتدایی پسرانه که توسط آموزگاران زن اداره می شود، انتخاب و اعزام مربی زن بلامانع است.*

*٣. در اردوهای دوره پیش دبستانی مدارس چند پایه و مدارس با نیازهای ویژه (استثنایی استفاده از سرپرست، مربی یا مربی همراه صرف نظر از جنسیت آنان بلامانع است.*

*4. سرپرستان و مربیان اردوها باید از بین افراد آموزش دیده و توانمند و متناسب با جنسیت و دوره تحصیلی دانش آموزان انتخاب شوند.*

*5. برگزاری اردو در ایام امتحانات و یک هفته قبل از آن ممنوع است.*

***تبصره ۱:*** *دوره ابتدایی ( با توجه به توصیفی بودن ارزشیابی تحصیلی تربیتی)، مشمول بند ۵ نمی باشد.*

***تبصره ۲:*** *برگزاری اردو توسط منطقه، استان و کشور به صورت متمرکز در صورت تأیید معاونت ذی ربط در سطوح تقاضا کننده یک هفته قبل از امتحانات بلامانع است.*

*6. مدت زمان برگزاری اردو در ایام رسمی مدارس تابع ضوابط و مقررات آیین نامه اجرایی مدارس است.*

*۷. عوامل اجرایی مکلف هستند برنامه مصوب اردو را دقيقا اجرا کنند و هرگونه تغییر در برنامه با هماهنگی مرجع تصمیم گیر (صادر کننده مجوز) بلامانع خواهد بود.*

*۸ واحد اعزام کننده در صورت بروز مشکل، یا پی شامد غیر منتظره که به هر دلیل موجب تأخیر غیر معمول در بازگشت دانش آموزان شود، لازم است مراتب را از طريق مقتضی به اطلاع مرجع صادر کننده مجوز و اولیای دانش آموزان و همچنین مسئول سامانه نظارت و کنترل مبدأ برساند.*

*9. اخذ رضایت نامه کتبی ولی و یا قیم قانونی دانش آموز برای هر برنامه الزامی است.*

***تبصره :*** *بررسی صحت امضاء یا اثر انگشت ولی دانش آموز با قیم قانونی توسط بالاترین مقام اجرایی متقاضی برگزاری اردو انجام می شود.*

*۱۰. رعایت کلیه وظایف مندرج در ماده 18 آیین نامه اجرایی مدارس برای دانش آموزان شرکت کننده در هر برنامه اردویی الزامی است.*

***تبصره:*** *محل برگزاری اردو و مسیر آن به منزله مدرسه محسوب می شود و دانش آموزان و عوامل اجرایی اردو موظفند مقررات انضباطی مدرسه و قوانین مربوط را رعایت کنند.*

*۱۱. درخواست مجوز اردو برای خارج از استان، ۱۵ روز قبل از اعزام و برای اردوهای خارج از محدوده شهر ستان (داخل استان) حداقل 48 ساعت قبل از اعزام انجام گیرد.*

*۱۲. برگزاری اردوی دانش آموزی توسط سایر دستگاه های اجرایی، نهادها و سازمان ها، اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی، با اخذ مجوز از آموزش و پرورش منطقه، استان و ستاد بلامانع است مراجع مذکور مکلفند در تمام مراحل اجرای اردو، ضوابط و مقررات این دستور العمل و سایر قوانین مربوط را رعایت کنند.*

***تبصره:*** *برگزاری اردو برای گروه های سنی دانش آموزان، بدون رعایت مفاد این دستور العمل و سایر مقررات مربوط، از سوی موسسات و اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی ممنوع است و در صورت عدم توجه و ارتکاب تخلف، برابر مقررات مربوط رفتار خواهد شد.*

*۱۳. استفاده از امکانات و تجهیزات سازمان ها، نهادها، مراکز دولتی و غیر دولتی با رعایت ضوابط و مقررات ایمنی بلامانع*

*14. استفاده دانش آموزان از امکانات اردوگاهها، مراکز تفریحی، علمی، ورزشی، سیاحتی و قایق های تفریحی، هواپیمای گلایدر، تله کابین، قطار تفریحی، استخر و سایر وسایل بازی با رعایت ظرفیت قانونی و نکات ایمنی، مجاز است و مسئولیت سلامت فنی این تجهیزات، بر عهده ارائه دهنده خدمات در محل استقرار آنهاست.*

*15. به منظور حمایت قضایی و حقوقی از عوامل اجرایی برگزار کننده اردو واحد های حقوقی س تادی، ادارات كل آموزش و پرورش استان ها و مناطق در چار چوب ماده ۸۸ قانون مدیریت خدمات کشوری موظف به انجام پیگیری های لازم هستند.*

***فصل دوم: ضوابط و مقررات ایمنی***

*برای افزایش ضریب اطمینان و امنیت برنامه های اردویی و برای صیانت دانش آموزان و عوامل اجرایی از هرگونه آسیب و خطر احتمالی، رعایت مقررات ذیل الزامی است.*

***1. بیمه***

*دانش آموزان و عوامل اجرایی اردو باید از بیمه حوادث و درمان برخوردار باشند.*

***تبصره ۱:*** *دانش آموزان و کارکنان می بایست در آغاز سال تحصیلی مشمول مفاد بخشنامه بیمه که هر ساله توسط آموزش و پرورش ابلاغ می گردد، باشند.*

***تبصره ۲:*** *اختصاص بیمه حوادث تحصیلی در زمان ثبت نام برای همه فعالیت های فوق برنامه دانش آموزان و عوامل اجرایی به مدت یکسال کفایت می کند؛ لذا از بیمه نمودن مجدد دانش آموزان شرکت کننده نزد بیمه گران متعدد خودداری شود.*

***تبصره ۳:*** *متقاضی اردو موظف است نسبت به بیمه مسئولیت مدنی کلیه عوامل اجرایی اردو اقدام نماید.*

***۲. وسیله نقلیه***

*مسئولان برگزاری اردو برای اخذ سرویس دربستی، به شرکت ها و موسسات مسافربری تحت پوشش سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای مراجعه و نسبت به عقد قرار داد همکاری با شرکت / موسسه مسافربری اقدام نمایند*

1. *برای برگزاری اردوهای داخل کشور، وسایل نقلیه مورد استفاده ، الزاما باید از شرکت های مسافربری معتبر تأمین شود. استفاده از قطار در صورت در دسترس بودن ضروری است.*
2. *برای آمد و شد دانش آموزان با قطار، هواپیما کشتی و وسایل نقلیه مجاز دریایی، رعایت ضوابط و استانداردهای مربوط الزامی است.*
3. *در صورت استفاده از وسایل نقلیه جاده ای متعدد، باید به گونه ای برنامه ریزی شود که وسایل نقلیه با فاصله مناسب به صورت کاروانی و تا حد امکان به دنبال یکدیگر حرکت کنند به گونه ای که سرپرست اردو بتواند، همه وسایل نقلیه را رصد کند.*
4. *داشتن ضوابط فنی(پیوست شماره ۱۳) توسط شرکت های مسافربری الزامی است.*
5. *رعایت ظرفیت قانونی وسیله نقلیه بر اساس مندرجات کارت شناسایی وسیله نقلیه الزامی است و مسئولیت آن بر عهده سرپرست اردو است.*
6. *راننده باید توانایی، تجربه کافی و سلامت جسمی داشته و از شرایط اخلاقی و روحی مناسب و آمادگی رانندگی عدم خستگی) بر خوردار باشد. تشخیص این امر بر عهده اعزام کننده وسیله نقلیه است.*
7. *رعایت کلیه مقررات قانونی و راهنمایی و رانندگی از طرف راننده الزامی است.|*
8. *برای اردوهایی که فاصله تا مقصد بیش از ۹ ساعت است، حضور دو راننده مجرب، در اتوبوس الزامی است.*
9. *در مسیرهایی که نیاز به ۲ یا ۳ راننده است، رعایت این امر بر عهده شرکت مسافربری طرف قرارداد است.*
10. *راننده وسیله نقلیه موظف است برابر برنامه اردو و مطابق ضوابط و مقررات این دستورالعمل هماهنگی و همکاری لازم با سرپرست اردو داشته باشد. (توجيه رانندگان در این زمینه، بر عهده مرجع اعزام کننده است.)*
11. *در تمام اردوهای داخل شهری، بین شهرستانی و برون استانی رعایت ضوابط و مقررات آیین نامه های اجرایی حمل و نقل ایمن دانش آموزان مصوب وزارت راه و شهر سازی و دستورالعمل های اجرایی مرتبط وزارت کشور مورد توجه قرار گیرد.*
12. *باید بنر های هشدار دهنده در جلوی وسایل نقلیه در طول مسیر نصب گردند.*

***٣. پیشگیری از حوادث***

1. *حرکت وسایل نقلیه اردویی در شب و شرایط آب و هوایی نامناسب ممنوع است.*

***تبصره ۱:*** *حرکت وسایل نقلیه جاده ای، فقط در محدوده ساعت 9 صبح الی ۲۳ شب مجاز است*

***تبصره ۲:*** *تشخیص موضوع شرایط آب و هوایی و تصمیم گیری بر عهده مسئول سامانه نظارت و کنترل مدرسه، منطقه، استان و ستاد است.*

1. *برگزاری اردو در ایام اوج ترافیک سفرهای بین استانی و شهری مانند ایام نوروز و اربعین و ... با در نظر گرفتن احتیاط در محدودیت های ترافیکی و اجرای تمهیدات خاص ایمنی مجاز است.*
2. *در صورت برگزاری اردو در کوه، دشت، جنگل و مراتع، حضور افراد مطلع و مجرب و در استخر و دریا حضور نجات غریق الزامی است.*
3. *رگزاری اردو در حاشیه های رودخانه های خروشان و عمیق، صخره ها و کوه های مرتفع، جاده ها و ریل قطار ممنوع است.*
4. *شنا و آب تنی در رودخانه ها مطلقا ممنوع است.*
5. *برای افزایش ضریب اطمینان در اردوهای چند روزه با داشتن مسافت زیاد بین مبدأ و مقصد، هماهنگی با استان های بین راهی برای استراحت دانش آموزان الزامی است. مشخصات مراکز اسکان بین راه باید همراه نمونبرگ مشخصات اردو به سامانه نظارت و کنترل اعلام شود.*
6. *برگزاری اردو در مناطق آزاد با رعایت ضوابط و مقررات اردویی، با هماهنگی قبلی مدیریت آموزش و پرورش منطقه آزاد، بلامانع است*
7. *انتخاب مسیرهای اصلی و امن و پرهیز از مسیرهای فرعی و ناامن الزامی بوده و توقف های غیر ضروری در طول مسير ممنوع است. در مواقع بروز حوادث احتمالی از قبیل: تصادفات، سیل، زلزله و ... ضرورتا باید تغییر مسیر حرکت به سامانه نظارت و کنترل مبدأ اطلاع رسانی شود.*
8. *محل مراجعت دانش آموزان، همان محل عزیمت آنان خواهد بود و تحویل دادن دانش آموزان قبل از مراجعت و در صورت ضرورت فقط با هماهنگی قبلی و رضایت و درخواست کتبی اولیای آنان امکان پذیر است.*
9. *در سفرهای برون شهری با هماهنگی پلیس راه، ارائه آموزش های ایمنی سفر به سرپرست، سرپرست مربی، مربی و مربیان همراه در مبدأ قبل اعزام توصیه می شود.*

***توصیه های مهم در ایمن سازی محل اردوگاه ها***

*مسئول اردوگاه موظف است نسبت به ایمن سازی اردوگاه، مطابق موارد ذیل اقدامات لازم را قبل از حضور گروه های دانش آموزی به عمل آورد.*

*١. تعیین حریم و حدود اردوگاه در جهت حفظ و حراست از املاک و اراضی و اهتمام به حصارکشی، ترمیم و تکمیل حصارهای موجود در اطراف اردوگاه.*

*۲. ایمن سازی دریچه چاه های آب و فاضلاب و حصارکشی اطراف نهرهای روباز، آب جاری، رودخانه، استخرهای حوضچه ها و نقاط حادثه خیز*

*٣. جمع آوری کابل های برق سطحی و نصب آنها به صورت هوایی یا زیرزمینی در راستای ایمن سازی.*

*4. تکمیل سیستم های روشنایی در کلیه نقاط اردوگاه (خصوصا محل هایی که رفت و آمد در آنها کم است).*

*5. بازبینی سیستم های گرمایشی و سرمایشی از نظر فنی و استاندارد سازی در ابتدای هر فصل و تنظیم صورت جلسه مربوطه به همراه چک لیست مربوطه و بایگانی آنها.*

*6. استفاده از نجات غریق مجرب و دارای مجوز در استخر، دریاچه قایقرانی و رعایت مسائل ایمنی در استفاده و سایل قایقرانی اردوگاه.*

*7. نصب تابلوهای هشداردهنده در همه بخش های اردوگاه.*

*۸ بازبینی مستمر آب شرب در اردوگاه توسط بهداشت منطقه و در صورت لزوم ضدعفونی کردن آن برابر با آیین نامه های وزارت بهداشت*

*9. توجه به صحت طبخ مواد غذایی و سلامت دانش آموزان*

*۱۰. نظافت مستمر فضای اردوگاه، خصوصا زمین های چمن و پاکسازی آن از هر گونه وسایل حادثه ساز*

*۱۱. کنترل، بازبینی و کسب اطمینان از ایمنی و سالم بودن وسایل بازی، امکانات و تجهیزات اردوگاه و تجهیزات اماكن ورزشی*

*۱۲. تهیه و سایل و امکانات اولیه اطفاء حریق و وسایل کمک های اولیه از جمله کپسول اکسیژن و بروز رسانی آنها در تاریخ انقضاء*

*۱۳. پیشگیری از تردد وسایل نقلیه پرسرعت در محوطه اردوگاه و تأمین ایمنی لازم.*

*14. نظارت بر رعایت قوانین، مقررات و شئونات اسلامی توسط استفاده کنندگان از اردوگاه بویژه موضوع عفاف و حجاب توسط دانش آموزان و کلیه عوامل اردویی و اردوگاه*

*۱۵. بازرسی کل اردوگاه به صورت منظم و هماهنگ.*

*16. توجيه سرپرست هر اردو در بدو ورود به اردوگاه نسبت به وضعیت جغرافیایی اردوگاه همراه با ارائه اطلاعات مکتوب.*

*۱۷. تعامل مستمر با نیروهای انتظامی و امنیتی، خدماتی و درمانی منطقه و اطلاع رسانی مناسب به آنان در خصوص برنامه های در دست اجرا*

*۱۸. رعایت استانداردهای قانونی در بکارگیری و استفاده از امکانات و تجهیزات وسایل تفریحی، ورزشی و اسکان.*

*19. رعایت ضوابط و مقررات جذب و بکارگیری نیروی انسانی رسمی، فصلی، پیمانی، روزمزد و...) بر اساس دستورالعمل های صادره توسط حوزه معاونت اداری و مالی و شاخص ها و استانداردهای اعلام شده توسط اداره کل فرهنگی و هنری، اردوها و فضاهای پرورشی.*

***5. محل استقرار دانش آموزان در اردو***

*١. مسئول و متقاضی برگزاری اردو لازم است قبل از صدور مجوز، شناخت کافی و اطلاعات لازم را از محل برگزاری اردو به دست آورده و پس از اطمینان از مناسب بودن محل و استانداردهای لازم، نسبت به درخواست مجوز اقدام نمایند.*

*٢. مکان های برگزاری اردوهای دانش آموزی باید متناسب با اهداف اردو، اقتضای سنی و تربیتی دانش آموزان و دارای استانداردهای لازم نظیر محل استراحت مناسب، سرویس های بهداشتی و سهولت نظارت سرپرست و مربیان، باشند.*

*٣. برگزاری و استان اردوهای دانش آموزی در هتل ها، حسینیه ها و مکان های عمومی که شرایط برگزاری اردوهای دانش آموزی را دارند با شرایط ذیل بلامانع است:*

1. *مورد تأیید آموزش و پرورش منطقه / استان باشد.*
2. *در هر اتاق خوابگاهی، کمتر از 4 نفر اسکان داده نشود.*
3. *برنامه ریزی برای پذیرش همزمان در مکان های فوق به صورت تک جنسیتی صورت گیرد.*

***تبصره:*** *اردوگاه ها، خوابگاه ها، مراکز آموزشی و پرورشی و ورزشی وابسته به آموزش و پرورش نسبت به سایر مکان ها برای اسکان و برگزاری اردوها در اولویت هستند.*

1. *همراه داشتن تجهیزات مورد نیاز اردویی خصوصأ جعبه کمک های اولیه بر اساس (پیوست شماره ۲۱) و تلفن همراه در محل استقرار، ضروری است. ه. به منظور نظارت و کنترل بر خدمات بهداشتی و توانمند س ازی روانی اجتماعی دانش آموزان در همایش ها،*
2. *گردهمایی ها، جشنواره ها، نشس ت ها، مسابقات و اردوهای دانش آموزی که از طرف وزارت آموزش و پرورش یا سازمان های مرتبط پیش بینی و اجرا می گردد. حضور ناظر امور بهداشت و تغذیه و مشاور توصیه می شود.*

***تبصره ۱:*** *حضور ناظر امور بهداشت و تغذیه و مشاور در گردهمایی ها، جشنواره ها، مسابقات، همایش ها و اردوهای ملی الزامی است.*

***تبصره ۲:*** *تأیید فرد ناظر امور بهداشت و تغذیه در سطح منطقه به عهده کارشناسی بهداشت و تغذیه، در سطح استان اداره سلامت و تندرستی و در سطح ستاد دفتر سلامت و تندرستی می باشد.*

***تبصره 3:*** *تأیید فرد مشاور شاغل در آموزش و پرورش در سطح منطقه به عهده کارشناس مشاوره، در سطح استان اداره مشاوره و در سطح ستاد اداره کل مربوطه می باشد.*

***فصل سوم: ضوابط و مقررات اختصاصی***

***1. اردوهای مدرسه ای***

*این فصل شامل ضوابط و مقررات اختصاصی اردوهایی است که به صورت مدرسه ای برنامه ریزی و اجرا می شوند. اردوی مدرسه ای در محدوده شهر، با موافقت شورای مدرسه برگزار می شود.*

***تبصره ۱:*** *در برگزاری اردوی درون استانی خارج از محدوده شهر و شهرستان، علاوه بر موافقت شورای مدرسه، کسب موافقت آموزش و پرورش محل تحصیل نیز الزامی است.*

***تبصره ۲:*** *در مواقعی که شهرستان دارای چند منطقه و ناحیه باشد، مجوز اردوی برون شهرستانی توسط اداره آموزش و پرورش محل تحصیل صادر می شود.*

***تبصره 3:*** *در برگزاری اردوهای برون استانی، علاوه بر اخذ مجوز از شورای مدرسه و اداره آموزش و پرورش محل تحصیل، اخذ موافقت اداره کل آموزش و پرورش استان ضروری است.*

***1.1. وظایف شورای مدرسه***

*برنامه ریزی اردوی دانش آموزی توسط شورای مدرسه و بر اساس موارد ذیل انجام می گیرد*

1. *بررسی و تأیید برنامه های پیشنهادی اردوی مدرسه.*
2. *نظارت بر رعایت ضوابط و شرایط اعزام دانش آموزان*
3. *بررسی و تأیید سرپرست، محتوای برنامه اردویی، مکان، زمان و مدت برگزاری اردو.*
4. *بررسی و تأیید صلاحیت عوامل اجرایی اردو مطابق با ضوابط این دستورالعمل.*
5. *اخذ تأیید منابع مالی پیش بینی شده برنامه اردو با رعایت ماده ۹۱ آیین نامه اجرایی مدارس.*
6. *موافقت با اجرا یا لغو اردو با رعایت تبصره ماده ۱۰۷ آیین نامه اجرایی مدارس*
7. *بررسی امنیت کامل برنامه های پیشنهادی مدرسه.*
8. *نظارت و ارزیابی اردوهای دانش آموزی برای تحقق اهداف.*

***تبصره ۱:*** *بر اساس تبصره ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی مدارس، در مدارسی که به علت کم بودن تعداد دانش آموزان و عدم حضور برخی از افراد موضوع بند الف ماده ۱۱۰ آیین نامه اجرایی اگر تعداد اعضا شورا کمتر از ۳ نفر باشد شورا تشکیل نمی شود و وظایف آن به مدیر واگذار می شود.*

***تبصره ۲:*** *برنامه ریزی اردوی دانش آموزی توسط سایر مراکز آموزشی و پرورشی (اعم از کانون های فرهنگی تربیتی، اردوگاه ها، پژوهش سراها، کانون های ورزشی، دار القرآنها و مراکز وابسته تشکل های دانش آموزی) مطابق این دستورالعمل و توسط مرجع تصمیم گیر مشابه انجام می گیرد.*

***تبصره 3:*** *در صورت بازنگری آیین نامه ها و اسناد فرا دستی، ضوابط و مقررات برابر آیین نامه ها و دستورالعمل های جدید خواهد بود.*

***2.1. وظایف مدیران مراکز آموزشی و پرورشی به عنوان متقاضی اردو***

*١. پیش بینی و تدوین برنامه اردوهای سالیانه و ارائه یک نسخه از آن به شورای مدرسه جهت بررسی و تصویب. ٢. انتخاب سرپرست و تأیید عوامل اجرایی اردو، پیشنهادی از طرف سرپرست*

*٣. ارسال یک نسخه از نمون برگ مجوز مدرسه (پیوست شماره 5) همراه با رونوشت ابلاغ عوامل اجرایی و شرح برنامه برگزاری اردو، به منطقه*

*4. اطلاع رسانی به اولیای دانش آموزان در خصوص مدت زمان، محل برگزاری، برنامه ها و اهداف اردو.*

*5. مطلع نمودن اولیا از امکانات تفریحی محل برگزاری اردو از جمله استخر، دریا، قایق، هواپیما و ... به صورت کتبی در متن رضایت نامه.*

*6. کسب اطلاع از بیماری های خاص دانش آموزان اعزامی (برابر نمون برگ رضایت نامه پیوست شماره ۱و ۲) و اخذ رضایت نامه به صورت خاص) تصمیم گیری در مورد اعزام یا عدم اعزام دانش آموزان دارای بیماری خاص توسط سرپرست اردو.*

*7. اخذ رضایت نامه کتبی از ولی دانش آموزان بر اساس نمون برگ پیش بینی شده (پیوست شماره ۱ و ۲) ( احراز صحت امضا و اثر انگشت توسط متقاضی اردو.*

***تبصره:*** *اخذ رضایت نامه از ولی دانش آموزان برای هر برنامه اردو به صورت مجزا الزامی است.*

*8. پی گیری صدور ابلاغ یا مأموریت عوامل اجرایی در اردوهای درون و برون شهرستانی.*

***تبصره ۱:*** *در صورتی که سرپرستی اردو بر عهده مدیر مدرسه باشد، ابلاغ ایشان توسط آموزش و پرورش منطقه صادر می گردد.*

*9. در اختیار قرار دادن امکانات و اعتبارات موردنیاز برنامه به سرپرست اردو.*

*۱۰. تعیین نوع وسیله سفر و مسير اعزام دانش آموزان.*

*۱۱. دریافت کد حرکت اردو برای اردوهای خارج از محدوده شهر و شهرستان*

*۱۲. ارائه گزارش پس از برگزاری اردو به شورای مدرسه و گزارش سه ماهه به منطقه.*

*۱۳. بلامانع بودن استفاده از خدمات تشکل های دانش آموزی، شرکت ها، موسسات و مراکز غیر دولتی دارای مجوز ارائه دهنده خدمات اردویی با رعایت قوانین و مقررات مربوط به منظور تسهیل در برگزاری اردو. (لازم به ذکر است مسئولیت حسن اجرای برنامه و رعایت ضوابط و مقررات دستورالعمل برگزاری اردو بر عهده متقاضی اردو است).*

***۲. اردوهای فرامدرسه ای***

*برگزاری اردوهای قطبی، کشوری در چارچوب حوزه اختیارات معاونت ها، سازمان ها و بخش های مربوطه حوزه ستادی با رعایت ضوابط این دستورالعمل مجاز است*

***تبصره ۱:*** *معاونت ها، سازمان ها و بخش های حوزه ستادی می توانند نسبت به تفویض اختیار به استان ها و اردوگاه های کشوری، تشکل های دانش آموزی، موسسات، شرکت ها و مراکز غیر دولتی دارای مجوز جهت برگزاری اردوها، مسابقات، جشنواره ها، نشست ها و همایش ها با رعایت قوانین و مقررات مربوط اقدام نمایند.*

*لازم به ذکر است مسئولیت حسن اجرای برنامه و رعایت ضوابط و مقررات دستورالعمل برگزاری اردوها بر عهده مرجع تقاضا کننده است.*

***وظایف متقاضی اردوهای فرا مدرسه ای***

1. *پیش بینی، برنامه ریزی و برگزاری برنامه اردو.*
2. *اخذ مجوز برگزاری اردو از مراجع ذیصلاح در این دستورالعمل.*
3. *رعایت ضوابط و مقررات مندرج در این دستورالعمل*
4. *شناسایی، معرفی و هماهنگی با اردوگاه های دانش آموزی با مراکز اقامتی جهت برگزاری اردو.*
5. *تکمیل و ارسال نمون برگهای مشخصات اردو و لیست دانش آموزان به سامانه کنترل.*
6. *دریافت کد حرکت و مجوز نهایی اردو.*
7. *بررسی و تأیید محل برگزاری اردو.*
8. *صدور ابلاغ و حکم مأموریت عوامل اجرایی شرکت کننده در اردو.*
9. *استفاده از عوامل اجرایی دوره دیده برابر ضوابط و مقررات اردویی.*
10. *در اختیار قرار دادن امکانات موردنیاز برای برگزاری اردوها.*
11. *نظارت و ارزیابی عملکرد برگزاری اردو.*
12. *بررسی عوامل و موانع برگزاری اردو.*
13. *تهیه و تنظیم گزارش عملکرد اردو.*

***جدول شماره (4) اردوهای فرامدرسه ای***

******

***توجه :***

***1.*** *همکاری ستاد وزارت آموزش و پرورش با تشکل ها، سازمانها و نهادهای خارج از آموزش و پرورش بر مبنای تفاهم نامه ای خواهد بود که با حوزه ستاد مربوطه تنظیم شده است.*

***٢.*** *در برنامه های فوق الذکر مسئولیت حسن اجرا و رعایت قوانین و مقررات اردویی و اعزام دانش آموزان به عهده دستگاه یا نهاد متولی (متقاضی برگزاری اردو) است.*

***فصل چهارم : ضوابط و مقررات مالی و اداری***

***1. منابع مالی***

*۱٫۱. اعتبارات مورد نیاز اردوها از منابع زیر تأمین می شود:*

1. *اعتبارات ستادی، استانی و منطقه ای آموزش و پرورش*
2. *مشارکت اولیای دانش آموزان*
3. *کمک های خیرین، دستگاه ها، سازمانها و نهادهای برون سازمانی*
4. *منابع پیش بینی شده در ماده 11 قانون شوراهای آموزش و پرورش،*

***تبصره ۱:*** *منابع مالی اردوهای مدارس غیر دولتی مطابق قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز غیر دولتی مصوبه 14/09/95 مجلس شورای اسلامی است. و نیز با رعایت آیین نامه اجرایی مدارس و شیوه نامه مالی مدارس است.*

***تبصره ۲:*** *نهادها، تشکل ها و سایر دستگاه های دولتی و غیر دولتی خارج از آموزش و پرورش که متقاضی برگزاری اردوی دانش آموزی هستند، موظفند نسبت به تأمین اعتبارات لازم برای برگزاری اردو از محل منابع مالی خود اقدام نمایند.*

***تبصره ۳:*** *هزینه های مربوط به برگزاری اردوهای مشترک توسط وزارت آموزش و پرورش و سایر نهادها و تشکل های دانش آموزی به تناسب و حسب توافق طرفین، تأمین و پرداخت خواهد شد.*

***تبصره 4:*** *مناطق آموزش و پرورش موظفند اعتبار موردنیاز برگزاری اردوهای متمرکز منطقه ای را برآورد نموده و به اداره كل آموزش و پرورش استان اعلام نمایند تا متناسب با منابع موجود پیش بینی لازم برای درج در بودجه سالیانه در حد مقدور به عمل آید.*

*2.1. گرفتن هر گونه وجهی بابت هزینه گردش های علمی، تفریحی و تربیتی باید متناسب با هزینه های مربوط و توان پرداخت خانواده ها باشد و پس از موافقت انجمن اولیا و مربیان مدرسه انجام گیرد.*

*2.2. وجوه دریافتی از دانش آموزان یا اولیا طبق مصوبه انجمن اولیا و مربیان بایستی به حساب مدرسه واریز شود و سپس با مصوبه شورای مالی مدرسه برای هرینه های برگزاری اردو مصرف شود.؟*

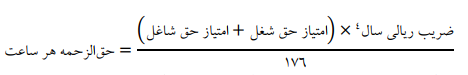
***٢. نحوه پرداخت حق الزحمه***

1. *برای عوامل اجرایی اردو، ابلاغ و حكم مأموریت صادر می شود. تبصره: هر نوع اردوی دانش آموزی که توسط مدرسه اعم از دولتی و غیردولتی و مراکز آموزشی و پرورشی و ورزشی برگزار می شود، مطابق با مقررات، می بایست برگه مأموریت یا ابلاغ صادر شود. (پیوست شماره ۱۲)*
2. *پرداخت فوق العاده مأموریت و حق الزحمه عوامل اجرایی اردوها (سرپرست، مربیان و سایر عوامل) مطابق ضوابط مربوط توسط دستگاه های اعزام کننده و از محل اعتبارات پیش بینی شده، قابل پرداخت می باشد."*

***تبصرہ:*** *پرداخت حق الزحمه عوامل اجرایی اردو تا زمان تصویب آیین نامه حق الزحمه ها در مراجع ذیصلاح، تابع ضوابط فوق است.*

1. *نحوه محاسبه و پرداخت حق الزحمه عوامل اجرایی و فنی فعالیت های ورزشی، مسابقات قرآن و فرهنگی و هنری تابع ضوابط و مقررات اختصاصی است.*
2. *نحوه محاسبه مبلغ حق الزحمه عوامل اجرایی به شرح ذیل است:*

***نحوه محاسبه مبلغ حق الزحمه عوامل اجرایی برگزاری اردوی دانش آموزی در مراکز آموزشی و پرورشی***

**

***تبصره ۱:*** *مبلغ حق الزحمه روزانه سرپرست اردو ۲۰% بیشتر از حق الزحمه فوق است.*

***تبصره ۲:*** *مبلغ حق الزحمه عوامل اجرایی اردوها در روزهای تعطیل، ۲۰% بیشتر از حق الزحمه فوق خواهد بود.*

***تبصره 3:*** *حداکثر ساعات حق الزحمه در یک روز دوازده ساعت خواهد بود.*

***تبصره 4:*** *در اردوهایی که با بیتوته همراه هستند؛ بابت هر شب، معادل 6 ساعت حق الزحمه منظور خواهد شد. این مبلغ برای زمان های تعطیل، تفاوتی ندارد.*

***تبصره 5:*** *حق الزحمه عوامل اجرایی مدارس غیر دولتی، تابع قانون تأسیس و اداره مدارس، مراکز آموزشی و پرورشی غیر دولتی و دستورالعمل ها و آیین نامه های مربوط خواهد بود.*

***تبصره 6:*** *در سایر نهادها و دستگاه های دولتی دارای ضوابط و مقررات مالی خاص، پرداخت حق الزحمه عوامل اجرایی اردوها، مطابق مقررات دستگاه مربوط خواهد بود.*

***تبصره ۷:*** *بدیهی است پرداخت فوق العاده مأموریت روزانه (حق مأموریت عوامل اجرایی منطقه، استان و ستاد، مطابق ضوابط و مقررات آیین نامه مأموریت با رعایت قوانین و مقررات اداری و مالی انجام می شود؟*

***یادآوری:*** *پرداخت حق الزحمه عوامل اجرایی فعالیت اردوها منوط به رعایت ماده ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری می باشد.*

***۳ ٣. نحوه هزینه کرد***

*۱٫۳. سرپرست اردو موظف است پس از اتمام برنامه اردو حسب نوع اردو، گزارش مالی را به صورت مکتوب و به*

*همراه اسناد و مدارک مثبته به مبادی ذیربط ارائه نماید.*

*۲٫۳. تنظیم نمون برگ هزینه های برنامه اردو توسط آموزش و پرورش تابع ضوابط و مقررات مربوطه خواهد بود.*

***فصل پنجم:***

*ارزیابی برنامه های اردویی همچون سایر فعالیت های پرورشی نیازمند ارزیابی دقیق هستند؛ لذا جهت دستیابی به این هدف اجرای موارد ذیل الزامی است:*

1. *نظارت بر اجرای مطلوب و اثر بخش اردوها و رعایت قوانین و مقررات، به عهده معاونت پرورشی در تمام سطوح خواهد بود.*
2. *نظارت بر اردوی مدرسه ای و ارزشیابی از آن، توسط مدیر و با مشارکت شورای مدرسه و انجمن اولیا و مربیان مدرسه صورت می گیرد.*
3. *نمون برگ نظر خواهی از دانش آموزان و عوامل اجرایی مطابق با برنامه های پیش بینی شده در اردو توسط سرپرست تهیه گردد.*
4. *پس از اجرای برنامه، مطابق جامعه آماری استاندارد، نمون برگ ها در اختیار دانش آموزان و عوامل اجرایی اردو قرار گرفته و بعد از تکمیل، جمع آوری گردد.*
5. *نتایج نظر سنجی بر اساس نمون برگ های جمع آوری شده استخراج و مورد تجزیه و تحليل قرار گیرد.*
6. *گزارش نهایی ارزیابی به همراه تعدادی از نمون برگهای تکمیل شده دانش آموزان و عوامل اجرایی توسط سر پر ست برنامه به مرجع صادر کننده مجوز اردو ارائه گردد.*
7. *علاوه بر ارزیابی سرپرست، ارزیابی از اردوهای مدارس توسط مناطق، و ارزیابی از اردوهای مناطق، توسط استان و حتی المقدور در برخی از اردوها از طریق اعزام نماینده انجام گیرد.*
8. *ارزیابی اردو با جمعیت شرکت کننده برای کمتر و مساوی 40 نفر، به صورت ارزیابی درونی توسط متولی برنامه و برای جمعیت بالای 40 نفر به صورت ارزیابی درونی و برونی ضروری است. مسئولیت ارزیابی درونی بر عهده سرپرست اردو است و مسئولیت ارزیابی برونی بر عهده صادر کننده مجوز اردو بوده که با همکاری سرپرست اردو انجام می شود.*
9. *موضوعات مورد ارزیابی عبارت اند از:*

* *فرآیند برگزاری و اجرای محتوای اردو*
* *محل برگزاری اردو و محل استقرار دانش آموزان*
* *وسیله نقلیه*

*10-علاوه بر ارزیابی های فوق الذكر ارزیابی اختصاصی فعالیت ها توسط معاونت ها، سازمان ها، نهادها و تشکل های دانش آموزی متقاضی اردو، در صورت نیاز و صلاحدید خود انجام می شود.*

*11-هر گونه عدول از مقررات و مفاد آیین نامه اردوهای دانش آموزی و شیوه نامه های مربوط از سوی برگزار کنندگان و عوامل اجرایی اردو، تخلف محسوب می شود و با متخلفان، حسب قانون و مقررات مربوط، توسط مراجع ذی ربط رفتار خواهد شد.*

**مقدمه**

معلم خوب بودن هنری است آموختنی و هیچ معلم برجسته ای از مادر معلم متولد نشده است. امروزه روانشناسی تربیتی توانسته است به معلمان در امر پرورش کمک زیادی بکند. روانشناسی تعلیم و تربیت را تغییر داده است و معنای جدیدی به یادگیری بخشیده است. امروزه در دوران مدرن، روانشناسی تربیتی یا پرورشی پایه و اساس آموزش است و ارتباط آن با آموزش و یادگیری بر همگان مشخص است به طوری که باعث تعجب خواهد بود که یک معلم بتواند بدون دانش روانشناسی تربیتی خوب تدریس کند.

موضوعات مورد مطالعه روانشناسی تربیتی گسترده اند و زمینه های گوناگونی را دربرمیگیرند. نظریهه ای یادگیری، ویژگی های روانشناختی و رشدی دانش آموزان، مدیریت کلاس درس، طراحی آموزشی، روش ها و راهبردهای تدریس، انگیزش، هوش و خلاقیت و سنجش تحصیلی از جمله موضوعاتی هستند که در روانشناسی تربیتی به آن ها پرداخته شده است.

با توجه به اهمیت روانشناسی تربیتی در آموزش و پرورش، در این نوشتار سعی شده است برخی از مسایل و موضوعات کاربردی و عملی روانشناسی تربیتی به صورت بسیار خلاصه و با زبانی ساده در اختیار شما قرار داده شود تا با مطالعه و تأمل در این موضوعات و فراهم شدن زمینه ای برای ادامه مطالعه در این حوزه، معلم حرفه ای تری گردیده و بهتر و عالمانه تر به آموزش بپردازید. با توجه به محدودیت تعداد صفحات، به برخی از موضوعات در حد یک پاراگراف بسنده شده است که این نپرداختن فقط به علت محدودیت است نه کم اهمیت بودن این موضوعات. علاقمندان به مطالعه در زمینه روانشناسی تربیتی می توانند برای مطالعه بیشتر به کتاب های معرفی شده در قسمت کتاب نامه مراجعه کنند.

**تعریف روانشناسی**

روانشناسی را به عنوان علم مطالعه رفتار ارگانیسم ها تعریف می کنند. در این تعریف سه واژه وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرند(1) علم، (2) رفتار و (3) ارگانیسم.

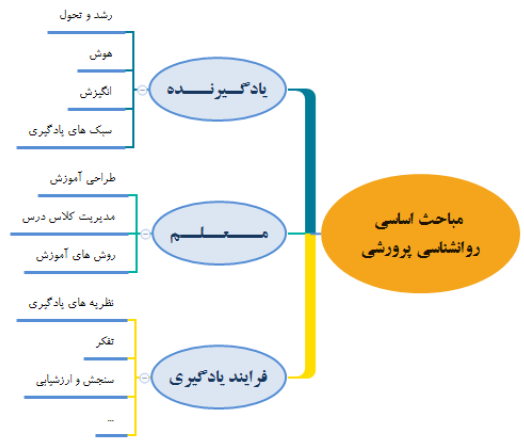
امروزه روانشناسی یک علم در نظر گرفته می شود زیرا داده های خود را از مشاهدات نظام دار کسب می کند. رفتار نیز که موضوع اصلی مورد مطالعه روانشناسی علمی است به هر نوع فعالیت مورد مشاهده جاندار اطلاق می گردد. رفتار سه بعد دارد: فرایندهای شناختی که به افکار فرد اشاره دارند؛ حالات عاطفی که به احساس فرد برمی گردند و اعمال که به آنچه فرد انجام می دهد اشاره می کنند. ارگانیسم به هر موجود زنده ای اطلاق می شود. بنابراین علاوه بر رفتار انسان ها، روانشناسی مجاز است که به مطالعه رفتار سگ، موش، کبوتر و میمون و سایر جانوران نیز بپردازد. هنگامی که از حیوانات در آزمایش ها استفاده می شود، هدف ضمنی این است که با مطالعه فرآیندهای اساسی مانند یادگیری و انگیزش در حیوانات، به درک ما از رفتار انسان کمک شود.

روانشناسی معاصر، مانند سایر علوم چهار هدف آشکار دارد: (1) توصیف، (2) تبیین، (3) پیش بینی و (4) به بیان » تبیین « بیان دقیق و روشن پدیده ها و یا چیستی آنهاست. در » توصیف « کنترل رفتار. منظور از چرایی پدیده ها پرداخته می شود. البته بیان علت یا همان تبیین پدیده هایی که مربوط به انسان هستند نسبت به پدیده های فیزیکی بسیار مشکل است. مهم ترین دلیل دشواری این است که پدیده های روان شناختی تحت تأثیر علت های زیادی هستند؛ در حالی که در علوم دیگر این گونه نیست . اگر توصیف و تبیین دقیقی از رفتار صورت گرفته باشد می توانیم به پیش بینی رفتار آینده بپردازیم و همچنین رفتارهای فرد را کنترل کنیم.

آغاز روانشناسی علمی را معمولاً مقارن با تأسیس نخستین آزمایشگاه روانشناسی توسط ویلهم وونت در دانشگاه

لایپزیک آلمان به سال 1879 می دانند. از آن سال به بعد، روان شناسی، با شتاب بسیار و به مدد روش های نوین، درکشورهای مختلف رشد یافته است

**تعریف روانشناسی تربیتی**

از به هم پیوستن دو رودخانه تعلیم و تربیت و روانشناسی، روانشناسی تربیتی به وجود آمده است که به بررسی کاربرد اصول و یافته های روانشناسی در موقعیت های آموزش می پردازد. به عبارت دیگر، روانشناسی تربیتی یکی از شاخه های روانشناسی است که به مطالعه ویژگیهای یادگیرنده، شرایط یادگیری، و روشهای آموزش می پردازد. روانشناسی تربیتی )پرورشی( یک نظام مستقل است با نظریه ها، روش های پژوهشی و مسائل و فنون مخصوص به خودش .

**مباحث اساسی روانشناسی پروزشی**

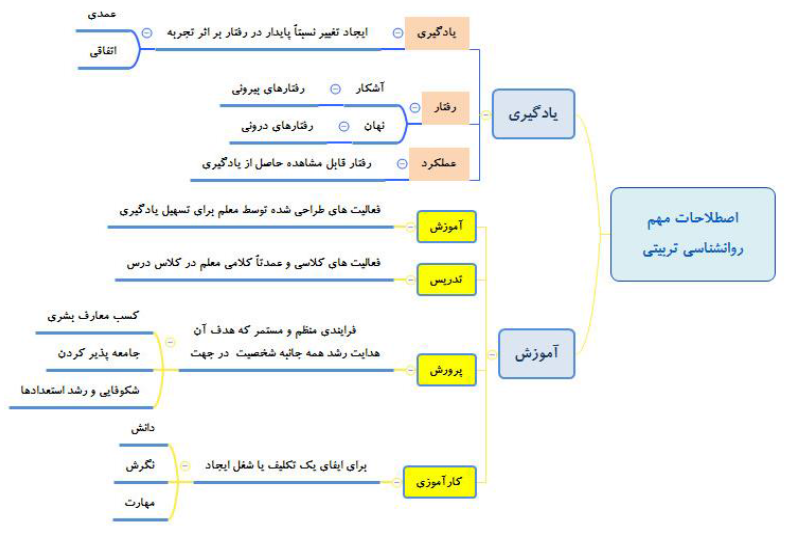
روانشناسی تربیتی به معلمان کمک میکند تا ویژگیهای دانش آموزان خود را بهتر بشناسند، ماهیت یادگیری و چگونگی شکل گیری آن را درک نمایند، روشها و فنون موثر آموزش و کلاسداری را فرا بگیرند و راه های کمک به رشد و یادگیری شاگردان خود را بیابند. روانشناسی تربیتی دانش خود را از نظریه ها و پژوهش های روانشناسی و تجربه های کاری و عملی معلمان می گیرد و در این راستا دو هدف کلی را دنبال می کند:

1. چگونه دانش آموزانی پرورش دهیم که یادگیرندگان موفق و ماهری باشند؟
2. چگونه معلمانی پرورش دهیم که اثربخش و موفق باشند؟

**اصطلاحات مهم حوزه روانشناسی تربیتی**

**یادگیري**: ایجاد تغییر نسبتا پایدار در رفتار بالقوه یادگیرنده، مشروط بر آن که این تغییر بر اثر تجربه اتخاذ شده باشد . ویژگی های مهم این تعریف عبارتند از:

1. تغییر: تغییر به این معناست که موجود زنده از حالت قبل از کسب تجربه به حالت جدید تغییر کند . ما در طول زندگی میتوانیم در اثر تجارب یادگیری در حال تغییر باشیم . بنابراین افرادی که در طول زندگی فرصت های یادگیری و کسب تجربه دارند بیش از کسانی که در زندگی فرصت های کمی دارند و زندگی یکنواختی را میگذرانند، تغییر میکنند . تغییر بر دو نوع است : تغییر پیچیده مانند کسب مهارت رانندگی، دوچرخه سواری و...، تغییر ساده مانند حفظ کردن یک شماره تلفن.
2. تغییر نسبتاً پایدار: تغییراتی که در اثر عوامل انگیزشی، هیجان، خستگی، انطباق حسی )مثل بسته شدن مردمک چشم در اثر رفتن گرد و خاک در آن ( به سرعت از بین می روند، در ردیف یادگیری نیستند. کسی که در ابتدای روز با انرژی است و سریع کار میکند و بعد خسته می شود، یادگیری در او اتفاق نیفتاده است .
3. تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه : تغییر باید در توانائی های فرد اتفاق بیفتد، نه در رفتار ظاهری. بنابراین یادگیری نوعی توانائی است. رفتار بر دو نوع است : )الف( رفتار آشکار که قابل مشاهده است مانند: نوشتن، راه رفتن و ... ، )ب( رفتار نهان که قابل مشاهده نیست اما فقط از طریق رفتار آشکار به آن پی می بریم . مانند تفکر ، یادآوری و ... .
4. تغییرات نسبتاً پایدار که بر اثر تجربه ایجاد شده باشد: منظور از تجربه این است که محرکی )بیرونی یا درونی( در یادگیرنده اثر بگذارد . به نحوی که رفتار وی در طی مدتی که محرک موثر است در مقایسه با قبل از تاثیرگذاری محرک تغییر کند اما در اثر انگیزش و هیجان، مصرف داروها، خستگی، و رشد )نوجوانی ، میانسالی ، پیری و … ( یادگیری محسوب نم یشود .



**اصطلاحات مهم روانشناسی تربیتی**

**آموزش**: آموزش فعالیت هایی است که با هدف آسان ساختن یادگیری از سوی معلم طرح ریزی می شود و بین آموزگار با یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل جریان می یابد.

**تدریس:** فعالیت های کلاسی معلم است که در حضور دانش آموزان و غالباً به صورت کلامی انجام می شود.

**پرورش**: فرایندی منظم و مستمر که هدف آن هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان است.

**کارآموزي**: گسترش نگرش، دانش، مهارت و الگوهای رفتاری مورد نیاز یک فرد برای انجام عملکرد مناسب در یک تکلیف یا شغل معین.

**مجموعه دانش حرفه اي مورد نیاز معلمان**

پژوهش های روانشناسی تربیتی نشان داده اند که معلمان موفق باید دارای چهار نوع دانش باشند که این دانش ها عبارتند از:

الف( دانش محتوای درس: منظور از دانش محتوای درس، شناخت و تسلط معلم بر موضوعی است که درس می دهد. معلم اگر موضوعی را به خوبی یاد نگرفته و نفهمیده باشد نمی تواند آن را به دیگران آموزش دهد. معمولاً دانش محتوا، در دوران تحصیلی معلم در دانشگاه کسب می شود؛ به همین دلیل معلمانی موفق ترند که درس هایی را که تدریس می کنند، در زمره درس هایی باشند که در دانشگاه گذرانده اند .

ب( دانش آموزش گری: منظور از دانش آموزش گری، چگونه ارائه دادن مطالب به راه هایی است که برای یادگیرندگان قابل درک باشد و همچنین دانش این که چه چیزی موجب آسان و سخت شدن موضوع های مختلف برای یادگیری می شود. دانش محتوا و دانش آموزش گری بسیار به هم نزدیک ولی از هم متفاوت اند. به عنوان مثال دانش اینکه اعداد کسری چگونه در هم ضرب می شوند )دانش محتوا(، با دانش اینکه چگونه این مطلب را به دانش آموزان توضیح و آموزش داد، کاملا باهم متفاوت و متمایزند .

ج( دانش مربوط به یادگیرندگان: دانش حرفه ای دیگر موردنیاز معلمان، دانش مربوط به یادگیرندگان است. معلمان موفق نیاز دارند دانش آموزان خود را از هر لحاظ، به ویژه از لحاظ رشد و توانایی شناختی بشناسند. لازم است معلمان، آموزش خود را به گونه ای طراحی کنند که برای دانش آموزان سن های مختلف، قابل استفاده باشند. از این رو داشتن اطلاعات جامعی درباره روانشناسی رشد، به معلمان کمک زیادی می کند .

د( دانش مربوط به یادگیری: دانش یادگیری، به معلم کمک می کند تا شرایط، ماهیت، روشها و فنون یادگیری را بفهمد و در بهتر یادگرفتن مطالب، به یادگیرندگان خود کمک کند. معلمان موفق از این که یادگیری چگونه رخ می دهد و چه اقداماتی را باید انجام دهند تا یادگیری بهتر رخ دهد، درک کاملی دارند .

همانطور که گفته شد، از میان این چهار دانش، فقط دانش محتوای درس است که در ضمن تحصیلات باید کسب شود و برای یادگیری دانش های دیگر باید با روانشناسی تربیتی کاملا آشنا بود و از آن به صورت مرتب کمک گرفت .

**آموزش اثربخش**

آموزش اثربخش مستلزم داشتن معلمانی کارآمد است که دارای مهارت و دانش حرفه ای، تعهد، بوده و به طور مداوم به دنبال رشد و توسعه حرفه ای باشند. هر کدام از ویژگی های آموزش اثربخش یا معلمان کارآمد دارای چند مؤلفه است که در زیر آمده است.

**الف- مهارت ها و دانش هاي حرفه اي معلم**

1. تسلط بر مطالب مورد تدریس
2. راهبردهای آموزشی
3. مهارت های هدف گذاری و برنامه ریزی آموزشی
4. مهارت های انگیزشی
5. مهارت های ارتباطی
6. مهارت های کنار آمدن با دانش آموزان مختلف
7. مهارت های تکنولوژیکی

**ب- تعهد**

1. دلسوزی و علاقه به کار خود
2. مسئولیت پذیری

**پ- رشد و توسعۀ حرفه اي**

1. رشد و توسعه حرفه ای
2. مشورت با معلمان با تجربه
3. متوقف نکردن یادگیری
4. فراهم کردن منابع خوب و جلب حمایت دیگران

راهبردهای آموزشی، مهارت برنامه ریزی و طراحی آموزش، مهارت های انگیزشی و ارتباطی و مهارت های کنار آمدن با دانش آموزان مختلف ) مواجهه صحیح با تفاوت های فردی) و مهارتهای فناورانه جزو دانش های قابل اکتساب هستند که در روانشناسی تربیتی و یا سایر علوم تربیتی به آن ها پرداخته شده است. تعهد از طریق کسب نگرش های سالم در طول زندگی و همگام با تکوین سایر ویژگی شخصیتی حاصل می شود.

**راهبردها و روش هاي آموزشی**

در زمینه راهبردها و روش های آموزشی، اصطلاحاتی وجود دارد که بهتر است با تعریف آن ها آشنا شویم و هر کدام را در جای خودش به کار ببریم.

**الگوي آموزشی** : الگوی آموزشی یک چهارچوب نظری است که به مبانی فلسفی و روانشناختی آموزش و یادگیری می پردازد. در بین اصطلاحات آموزشی، الگو کلی ترین اصطلاح است که بقیه اصطلاحات را در درون خود جای می دهد. مثال: الگوی خبرپردازی ؛ اجتماعی – فردی ؛ سازندگی ، نظام های رفتاری.

**راهبرد آموزشی** : در درون هر الگوی آموزشی می توان از چندین راهبرد استفاده کرد. راهبرد رویکرد معلم را در رسیدن به هدف های آموزشی تعیین می کند. در واقع راهبرد مسیر رسیدن به هدف های آموزشی است. هر راهبرد اغلب به یک نظریه خاص مربوط است ولی می تواند به چند نظریه هم مرتبط باشد. انتخاب راهبرد آموزشی از سوی معلم بستگی به برنامه درسی، نوع هدف های آموزشی، دانش و تجارب پیشین دانش آموزان، سبک های یادگیری، سطح رشدی یادگیرندگان دارد. چند نمونه از راهبردهای آموزشی: آموزش مستقیم، آموزش غیر مستقیم، آموزش تعاملی، یادگیری از طریق تجربه، مطالعه مستقل.

**روش آموزشی** : روش آموزشی تعیین کننده ماهیت فعالیت معلم و شاگرد در رسیدن به هدف هاست. معلم به کمک یک روش آموزشی شرایط یادگیری را برای دانش آموزان فراهم می کند. هر چه معلم در انتخاب روش آموزشی دقت بیشتری نماید یادگیرندگان در شرایط بهتری قرار گرفته و بهتر یاد می گیرند. مثال: سخنرانی، یادگیری مشارکتی، شبیه سازی، کاوشگری.

**فن آموزشی )مهارت آموزشی):** فن آموزشی یک عمل مشخص معلم در ضمن فرایند آموزش است و می توان آن را به عنوان جزء واحدی از فرایند تدریس به حساب آورد. فن آموزشی به جزئی ترین فعالیت معلم اشاره می کند. فنون آموزشی فعالیت های مستقلی هستند که به راهبرد یا روش آموزشی خاصی تعلق ندارند. مثال: پرسیدن سوال، توضیح دادن، ارزشیابی، ارائه مطلب، روشنی بیان.

روش های آموزش در دو دسته کلی روش های معلم-محور و یادگیرنده-محور قرار می گیرند. در دنباله مطلب از دسته اول روش سخنرانی و از دسته روش های یادگیرنده-محور، روش مشارکتی مورد بررسی قرار میگیرند.

**آموزش به کمك سخنرانی**

روش آموزش )تدریس( به کمک سخنرانی آن دسته از فعالیت های کلاسی معلم است که برای گروه انجام می گیرد و عمدتاً جنبه کلامی دارد. در روش سخنرانی فعالترین عضو در کلاس درس معلم است. او سخنرانی میکند، راه میرود و از حرکات سر و دست استفاده می کند، سوال میپرسد، و مطالبی روی تخته می نویسد، شکل یا نمودار می کشد و فعالانه تلاش میکند اطلاعات را به یادگیرندگان منتقل نماید.

**موافقان و مخالفان روش سخنرانی**

مخالفان روش سخنرانی عقیده دارند که این روش وقتی مفید بود که مواد چاپی وجود نداشت و اکنون که کتاب ها فراوانند و همه قادر به خواندن ، دیگر نیازی به استفاده از روش سخنرانی نیست. آنان معتقدند که در روش سخنرانی معلم متکلم وحده است و شاگردان چندان فعال نیستند و به تفاوت های فردی آنان توجه نمی شود. مدافعان این روش به محاسن این روش توجه کرده و به مواردی اشاره می کنند که چارهای جز به کارگیری روش سخنرانی نمی باشد. برای مثال، کاربرد این روش در کلاس های پرجمعیت، دانش آموزانی که از طریق خواندن خوب یاد نمی گیرند، ایجاد شور و حرارت بیشتر سخنرانی نسبت به خواندن، ارزان بودن و امثال اینها، از دلایل این گروه می باشد.

بهر حال با توجه به انتقادهای فراوان و کاربرد زیاد روش سخرانی نباید اینگونه پنداشت که باید روش سخنرانی را کنار گذاشت یا همیشه از آن استفاده کرد، بلکه باید مواردی را که استفاده از روش سخنرانی مفید است از مواردی که استفاده از سایر روشها مفیدتر است، مشخص نمود.

**روش سخنرانی در مورد زیر مفید است:**

1. وقتی هدف اصلی معلم انتقال معلومات است.
2. موقعی که مطالب سخنرانی به طریق دیگری دردسترس یادگیرندگان نیست.
3. زمانی که مطالب پراکنده اند و معلم باید آنها را مرتب کرده ، سازمان دهد ، و در اختیار یادگیرندگان بگذارد.
4. وقتی که نگهداری مطالب برای مدتی طولانی لازم نیست.

**مراحل روش سخنرانی**

روش سخنرانی دارای چهار مرحله است که این مراحل عبارتند از:

1. مرحله اول: آمادگی برای سخنرانی؛ در این مرحله باید سخنران از سه نظر ایجاد آمادگی نماید که شامل آمادگی از نظر تجهیزات، آمادگی عاطفی و آمادگی از نظر زمان می باشد.
2. مرحله دوم: مقدمه سخنرانی؛ از مقدمه به منظور ایجاد رابطه بین معلم و شاگرد، جلب توجه شاگردان، نشان دادن مندرجات و مضامین اساسی و به فعالیت و جبنش در آوردن اطلاعات و تجربیات شاگردان استفاده می شود.
3. مرحله سوم: متن و محتوای سخنرانی؛ متن سخنرانی قسمت اصلی و بسیار مهم سخنرانی را تشکیل می دهد.
4. مرحله چهارم: جمعبندی و نتیجهگیری؛ معلم با کمک دانش آموزان جمعبندی مناسبی از محتوایی که آموزش داده شد را ارائه می نمایند.

**فنون آموزشی روش آموزش با کمك سخنرانی**

1. توضیح دادن: که مهمترین ویژگی آموزش با روش سخنرانی میباشد گامی فراتر از ارائه صرف دانش و معلومات است و به بیان علت رویدادها، روابط میان مفاهیم و اندیشه ها، و توصیف و تشریح فرآیندها اشاره می کند.
2. روشنی بیان: روشنی بیان یعنی استفاده از زبانی ساده، مستقیم و سازمان یافته برای بیان مفاهیم.
3. پرسیدن: پرسیدن سوال یکی از فنونی است که معلم می تواند به کمک آن دانش آموزان را از حالت انفعالی خارج سازد و به وارسی درک دانش آموزان بپردازد.
4. شوخ طبعی: استفاده از طنز در تدریس میزان توجه و یادگیری دانش آموز را افزایش می دهد.
5. شور و شوق سخنران: آزمایش های مختلف نشان داده اند که شاگردان مطالبی را که با ذوق و شوق ارائه شده است، بیشتر آموخته اند. حرکت و جنب و جوش معلم به هنگام آموزش نشان دهنده شور و شوق یا اشتیاق یا علاقه او به کار خود و پیشرفت دانش آموزانش است؛ و این خود یکی از عوامل بالا برنده سطح اثر بخشی آموزش معلم شناخته شده است.

**یادگیري مشارکتی**

یادگیری مشارکتی یک راهبرد موفقیت آمیز در تدریس است که در آن دانش آموزان دارای سطوح توانایی های مختلف در قالب تیم های کوچک از گسترهای از فعالیت های یادگیری استفاده می کنند تا درک خود را از موضوع بهبود بخشند. بسیاری از نظریه های اصیل یادگیری مشارکتی به شدت تحت تاثیر اصول روانی- اجتماعی اند. اصل کلی زیر بنای این نظریات هم وابستگی است.

هم وابستگی حالتی است که هدف اعضای گروه با یکدیگر تحقق پیدا میکند. هم وابستگی میتواند مثبت یا منفی باشد. در یک بافت رقابتی وقتی یک فرد به هدف میرسد سایر شرکت کنندگان نمی توانند به هدف برسند. این امر هم وابستگی منفی نامیده می شود. برای مثال وقتی فردی در یک کلاس دبیرستان شاگرد اول میشود، شانس انتخاب شدن را از دیگران می گیرد، زیرا فقط یک نفر می تواند این افتخار را دریافت نماید. وقتی یک فرد موفق میشود دیگران باید شکست بخورند. این اساس رقابت است. بر عکس در یک بافت مشارکتی هیچ فردی نمی تواند به هدف برسد مگر این که دیگران نیز برسند. این امر هم وابستگی مثبت نامیده می شود. موفقیت گروه وابسته به موفقیت تک تک اعضای گروه است. یک تیم فوتبال مثالی از گروه هم وابسته اشتراکی است. هیچ فردی در تیم موفق نمی شود مگر این که دیگران نیز موفق شوند.

**مولفه هاي اصلی یادگیري مشارکتی**

1. مسئولیت پذیری فردی
2. تعامل چهره به چهره
3. مهارت های بین فردی و کار در گروه های کوچک
4. تشکیل گروه های نامتجانس
5. هم وابستگی

**تفاوت تیم با گروه**

ابداع کنندگان روشهای یادگیری مشارکتی، بین گروه و تیم تمایز قائل می شوند، در این باره اظهار می کنند ویژگی اصلی آموزش مشارکتی که آن را از فعالیتهای گروهی متمایز میکند، این است که در آن **هم فرد و** **هم گروه در یادگیري موفق** می شوند. این نوع آموزش از یادگیری محتوا و مهارتهای تحصیلی فراتر میرود و به هدف های مهم اجتماعی توجه می کند. هر چند یادگیری مشارکتی ظاهراً شبیه یادگیری در گروه های کوچک است که در بسیاری از کلاس ها مرسوم بوده است، ولی این دو اساساً تفاوت زیادی دارند. این تفاوت را می توان از مقایسه نکات عمده این دو روش استنباط کرد. این تفاوت ها را در قالب جدول زیر خلاصه شده است.

|  |  |
| --- | --- |
| **تفاوت هاي عمده یادگیري در گروههاي همیار )مشارکتی ( و یادگیري در گروه هاي کوچك** | |
| **یادگیري در گروه همیار** | **یادگیري در گروههاي کوچك** |
| همبستگی مثبت: یا غرق می شویم یا همه با هم شنا  میکنیم! کنش کلامی متقابل | بدون همبستگی: دانش آموزان اغلب مستقل و انفرادی کار  میکنند و گهگاه نتیجه کار آنها به وسیله دانش آموزان دیگر کنترل می شود. |
| مسئولیت فردی قوی است: هر فرد خود را مسئول میداند که موضوع درسی را به خوبی مطالعه کند و بر آن تسلط یابد. | مسئولیت فردی ضعیف است: برخی از دانش آموزان می خواهند بخش اعظم کار گروهی و یا اصولاً تمام کار را به عهده دانش آموزان دیگر بگذارند. |
| آموزش مهارت ها: معلم رفتارهای اجتماعی دانش آموزان را تحت نظر دارد. | عدم مشاهده رفتار: مشاهده مستقیمی از رفتارهای دانش آموزان وجود ندارد. در این روش معلم معمولاً با دانش آموز دیگر کار می کند یا مشغول تنظیم برنامه جلسه آینده خود است. |
| باز خورد: ارائه بازخورد و بحث درباره رفتارهای گروهی  دانش آموزان با دقت انجام می شود. | باز خورد کلی : درباره نحوه همکاری دانش آموزان با هم بحث به میان نمی آید و جز اظهار نظرهای کلی بازخوردی داده نمی شود. |

**فواید یادگیري مشارکتی**

تحقیقات بسیار زیادی به مقایسه روش یادگیری مشارکتی با سایر روش های تدریس سنتی پرداخته اند و مشخص شده است که روش یادگیری مشارکتی در برخی از زمینه ها از جمله میزان یادداری و تفکر سطح بالا و همچنین نگرش و انگیزش دانش آموزان بر روشهای سنتی )سخنرانی( برتری دارد. البته نتایج مثبتی که در اینجا ذکر شدهاند بدون طراحی و اجرای دقیق به دست نمی آیند.

**نقش معلم در یادگیري مشارکتی**

نقش معلم مولفه ای کلیدی در یادگیری کلاسی است. هر چند روش های یادگیری مشارکتی نوعا دانش آموز محور هستند ولی باز هم معلم در طول کار مشارکتی وظایف متعددی بر عهده دارد. در جدول زیر نقش های معلم در طول کار مشارکتی بیان شده اند:

**ارائه تکلیف**

بعد از ارائه درس با هر روشی برای تکمیل فرایند آموزش بهتر است تکالیفی برای دانش آموزان در نظر گرفت. آشنایی با انواع تکالیف به معلم کمک خواهد کرد که بهتر این کار را انجام دهد. تکالیف درسی بسیار متنوع اند و هدف های گوناگونی را برآورده می سازند. آشنایی با تکالیف مختلف درسی به معلمان در تعیین فعالیت های یادگیری دانش آموزان و دادن تکالیف متنوع به آنان حق انتخاب بیشتری می دهد.

**انواع تکلیف از نظر محتوا**

* **تکالیف مرور و تمرین:** این نوع تکالیف قدیمی ترین و رایج ترین تکالیف درسی در مدارس هستند. معمولاً به صورت مرور شفاهی و یا کتبی و جهت تثبیت یادگیری به روش تکرار و تمرین انجام می گیرند. این تکالیف در صورت کثرت استفاده ملال انگیز و خسته کننده است. لذا ازاین نوع تکالیف در حد و اندازه خود باید استفاده کرد و پیشنهاد می شود عمده این گونه تکالیف در مدرسه انجام گیرد .
* **تکالیف آماده سازي و آمادگی:** این گونه تکالیف بیشتر برای درس های روزهای بعد به کار می رود؛ تکالیفی که به منظور آماده شدن مورد استفاده قرار می گیرند از دانش آموزان می خواهند تا خودشان را برای یک درس تازه آماده کنند به دانش آموزان مقداری اطلاعات زمینه ای و مطالبی را که قرار است درباره آنها در کلاس بعد شود داده میشود دانش آموزان ممکن است با تعدادی سوال درباره آن چه خوانده اند وارد کلاس شوند. مثلاً اگر قرار است هفته آینده درس گیاهان تدریس شود شما می توانید از پیش به دانش آموزان خود بگویید که بخش گیاهان را ورق بزنند یا این که تعدادی برگ یا دانه گیاهان را جمع آوری کرده، به کلاس درس بیاورند.
* **تکالیف بسطی و امتدادي** : این نوع تکالیف شاگردان را از سطح کلاس بالاتر می برد و دانش و مهارت و تجربه آن ها را توسعه می دهد. این تکالیف می تواند به صورت پروژه به دانش آموزان ارائه شود. مثلاً به دانش آموزانی گفته شود که در کتابخانه کتابی درباره سنگ ها پیدا کنند و قسمت هایی از آن را به کلاس ارائه دهند
* **تکالیف خلاقیتی : ا**ین تکالیف دانش آموزان را وادار می کند به روش و از راه جدیدی کاری را انجام دهند یا اثر کاملاً جدیدی از خود ارائه دهند. در درس هنر این تکالیف جایگاه خاصی دارد

**انگیزش**

انگیزش، حالتی درونی است که رفتار را برانگیخته، هدایت و حفظ میکند. انگیزش عامل بسیار مهم و اغلب مهم ترین شرط یادگیری است و اهمیت آن اغلب از هوش کلی نیز بیشتر می باشد. مجموعه ای از عوامل مرتبط با یکدیگر بر انگیزش دانش آموزان برای یادگیری تاثیردارند. این مجموعه ممکن است شامل ویژگی های یادگیرنده، برنامه های درسی به لحاظ کمی و کیفی، ویژگی های معلمان، شرایط ویژگی های محیط آموزشی، فعالیت ها و تکالیف یادگیری و سایر عوامل محیطی باشد. شناخت این عوامل معلم را در انتخاب مناسب تدابیر و فعالیت های یاددهی و یادگیری و تعامل اثربخش با فراگیران و در نهایت افزایش اثربخشی تدریس یاری می نماید.

**نظریه ها و رویکردها در انگیزش یادگیري**

در مورد انگیزش یادگیری هم مانند دیگر موضوعات روانشناسی رویکردها و نظریه های مختلفی وجود دارد که هر کدام از یک منظر به این مسأله پرداخته اند. برخی از این رویکردها و چند نظریه مطرح را در زیر مشاهده می کنید.

* رویکرد رفتاری: طبق این رویکرد برای ایجاد انگیزه جهت انجام رفتارهای مطلوب و برای کاهش انگیزه انجام رفتارهای نامطلوب باید از روش های تقویتی و تنبیهی استفاده کرد.
* رویکرد شناختی: در این رویکرد باور بر این است که اندیشه های فرد سرچشمه انگیزش او هستند و رفتارها توسط هدف ها، نقشه ها، انتظارات و نسبت دادن های فرد ایجاد و هدایت می شوند. در این رویکرد انگیزش درونی بیشتر از انگیزش بیرونی اهمیت دارد.
* رویکرد انسان گرایی: منبع انگیزش انسان ها در این رویکرد، میل به تعالی و پیشرفت، آزادی انتخاب هدف های زندگی و ویژگی های مثبت است و مهم ترین نظریه پرداز انگیزش با رویکرد انسان گرایانه، آبراهام مازلو است که انگیزش را در قالب هرم نیازها مطرح کرد.
* نظریه انتظار ضرب در ارزش: طبق این نظریه انگیزش حاصل ضرب احتمال یا انتظار موفقیت در ارزش موفقیت است. وقتی ما برای انجام کاری انگیزه داریم که هم احتمال موفقیت در آن کار را بدهیم و هم این موفقیت برایمان ارزشمند باشد.
* نظریه برانگیختگی: در این نظریه کوشش می شود که میزان تحریک و فعالیت در سطح مطلوبی حفظ شود . بنا به این نظریه هنگامی که سطح برانگیختگی فرد در حد بهنجار یا میانه است می تواند وظایف و فعالیت های خود را با کارآیی هرچه بیشتر انجام دهد.
* نظریه انگیزش پیشرفت: انگیزش پیشرفت یا نیاز به پیشرفت به میل یا اشتیاق فرد برای کسب موفقیت و شرکت در فعالیت هایی که موفقیت در آنها به کوشش و توانایی فرد وابسته است گفته می شود.
* نظریه نسبت دادن )اسناد (: یکی از فرض های عمده نظریه اسنادی این است که جستجو برای درک و فهم امور و علل رویدادها، مهمترین منبع انگیزش انسان است . اصطلاح نسبت دادن یا اسناد به علت هایی که فرد برای رویدادها یا نتایج اعمالش برمی گزیند و جنبه استنباط شخصی دارند اشاره می کند. بر اساس این نظریه هنگامی که در یک تکلیف موفق می شویم یا شکست می خوریم بطور طبیعی در مورد این که چه کسی یا چه چیزی در پشت موفقیت و شکست ما قرار دارد به تفکر می پردازیم. یعنی درباره این که چه کسی یا چه چیزی مسئول بوده و چگونه عملکرد داشته ایم به اسناد می پردازیم .

برای ایجاد انگیزش یادگیری در دانش آموزان بهترین راه بهبود شرایط یادگیری و افزایش سطح کیفیت روش های آموزشی است. از این طریق یادگیرندگان در یادگیری به موفقیت بیشتر می رسند و این کسب موفقیت علاقه و انگیزش آنها را نسبت به یادگیری مطالب تازه افزایش می دهد. در جدول زیر روش ها و فنون دیگری آمده است که با استفاده از آنها معلم میتواند سطح انگیزش یادگیرندگان را بالا ببرد

|  |  |
| --- | --- |
| **علاقه دانش آموزان را به موضوع درس جلب كنيد** | ببینید چه چیزی برای دانش آموزان جذاب و مهم است |
| موضوعات و تکالیف مورد علاقه دانش آموزان را انتخاب کنید. |
| درس را با مقدمه ای جالب شروع کنید. |
| اهداف و انتظارات یادگیری را در شروع درس بیان کنید. |
| از سوالات و فعالیت ها برای جلب توجه دانش آموزان استفاده کنید. |
| معرفی هر درس و موضوع به شیوهای جالب، آگاهی بخش و چالش انگیز |
| **برجسته سازي ارزش موضوع درس** | اهداف و فعالیت های یادگیری معنادار انتخاب کنید. |
| مستقیما به اهمیت هر موضوع جدیدی که بررسی می کنید بپردازید. |
| وفق دادن آموزش با دانش، فهم، و تجربه شخصی دانش آموزان |
| وادار ساختن دانش آموزان به استفاده از چیزهایی که قبلاً آموخته اند |
| **تنوع دادن به راهبردهاي آموزشي براي حفظ علاقه در طول تدريس** | استفاده از چندین راهبرد آموزشی مختلف در طول تدریس |
| استفاده از بازی ها، شبیه سازی یا سایر اشکال مفرح |
| استفاده گاه گاهی از فعالیت ها و رویداد های غیر منتظره |
| **درگير ساختن فعال دانش آموزان** | یادگیری موضوعات درسی را تا حد امکان به صورت فعال، تحقیقی،  ماجراجویانه و اجتماعی ارائه دهید. |
| نوع درگیری و مشارکت دانش آموزان را با توجه به سبک های شناختی و یادگیری آنان متنوع سازید. |
| **انتخاب راهبردهايي كه كنجكاوي**  **دانشآموزان را بر مي انگيزند** | بر روی ارزش برانگیخته سازی حدس، کشف، کنجکاوی، کاوش و تخیل سرمایه گذاری کنید |
| استفاده از حکایت، ضرب المثل، شعر و امثال این ها برای اضافه کردن عناصر اجتماعی و شخصی به زمینه یادگیری. |
| **انتخاب و استفاده از راهبردها و مطالب با درجه مناسب چالش و دشواري** | ارائه تکالیف دارای دشواری متوسط تا بتوانند با کوششی معقول کامل شوند. |
| تقسیم تکالیف دشوار به بخش های کوچکتر که بدون تلاش بسیار زیاد قابل دسترس باشند. |
| تمرکز بر نتایج یادگیری سطح بالاتر |
| نظارت بر سطح دشواری تکالیف و آزمون ها |
| **گروه بندي دانش آموزان براي يادگيري و انجام تكاليف** | داشتن برنامه برای استفاده از انواع فعالیت های انفرادی، مشارکتی و رقابتی |
| ترویج مشارکت و کارهای تیمی |
| **طراحي درسي به منظور ارتقا موفقيت دانش آموزان** | طراحی فعالیتهایی که منجر به موفقیت دانش آموزان می گردد |
| هماهنگ سازی تکالیف با نیازهای انگیزشی دانش آموزان |
| ایجاد یک محیط حمایتی |
| به حداقل رساندن اضطراب دانش آموزان |

**هوش**

هوش یکی از مفاهیم بحث انگیز در روانشناسی است که به رغم گذشت تقریباً یک قرن از تعریف و نظریه پردازی در خصوص آن هنوز اختلافات عمیقی در چگونگی تعریف و مفهوم سازی آن وجود دارد. بخشی از مشکل ناشی از این است که هوش در معنای فیزیکی وجود ندارد. برخلاف وزن یا قد، هوش را نمی توان به طور مستقیم مشاهده کرد. وجود یا فقدان و همچنین میزان آن را باید به طور غیرمستقیم درک کرد که حتی انجام دادن این کار نیز کار ساده ای به نظر نمی رسد . برخی از تعریف های ارائه شده در زیر از آن جمله است.

* نوعی توانایی ذهنی
* توانایی درک و فهم امور
* استعداد یادگیری و موفقیت تحصیلی
* توانایی سازگاری با موقعیت های دشوار
* همان چیزی است که آزمون های هوش می سنجند

با این حال در بین تعریف های مختلفی که از هوش ارائه گردیده است، عناصر مشترکی وجود دارد.

**عناصر مشترک بین تعاریف مختلف هوش**

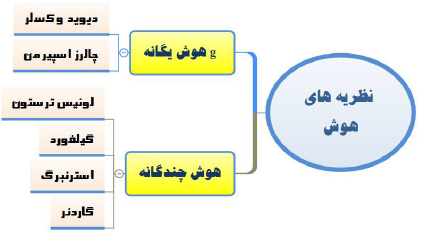
1. توانایی پرداختن به امور انتزاعی: افراد باهوش یبشتر با امور انتزاعی سر و کار دارند تا امور عینی
2. توانایی حل مسائل: یعنی توانایی پرداختن به امور جدید، نه فقط دادن پاسخ های از قبل آموخته شده به موقعیت های آشنا
3. توانایی یادگیری: به ویژه یادگیری انتزاعیات و نیز توانایی استفاده از آنها.

**نظریه هاي هوش**

نخستین آزمون هوش توسط آلفرد بینه و همکارش تئودور سیمون ساخته شد. هدف از ساختن این آزمون شناسایی دانش آموزان نیازمند کمک های ویژه بود. این آزمون ویژه کودکان 3 تا 13 ساله بود. با این آزمون برای هر کودک یک سن عقلی )سن ذهنی( تعیین می شد. هر چند در ابتدا برای سنجش مشکلات تحصیلی بود بعداً یک آزمون هوشی معروف و قابل استفاده برای همه در آمد.

در مورد مفهوم هوش، روانشناسان به دو گروه تقسیم شده اند: گروه اول بر این اعتقادند که هوش، از یک استعداد کلی و واحد تشکیل میشود، اما گروه دوم معتقدند انواع مختلف هوش وجود دارد.

همان طور که در شکل مشاهده می کنید وکسلر و اسپیرمن از جمله روانشناسی هستند که معتقد به هوش یگانه هستند و روانشناسانی از جمله ترستون، گیلفورد، استرنبرگ و گاردنر معتقد به هوش چندگانه هستند.



**نظریه های هوش**

**نظریه هوش هاي چندگانه گاردنر**

معروف ترین نظریه هوش های چندگانه متعلق به هوارد گاردنر است. این نظریه با استقبال و همچنین مخالفت های زیادی روبرو شده است. معلمان از گروه هایی هستند که از این نظریه استقبال کرده و به شیوه های گوناگون از آن در کلاسهای درس استفاده میکنند. گاردنر معتقد است که هشت نوع هوش وجود دارد که عبارتند از:

1. هوش زبانی/کلامی: توانایی اندیشیدن در قالب کلمات و استفاده از زبان به طور مؤثر برای توصیف حوادث، ایجاد ارتباط، ایجاد بخش های منطقی و استفاده از استعاره و اصطلاحات برای بیان افکار
2. هوش منطقی/ریاضی: توانایی استفاده از استدلال، منطق و اعداد. این هوش با استدلال های منطقی، استقرایی، انتزاعی، استنباطی و اعداد سر وکار دارد
3. هوش دیداری/فضایی: توانائی تشخیص جزئیات امور و تجسم و تغییر اشیاء دیداری به طور ذهنی و توانایی تفکر سه بعدی
4. هوش بدنی/جنبشی: توانایی استفاده ماهرانه از بدن و کار کردن با اشیاء. کسانی که در این هوش قوی هستند، درک خوبی از حس تعادل و هماهنگی دست وچشم دارند
5. موسیقایی: توانایی خلق، درک و ارج گذاری موسیقی
6. درون فردی : توانایی آگاه شدن از احساس ها، انگیزه ها و امیال خود، و استفاده از این شناخت درونی در جهت حل مسایل و کنترل شرایط
7. برون فردی: توانایی درک دیگران و ایجاد تعامل موثر با آنان
8. طبیعت گرا: توانایی تشخیص جنبه های مختلف طبیعت

با توجه به نظرات هوارد گاردنر، هوش های چندگانه، هشت راه مختلف برای نشان دادن قابلیت های فکری هستند . توصیه گاردنر به معلمان این است که: "معلمان باید توجه خود را به همه هوش ها معطوف کنند." البته دقت کنید که این طور نیست که هر دانش آموزی دارای یک نوع هوش است و در بقیه ضعیف؛ بلکه هر فردی نیم رخی از هوش ها را داراست که ممکن است هر کدام از هوشها دارای ضریب بالا یا پایین باشند.

**هوش هیجانی( EQ )**

هوش هیجانی یا عاطفی که مفهومی نسبتاً جدید است عبارت است از «توانایی فرد در نظارت بر احساس ها و هیجانات خود و دیگران به منظور متمایز ساختن آنها از یکدیگر و استفاده از این اطلاعات برای هدایت اندیشه و عمل خود»

بخش های هوش هیجانی:

1. شناخت هیجان های خود )خودآگاهی(: خودآگاهی یا تشخیص هیجان ها در همان زمان که در حال وقوع هستند .
2. کنترل هیجان های خود )خود گردانی(: کنترل و اداره هیجان ها، مناسب و بجا بودن آنها در هر موقعیت، و مدیریت هیجان ها .
3. برانگیختن و به هیجان آوردن خود )خود انگیزشی(: استفاده از هیجان ها برای هدفی خاص، تمرکز و توجه، ایجاد انگیزه در خود و تسلط بر خویشتن و خلاقیت .
4. شناخت هیجان های دیگران )همدلی(: توانایی همدلی و یگانگی با دیگران .
5. تنظیم روابط با دیگران )روابط مؤثر(: مهارت کنترل و اداره هیجان های دیگران .

**خلاقیت**

تحقیق در زمینه خلاقیت تقریبا یک قرن طول می کشد، اما تعریف خلاقیت هنوز بسیار مورد بحث است خلاقیت تاکنون به شیوه های گوناگونی تعریف شده است. برخی در تعریف خلاقیت به ویژگی های افراد خلاق، برخی به فرایند و برخی دیگر به فراورده و محصول خلاق توجه داشته اند.

یک توانایی. یک تعریف ساده از خلاقیت این است که خلاقیت توانایی تصور یا اختراع چیزی جدید است. خلاقیت توانایی خلق چیزی از هیچ نیست )زیرا این فقط کار خداست(، بلکه توانایی تولید ایده های جدید بوسیله ترکیب، تغییر یا کاربرد مجدد اایده های موجود می باشد. برخی از ایده های خلاقانه حیرت انگیز و فوق العاده اند ، در حالی که بقیه فقط ایده هایی عملی، خوب و ساده اند که به نظر میرسد تا آن زمان به فکر هیچ کس نرسیده اند.

یک نگرش. خلاقیت همچنین یک نگرش است: توانایی پذیرفتن تغییر و تازگی، تمایل به پرداختن به ایده ها و شقوق ممکن، انعطاف پذیری در دیدگاه ها و نظرات، عادت لذت بردن از وضعیت موجود و در عین حال به دنبال بهبود وضعیت موجود بودن. این نوشتار بیشتر به این مورد و تاثیر آن بر تولید خلاقانه پرداخته است.

یک فرآیند. افراد خلاق سخت کار می کنند و دایماً ایده ها و راه حل ها را با تغییرات مداوم و پالایش کارهای خود بهبود می بخشند. برخلاف تصورات افسانه ای در مورد خلاقیت، ابداعات و اختراعات بزرگ کمی وجود دارد که با یک فعالیت هیجانی و تند و یا با یک جرقه زیرکانه به وجود آمده باشند. واقع مطلب این است که ایده های جدید از ایده های دیگر ناشی می شوند و راهحل های جدید همان راه حل های قدیمی اند که به مرور بهبود یافته اند.

**مولفه هاي خلاقیت**

خلاقیت دارای چهار مولفه یا ویژگی به شرح ذیل است:

**سیالی یا روانی :** سیالی به توانایی ذهن در تولید ایده های فراوان در مورد یک موضوع گفته می شود. این توانایی افراد را قادر می سازد راه حل های متعددی برای حل یک مساله واحد ارائه دهند. به عبارت دیگر روانی به کمیت پاسخ های فرد به یک مساله مرتبط است. این ویژگی بر این عقیده مبتنی است که کمیت موجب کیفیت می گردد.

**اصالت یا ابتکار:** این مولفه به توانایی ذهن در نوآوری و ابداع یک ایده یا محصول نو و منحصر به فرد برمی گردد. افرادی دارای این توانایی اند که می توانند از کلیشه ها، قالب ها و عادت های رایج و تکراری دور شده و ایده هایی بسیار متفاوت از دیگران ارائه دهند.

**انعطاف پذیري:** این مؤلفه به توانایی ذهن در تغییر حوزه تفکر از یک بعد موضوع به ابعاد دیگر آن اشاره دارد. انعطاف پذیری الگوهای جدیدی برای اندیشیدن طراحی می کند و در نتیجه منجر به تولید ایده های گوناگون و متنوع می گردد.

**بسط یا گسترش:** این مؤلفه به توانایی گسترش، بهسازی و کامل کردن موضوع و افزودن جزییات وابسته به آن برمیگردد. اندیشه بسط یافته به کلیه جزئیات لازم برای یک طرح می پردازد و چیزی را از قلم نمی اندازد. خلاقیت یکی از مواهب خدادادی است که در همه افراد کم و بیش وجود دارد و تحقیقات نشان داده اند که این توانایی قابل پرورش و توسعه می باشد. مدرسه و معلم عواملی هستند که هم می توانند خلاقیت را پرورش دهند و هم مانع بروز و ظهور آن شوند. معلم باید به خوبی با فرآیند خلاقیت، ویژگی های محیط خلاق، دانش آموز خلاق و روش های پرورش خلاق آشنا باشد و به آن بها دهد.

محیط بیش از حد رسمی توام با سخت گیری و خشونت، ترس و تهدید و ارعاب، خلاقیت را می کشد و بر عکس محیط آزاد همراه با پذیرش و احساس امنیت که محرک های فکری در آن زیاد است خلاقیت را توسعه میدهد.

**حل مساله**

زمانی که یادگیرنده با موقعیتی روبرو می شود که نمی تواند با استفاده از اطلاعات و مهارت هایی که در آن لحظه در اختیار دارد به آن موقعیت سریعاا پاسخ درست بدهد یا وقتی که هدفی دارد و هنوز راه رسیدن به آن را نیافته است، با یک مساله روبرو است.

تعریف حل مساله: تشخیص و کاربرد دانش و مهارت هایی که منجر به پاسخ درست یادگیرنده به موقعیت یا رسیدن او به هدف مورد نظرش می شود.

مراحل حل مساله

1. تشخیص مساله: تشخیص و درک مساله یا یافتن مساله به عبارت دیگر یادگیرنده بفهمد که مساله ای وجود دارد.
2. تعریف و بازنمایی مساله: تعریف کردن و فهمیدن مساله از طریق یافتن اطلاعات مناسب و کنار گذاشتن جزییات نامربوط.
3. کشف راه حل مسأله: جستجو و کشف راه حل مناسب. برای پیدا کردن راه حل مساله روش های مختلفی وجود دارد که با توجه به نوع مساله می تواند متفاوت باشد.
4. عمل کردن بر روی راه حل های کشف شده و پیش بینی نتایج: انتخاب یک راه حل و اجرای آن و پیش بینی نتایج حاصل از آن)البته پیش از اجرای راه حل(.
5. نگاه به عقب و ارزشیابی نتایج فعالیت ها: ارزشیابی راه حل هایی را که انتخاب کرده ایم. این مرحله شامل وارسی شواهد برای تایید درست بودن راه حل و جواب مسئله است .

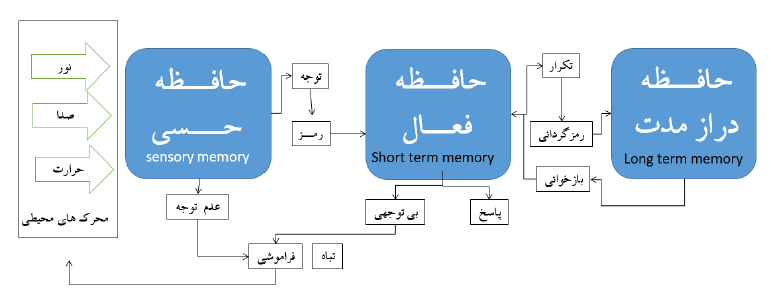
پیشنهاد هایی برای افزایش توانایی های حل مساله در یادگیرندگان

1. در شیوه های حل مساله از راه مشاهده به یادگیرندگان کمک کنید.
2. یادگیرندگان را تشویق کنید تا در حل کردن مسایل با یکدیگر همکاری کنید.
3. یادگیرندگان را برای ادامه فعالیت های خود تا پیدا کردن جواب کامل مساله تشویق کنید.
4. در کلاس درس فضایی آزاد فراهم کنید تا مشوق کاوش های کنجکاوانه یادگیرندگان باشد.

**حافظه**

همه یادگیری ها نشان از حافظه دارد. بدون حافظه نمی توانستیم چیزی یاد بگیریم، حتی تجربه هایمان را هم فراموش می کردیم . بدون حافظه حتی درباره «خود» هم نمی توانستیم اندیشه کنیم.

**انواع حافظه**



1. حافظه حسی: حافظه حسی نخستین مرحله حافظه به شمار می آید. در این مرحله، اطلاعات حسی محیط برای مدت کوتاهی در حافظه حسی ذخیره می گردد. این زمان، برای اطلاعات تصویری در حدود نیم ثانیه و برای اطلاعات صوتی در حدود 3 ثانیه است. حافظه حسی در واقع در نقش دریچه ای برای ورود اطلاعات به حافظه عمل خواهد کرد. از میان اطلاعاتی که وارد حافظه حسی می شوند، تنها اطلاعاتی که مورد توجه قرار گیرند، وارد مرحله بعد یعنی حافظه کوتاه مدت می شوند .
2. حافظه کوتاه مدت: حافظه کوتاه مدت که حافظه فعال نیز نامیده می شود، شامل اطلاعاتی است که ما به صورت آگاهانه مورد توجه قرار می دهیم و یا در مورد آن می اندیشیم. اطلاعات در حافظه کوتاه مدت برای 20 تا 30 ثانیه باقی خواهند ماند. این اطلاعات در صورت تمرین و تکرار می توانند وارد حافظه بلند مدت شوند. حافظه کوتاه مدت قادر به نگهداری 5 تا 9 قطعه یا واحد اطلاعات است. این واحد می تواند یک عدد، یک حرف و یا کلمه باشد. ناتوانی در توجه به اطلاعات مختلف به دلیل محدودیت فضای حافظه کوتاه مدت )حافظه فعال( است.
3. حافظه بلند مدت: حافظه بلند مدت به نگهداری طولانی مدت و شاید مادام العمر اطلاعات اشاره دارد. این اطلاعات خارج از آگاهی ما هستند، اما هنگامی که به آن ها نیاز داشته باشیم می توانیم آن ها را به حافظه کوتاه مدت فراخوانده و از آن استفاده کنیم. بررسی ظرفیت و مدت نگهداری اطلاعات در حافظه بلند مدت تقریبا غیرممکن است، با این حال شواهد نشان می دهند که احتمالا باید حافظه بلندمدت را نامحدود دانست .

**اقسام حافظه درازمدت**

1. **حافظه معنایی**: در این قسمت، معانی ذخیره میگردند. برای نمونه، هنگامی که در یک کتاب جمله ای را میخوانیم معنای آن را حفظ میکنیم، نه کلمات یا ویژگی های دستوری را که در آن جمله به کار رفته اند
2. **حافظه رویدادی : ا**ین نوع حافظه مربوط به خاطرات فرد از تجارب شخصی خود است که شامل رخدادها و اتفاقاتی میشود که در زندگی فرد رخ داده و به زمان و مکان خاصی وابسته اند
3. **حافظه روندي**: این نوع حافظه، که روند انجام کاری را شامل میشود، مربوط به فعالیت های فیزیکی جسمانی است که به صورت » محرک پاسخ « ذخیره می شوند. هرقدر عمل بیشتر تکرار گردد فعالیت خودکار بودن افزایش می یابد. برای نمونه، اگر برای مدتی طولانی کسی دوچرخه سواری نکرده باشد، به محض اینکه شروع به این کار میکند، محرک ها پاسخ ها را فرا می خوانند. از اینرو، حافظه روندی به دانستن چگونه انجام دادن یک عمل گفته میشود .

**فراموشی**

در عده ای از صاحب نظران اعتقاد دارند که اصلاً چیزی به نام » فراموشی « وجود ندارد، بلکه مطالب در حافظه درازمدت به طور درست جای نگرفته اند و ما توانایی یادآوری آنها را نداریم. ظرفیت حافظه یکی از موارد تفاوت بین انسان و حیوان است. حافظه انسان همچون ظرفی دارای خاصیت ارتجاعی بسیار زیاد و نامحدود است. در این ظرف، هر چیزی ریخته شود موجب افزایش حجم آن می شود و آنچه به «ضعف حافظه» معروف است، محدودیت ظرفیت حافظه نیست، بلکه ضعف یادآوری است . بنابراین، اگر مطالب را به خوبی نیاموخته باشیم در یادآوری آنها مشکل خواهیم داشت .

**علل فراموشی:**

فراموشی می تواند در هر کدام از حافظه های سه گانه رخ دهد. البته در نگاه عامه مردم بیشتر منظور از فراموشی، فراموشی اطلاعات از حافظه درازمدت است.

* حافظه حسی:
  + انصراف توجه از محرک مورد نظر
* حافظه کوتاه مدت:
  + جانشینی و عدم مرور ذهنی
  + زوال در اثر گذشت زمان
* حافظه بلندمدت:
  + عدم سازماندهی دقیق آموخته ها )مثل کتابخانه طبقه بندی نشده(
  + عدم دسترسی به اطلاعات ذخیره شده )نارسایی در بازیابی(
  + تداخل پس گستر: یادگیری بعد با یادآوری یادگیری قبلی تداخل می کند.
  + تداخل پیش گستر: اطلاعات قبلی ما با یادگیری کنونی ما تداخل می کند.

**ارزشیابی پیشرفت تحصیلی**

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی عبارت است از فعالیتی که در آن با استفاده از آزمون های پیشرفت تحصیلی، عملکرد یادگیرندگان تعیین می شود و نتایج حاصل با هدف های آموزشی از پیش تعیین شده سنجیده میشود و معلوم می گردد که کوشش های یادگیری دانش آموزان و فعالیت های آموزشی معلم به نتایج مطلوب انجامیده است یا نه.

**اهداف ارزشیابی پیشرفت تحصیلی**

ارزشیابی وسیله ای برای رسیدن به اهداف زیر می باشد.

1. شناخت توانایی و زمینه های علمی شاگردان و تصمیم گیری برای انجام فعالیت های بعدی آموزشی
2. شناساندن هدف های آموزشی در فرآیند تدریس
3. بهبود و اصلاح فعالیت های آموزشی
4. شناخت نارسایی های آموزشی شاگردان و ترمیم آنها
5. ایجاد رغبت و کسب عادات صحیح آموزشی در دانش آموزان
6. ارتقای دانش آموزان

**انواع ارزشیابی آموزشی**

* ارزشیابی آغازین نخستین ارزشیابی معلم است که قبل از انجام فعالیت های آموزشی او به اجرا در می آید و به منظور پاسخ دادن به دو پرسش زیر استفاده می شود:

1. آیا یادگیرندگان بر دانش ها و مهارت های پیش نیاز درس تازه مسلط هستند؟
2. یادگیرندگان چه مقدار از اهداف و محتوای درس تازه را قبلا یاد گرفته اند؟

اجرای این ارزشیابی به معلم کمک می کند تا کم و کاستی های یادگیری قبلی را تشخیص داده و آنها را برطرف کند.

* ارزشیابی تکوینی یا مستمر

ارزشیابی مستمر با فرآیند یاددهی- یادگیری آن همراه است. این نوع ارزشیایی هم بر فرآیند یادگیری و هم بازده و محصول یادگیری تاکید دارد. این ارزشیابی در زمانی که فعالیت آموزشی معلم در جریان است و یادگیری بچه ها در حال شکل گیری است انجام می گردد.

* ارزشیابی تراکمی

ارزشیابی تراکمی یا پایانی، اندازه گیری آموخته های کلی دانش آموزان در پایان یک دوره آموزشی است و به صورت امتحانات رسمی، اغلب برای گزینش با طبقه بندی و با تعیین ارتقای امتحان دهندگان و یا دادن امتیازهای تحصیلی انجام می گیرد و به عبارتی نتیجه آموزش مورد نظر است.

**اصول ارزیابی**

1. ارزیابی باید به گونه ای صورت گیرد که سه عنصر یادگیرنده، آموزش دهنده و محیط )دانش آموز، معلم، مدرسه( را بهبود بخشد.
2. ارزیابی باید به گونه ای صورت گیرد که دانش آموز بتواند آنچه را میداند نشان دهد نه آنچه را نمی داند.
3. ارزیابی فرایند محور، عملکرد مدار است یعنی توانایی و مهارت های دانش آموزان در کاربرد مطالب در موقعیت های زندگی مورد توجه است.
4. ارزیابی باید به گونه ای باشد که هر دانش آموز بتواند دامنه کامل توانایی های خود را نشان دهد.
5. ارزیابی باید تمامی اهداف آموزش )مهارت های سطح پایین، متوسط و عالی( را مورد ارزیابی قرار دهد.
6. کیفیت ارزیابی فرآیندی نباید صرفاً از طریق نمره گذاری عینی و کمی تعیین شود.



وزارت آموزش و پرورش

طرح جامع نماز

**مقدمه**

در فرهنگ انسان ساز اسلام، نماز، به عنوان ستون دین[[1]](#footnote-1)، تعالی بخش انسان[[2]](#footnote-2) و بازدارنده از كژیها و پلشتی های فردی واجتماعی[[3]](#footnote-3) می باشد و برپایی این فریضه الهی و بسط و گسترش فرهنگ آن، مورد تأكید فراوان قرار گرفته به گونهای كه رسالت خطیر حكومت دینی، اقامه نماز[[4]](#footnote-4) معرفی شده است.

طرح جامع تقویت و تعمیق فرهنگ اقامه نماز بر مبنای آموزه های تربیتی دین مبین اسلام و در راستای تحقق اهداف و راهكارهای سند تحول بنیادین آموزشوپرورش و متكی بر تجارب انباشته در این باره، خود را متعهد به گسترش هوشمندانه، خلاقانه، پایدار و تأثیرگذار این فرهنگ در جامعه مخاطبان (دانش آموزان، معلمان، مربیان و خانواده ها) میداند.

**بيانيه مأموریت**

آموزش وپرورش با تقویت و تعمیق فرهنگ اقامه نماز، فضای تعلیم و تربیت را به گونه ای مستعد پذیرش آگاهانه و پرورش ارزشهای والای الهی می نماید كه در آن دانش آموزان، معلمان و مربیان ضمن اقامه داوطلبانه نماز و اهتمام به گسترش و نهادینه سازی فرهنگ اقامه نماز، آن را لازمه تربیت دینی و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه میدانند.

**بيانيه چشم انداز**

در افق 1404 با تقویت و تعمیق فرهنگ اقامه نماز در آموزش وپرورش، زمینه باور و التزام آگاهانه و آزادانه به این فریضه الهی در دانش آموزان، معلمان و مربیان فراهم خواهد شد. به گونه ای كه اشتیاق به اقامه نماز در نظر و عمل در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، فراگیر و به فرهنگ غالب تبدیل شود و با مساعدت و همكاری خانواده ها و سایر اركان سهیم و مؤثر به تقویت ارزشهای والای الهی و انسانی و كاهش آسیب ها و ناهنجاری های تربیتی و اجتماعی منجر میشود.[[5]](#footnote-5)

**بيانيه ارزش ها[[6]](#footnote-6)**

توسعه و تعمیق فرهنگ اقامه نماز ضمن رعایت ارزشهای مندرج در سند تحول بنیادین آموزش وپرورش، بر پایبندی به ارزشها و اصول زیر تأكید مینماید:

* هماهنگی و همسویی با مفاهیم و مفاد سندتحول بنیادین و زیرنظام های شش گانه آن
* تقویت تربیت دینی دانش آموزان و حاكمیت رویكرد فرهنگی-تربیتی در برنامه ریزی های مرتبط با اقامه نماز
* مسئولیت پذیری و مشاركت فعال و مؤثر همه اركان تعلیم و تربیت در صف و ستاد
* بهره گیری موثر از مشاركت خانواده، مسجد، رسانه و جامعه محلی
* بهره مندی از محتوا و روشهای مبتنی بر اقناع و انتخاب آگاهانه و متناسب با شرایط، نیازها و ویژگیهای دانش آموزان
* استفاده مؤثر از منابع، تجهیزات و فناوری های نوین
* مراقبت مستمر از اثربخشی و كارآیی برنامه و بازنگری و اصلاح آن **اهداف كلان**
* نهادینه سازی فرهنگ اقامه نماز در راستای تقویت تربیت دینی و افزایش ایمان و ارتقای عمل صالح دانش آموزان
* فراگیرشدن اشتیاق نظری و عملی به اقامه نماز در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی
* **اهداف كلان**
* نهادینه سازی فرهنگ اقامه نماز در راستای تقویت تربیت دینی و افزایش ایمان و ارتقای عمل صالح دانش آموزان
* فراگیرشدن اشتیاق نظری و عملی به اقامه نماز در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی

**راهبردهاي كلان**

* ارتقای توانمندی و انگیزه معلمان و مربیان جهت مشاركت فعال و مؤثر در برنامههای تقویت و تعمیق فرهنگ اقامه نماز در مدارس
* غنی سازی محتوای برنامه های آموزشی و تربیتی با مفاهیم انسان ساز و تعالی بخش اقامه نماز
* بهره گیری مؤثر از ظرفیت های جامعه و جلب حمایت و همكاری خانواده ها، مساجد و رسانه ها در توسعه و ترویج فرهنگ اقامه نماز در مراكز آموزشی و تربیتی
* غنی سازی و سازگار نمودن محیط یادگیری برای حضور آگاهانه، داوطلبانه و شوق انگیز دانش آموزان در مراسم عبادی و برنامه های اقامه نماز و اولویت بخشی به اقامه نماز جماعت.

**راهبردهاي اجرایی الف: در سطح مدرسه**

1. جلب مشاركت فعال و مؤثر خانواده ها و انجمن اولیا و مربیان در توسعه فرهنگ اقامه نماز دانش آموزان با تأكید بر برگزاری كلاسهای آموزش خانواده
2. برگزاری دوره های آموزشی و تربیتی برای معرفت افزایی و بصیرت آفرینی درباره آداب، احكام، آثار و اسرار نماز متناسب با شرایط و نیازهای دانش آموزان
3. بهره گیری از روشهای شوق انگیز، فعال و مبتنی بر ایجاد توافق جمعی در تبیین و ترویج فرهنگ اقامه نماز
4. تعیین زنگ نماز در متن برنامه روزانه مدارس در تمامی دوره ها و پایه های تحصیلی به مدت30 دقیقه در وقت نماز، به منظور اقامه منظم و مستمر نماز جماعت در مدرسه
5. متناسب سازی و اجرای برنامه های درسی و آموزشی مدرسه در چارچوب برنامه درسی ملی برای تقویت و تعمیق فرهنگ اقامه نماز
6. شناسایی توانمندیهای متنوع دانش آموزی و بسترسازی برای به كارگیری آن در اقامه نماز مانند پخش اذان دانش آموزی

(حتی المقدور زنده) در مدرسه با رعایت اصول تربیتی و بهداشتی

7- معرفی و تشویق دانش آموزان خلاق و فعال در امر نماز در مناسبت ها و برنامه ها

8- ارتقای آگاهی و انگیزش مربیان و پیرامربیان جهت مشاركت فعال در ترویج فرهنگ اقامه نماز

9- مشاركتدادن مربیان و معلمان برای تصمیمسازی و تصمیمگیری در برنامه های اقامه نماز مدرسه و ترغیب ایشان به حضورفعال و با نشاط در نماز جماعت مدرسه

10- برقراری تعامل پویا و سازنده میان مدارس، مساجد و جامعه محلی با تأكید بر اجرای طرح پیوند مدرسه، مسجد، منزل و نماز جمعه

1. برنامه ریزی و ایجاد هماهنگی برای استفاده بهینه از نمازخانه و امكانات مدرسه جهت اقامه برخی از نمازهای جماعت محله و برگزاری مراسم عبادی- سیاسی در مدرسه با رعایت اصول تربیتی و آموزشی
2. برنامه ریزی برای تقویت نماز جماعت با تأكید بر اقامه حتی المقدور یك نماز جماعت دانش آموزی در هفته در مسجد محله با رعایت اصول آموزشی و تربیتی
3. انتخاب و استفاده اثربخش از امام جماعت توانمند و مجرب (ترجیحاً روحانی) متناسب با شرایط و ویژگیهای دانش آموزان و اقامه داوطلبانه، شوق انگیز و مستمر نماز جماعت در مدرسه
4. تعیین شعار اخلاقی سال مبتنی بر آموزه های اقامه نماز و طراحی و تدوین برنامه سالانه به منظور تقویت دانش، نگرش ،گرایش و مهارت دانش آموزان بر اساس شعار اخلاقی سال
5. ساماندهی نوآوری ها در خلق فرصت های تربیتی و پایش مستمر آن در زمینه فرهنگ اقامه نماز و تشویق و ترویج آن
6. تأمین، تجهیز و آرایش فضای آموزشی، تربیتی و فیزیكی مدرسه هماهنگ و متناسب با توسعه فرهنگ اقامه نماز

17- برنامه ریزی و تمهید مقدمات برای حضور داوطلبانه و فعال دانش آموزان و مربیان در نمازهای جمعه

18-پایش و سنجش مستمر برنامه های نماز و بازنگری آن بر اساس نتایج نظرسنجی و اقدام پژوهی های انجام شده

**ب: در سطح ستاد**

1. طراحی و تدوین برنامه درسی اقامه نماز با رویكرد تلفیقی برای هر یك از دوره های تحصیلی متناسب با مفاهیم سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی و تولید كتاب و رسانه های دیداری، شنیداری و الكترونیكی مبتنی بر آن.
2. بهره گیری از رویكرد زیباشناختی و هنری در طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی اقامه نماز
3. تعیین سطوح دستیابی دانش آموزان به اهداف تربیتی و آموزشی اقامه نماز در پایه های مختلف تحصیلی به تفكیك جنسیت مبتنی بر سند تحول بنیادین
4. تدوین شایستگی ها و صلاحیت های مربیان و معلمان و پیش بینی و تأمین استلزامات آن به منظور تحقق بخشیدن به نقش مرجعیت آنان در امر اقامه نماز
5. بازنگری و اصلاح برنامه های تربیت معلم و آموزش های ضمن خدمت و توانمندسازی نیروی انسانی جهت تحقق اهداف و مأموریت های طرح جامع توسعه و ترویج فرهنگ اقامه نماز
6. بهره گیری از ظرفیت های شبكه ارتباطی و فناوری های نوین اطلاعاتی- ارتباطی برای توسعه تعاملات صف و ستاد ،مشاركت پذیری، هم افزایی و ارتقای ظرفیت های حرفه ای منابع انسانی در توسعه و ترویج فرهنگ اقامه نماز

7- ساماندهی بهینه و اثربخش منابع انسانی و تفویض اختیارات بیشتر به استانها و مدارس برای تحقق طرح توسعه و تعمیق فرهنگ اقامه نماز

8- انتخاب هدفمند، آموزش و توانمندسازی امامان جماعت برای ایفای نقشهای جدید با همكاری حوزه های علمیه

9- بازنگری و تدوین قوانین و مقررات لازم برای عملیاتی شدن طرح توسعه و تعمیق فرهنگ اقامه نماز

10- ایجاد تعهد و مشاركت فعال سازمانی در سطوح مختلف و مشاركت دادن واحدهای سازمانی در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری ها

1. شناسایی فرصتهای برون سازمانی و جلب مشاركت آنها به منظور طراحی و اجرای برنامه های اثربخش و كارآمد
2. مدیریت دانش برای شناسایی ،موردكاوی و به مشاركت گذاشتن دانش در موضوع توسعه فرهنگ اقامه نماز و بهره گیری از تجربیات موفق در سطوح مختلف تصمیم سازی و تصمیم گیری
3. شناسایی و بهره گیری از منابع متنوع مالی و گسترش دامنه مشاركت و فعالیت داوطلبانه در زمینه توسعه فرهنگ اقامه نماز با تأكید بر جذب مشاركتهای مردمی و خیرین در احداث و تجهیز نمازخانه های مدارس
4. تدوین بودجه عملیاتی و تخصیص منابع برای برنامه های توسعه اقامه نماز بر مبنای برنامه راهبردی
5. استانداردسازی فضای فیزیكی و فرهنگی مدارس مبتنی بر اصول و فرهنگ معماری اسلامی و اقتضائات بومی و منطقه ای
6. توسعه پژوهشه ای كاربردی حول مسائل اساسی اقامه نماز و اشاعه نتایج در سطوح تصمیم سازی و تصمیم گیری

17- پیمایش مستمر ملی و منطقهای روند اقامه نماز در سطح دانش آموزان و مدارس و پایش و پشتیبانی مستمر و همه جانبه برای افزایش كارایی و اثربخشی برنامه ها و بهبود شاخص های آن

**الزامات اجرایی**

1. وزارت آموزش وپرورش موظف است با تأمین اعتبار موردنیاز در برنامه های سالانه و پنج ساله، تربیت و جذب نیروی انسانی و تأمین فضا و تجهیزات موردنیاز نسبت به فراهم آوردن زمینه اجرایی این طرح اقدام نماید.
2. معاونت پرورشی و فرهنگی به عنوان مسئول پیگیری طرح، موظف است فعالیتهای سرآمد و ابتكاری به منظور تحقق راهبردها، برنامه عملیاتی و زمانبندی اجرایی طرح را با هماهنگی سایر معاونتها و در قالب یك برنامه جامع، یكپارچه و منسجم، حداكثر ظرف مدت چهار ماه پس از ابلاغ این مصوبه، تدوین و به تصویب ستاد اقامه نماز وزارت آموزش وپرورش (موضوع مصوبه مورخه 1/12/1375هیئت محترم وزیران) برساند و بر فرایند اجرای برنامه ها نظارت نماید.
3. هر یك از واحدهای مسئول، می بایست ضمن تأمین امكانات و منابع موردنیاز و اهتمام به اجرای برنامه ها، سالانه گزارشی از پیشرفت برنامه را به دبیر ستاد اقامه نماز وزارت آموزش وپرورش ارائه نمایند.
4. پژوهشگاه مطالعات آموزش وپرورش موظف است گزارش ارزشیابی اجرای طرح را هر دو سال یكبار به شورای عالی آموزش وپرورش ارائه نماید.

1. قال رسول ا..: الصلوه عمود الدین- وسایل الشیعه، ج 4- صفحه 22 [↑](#footnote-ref-1)
2. قال رسول ا...: الصلوه معراج المومن- اعتقادات، علامه مجلسی، صفحه 22، به نقل از سرالصلوه امام خمینی رحمه الله- صفحه2 [↑](#footnote-ref-2)
3. ان الصلاه تنهی عن الفحشاء و المنكر= سوره عنكبوت- آیه 45 [↑](#footnote-ref-3)
4. الذین ان مكناهم فی الارض اقام الصلوه- سوره حج- آیه 41 [↑](#footnote-ref-4)
5. فصل چهارم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، چشم انداز:..... برخوردار از توانمندیهای تربیتی ممتاز در طراز جمهوری اسلامی ایران ... زمینهسازی برای شكوفایی فطرت و استعدادها و شكلگیری هویت یكپارچه اسلامی... [↑](#footnote-ref-5)
6. فصل دوم سندتحول بنیادین آموزشوپرورش، بیانیه ارزشها: بندهای 5،4، 14،2،،،2، 15، 22،12، 22 و 34 [↑](#footnote-ref-6)